



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

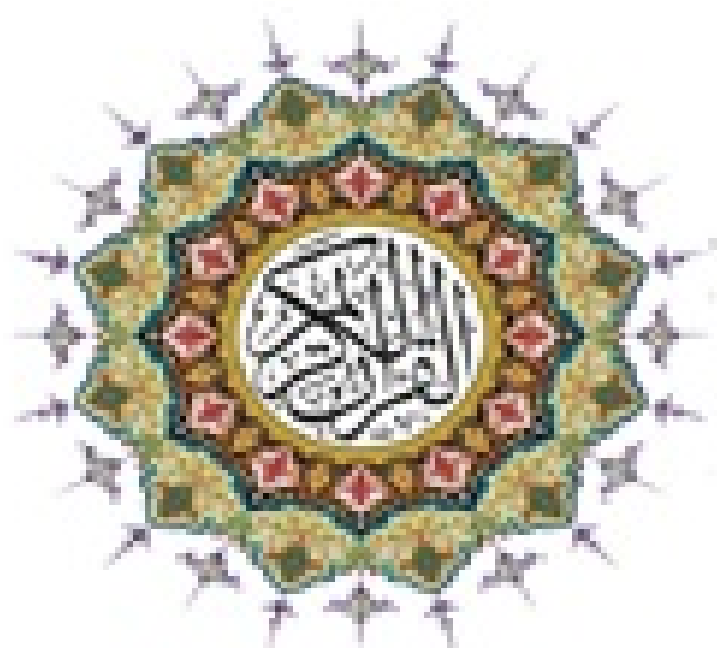
گامی



الرحمن  
علیهما صلی

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۸۷

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 87

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۴۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۸۷
۴۶	مشخصات کتاب
۴۶	۱- گندم
۴۶	۱- اهمیت گندم
۴۶	۲- بنی اسرائیل و درخواست گندم
۴۶	۳- رویش گندم از آیات خدا
۴۸	۴- فواید گندم
۴۸	۵- نعمت گندم
۴۹	۲- گواه
۴۹	۱- بهترین گواه
۴۹	۲- خسارت به گواه
۴۹	۳- خیانت گواه
۵۱	۴- شرایط گواه
۵۱	۵- گواه آسمانی کافران
۵۱	۶- گواه انسان ها
۵۲	۷- گواه حقانیت سخن خدا
۵۳	۸- گواه در معامله
۵۳	۹- گواه عهد موسی(ع)
۵۳	۱۰- گواه فطرت انسان
۵۴	۱۱- گواه قدرت خدا
۵۵	۱۲- گواه مسلمانان
۵۵	۱۳- گواه یوسف(ع)
۵۵	۱۴- مسؤولیت گواه

- ۵۷ ..... ۱۵- نقش ملائکه گواه
- ۵۷ ..... ۱۶- {گواهان}
- ۵۷ ..... ۱۷- آثار ایمان گواهان
- ۵۸ ..... ۱۸- آثار عدالت گواهان
- ۵۹ ..... ۱۹- برگزیدگی گواهان
- ۵۹ ..... ۲۰- برگزیدگی گواهان عمل
- ۶۰ ..... ۲۱- پاداش اخروی گواهان
- ۶۱ ..... ۲۲- تقرب گواهان
- ۶۱ ..... ۲۳- حبس گواهان
- ۶۱ ..... ۲۴- ذکر گواهان عمل
- ۶۲ ..... ۲۵- سوگند به گواهان عمل
- ۶۳ ..... ۲۶- سوگند به گواهی گواهان قیامت
- ۶۳ ..... ۲۷- سوگند گواهان وصیت
- ۶۴ ..... ۲۸- شرایط گواهان حد زنا
- ۶۵ ..... ۲۹- عدالت گواهان طلاق
- ۶۵ ..... ۳۰- فضایل اخروی گواهان
- ۶۵ ..... ۳۱- فضایل گواهان
- ۶۷ ..... ۳۲- کافران و گواهان
- ۶۸ ..... ۳۳- گواهان آفرینش
- ۶۹ ..... ۳۴- گواهان اخروی امت ها
- ۶۹ ..... ۳۵- گواهان اخروی انسان
- ۷۰ ..... ۳۶- گواهان اخروی دشمنان خدا
- ۷۱ ..... ۳۷- گواهان اخروی طراح قصه افک
- ۷۱ ..... ۳۸- گواهان اخروی گناهکاران
- ۷۱ ..... ۳۹- گواهان اصحاب اخدود
- ۷۱ ..... ۴۰- گواهان اغواپذیری کافران

- ۴۱- گواهان امت ها ..... ۷۳
- ۴۲- گواهان امتهما ..... ۷۷
- ۴۳- گواهان انبیا ..... ۷۷
- ۴۴- گواهان اهل عذاب ..... ۷۷
- ۴۵- گواهان ایمان حبیب نجار ..... ۷۹
- ۴۶- گواهان بت ها ..... ۷۹
- ۴۷- گواهان بر زنا ..... ۷۹
- ۴۸- گواهان بر عهد ..... ۸۱
- ۴۹- گواهان بر معارف قرآن ..... ۸۱
- ۵۰- گواهان بطلان شرک ..... ۸۱
- ۵۱- گواهان پیروزی اسلام ..... ۸۲
- ۵۲- گواهان تنزیه خدا ..... ۸۳
- ۵۳- گواهان تنزیه محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۸۳
- ۵۴- گواهان توحید ..... ۸۳
- ۵۵- گواهان حد زنا ..... ۸۶
- ۵۶- گواهان حقانیت انبیا ..... ۸۷
- ۵۷- گواهان حقانیت انبیای انطاکیه ..... ۸۷
- ۵۸- گواهان حقانیت توحید ..... ۸۷
- ۵۹- گواهان حقانیت قرآن ..... ۸۷
- ۶۰- گواهان حقانیت کتب آسمانی ..... ۹۱
- ۶۱- گواهان حقانیت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۹۱
- ۶۲- گواهان حقانیت معاد ..... ۹۱
- ۶۳- گواهان در قیامت ..... ۹۱
- ۶۴- گواهان دروغگویی منافقان ..... ۹۸
- ۶۵- گواهان دزدی بنیامین ..... ۹۹
- ۶۶- گواهان رسالت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۹۹

- ۶۷- گواهان صداقت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۹۹
- ۶۸- گواهان صداقت یوسف(ع) ..... ۱۰۰
- ۶۹- گواهان عفت مریم(س) ..... ۱۰۱
- ۷۰- گواهان عقد ..... ۱۰۱
- ۷۱- گواهان عمل ..... ۱۰۱
- ۷۲- گواهان عمل در قیامت ..... ۱۱۰
- ۷۳- گواهان عمل و ظالمان ..... ۱۱۱
- ۷۴- گواهان عهدشکنی منافقان ..... ۱۱۱
- ۷۵- گواهان قیامت ..... ۱۱۱
- ۷۶- گواهان محسنان ..... ۱۱۳
- ۷۷- گواهان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۱۳
- ۷۸- گواهان مسلمانان ..... ۱۱۳
- ۷۹- گواهان مشرکان ..... ۱۱۵
- ۸۰- گواهان موسی(ع) ..... ۱۱۵
- ۸۱- گواهان نبوت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۱۵
- ۸۲- گواهان نماز صبح ..... ۱۱۸
- ۸۳- گواهان وصیت ..... ۱۱۹
- ۸۴- گواهان هلاکت قارون ..... ۱۲۱
- ۸۵- گواهی گواهان وصیت ..... ۱۲۱
- ۸۶- مسؤولیت گواهان ..... ۱۲۳
- ۸۷- مسؤولیت گواهان وصیت ..... ۱۲۳
- ۸۸- مشرکان و گواهان ..... ۱۲۳
- ۸۹- مقام گواهان ..... ۱۲۵
- ۹۰- مقامات گواهان ..... ۱۲۵
- ۹۱- مقامات گواهان قیامت ..... ۱۲۵
- ۹۲- نقش اخروی گواهان عمل ..... ۱۲۶



- ۹۳- نقش گواهان امت ها ..... ۱۲۷
- ۹۴- نقش گواهان در قذف ..... ۱۲۷
- ۹۵- نقش گواهان در قیامت ..... ۱۲۷
- ۹۶- نقش گواهان عمل ..... ۱۲۹
- ۹۷- نورانیت اخروی گواهان ..... ۱۲۹
- ۹۸- هشدار به گواهان ..... ۱۲۹
- ۹۹- همنشینی با گواهان ..... ۱۲۹
- ۱۰۰- همنشینی با گواهان عمل ..... ۱۳۱
- ۱۰۱- گواهان امتهما ..... ۱۳۱
- ۱۰۲- آثار ادای گواهی ..... ۱۳۳
- ۱۰۳- آثار تذکر گواهی خدا ..... ۱۳۳
- ۱۰۴- آثار عقیده به گواهی خدا ..... ۱۳۳
- ۱۰۵- آثار کتمان گواهی ..... ۱۳۵
- ۱۰۶- آثار گواهی ..... ۱۳۵
- ۱۰۷- آثار گواهی اخروی پا ..... ۱۳۶
- ۱۰۸- آثار گواهی اخروی دست ..... ۱۳۷
- ۱۰۹- آثار گواهی اخروی زبان ..... ۱۳۷
- ۱۱۰- آثار گواهی به حق ..... ۱۳۷
- ۱۱۱- آداب گواهی ..... ۱۳۹
- ۱۱۲- اجتناب از گواهی دروغ ..... ۱۳۹
- ۱۱۳- احکام گواهی ..... ۱۳۹
- ۱۱۴- اخلاص در گواهی ..... ۱۴۷
- ۱۱۵- اخلاص در گواهی طلاق ..... ۱۴۷
- ۱۱۶- ادای گواهی ..... ۱۴۷
- ۱۱۷- ادای گواهی مؤمنان ..... ۱۴۹
- ۱۱۸- ارزش گواهی ..... ۱۴۹

- ۱۱۹- اسلام در گواهی ..... ۱۵۱
- ۱۲۰- اعتبار گواهی ..... ۱۵۱
- ۱۲۱- اعتماد به گواهی خدا ..... ۱۵۲
- ۱۲۲- اولویت در گواهی ..... ۱۵۳
- ۱۲۳- اهمیت گواهی ..... ۱۵۳
- ۱۲۴- اهمیت گواهی به حق ..... ۱۵۴
- ۱۲۵- اهمیت گواهی مسلمانان ..... ۱۵۵
- ۱۲۶- ایمان در گواهی ..... ۱۵۵
- ۱۲۷- بلوغ در گواهی ..... ۱۵۷
- ۱۲۸- بی ارزشی گواهی قاذف ..... ۱۵۷
- ۱۲۹- بی اعتباری گواهی جعلی ..... ۱۵۷
- ۱۳۰- بی گواهی شرک ..... ۱۵۷
- ۱۳۱- بی گواهی مشرکان ..... ۱۵۹
- ۱۳۲- تقرب در گواهی ..... ۱۵۹
- ۱۳۳- حتمیت گواهی اخروی انبیا ..... ۱۵۹
- ۱۳۴- حرمت تصدیق گواهی ناحق ..... ۱۵۹
- ۱۳۵- حرمت تغییر گواهی ..... ۱۶۰
- ۱۳۶- حرمت کتمان گواهی ..... ۱۶۱
- ۱۳۷- خیانت در گواهی ..... ۱۶۱
- ۱۳۸- درخواست گواهی خدا ..... ۱۶۳
- ۱۳۹- درخواست گواهی ملائکه ..... ۱۶۳
- ۱۴۰- ذکر گواهی خدا ..... ۱۶۵
- ۱۴۱- زلیخا و گواهی زنان اشراف ..... ۱۶۵
- ۱۴۲- زمینه گواهی به حق ..... ۱۶۵
- ۱۴۳- زمینه گواهی ناحق ..... ۱۶۶
- ۱۴۴- سوگند به گواهی گواهان قیامت ..... ۱۶۷

- ۱۴۵- شرایط اعتبار گواهی ..... ۱۶۷
- ۱۴۶- شرایط گواهی ..... ۱۶۸
- ۱۴۷- شرایط گواهی بر وصیت ..... ۱۶۹
- ۱۴۸- شگفتی گواهی اخروی پوست ..... ۱۶۹
- ۱۴۹- صحت گواهی بر وصیت ..... ۱۷۰
- ۱۵۰- عدالت در گواهی ..... ۱۷۱
- ۱۵۱- علم در گواهی ..... ۱۷۴
- ۱۵۲- غفلت از گواهی اعضای بدن ..... ۱۷۵
- ۱۵۳- فضیلت ادای گواهی ..... ۱۷۵
- ۱۵۴- فضیلت گواهی ..... ۱۷۵
- ۱۵۵- فلسفه گواهی در قیامت ..... ۱۷۵
- ۱۵۶- فهم گواهی تورات ..... ۱۷۷
- ۱۵۷- قبول گواهی در قیامت ..... ۱۷۷
- ۱۵۸- کافران صدر اسلام و گواهی خدا ..... ۱۷۷
- ۱۵۹- کتمان گواهی ..... ۱۷۷
- ۱۶۰- کفایت گواهی خدا ..... ۱۸۰
- ۱۶۱- کفایت گواهی عالمان به قرآن ..... ۱۸۱
- ۱۶۲- کیفر گواهی دروغ ..... ۱۸۱
- ۱۶۳- کیفیت گواهی بر وصیت ..... ۱۸۱
- ۱۶۴- گناه خیانت در گواهی ..... ۱۸۳
- ۱۶۵- گناه کتمان گواهی ..... ۱۸۴
- ۱۶۶- گناه گواهی دروغ ..... ۱۸۵
- ۱۶۷- گناه گواهی ناحق ..... ۱۸۵
- ۱۶۸- گواهی ابراهیم(ع) ..... ۱۸۵
- ۱۶۹- گواهی اخروی اصحاب اخدود ..... ۱۸۶
- ۱۷۰- گواهی اخروی اعضای بدن ..... ۱۸۷

- ۱۷۱- گواهی اخروی انبیا ..... ۱۸۷
- ۱۷۲- گواهی اخروی پا ..... ۱۸۹
- ۱۷۳- گواهی اخروی پای قاذف ..... ۱۸۹
- ۱۷۴- گواهی اخروی پوست ..... ۱۹۱
- ۱۷۵- گواهی اخروی چشم ..... ۱۹۱
- ۱۷۶- گواهی اخروی خدا ..... ۱۹۲
- ۱۷۷- گواهی اخروی دست ..... ۱۹۳
- ۱۷۸- گواهی اخروی دست قاذف ..... ۱۹۳
- ۱۷۹- گواهی اخروی زبان ..... ۱۹۳
- ۱۸۰- گواهی اخروی زبان قاذف ..... ۱۹۴
- ۱۸۱- گواهی اخروی علیه کافران ..... ۱۹۵
- ۱۸۲- گواهی اخروی قلب ..... ۱۹۵
- ۱۸۳- گواهی اخروی گوش ..... ۱۹۵
- ۱۸۴- گواهی اخروی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۱۹۷
- ۱۸۵- گواهی اخروی ملائکه ..... ۱۹۷
- ۱۸۶- گواهی اصحاب اخدود ..... ۱۹۷
- ۱۸۷- گواهی اعضای بدن ..... ۱۹۹
- ۱۸۸- گواهی امت وسط ..... ۱۹۹
- ۱۸۹- گواهی امت ها ..... ۲۰۰
- ۱۹۰- گواهی انبیا ..... ۲۰۱
- ۱۹۱- گواهی انبیای انطاکیه ..... ۲۰۳
- ۱۹۲- گواهی انبیای بنی اسرائیل ..... ۲۰۴
- ۱۹۳- گواهی انجیل ..... ۲۰۵
- ۱۹۴- گواهی اوصیا ..... ۲۰۵
- ۱۹۵- گواهی ائمه(ع) ..... ۲۰۵
- ۱۹۶- گواهی بر پاکی ..... ۲۰۷

- ۱۹۷- گواهی بر حقانیت قرآن ..... ۲۰۷
- ۱۹۸- گواهی بر حقانیت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۰۸
- ۱۹۹- گواهی بر دزدی بنیامین ..... ۲۰۹
- ۲۰۰- گواهی بر ربوبیت خدا ..... ۲۱۱
- ۲۰۱- گواهی بر زنا ..... ۲۱۱
- ۲۰۲- گواهی بر عفت مریم(س) ..... ۲۱۱
- ۲۰۳- گواهی بر عفت یوسف(ع) ..... ۲۱۳
- ۲۰۴- گواهی بر وصیت ..... ۲۱۳
- ۲۰۵- گواهی برادران یوسف ..... ۲۱۵
- ۲۰۶- گواهی بندگان خدا ..... ۲۱۷
- ۲۰۷- گواهی بنی اسرائیل ..... ۲۱۷
- ۲۰۸- گواهی بنیامین ..... ۲۱۷
- ۲۰۹- گواهی به حق ..... ۲۱۹
- ۲۱۰- گواهی تورات ..... ۲۱۹
- ۲۱۱- گواهی جبرئیل ..... ۲۱۹
- ۲۱۲- گواهی خدا ..... ۲۲۰
- ۲۱۳- گواهی در امانتداری ..... ۲۳۳
- ۲۱۴- گواهی در بارداری ..... ۲۳۴
- ۲۱۵- گواهی در بدهی ..... ۲۳۵
- ۲۱۶- گواهی در حسابرسی اخروی ..... ۲۳۵
- ۲۱۷- گواهی در حیض ..... ۲۳۵
- ۲۱۸- گواهی در طلاق ..... ۲۳۵
- ۲۱۹- گواهی در قذف ..... ۲۳۷
- ۲۲۰- گواهی در قذف ..... ۲۳۷
- ۲۲۱- گواهی در قضاوت ..... ۲۳۹
- ۲۲۲- گواهی در قوم ابراهیم ..... ۲۳۹

- ۲۲۳- گواهی در قیامت ..... ۲۳۹
- ۲۲۴- گواهی در محضر خدا ..... ۲۴۳
- ۲۲۵- گواهی در معامله ..... ۲۴۳
- ۲۲۶- گواهی دروغ ..... ۲۴۴
- ۲۲۷- گواهی زلیخا ..... ۲۴۵
- ۲۲۸- گواهی زمین ..... ۲۴۵
- ۲۲۹- گواهی زن ..... ۲۴۷
- ۲۳۰- گواهی زنان اشراف مصر ..... ۲۴۷
- ۲۳۱- گواهی عالم بنی اسرائیل ..... ۲۴۹
- ۲۳۲- گواهی عالمان به انجیل ..... ۲۴۹
- ۲۳۳- گواهی عالمان به تورات ..... ۲۴۹
- ۲۳۴- گواهی عالمان به قرآن ..... ۲۴۹
- ۲۳۵- گواهی علما ..... ۲۵۰
- ۲۳۶- گواهی علمای یهود ..... ۲۵۱
- ۲۳۷- گواهی علیه ابراهیم(ع) ..... ۲۵۲
- ۲۳۸- گواهی علیه خود ..... ۲۵۲
- ۲۳۹- گواهی علیه خویشاوندان ..... ۲۵۳
- ۲۴۰- گواهی علیه ظالمان ..... ۲۵۳
- ۲۴۱- گواهی علیه مفتریان بر خدا ..... ۲۵۳
- ۲۴۲- گواهی علیه والدین ..... ۲۵۴
- ۲۴۳- گواهی عیسی(ع) ..... ۲۵۵
- ۲۴۴- گواهی غیر مسلمان ..... ۲۵۷
- ۲۴۵- گواهی فاسقان ..... ۲۵۷
- ۲۴۶- گواهی قاذف ..... ۲۵۹
- ۲۴۷- گواهی قرآن ..... ۲۵۹
- ۲۴۸- گواهی کتب آسمانی ..... ۲۶۳

- ۲۴۹- گواهی گواهان وصیت ..... ۲۶۵
- ۲۵۰- گواهی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۶۵
- ۲۵۱- گواهی مرد ..... ۲۷۱
- ۲۵۲- گواهی مردم صدر اسلام ..... ۲۷۱
- ۲۵۳- گواهی مسلمانان ..... ۲۷۱
- ۲۵۴- گواهی مقربان ..... ۲۷۳
- ۲۵۵- گواهی ملائکه ..... ۲۷۳
- ۲۵۶- گواهی موجودات ..... ۲۷۵
- ۲۵۷- گواهی مؤمنان ..... ۲۷۵
- ۲۵۸- گواهی ناحق ..... ۲۷۵
- ۲۵۹- گواهی نگهبانان جهنم ..... ۲۷۷
- ۲۶۰- گواهی یهود ..... ۲۷۷
- ۲۶۱- لغو گواهی ..... ۲۷۷
- ۲۶۲- ممنوعیت گواهی دروغ ..... ۲۷۹
- ۲۶۳- موانع کتمان گواهی ..... ۲۷۹
- ۲۶۴- موانع گواهی دروغ ..... ۲۷۹
- ۲۶۵- موجبات گواهی به حق ..... ۲۷۹
- ۲۶۶- مؤاخذه گواهی بی برهان ..... ۲۸۱
- ۲۶۷- وجوب گواهی ..... ۲۸۱
- ۲۶۸- وجوب گواهی در حد زنا ..... ۲۸۱
- ۲۶۹- وقت گواهی اخروی انبیا ..... ۲۸۳
- ۲۷۰- ویژگی گواهی خدا ..... ۲۸۳
- ۲۷۱- ویژگیهای گواهی خدا ..... ۲۸۳
- ۲۷۲- ویژگیهای گواهی در قیامت ..... ۲۸۵
- ۳- گوساله ..... ۲۸۶
- ۱- آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۲۸۶

- ۲- آمرزش گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۸۶
- ۳- آمرزش گوساله پرستان تائب - ۲۸۸
- ۴- اختفای ساخت گوساله بنی اسرائیل - ۲۸۸
- ۵- القای گوساله سامری در دریا - ۲۸۸
- ۶- امتحان با گوساله سامری - ۲۹۰
- ۷- انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۰
- ۸- بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۰
- ۹- بی منطقی گوساله پرستی - ۲۹۰
- ۱۰- بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل - ۲۹۲
- ۱۱- پشیمانی از گوساله پرستی - ۲۹۲
- ۱۲- توبه از گوساله پرستی - ۲۹۲
- ۱۳- توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۴
- ۱۴- توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۴
- ۱۵- تهدید گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۵
- ۱۶- تهمت گوساله پرستی به موسی(ع) - ۲۹۶
- ۱۷- جنسیت گوساله سامری - ۲۹۶
- ۱۸- چهل گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۶
- ۱۹- حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۷
- ۲۰- ذلت دنیوی گوساله پرستان - ۲۹۸
- ۲۱- ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۸
- ۲۲- روش برخورد با گوساله پرستان بنی اسرائیل - ۲۹۸
- ۲۳- روش نابودی گوساله سامری - ۳۰۰
- ۲۴- زمینه گوساله پرستی بنی اسرائیل - ۳۰۰
- ۲۵- سوزاندن گوساله سامری - ۳۰۲
- ۲۶- صدای گوساله بنی اسرائیل - ۳۰۲
- ۲۷- صدای گوساله سامری - ۳۰۴



- ۲۸- ظلم گوساله پرستی ..... ۳۰۴
- ۲۹- عجز گوساله سامری ..... ۳۰۴
- ۳۰- عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۰۶
- ۳۱- فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۰۶
- ۳۲- فرجام گوساله پرستی ..... ۳۰۸
- ۳۳- فلسفه نابودی گوساله سامری ..... ۳۰۸
- ۳۴- کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل ..... ۳۰۸
- ۳۵- گوساله بریان ..... ۳۱۰
- ۳۶- گوساله بنی اسرائیل ..... ۳۱۰
- ۳۷- گوساله پرستان بنی اسرائیل ..... ۳۱۰
- ۳۸- گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون ..... ۳۱۲
- ۳۹- گوساله پرستان تائب بنی اسرائیل ..... ۳۱۲
- ۴۰- گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۱۴
- ۴۱- گوساله پرستی سامری ..... ۳۲۲
- ۴۲- گوساله پرستی یهود ..... ۳۲۲
- ۴۳- گوساله چاق ..... ۳۲۴
- ۴۴- گوساله سامری ..... ۳۲۴
- ۴۵- گوشت گوساله در دین ابراهیم(ع) ..... ۳۲۴
- ۴۶- مبارزه با گوساله پرستان بنی اسرائیل ..... ۳۲۶
- ۴۷- مبارزه با گوساله پرستی ..... ۳۲۶
- ۴۸- مبارزه هارون(ع) با گوساله پرستی ..... ۳۲۶
- ۴۹- مجسمه گوساله نر ..... ۳۲۸
- ۵۰- محافظت از گوساله سامری ..... ۳۲۸
- ۵۱- مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۲۹
- ۵۲- مغضوبیت گوساله پرستان بنی اسرائیل ..... ۳۳۰
- ۵۳- مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۳۰

- ۳۳۰ ..... ۵۴- منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل
- ۳۳۰ ..... ۵۵- موسی(ع) و گوساله سامری
- ۳۳۲ ..... ۵۶- نابودی گوساله سامری
- ۳۳۲ ..... ۵۷- نقش صدای گوساله سامری
- ۳۳۲ ..... ۵۸- نقش گوساله سامری
- ۳۳۲ ..... ۵۹- هارون(ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل
- ۳۳۴ ..... ۶۰- هزینه گوساله سامری
- ۳۳۴ ..... ۶۱- آمرزش گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۳۶ ..... ۶۲- آمرزش گوساله پرستان تائب
- ۳۳۶ ..... ۶۳- انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۳۶ ..... ۶۴- بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۳۶ ..... ۶۵- توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۳۸ ..... ۶۶- توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۳۸ ..... ۶۷- تهدید گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۳۹ ..... ۶۸- جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۰ ..... ۶۹- حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۰ ..... ۷۰- ذلت دنیوی گوساله پرستان
- ۳۴۰ ..... ۷۱- ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۰ ..... ۷۲- روش برخورد با گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۲ ..... ۷۳- کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۲ ..... ۷۴- گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۴ ..... ۷۵- گوساله پرستان بنی اسرائیل در غیاب موسی(ع)
- ۳۴۴ ..... ۷۶- گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون
- ۳۴۴ ..... ۷۷- گوساله پرستان تائب بنی اسرائیل
- ۳۴۵ ..... ۷۸- مبارزه با گوساله پرستان بنی اسرائیل
- ۳۴۶ ..... ۷۹- مغضوبیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

- ۸۰- آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۴۶
- ۸۱- بی منطقی گوساله پرستی ..... ۳۴۸
- ۸۲- بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۴۸
- ۸۳- پشیمانی از گوساله پرستی ..... ۳۴۸
- ۸۴- توبه از گوساله پرستی ..... ۳۵۰
- ۸۵- تهمت گوساله پرستی به موسی(ع) ..... ۳۵۰
- ۸۶- زمینه گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۵۰
- ۸۷- ظلم گوساله پرستی ..... ۳۵۲
- ۸۸- عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۵۲
- ۸۹- فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۵۴
- ۹۰- فرجام گوساله پرستی ..... ۳۵۴
- ۹۱- گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۵۴
- ۹۲- گوساله پرستی سامری ..... ۳۶۴
- ۹۳- گوساله پرستی یهود ..... ۳۶۴
- ۹۴- مبارزه با گوساله پرستی ..... ۳۶۶
- ۹۵- مبارزه هارون(ع) با گوساله پرستی ..... ۳۶۶
- ۹۶- مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۶۷
- ۹۷- مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۶۸
- ۹۸- منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۶۸
- ۹۹- هارون(ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل ..... ۳۶۸
- ۱۰۰- القای گوساله سامری در دریا ..... ۳۶۹
- ۱۰۱- امتحان با گوساله سامری ..... ۳۷۰
- ۱۰۲- جنسیت گوساله سامری ..... ۳۷۰
- ۱۰۳- روش نابودی گوساله سامری ..... ۳۷۱
- ۱۰۴- سوزاندن گوساله سامری ..... ۳۷۲
- ۱۰۵- صدای گوساله سامری ..... ۳۷۳

- ۱۰۶- عجز گوساله سامری ..... ۳۷۴
- ۱۰۷- فلسفه نابودی گوساله سامری ..... ۳۷۴
- ۱۰۸- گوساله سامری ..... ۳۷۴
- ۱۰۹- محافظت از گوساله سامری ..... ۳۷۶
- ۱۱۰- موسی(ع) و گوساله سامری ..... ۳۷۶
- ۱۱۱- نابودی گوساله سامری ..... ۳۷۶
- ۱۱۲- نقش صدای گوساله سامری ..... ۳۷۷
- ۱۱۳- نقش گوساله سامری ..... ۳۷۸
- ۱۱۴- هزینة گوساله سامری ..... ۳۷۸
- ۴- گوسفند ..... ۳۷۹
- ۱- احکام گوسفند ..... ۳۷۹
- ۲- استفاده از گوسفند ..... ۳۸۰
- ۳- اهمیت شیر گوسفند ..... ۳۸۱
- ۴- پیه گوسفند در یهود ..... ۳۸۱
- ۵- تحریم پیه گوسفند ..... ۳۸۱
- ۶- تسخیر گوسفند ..... ۳۸۳
- ۷- تشبیه به گوسفند ..... ۳۸۳
- ۸- تعقل در خلقت گوسفند ..... ۳۸۳
- ۹- حلیت جنین گوسفند ..... ۳۸۳
- ۱۰- حلیت گوشت گوسفند ..... ۳۸۵
- ۱۱- خالق گوسفند ..... ۳۸۷
- ۱۲- خلقت گوسفند ..... ۳۸۷
- ۱۳- خوردن گوشت گوسفند در صدراسلام ..... ۳۸۷
- ۱۴- ذبح گوسفند در حج ..... ۳۸۸
- ۱۵- زوجیت گوسفند ..... ۳۸۹
- ۱۶- شیر گوسفند ..... ۳۸۹

- ۳۸۹ ..... ۱۷- شیر گوسفند از آیات خدا
- ۳۸۹ ..... ۱۸- عبرت از خروج شیر گوسفند
- ۳۹۱ ..... ۱۹- عبرت از گوسفند
- ۳۹۱ ..... ۲۰- فلسفه خلقت گوسفند
- ۳۹۲ ..... ۲۱- فواید پشم گوسفند
- ۳۹۳ ..... ۲۲- فواید پوست گوسفند
- ۳۹۳ ..... ۲۳- فواید شیر گوسفند
- ۳۹۴ ..... ۲۴- فواید کرک گوسفند
- ۳۹۵ ..... ۲۵- فواید گوسفند
- ۳۹۷ ..... ۲۶- فواید موی گوسفند
- ۳۹۷ ..... ۲۷- کیفیت خروج شیر گوسفند
- ۳۹۸ ..... ۲۸- گوسفند در کفاره
- ۳۹۹ ..... ۲۹- گوسفند قربانی حج
- ۴۰۰ ..... ۳۰- گوشت گوسفند
- ۴۰۱ ..... ۳۱- مالکیت بر گوسفند
- ۴۰۱ ..... ۳۲- منشأ تسخیر گوسفند
- ۴۰۳ ..... ۳۳- نعمت پوست گوسفند
- ۴۰۳ ..... ۳۴- نعمت زوجیت گوسفند
- ۴۰۳ ..... ۳۵- نعمت گوسفند
- ۴۰۶ ..... ۵- گوش
- ۴۰۶ ..... ۱- آثار سنگینی گوش
- ۴۰۶ ..... ۲- آثار سنگینی گوش مشرکان مکه
- ۴۰۶ ..... ۳- آگاهی گوش از عمل
- ۴۰۷ ..... ۴- ادراک گوش
- ۴۰۷ ..... ۵- استفاده از گوش
- ۴۰۷ ..... ۶- انگشت به گوش کردن قوم نوح

- ۷- پرسش از گوش ..... ۴۰۷
- ۸- خالق گوش ..... ۴۰۹
- ۹- سنگینی گوش اصحاب کهف ..... ۴۰۹
- ۱۰- سنگینی گوش حق ناپذیران ..... ۴۰۹
- ۱۱- سنگینی گوش دشمنان قرآن ..... ۴۰۹
- ۱۲- سنگینی گوش کافران ..... ۴۱۱
- ۱۳- سنگینی گوش مروجان لهو ..... ۴۱۱
- ۱۴- سنگینی گوش معرضان از آیات خدا ..... ۴۱۱
- ۱۵- سنگینی گوش مکذبان قرآن ..... ۴۱۱
- ۱۶- عوامل حجاب گوش ..... ۴۱۳
- ۱۷- فواید گوش ..... ۴۱۳
- ۱۸- قصاص گوش ..... ۴۱۵
- ۱۹- گواهی اخروی گوش ..... ۴۱۵
- ۲۰- گوش جنیان ..... ۴۱۷
- ۲۱- مسؤول گوش ..... ۴۱۷
- ۲۲- موجبات سنگینی گوش ..... ۴۱۷
- ۲۳- نعمت گوش ..... ۴۱۷
- ۲۴- نقش گوش ..... ۴۱۹
- ۶- گوشت ..... ۴۲۲
- ۱- اجتناب از گوشت چهارپایان ..... ۴۲۲
- ۲- استفاده از گوشت خوک ..... ۴۲۲
- ۳- استفاده از گوشت قربانی حج ..... ۴۲۴
- ۴- اهمیت گوشت بهشت ..... ۴۲۴
- ۵- پیدایش گوشت جنین ..... ۴۲۴
- ۶- تحریم گوشت شتر ..... ۴۲۵
- ۷- تحریم گوشت قربانی در جاهلیت ..... ۴۲۶

- ۴۲۶ ..... ۸- تحریم گوشت گاو
- ۴۲۶ ..... ۹- تشبیه به خوردن گوشت مرده
- ۴۲۶ ..... ۱۰- تنوع گوشت بهشت
- ۴۲۸ ..... ۱۱- چهارپایان حلال گوشت
- ۴۲۸ ..... ۱۲- حرمت گوشت چهارپایان
- ۴۲۹ ..... ۱۳- حرمت گوشت خوک
- ۴۳۰ ..... ۱۴- حرمت گوشت مردار
- ۴۳۰ ..... ۱۵- حلیت گوشت بز
- ۴۳۱ ..... ۱۶- حلیت گوشت چهارپایان
- ۴۳۲ ..... ۱۷- حلیت گوشت شتر
- ۴۳۴ ..... ۱۸- حلیت گوشت گاو
- ۴۳۶ ..... ۱۹- حلیت گوشت گوسفند
- ۴۳۸ ..... ۲۰- حیوانات حلال گوشت
- ۴۳۸ ..... ۲۱- خوردن گوشت اسب در صدراسلام
- ۴۴۰ ..... ۲۲- خوردن گوشت استر در صدراسلام
- ۴۴۰ ..... ۲۳- خوردن گوشت الاغ در صدراسلام
- ۴۴۰ ..... ۲۴- خوردن گوشت چهارپایان در صدراسلام
- ۴۴۰ ..... ۲۵- خوردن گوشت شتر در صدراسلام
- ۴۴۲ ..... ۲۶- خوردن گوشت گاو در صدراسلام
- ۴۴۲ ..... ۲۷- خوردن گوشت گوسفند در صدراسلام
- ۴۴۲ ..... ۲۸- فلسفه حرمت گوشت خوک
- ۴۴۴ ..... ۲۹- گوشت بهشت
- ۴۴۴ ..... ۳۰- گوشت پرندگان
- ۴۴۴ ..... ۳۱- گوشت چهارپایان
- ۴۴۵ ..... ۳۲- گوشت حرام
- ۴۴۶ ..... ۳۳- گوشت حیوانات دریایی

- ۴۴۷ ..... گوشت شتر ..... ۳۴
- ۴۵۰ ..... گوشت قربانی حج ..... ۳۵
- ۴۵۰ ..... گوشت قربانی در جاهلیت ..... ۳۶
- ۴۵۰ ..... گوشت گاو ..... ۳۷
- ۴۵۲ ..... گوشت گاو در دین ابراهیم(ع) ..... ۳۸
- ۴۵۲ ..... گوشت گوساله در دین ابراهیم(ع) ..... ۳۹
- ۴۵۲ ..... گوشت گوسفند ..... ۴۰
- ۴۵۴ ..... نزول گوشت ..... ۴۱
- ۴۵۵ ..... گیاهان ..... ۷
- ۴۵۵ ..... ۱- آثار تنوع رنگ گیاهان ..... ۱
- ۴۵۵ ..... ۲- آثار تنوع گیاهان ..... ۲
- ۴۵۵ ..... ۳- آثار ذکر رویش گیاهان ..... ۳
- ۴۵۵ ..... ۴- آثار رویش گیاهان ..... ۴
- ۴۵۷ ..... ۵- آثار مطالعه رویش گیاهان ..... ۵
- ۴۵۷ ..... ۶- استفاده از گیاهان ..... ۶
- ۴۵۹ ..... ۷- اطاعت گیاهان ..... ۷
- ۴۵۹ ..... ۸- اهمیت رویش گیاهان ..... ۸
- ۴۶۰ ..... ۹- اهمیت گیاهان ..... ۹
- ۴۶۱ ..... ۱۰- باروری گیاهان ..... ۱۰
- ۴۶۱ ..... ۱۱- بذر گیاهان ..... ۱۱
- ۴۶۱ ..... ۱۲- پایان عمر گیاهان ..... ۱۲
- ۴۶۱ ..... ۱۳- پیدایش گیاهان ..... ۱۳
- ۴۶۳ ..... ۱۴- تبدیل گیاهان به خاک ..... ۱۴
- ۴۶۳ ..... ۱۵- تخریب گیاهان ..... ۱۵
- ۴۶۳ ..... ۱۶- ترکیبات گیاهان ..... ۱۶
- ۴۶۳ ..... ۱۷- تشبیه به خلقت گیاهان ..... ۱۷



- ۴۶۴ ..... ۱۸- تشبیه به رویش گیاهان
- ۴۶۵ ..... ۱۹- تشبیه به گیاهان
- ۴۶۵ ..... ۲۰- تعقل در رشد گیاهان
- ۴۶۷ ..... ۲۱- تعقل در رویش گیاهان
- ۴۶۷ ..... ۲۲- تغذیه گیاهان
- ۴۶۷ ..... ۲۳- تناسب عناصر گیاهان
- ۴۶۹ ..... ۲۴- تنوع گیاهان
- ۴۷۲ ..... ۲۵- ثمردهی گیاهان
- ۴۷۳ ..... ۲۶- خالق گیاهان
- ۴۷۳ ..... ۲۷- خزان گیاهان
- ۴۷۳ ..... ۲۸- خشکیدن گیاهان
- ۴۷۵ ..... ۲۹- خوشه گیاهان
- ۴۷۵ ..... ۳۰- دانه گیاهان
- ۴۷۵ ..... ۳۱- رویش گیاهان
- ۴۸۵ ..... ۳۲- رویش گیاهان از آیات خدا
- ۴۸۵ ..... ۳۳- زرد شدن گیاهان
- ۴۸۶ ..... ۳۴- زردی گیاهان
- ۴۸۷ ..... ۳۵- زمینه رویش گیاهان
- ۴۸۸ ..... ۳۶- زوجیت در گیاهان
- ۴۸۹ ..... ۳۷- زوجیت گیاهان
- ۴۹۱ ..... ۳۸- زیبایی گیاهان
- ۴۹۱ ..... ۳۹- شگفتی رویش گیاهان
- ۴۹۱ ..... ۴۰- عبرت از رویش گیاهان
- ۴۹۲ ..... ۴۱- علم خدا به گیاهان
- ۴۹۲ ..... ۴۲- عنصر خلقت گیاهان
- ۴۹۴ ..... ۴۳- عوامل ازدیاد گیاهان

۴۹۵	۴۴- عوامل باروری گیاهان
۴۹۵	۴۵- عوامل پوشش گیاهی
۴۹۵	۴۶- عوامل تنوع رنگ گیاهان
۴۹۵	۴۷- عوامل رشد گیاهان
۴۹۷	۴۸- عوامل رویش گیاهان
۵۰۱	۴۹- فلسفه خلقت گیاهان
۵۰۱	۵۰- فلسفه رویش گیاهان
۵۰۳	۵۱- فواید زوجیت گیاهان
۵۰۳	۵۲- فواید گیاهان
۵۰۷	۵۳- قانونمندی رویش گیاهان
۵۰۷	۵۴- کاشت دانه گیاهان
۵۰۷	۵۵- گیاهان خودرو
۵۰۷	۵۶- مالک گیاهان
۵۰۹	۵۷- مراحل عمر دانه گیاهان
۵۰۹	۵۸- مطالعه تنوع گیاهان
۵۰۹	۵۹- مطالعه خشکیدن گیاهان
۵۱۱	۶۰- مطالعه رویش گیاهان
۵۱۱	۶۱- منشأ پژمردگی گیاهان
۵۱۱	۶۲- منشأ تبدیل گیاهان
۵۱۳	۶۳- منشأ تنوع رنگ گیاهان
۵۱۳	۶۴- منشأ تنوع گیاهان
۵۱۳	۶۵- منشأ ثمردهی گیاهان
۵۱۵	۶۶- منشأ خشکیدن گیاهان
۵۱۵	۶۷- منشأ رشد گیاهان
۵۱۷	۶۸- منشأ رویش گیاهان
۵۲۳	۶۹- منشأ زوجیت گیاهان

- ۷۰- منشأ زیبایی گیاهان ..... ۵۲۳
- ۷۱- نشانه های پایان رشد گیاهان ..... ۵۲۴
- ۷۲- نظم در گیاهان ..... ۵۲۵
- ۷۳- نعمت گیاهان ..... ۵۲۵
- ۷۴- نقش رویش گیاهان ..... ۵۲۶
- ۷۵- نقش گیاهان ..... ۵۲۷
- ۷۶- هسته گیاهان ..... ۵۲۷
- ۷۷- منشأ تأمین گیاه خواران ..... ۵۲۹
- ۸- لانه سازی ..... ۵۳۰
- ۱- لانه سازی بر روی خانه ها ..... ۵۳۰
- ۲- لانه سازی بر روی درختان ..... ۵۳۰
- ۳- لانه سازی بر روی سایبانها ..... ۵۳۰
- ۴- منشأ لانه سازی زنبور عسل ..... ۵۳۰
- ۹- لاوی ..... ۵۳۳
- ۱- اندوه لاوی ..... ۵۳۳
- ۲- اهتمام لاوی به بازگشت بنیامین ..... ۵۳۳
- ۳- اهتمام لاوی به سوگند ..... ۵۳۳
- ۴- اهتمام لاوی به عهد ..... ۵۳۴
- ۵- برادران یوسف و پیشنهاد لاوی ..... ۵۳۴
- ۶- بینش لاوی ..... ۵۳۴
- ۷- پیشنهاد لاوی ..... ۵۳۶
- ۸- تصمیم لاوی ..... ۵۳۸
- ۹- تعالیم لاوی ..... ۵۳۸
- ۱۰- توصیه های لاوی ..... ۵۳۸
- ۱۱- حکمت در فراق لاوی ..... ۵۴۰
- ۱۲- خواسته های لاوی ..... ۵۴۰

- ۱۳- سرزنشهای لاوی ..... ۵۴۲
- ۱۴- عقیده لاوی ..... ۵۴۲
- ۱۵- فلسفه پیشنهاد لاوی ..... ۵۴۲
- ۱۶- قبول پیشنهاد لاوی ..... ۵۴۳
- ۱۷- لاوی در سرزمین مصر ..... ۵۴۴
- ۱۸- لاوی و اتهام دزدی به بنیامین ..... ۵۴۴
- ۱۹- لاوی و اذن یعقوب(ع) ..... ۵۴۴
- ۲۰- لاوی و بازگشت به کنعان ..... ۵۴۶
- ۲۱- لاوی و برادران یوسف ..... ۵۴۶
- ۲۲- لاوی و تبعید یوسف(ع) ..... ۵۴۸
- ۲۳- لاوی و دزدی بنیامین ..... ۵۴۹
- ۲۴- لاوی و ظلم برادران یوسف ..... ۵۵۰
- ۲۵- لاوی و قتل یوسف(ع) ..... ۵۵۰
- ۲۶- لاوی و مقدرات خدا ..... ۵۵۰
- ۲۷- لاوی و نجات بنیامین ..... ۵۵۲
- ۲۸- لاوی و نجات یوسف(ع) ..... ۵۵۲
- ۲۹- لاوی و یوسف(ع) ..... ۵۵۲
- ۳۰- یعقوب(ع) در فراق لاوی ..... ۵۵۳
- ۳۱- یعقوب(ع) و بازگشت لاوی ..... ۵۵۴
- ۳۲- یعقوب(ع) و حیات لاوی ..... ۵۵۴
- ۳۳- یعقوب(ع) و ملاقات با لاوی ..... ۵۵۴
- ۱۰- لباس ..... ۵۵۵
- ۱- اهمیت لباس ..... ۵۵۵
- ۲- پاکیزگی لباس ..... ۵۵۵
- ۳- پوشیدن لباس زرد در قوم لوط ..... ۵۵۵
- ۴- تاریخ لباس ..... ۵۵۵

- ۵- تشبیه به لباس - ۵۵۶
- ۶- تنوع لباس بهشتیان - ۵۵۶
- ۷- جنس لباس بهشتیان - ۵۵۶
- ۸- رنگ لباس بهشتیان - ۵۵۸
- ۹- زیبایی لباس بهشتیان - ۵۵۸
- ۱۰- زیبایی لباس حریر بهشتیان - ۵۵۹
- ۱۱- ضخامت لباس بهشتیان - ۵۶۰
- ۱۲- ظرافت لباس بهشتیان - ۵۶۰
- ۱۳- علاقه به لباس حریر - ۵۶۰
- ۱۴- کیفیت لباس محمد(صلی الله علیه و آله) - ۵۶۲
- ۱۵- لباس آتشین - ۵۶۲
- ۱۶- لباس اخروی ابرار - ۵۶۲
- ۱۷- لباس بودن همسر - ۵۶۴
- ۱۸- لباس بهشتیان - ۵۶۴
- ۱۹- لباس تقوا - ۵۶۴
- ۲۰- لباس جهنمیان - ۵۶۵
- ۲۱- لباس حریر - ۵۶۶
- ۲۲- لباس حریر بهشتیان - ۵۶۷
- ۲۳- لباس در دوران ذوالقرنین - ۵۶۸
- ۲۴- لباس رسمی بهشتیان - ۵۶۸
- ۲۵- لباس مباح - ۵۷۰
- ۲۶- لباس متقین - ۵۷۰
- ۲۷- لباس محمد(صلی الله علیه و آله) - ۵۷۰
- ۲۸- لباس مساکین - ۵۷۱
- ۲۹- منابع تأمین لباس - ۵۷۲
- ۳۰- نعمت لباس - ۵۷۳

- ۳۱- نیاز به لباس ..... ۵۷۴
- ۳۲- ویژگیهای لباس بهشتیان ..... ۵۷۴
- ۱۱- لجاجت ..... ۵۷۶
- ۱- آثار اجتناب از لجاجت ..... ۵۷۶
- ۲- آثار ترک لجاجت ..... ۵۷۶
- ۳- آثار لجاجت ..... ۵۷۶
- ۴- آثار لجاجت اقوام پیشین ..... ۵۸۶
- ۵- آثار لجاجت امت های پیشین ..... ۵۸۶
- ۶- آثار لجاجت با آیات خدا ..... ۵۸۷
- ۷- آثار لجاجت با حق ..... ۵۸۸
- ۸- آثار لجاجت با قرآن ..... ۵۸۸
- ۹- آثار لجاجت بنی اسرائیل ..... ۵۸۸
- ۱۰- آثار لجاجت قوم ثمود ..... ۵۸۸
- ۱۱- آثار لجاجت قوم عاد ..... ۵۹۰
- ۱۲- آثار لجاجت کافران ..... ۵۹۰
- ۱۳- آثار لجاجت کافران صدراسلام ..... ۵۹۲
- ۱۴- آثار لجاجت مشرکان ..... ۵۹۲
- ۱۵- آثار لجاجت مشرکان صدراسلام ..... ۵۹۳
- ۱۶- آثار لجاجت منافقان ..... ۵۹۴
- ۱۷- افشای لجاجت کافران صدراسلام ..... ۵۹۴
- ۱۸- زمینه لجاجت قوم عاد ..... ۵۹۴
- ۱۹- شدت لجاجت انسان ..... ۵۹۵
- ۲۰- شگفتی لجاجت کافران ..... ۵۹۶
- ۲۱- عوامل لجاجت ..... ۵۹۶
- ۲۲- عوامل لجاجت قوم ابراهیم ..... ۵۹۶
- ۲۳- کیفر لجاجت ..... ۵۹۷

- ۵۹۸ ----- ۲۴- لجاجت اشراف فرعون
- ۵۹۸ ----- ۲۵- لجاجت اصحاب الجنه
- ۵۹۸ ----- ۲۶- لجاجت اقوام پيشين
- ۶۰۰ ----- ۲۷- لجاجت اكثریت امت های پيشين
- ۶۰۰ ----- ۲۸- لجاجت اكثریت رهبران شرک صدراسلام
- ۶۰۱ ----- ۲۹- لجاجت اكثریت رهبران كفر صدراسلام
- ۶۰۲ ----- ۳۰- لجاجت امت های پيشين
- ۶۰۲ ----- ۳۱- لجاجت اهل انطاکیه
- ۶۰۲ ----- ۳۲- لجاجت اهل عذاب
- ۶۰۴ ----- ۳۳- لجاجت اهل کتاب
- ۶۰۵ ----- ۳۴- لجاجت اهل مدین
- ۶۰۶ ----- ۳۵- لجاجت با حق
- ۶۰۶ ----- ۳۶- لجاجت برده داران
- ۶۰۶ ----- ۳۷- لجاجت بنی اسرائیل
- ۶۱۲ ----- ۳۸- لجاجت جهنمیان
- ۶۱۲ ----- ۳۹- لجاجت حق ناپذیران
- ۶۱۴ ----- ۴۰- لجاجت دشمنان
- ۶۱۴ ----- ۴۱- لجاجت دشمنان دین
- ۶۱۵ ----- ۴۲- لجاجت دشمنان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۱۶ ----- ۴۳- لجاجت رهبران شرک
- ۶۱۶ ----- ۴۴- لجاجت رهبران كفر
- ۶۱۸ ----- ۴۵- لجاجت علمای یهود
- ۶۱۸ ----- ۴۶- لجاجت فرعون
- ۶۲۲ ----- ۴۷- لجاجت فرعونیان
- ۶۲۴ ----- ۴۸- لجاجت قبطیان
- ۶۲۴ ----- ۴۹- لجاجت قوم ابراهیم

- ۵۰- لجاجت قوم ثمود ..... ۶۲۶
- ۵۱- لجاجت قوم عاد ..... ۶۲۸
- ۵۲- لجاجت قوم لوط ..... ۶۳۰
- ۵۳- لجاجت قوم نوح ..... ۶۳۲
- ۵۴- لجاجت کافران ..... ۶۳۳
- ۵۵- لجاجت کافران صدر اسلام ..... ۶۴۴
- ۵۶- لجاجت کافران مکه ..... ۶۴۸
- ۵۷- لجاجت گمراهان ..... ۶۵۱
- ۵۸- لجاجت گناهکاران ..... ۶۵۲
- ۵۹- لجاجت گناهکاران هدایت ناپذیر ..... ۶۵۲
- ۶۰- لجاجت مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۵۲
- ۶۱- لجاجت مخالفان وحی ..... ۶۵۴
- ۶۲- لجاجت مردم صدر اسلام ..... ۶۵۴
- ۶۳- لجاجت مرفهان ..... ۶۵۴
- ۶۴- لجاجت مستضعفان ..... ۶۵۵
- ۶۵- لجاجت مسیحیان ..... ۶۵۶
- ۶۶- لجاجت مشرکان ..... ۶۵۶
- ۶۷- لجاجت مشرکان صدر اسلام ..... ۶۶۲
- ۶۸- لجاجت مشرکان صدراسلام ..... ۶۶۴
- ۶۹- لجاجت مشرکان مکه ..... ۶۷۰
- ۷۰- لجاجت مصریان باستان ..... ۶۷۲
- ۷۱- لجاجت معرضان از توحید ..... ۶۷۴
- ۷۲- لجاجت معرضان از حق ..... ۶۷۴
- ۷۳- لجاجت مغالطه گران در دین ..... ۶۷۴
- ۷۴- لجاجت مکذبان انبیا ..... ۶۷۴
- ۷۵- لجاجت مکذبان بصیرت خدا ..... ۶۷۶



- ۶۷۶- ..... لجاجت مکذبان جهنم ۷۶
- ۶۷۷- ..... لجاجت مکذبان حسابرسی عمل ۷۷
- ۶۷۸- ..... لجاجت مکذبان دین ۷۸
- ۶۷۸- ..... لجاجت مکذبان ربوبیت خدا ۷۹
- ۶۷۸- ..... لجاجت مکذبان قرآن ۸۰
- ۶۷۸- ..... لجاجت مکذبان قیامت ۸۱
- ۶۸۰- ..... لجاجت مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۲
- ۶۸۰- ..... لجاجت مکذبان معاد ۸۳
- ۶۸۲- ..... لجاجت منافقان ۸۴
- ۶۸۳- ..... لجاجت منافقان صدر اسلام ۸۵
- ۶۸۴- ..... لجاجت ولید بن مغیره ۸۶
- ۶۸۴- ..... لجاجت یهود ۸۷
- ۶۸۶- ..... لجاجت یهود صدر اسلام ۸۸
- ۶۸۶- ..... لجاجت محمد(صلی الله علیه و آله) و لجاجت ۸۹
- ۶۸۶- ..... منشأ لجاجت مشرکان ۹۰
- ۶۸۶- ..... موارد لجاجت ۹۱
- ۶۸۸- ..... موانع لجاجت ۹۲
- ۶۸۸- ..... مؤمنان و لجاجت ۹۳
- ۶۸۸- ..... نشانه های لجاجت ۹۴
- ۶۸۸- ..... ایمان کافران لجوج ۹۵
- ۶۹۰- ..... بی تأثیری معجزه بر لجوج ۹۶
- ۶۹۰- ..... تهدید کافران لجوج ۹۷
- ۶۹۰- ..... تهدید مشرکان لجوج ۹۸
- ۶۹۲- ..... روش برخورد با کافران لجوج ۹۹
- ۶۹۲- ..... روش برخورد با مشرکان لجوج ۱۰۰
- ۶۹۲- ..... عذاب کافران لجوج ۱۰۱

- ۱۰۲- کافران لجوج ..... ۶۹۳
- ۱۰۳- کیفر کافران لجوج ..... ۶۹۴
- ۱۰۴- محرومیت کافران لجوج ..... ۶۹۴
- ۱۰۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و کافران لجوج ..... ۶۹۴
- ۱۰۶- مشرکان لجوج ..... ۶۹۶
- ۱۰۷- هشدار به کافران لجوج ..... ۶۹۶
- ۱۰۸- حق ناپذیری لجوجان ..... ۶۹۷
- ۱۲- لنادید ..... ۶۹۸
- ۱- آثار لنادید ..... ۶۹۸
- ۲- ارزش لنادید دنیوی ..... ۶۹۸
- ۳- اعراض از لنادید مادی ..... ۶۹۸
- ۴- اهمیت لنادید بهشت ..... ۶۹۸
- ۵- بهترین لنادید بهشت ..... ۷۰۰
- ۶- بهترین لنادید بهشتیان ..... ۷۰۰
- ۷- بهترین لنادید مؤمنان ..... ۷۰۰
- ۸- بی ارزشی لنادید دنیوی ..... ۷۰۲
- ۹- بی ارزشی لنادید کافران ..... ۷۰۲
- ۱۰- پوچی لنادید دنیوی ..... ۷۰۲
- ۱۱- تحریم لنادید ..... ۷۰۲
- ۱۲- تلاش برای لنادید اخروی ..... ۷۰۴
- ۱۳- جاودانگی لنادید انسان ..... ۷۰۴
- ۱۴- جاودانگی لنادید بهشت ..... ۷۰۴
- ۱۵- عوامل علاقه به لنادید مادی ..... ۷۰۴
- ۱۶- عوامل لنادید اخروی بهشتیان ..... ۷۰۶
- ۱۷- فرجام علاقه به لنادید مادی ..... ۷۰۶
- ۱۸- لنادید اخروی انسان ها ..... ۷۰۶

- ۱۹- لَنايذ اُخروي بهشتيان ..... ۷۰۶
- ۲۰- لَنايذ اُخروي پيشگامان ..... ۷۰۷
- ۲۱- لَنايذ اُخروي متقين ..... ۷۰۸
- ۲۲- لَنايذ اُخروي مؤمنان ..... ۷۰۸
- ۲۳- لَنايذ انسان ..... ۷۰۹
- ۲۴- لَنايذ بهشت ..... ۷۱۰
- ۲۵- لَنايذ بهشتيان ..... ۷۱۰
- ۲۶- لَنايذ جنسي در بهشت ..... ۷۱۲
- ۲۷- لَنايذ جنيان ..... ۷۱۲
- ۲۸- لَنايذ چشم ..... ۷۱۳
- ۲۹- لَنايذ حرام ..... ۷۱۴
- ۳۰- لَنايذ دنيوي اقوام پيشين ..... ۷۱۴
- ۳۱- لَنايذ دنيوي كافران ..... ۷۱۵
- ۳۲- لَنايذ دنيوي مشركان ..... ۷۱۶
- ۳۳- لَنايذ دنيوي مشركان صدراسلام ..... ۷۱۶
- ۳۴- لَنايذ شيطان ..... ۷۱۶
- ۳۵- لَنايذ قارون ..... ۷۱۷
- ۳۶- لَنايذ مادي اُخروي ..... ۷۱۸
- ۳۷- لَنايذ مادي بهشت ..... ۷۱۸
- ۳۸- لَنايذ مادي در بهشت ..... ۷۲۰
- ۳۹- لَنايذ مادي كافران ..... ۷۲۰
- ۴۰- لَنايذ مادي كافران صدراسلام ..... ۷۲۰
- ۴۱- لَنايذ مجاز ..... ۷۲۰
- ۴۲- لَنايذ معنوي بهشت ..... ۷۲۲
- ۴۳- محدوديت لَنايذ هاي دنيوي ..... ۷۲۲
- ۴۴- محرومان از لَنايذ اُخروي ..... ۷۲۲

- ۴۵- محرومیت از لذایذ بهشت ..... ۷۲۳
- ۴۶- ناپسندی علاقه به لذایذ مادی ..... ۷۲۴
- ۴۷- ویژگیهای لذایذ های دنیوی ..... ۷۲۴
- ۴۸- آثار لذت طلبی ..... ۷۲۴
- ۴۹- زمینه لذت طلبی ..... ۷۲۴
- ۵۰- سرزنش لذت طلبی ..... ۷۲۶
- ۵۱- فرجام لذت طلبی کافران ..... ۷۲۶
- ۵۲- لذت طلبی بهشتیان ..... ۷۲۶
- ۵۳- لذت طلبی در آخرت ..... ۷۲۸
- ۵۴- لذت طلبی کافران ..... ۷۲۸
- ۱۳- لطف خدا ..... ۷۳۰
- ۱- لطف خدا ..... ۷۳۰
- ۲- آثار ذکر لطف خدا ..... ۷۳۰
- ۳- آثار علاقه به لطف خدا ..... ۷۳۰
- ۴- آثار لطف خدا ..... ۷۳۱
- ۵- استمرار لطف خدا ..... ۷۴۵
- ۶- اقرار به لطف خدا ..... ۷۴۵
- ۷- الگوی امیدواران به لطف خدا ..... ۷۴۵
- ۸- امیدواران به لطف خدا ..... ۷۴۵
- ۹- امیدواری به لطف خدا ..... ۷۴۷
- ۱۰- اهمیت امیدواری به لطف خدا ..... ۷۵۰
- ۱۱- اهمیت لطف خدا ..... ۷۵۱
- ۱۲- تحصیل لطف خدا ..... ۷۵۱
- ۱۳- تداوم لطف خدا ..... ۷۵۱
- ۱۴- تفاوت مشمولان لطف خدا ..... ۷۵۲
- ۱۵- حتمیت لطف خدا ..... ۷۵۳

- ۱۶- ذکر لطف خدا ..... ۷۵۳
- ۱۷- زمینه لطف خدا ..... ۷۵۵
- ۱۸- سرزنش یأس از لطف خدا ..... ۷۶۱
- ۱۹- شدت لطف خدا ..... ۷۶۱
- ۲۰- شرایط بهره مندی از لطف خدا ..... ۷۶۱
- ۲۱- عمومیت لطف خدا ..... ۷۶۳
- ۲۲- عوامل امیدواری به لطف خدا ..... ۷۶۳
- ۲۳- عوامل محرومیت از لطف خدا ..... ۷۶۳
- ۲۴- غفلت از لطف خدا ..... ۷۶۵
- ۲۵- فلسفه لطف خدا ..... ۷۶۵
- ۲۶- لطف خدا ..... ۷۶۵
- ۲۷- محرومیت از لطف خدا ..... ۷۸۱
- ۲۸- مراتب لطف خدا ..... ۷۸۱
- ۲۹- مضمولان لطف خدا ..... ۷۸۱
- ۳۰- موجبات لطف خدا ..... ۸۳۱
- ۳۱- نشانه های لطف خدا ..... ۸۳۲
- ۳۲- نیاز به لطف خدا ..... ۸۳۹
- ۳۳- وسعت لطف خدا ..... ۸۴۱
- ۱۴- لعان ..... ۸۴۲
- ۱- آثار لعان ..... ۸۴۲
- ۲- احکام لعان ..... ۸۴۲
- ۳- تشریح لعان ..... ۸۴۶
- ۴- سوگند در لعان ..... ۸۴۶
- ۵- سوگند دروغ در لعان ..... ۸۴۸
- ۶- کیفیت سوگند در لعان ..... ۸۴۸
- ۷- کیفیت لعان ..... ۸۴۹

- ۸- کیفیت لعان زن ..... ۸۵۰
- ۹- لعان قاذف ..... ۸۵۰
- ۱۰- واجبات لعان ..... ۸۵۱
- ۱۵- لعب ..... ۸۵۳
- ۱- آثار لعب ..... ۸۵۳
- ۲- آثار لهو و لعب ..... ۸۵۳
- ۳- اجتناب از لعب ..... ۸۵۳
- ۴- خدا و لعب ..... ۸۵۵
- ۵- لعب در زندگی دنیوی ..... ۸۵۶
- ۶- متقین و لعب ..... ۸۵۷
- ۷- موارد لعب ..... ۸۵۷
- ۱۶- لعن ..... ۸۵۸
- ۱- لعن ..... ۸۵۸
- ۲- آثار لعن ..... ۸۵۸
- ۳- آثار لعن خدا ..... ۸۶۰
- ۴- اجابت دعای مشمولان لعن ..... ۸۶۲
- ۵- احکام لعن ..... ۸۶۳
- ۶- ایمان لعن شدگان ..... ۸۶۴
- ۷- ایمان مشمولان لعن ..... ۸۶۴
- ۸- بی پناهی لعن شدگان ..... ۸۶۶
- ۹- روز لعن بر ابلیس ..... ۸۶۶
- ۱۰- زمینه لعن خدا ..... ۸۶۶
- ۱۱- گمراهی مشمولان لعن ..... ۸۶۷
- ۱۲- لعن ابدی خدا ..... ۸۶۸
- ۱۳- لعن اخروی خدا ..... ۸۶۸
- ۱۴- لعن اخروی ظالمان ..... ۸۶۹

- ۸۷۰ ..... ۱۵- لعن اخروی کافران
- ۸۷۰ ..... ۱۶- لعن اخروی مانعان از دین
- ۸۷۰ ..... ۱۷- لعن انبیا
- ۸۷۲ ..... ۱۸- لعن بر ابلیس
- ۸۷۳ ..... ۱۹- لعن بر اصحاب سبت
- ۸۷۴ ..... ۲۰- لعن بر امت های گمراه
- ۸۷۴ ..... ۲۱- لعن بر امت های مشرک
- ۸۷۶ ..... ۲۲- لعن بر اهل کتاب
- ۸۷۶ ..... ۲۳- لعن بر بدخواهان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۷۶ ..... ۲۴- لعن بر بدخواهان مؤمنان
- ۸۷۸ ..... ۲۵- لعن بر بنی اسرائیل
- ۸۷۹ ..... ۲۶- لعن بر بیماردلان
- ۸۸۰ ..... ۲۷- لعن بر پیشینیان
- ۸۸۰ ..... ۲۸- لعن بر تارکان جهاد
- ۸۸۰ ..... ۲۹- لعن بر حاکمان مفسد
- ۸۸۲ ..... ۳۰- لعن بر حق ناپذیران
- ۸۸۲ ..... ۳۱- لعن بر دروغگویان
- ۸۸۲ ..... ۳۲- لعن بر دین ستیزان
- ۸۸۴ ..... ۳۳- لعن بر رهبران
- ۸۸۴ ..... ۳۴- لعن بر شیطان
- ۸۸۴ ..... ۳۵- لعن بر ظالمان
- ۸۸۶ ..... ۳۶- لعن بر علمای مسیحیت
- ۸۸۷ ..... ۳۷- لعن بر علمای یهود
- ۸۸۸ ..... ۳۸- لعن بر عهدشکنان
- ۸۸۸ ..... ۳۹- لعن بر فرعون
- ۸۸۸ ..... ۴۰- لعن بر فرعونیان

- ۴۱- لعن بر قاذف ..... ۸۹۰
- ۴۲- لعن بر قاطع رحم ..... ۸۹۰
- ۴۳- لعن بر قوم عاد ..... ۸۹۰
- ۴۴- لعن بر کافران ..... ۸۹۱
- ۴۵- لعن بر کافران حق ناپذیر ..... ۸۹۵
- ۴۶- لعن بر کتمان کنندگان حق ..... ۸۹۶
- ۴۷- لعن بر گناهکاران ..... ۸۹۷
- ۴۸- لعن بر مشرکان ..... ۸۹۸
- ۴۹- لعن بر مفسدان ..... ۸۹۸
- ۵۰- لعن بر منافقان ..... ۸۹۸
- ۵۱- لعن بر ولید بن مغیره ..... ۹۰۰
- ۵۲- لعن بر یهود ..... ۹۰۰
- ۵۳- لعن بر یهود کافر ..... ۹۰۴
- ۵۴- لعن بر مفسدان ..... ۹۰۴
- ۵۵- لعن جایز ..... ۹۰۵
- ۵۶- لعن خدا ..... ۹۰۶
- ۵۷- لعن داود(ع) ..... ۹۱۴
- ۵۸- لعن در آخرت ..... ۹۱۶
- ۵۹- لعن در جهنم ..... ۹۱۶
- ۶۰- لعن در قیامت ..... ۹۱۷
- ۶۱- لعن دنیوی خدا ..... ۹۱۸
- ۶۲- لعن شدگان مردم ..... ۹۱۸
- ۶۳- لعن شدگان ملائکه ..... ۹۲۰
- ۶۴- لعن عیسی(ع) ..... ۹۲۰
- ۶۵- لعن مردم ..... ۹۲۲
- ۶۶- لعن مفتریان بر خدا ..... ۹۲۲



- ۶۷- لعن ملانکه ..... ۹۲۲
- ۶۸- محرومیت لعن شدگان ..... ۹۲۳
- ۶۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و لعن کافران مقارن بعثت ..... ۹۲۴
- ۷۰- مراتب لعن ..... ۹۲۴
- ۷۱- مشمولان لعن ..... ۹۲۴
- ۷۲- مشمولان لعن اخروی ..... ۹۳۴
- ۷۳- مشمولان لعن خدا ..... ۹۳۴
- ۷۴- مشمولان لعن دنیوی ..... ۹۴۰
- ۷۵- مظاهر لعن خدا ..... ۹۴۰
- ۷۶- ممنوعیت لعن ..... ۹۴۰
- ۷۷- موجبات لعن ..... ۹۴۲
- ۷۸- موجبات لعن انبیا ..... ۹۴۷
- ۷۹- موجبات لعن خدا ..... ۹۴۷
- ۸۰- نجات از لعن خدا ..... ۹۵۰
- ۸۱- هدایت لعن شدگان ..... ۹۵۰
- ۸۲- آثار لعن خدا ..... ۹۵۰
- ۸۳- زمینه لعن خدا ..... ۹۵۴
- ۸۴- لعن خدا ..... ۹۵۴
- ۸۵- مشمولان لعن خدا ..... ۹۶۲
- ۸۶- مظاهر لعن خدا ..... ۹۶۸
- ۸۷- موجبات لعن خدا ..... ۹۶۸
- ۸۸- نجات از لعن خدا ..... ۹۷۰
- ۸۹- {لعن شدگان} ..... ۹۷۰
- ۹۰- ایمان لعن شدگان ..... ۹۷۲
- ۹۱- بی پناهی لعن شدگان ..... ۹۷۲
- ۹۲- لعن شدگان مردم ..... ۹۷۳

- ۹۳- لعن شدگان ملائکه ----- ۹۷۴
- ۹۴- محرومیت لعن شدگان ----- ۹۷۴
- ۹۵- هدایت لعن شدگان ----- ۹۷۴
- ۱۷- لغزش ----- ۹۷۶
- ۱- لغزش ----- ۹۷۶
- ۲- آثار لغزش ----- ۹۷۶
- ۳- آثار لغزش در جنگ ----- ۹۷۶
- ۴- آثار لغزش مؤمنان ----- ۹۷۶
- ۵- آموزش لغزش متقین ----- ۹۷۸
- ۶- اجتناب از لغزش قلب ----- ۹۷۸
- ۷- خطر لغزش انسان ها ----- ۹۷۸
- ۸- زمینه لغزش ----- ۹۷۹
- ۹- زمینه لغزش انسان ها ----- ۹۸۲
- ۱۰- زمینه لغزش اولیای مقتول ----- ۹۸۳
- ۱۱- زمینه لغزش در ارزیابی ----- ۹۸۴
- ۱۲- زمینه لغزش رهبران دینی ----- ۹۸۴
- ۱۳- زمینه لغزش صالحان ----- ۹۸۴
- ۱۴- زمینه لغزش مؤمنان ----- ۹۸۴
- ۱۵- زمینه نگرانی از لغزش ها ----- ۹۸۶
- ۱۶- عفو از لغزش ----- ۹۸۶
- ۱۷- عوامل لغزش ----- ۹۸۷
- ۱۸- عوامل لغزش رهبری ----- ۹۹۰
- ۱۹- عوامل لغزش قاضی ----- ۹۹۰
- ۲۰- فراموشی لغزش های دنیوی ----- ۹۹۰
- ۲۱- کیفر لغزش رهبران دینی ----- ۹۹۱
- ۲۲- لغزش آدم(ع) ----- ۹۹۲

- ۹۹۲ ----- لغزش انسان ۲۳
- ۹۹۴ ----- لغزش انسان ها ۲۴
- ۹۹۴ ----- لغزش بنی اسرائیل ۲۵
- ۹۹۴ ----- لغزش حوا ۲۶
- ۹۹۶ ----- لغزش در عقیده ۲۷
- ۹۹۶ ----- لغزش در مسلمانان ۲۸
- ۹۹۶ ----- لغزش در مؤمنان ۲۹
- ۹۹۸ ----- لغزش زن ۳۰
- ۹۹۸ ----- لغزش قاضی ۳۱
- ۹۹۸ ----- لغزش قلب ۳۲
- ۹۹۸ ----- لغزش کافران ۳۳
- ۹۹۹ ----- لغزش کفر ۳۴
- ۱۰۰۰ ----- لغزش متقین ۳۵
- ۱۰۰۰ ----- لغزش محسنان ۳۶
- ۱۰۰۰ ----- لغزش مؤمنان ۳۷
- ۱۰۰۲ ----- لغزش همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۸
- ۱۰۰۳ ----- موانع لغزش ۳۹
- ۱۰۰۴ ----- موانع لغزش مؤمنان ۴۰
- ۱۰۰۴ ----- مؤمنان و لغزش ۴۱
- ۱۰۰۴ ----- اهمیت شناخت لغزشگاهها ۴۲
- ۱۰۰۶ ----- لغو ۱۸
- ۱۰۰۶ ----- آثار اعراض از سخن لغو ۱
- ۱۰۰۶ ----- آثار اعراض از عمل لغو ۲
- ۱۰۰۶ ----- آثار اعراض از لغو ۳
- ۱۰۰۸ ----- آثار روانی لغو ۴
- ۱۰۰۸ ----- آثار سخن لغو ۵

- ۶- آثار عمل لغو ..... ۱۰۰۸
- ۷- اجتناب از استماع سخن لغو ..... ۱۰۰۸
- ۸- اجتناب از سخن لغو ..... ۱۰۰۸
- ۹- اجتناب از سوگند لغو ..... ۱۰۱۰
- ۱۰- اعراض از سخن لغو ..... ۱۰۱۰
- ۱۱- اعراض از عمل لغو ..... ۱۰۱۲
- ۱۲- اعراض از لغو ..... ۱۰۱۲
- ۱۳- اهمیت اجتناب از سخن لغو ..... ۱۰۱۲
- ۱۴- اهمیت اجتناب از لغو ..... ۱۰۱۳
- ۱۵- اهمیت اعراض از سخن لغو ..... ۱۰۱۴
- ۱۶- بهشتیان و سخن لغو ..... ۱۰۱۴
- ۱۷- بهشتیان و لغو ..... ۱۰۱۵
- ۱۸- دعا با لغو ..... ۱۰۱۶
- ۱۹- روش برخورد با سخن لغو ..... ۱۰۱۶
- ۲۰- زشتی لغو ..... ۱۰۱۶
- ۲۱- سوگند لغو ..... ۱۰۱۸
- ۲۲- عبادت با لغو ..... ۱۰۲۰
- ۲۳- قرآن و لغو ..... ۱۰۲۰
- ۲۴- لغو در اماکن مقدس ..... ۱۰۲۰
- ۲۵- لغو در بهشت ..... ۱۰۲۱
- ۲۶- لغو در عبادتگاه ..... ۱۰۲۲
- ۲۷- لغو در مسجد الحرام ..... ۱۰۲۲
- ۲۸- لغو گواهی ..... ۱۰۲۳
- ۲۹- مراد از سخن لغو ..... ۱۰۲۴
- ۳۰- مراد از لغو ..... ۱۰۲۴
- ۳۱- موارد لغو ..... ۱۰۲۴

۱۰۲۶-----۳۲- مؤمنان و سخن لغو

۱۰۲۶-----۳۳- ناپسندی لغو

۱۰۲۶-----۳۴- نفی سخن لغو در بهشت

۱۰۲۷-----درباره مرکز

## مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 87

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

### 1- گندم

#### 1- اهمیت گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 27 - 3

3 - گندم و جو در نظام غذایی انسان ها ، دارای نقشی برجسته است .

فأنتبنا فیها حبًّا

#### 2- بنی اسرائیل و درخواست گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 14

14 - سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و .. بصلها

«فوم» به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که «فوم» به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

#### 3- رویش گندم از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- رویش انواع دانه ها ( چون گندم ، جو ، برنج و . . . ) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و آیه لهم الأرض المیتة أحيینها و أخرجنا منها حَبًّا

مقصود از «حَبِّ» در آیه شریفه، جنسِ «حَبِّ» و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است و نکره آمدن آن - با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است - گویای همین نکته است.

ص: 1

#### 4- فواید گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 33 - 6

6- خداوند، حبوبات (گندم، جو، برنج و...) را به منظور تغذیه انسان ها آفریده است.

و أخرجنا منها حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

#### 5- نعمت گندم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 33 - 7

7- دانه هایی چون گندم، جو، برنج و...، از مهم ترین خوردنی ها و نعمت های الهی برای بشر است.

و أخرجنا منها حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

تقدیم جار و مجرور (فمنه) بر متعلق خود (یاکلون)، می تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

ص: 2



## 2- گواه

### 1- بهترین گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 3، 2

2 - خداوند، بزرگترین و ارجمندترین گواه بر هر چیز

قل أي شيء أكبر شهده قل الله

3 - گواهی خداوند، مهمترین و صحیحترین و اطمینان بخش ترین گواهیها

قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني وبينكم

### 2- خسارت به گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 48

48 - زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن «لا یضار»

### 3- خیانت گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 45، 49

45 - حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صورتی که «لا یضار» معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا یضارّ کاتب و لا شهید المتبایعین.

49 - خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد و ان تفعلوا فانه فسوق بكم

ص: 3

بر مبنای معلوم بودن «لا یضار»

#### 4- شرایط گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 24، 22

22 - بلوغ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم

کلمه «رجل» (مرد) و «امرأه» (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

24 - گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم . . . ممن ترضون من الشهداء

#### 5- گواه آسمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 43 - 3

3 - هشدار خداوند به کافران، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لکم براءه فی الزّبر

#### 6- گواه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 5

5 - مسلمانان، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

در اینکه مراد از «شهداء» و «شهید» در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امته را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

## 7- گواه حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 16

16 - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

ص: 4

سنریهم ءایتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ أولم یکف برّیک أنّه علی کلّ شیء

### 8- گواه در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 48,49

48 - زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حقّ است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن «لا یضار»

49 - خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن «لا یضار»

### 9- گواه عهد موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 7

7 - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلک بینی و بینک .. و اللّٰه علی ما نقول وکیل

### 10- گواه فطرت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شهادت دهنده و تأکیدکننده بر درستی ادراکات عقلی و گرایش فطری انسان \*

إنا أرسلناک شهیداً و مبشراً

برداشت بالا-بدان احتمال است که منظور از «شاهداً»، شهادت دادن به درستی ارزش هایی باشد که انسان با عقل و فطرت آن را درک

کرده یا می تواند درک کند. قرینه بر درستی این احتمال، تقدم «شاهداً» بر «مبشراً و نذیراً» است؛ چه این که اول باید ارزش تبیین گردد؛ سپس بر اجرای آن تأکید شود.

## 11- گواه قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 10

ص: 5

10 - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی . سنقرنک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند - پیش از وعده به قرائت و حفظ - نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

## 12- گواه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 5

5 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

در اینکه مراد از «شهداء» و «شهید» در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امته را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

## 13- گواه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 13

13- « عن علی بن الحسین (ع) : . . . قال یوسف و إله یعقوب ما أردت بأهلک سوء بل هی راودتنی عن نفسی فسل هذا الصبی . . . و کان عندها من أهلها صبی زائر لها فانطق الله الصبی لفصل القضاء فقال : . . . انظر إلی قمیص یوسف . . . »

از امام سجاد (ع) روایت شده است: . . . یوسف گفت: به خدای یعقوب قسم! من قصد بد درباره همسر تو نداشتم. او مرا به خودش دعوت کرد، پس تو از این کودک پرس - کودکی از بستگان آن زن نزد او بود که به دیدنش آمده بود - پس خدا آن کودک را برای قطع داوری به سخن درآورد و گفت: . . . به پیراهن یوسف نگاه کن . . .».

## 14- مسؤولیت گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

53 - لزوم رعایت تقوای الهی از جانب نویسنده، گواهان و طرفین قراردادها و مبادلات

اذا تداینتم... ولا یأب کاتب... واستشهدوا شهیدین... واتقوا الله

متعاملین، کاتب و گواه در مبادلات، از مصادیق مورد نظر در خطاب «واتقوا الله» می باشند.

ص: 6



## 15- نقش ملائکه گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 23 - 7

7- « فی المجمع » قال قرینه « یعنی الملک الشہید علیہ . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبداللہ (ع) ;

در مجمع البیان در تفسیر «قال قرینه» آمده است: مقصود فرشته ای است که گواه بر آن [فرد] است . . . و این معنایی است که از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 24 - 1

1- دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِید

دو فرشته ای که مخاطب «أَلْقِیَا» قرار می گیرند؛ یا «رقیب» و «عتید»ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا «سائق» و «شہید»اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

گواهان

## 16- {گواهان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 6

6 - کسانی که به خدا و همه پیامبران او ایمان دارند ، در زمره صدیقان و شهدا (گواهان) ، قرار می گیرند .

و الذین ءامنوا باللّٰه و رسله أولئک هم الصّدّیقون و الشّهداء

«شہید» (مفرد «شهداء») به معنای گواه است.

## 17- آثار ایمان گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 6

6- نقش سازنده ایمان و عدالت شاهدان ، در گواهی صحیح و به حق آنان در میان مردم

و اشهدوا ذوی عدل منکم

### **18- آثار عدالت گواهان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 6

6- نقش سازنده ایمان و عدالت شاهدان ، در گواهی صحیح و به حق آنان در میان مردم

ص: 7

و اشهدوا ذوی عدل منکم

### 19- برگزیدگی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 140 - 17، 19

17 - برگزیدن ناظران و گواهانی نخبه از میان مردم، بر شکست‌ها و پیروزی‌ها بر اساس مشیت خداوند است.

و یتخذ منکم شهداء

19 - مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه‌های پیکار با کافران، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایام... و لیعلم الله الذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

ترک لام در «و یتخذ»، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می‌شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده «شهداء»، اعمال مردم، گرفته شده است.

### 20- برگزیدگی گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 6

6- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می‌دهند، جزء نخبگان و بهترین‌های امت خویشند.

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 4

4- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می‌دهند، جزء نخبگان و بهترین‌های امت خویشند.

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار

آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

## **21- پاداش اخروی گواهان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 9

9- صدیقان و شهدا (گواهان)، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

ص: 8

تقدیم «لهم» بر «أجرهم» افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

## 22- تقرب گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 7

7- صدیقان و شهدا (گواهان)، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصدیقون و الشهداء عند ربهم

## 23- حبس گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 8

8 - جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله «تحبسونهما» تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

## 24- ذکر گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 1

1- انسان، وظیفه دار توجه به نظارت گواهان الهی در هر عصری بر اعمالش

و یوم نبعث فی کلّ أمة شهیداً

تکرار مضمون «یوم نبعث ..» در ضمن چند آیه و نیز در تقدیر بودن «اذکر» یا «اذکروا» بیانگر اهمیت موضوع است.

## 25- سوگند به گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 4

ص: 9

4 - سوگند خداوند ، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

## 26- سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 6

6 - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد؛ نه مشاهده و نظارت، کلمه «مشهود» نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد «مشهود به» است.

## 27- سوگند گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 16، 11، 9

9 - شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او اءاخرا ن من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما . . .» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منکم» و «ءاخرا ن من غیرکم» باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی «و اءاخرا ن من غیرکم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

11 - اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله . . . إنا اذا لمن الاثمین

## 28- شرایط گواهان حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 14

14- تنها مسلمانان دارای حق حضور و گواهی بر اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

از این که خداوند حضور مؤمنان را لازم دانسته است (من المؤمنین) نه عموم مردم را (من الناس)، به دست می آید که گواهان و حاضران صحنه اجرای حدود، باید از مسلمانان باشند نه از غیر آنان.

ص: 10



## 29- عدالت گواهان طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 8

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجنهنّ من بیوتهنّ . . . و اقیموا الشّهده لله ذلکم یوعظ به

«ذلک» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

## 30- فضایل اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 10

10 - صدیقان و شهدا (گواهان)، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند.

لهم . . . و نورهم

## 31- فضایل گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 4، 5، 8، 10، 11

4 - پیامبران، صدیقان، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم . . . و الصالحین

تصریح به اسم جلاله «الله» در جمله «انعم الله علیهم»، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

5 - پیامبران، صدیقان، شاهدان و صالحان، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاصّ

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله

با توجّه به آیه قبل، که اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و . . . قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و . . . رهروان صراط مستقیم هستند.

8 - مقام برتر پیامبران بر صدیقان ، و صدیقان بر شاهدان ، و شاهدان بر صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . والصالحين

ترتیب درجات از ترتیب در ذکر استفاده شده است.

10 - مقام پیروان ، صدیقین ، شاهدان و صالحان بالاتر از مقام اطاعت کنندگان از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و من يطع الله و الرسول فاولئك . . . الصالحين

11 - مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان (گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا) و صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين

ص: 11

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 70 - 3

3 - پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، بهره مند از تفضل خاص الهی

من النبیین و الصدیقین .. ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه «ذلک» اشاره به انعام مستفاد از جمله «الذین انعم الله علیهم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 6,7,8

6 - کسانی که به خدا و همه پیامبران او ایمان دارند ، در زمره صدیقان و شهدا (گواهان) ، قرار می گیرند .

و الذین ءامنوا بالله و رسله أولئک هم الصدیقون و الشهداء

«شهید» (مفرد «شهداء») به معنای گواه است.

7 - صدیقان و شهدا (گواهان) ، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصدیقون و الشهداء عند ربهم

8 - صدیقان و شهدا (گواهان) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

الصدیقون و الشهداء عند ربهم

اضافه «رب» به ضمیر «هم» اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است.

## 32- کافران و گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 2

2 - کافران و مشرکان ، بارو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود ، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت «یوم لاینفع ..» بدل برای «یوم یقوم الأشهد» می باشد.

### 33- گواهان آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 17 - 6

6 - خداوند ، شاهد و گواه بر تمامی هستی است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

ص: 12

#### 34- گواهان اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شاهد و ناظر بر تمامی امت ها در قیامت \*

و تری کلّ أمّه جائیه

برداشت بالا بدان احتمال است که خطاب «تری» اختصاص به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 11 - 2، 1

1 - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أُقَّتت

مقصود و مفاد این آیه - برابر نظر بیشتر مفسران - فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است؛ مانند «فلسئَلنّ الذین أرسل إلیهم و لنسئَلنّ المرسلین» (اعراف، آیه 6).

2 - گواهی پیامبران در عرصه قیامت بر امت های خویش ، امری قطعی و تخلف ناپذیر است .

و إذا الرسل أُقَّتت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 12 - 1

1 - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه قیامت

و إذا الرسل أُقَّتت . لآئیّ یوم أُجِّلت

«أیّ» اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. «أُجِّلت» به معنای «أُخِّرت» است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی «أُجِّلت»، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

#### 35- گواهان اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- حضور یکایک انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با دو مأمور پیش برنده و گواه

و جاءت کلّ نفس معها سائق وشهید

**36- گواهان اخروی دشمنان خدا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 20 - 3

3- گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء اللّٰه . . . شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

ص: 13

### 37- گواهان اخروی طراح قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 9

9 - تهدید شدن سازندگان « افک » به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنَاتِ... يَوْمَ تُنْفَخُ الْأَشْجَارُ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای «افک» باشد.

### 38- گواهان اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 3

3 - گواهی پوست بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت ، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا

استفهام در «لِمَ شَهِدْتُمْ» می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

### 39- گواهان اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 10

10 - اصحاب اخدود ، در ماجرای سوزندان مؤمنان ، مراقب و گواه کار یکدیگر بودند . \*

و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

شاهد بودن اصحاب «اخدود» ممکن است به این منظور باشد که هر یک، بر انجام صحیح مأموریت دیگری نظارت داشته و نزد حاکمان به آن گواهی دهد.

### 40- گواهان اغواپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخفی نیست .

ألم تر أننا أرسلنا الشیطان

ص: 14



## 41- گواهان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 6، 5، 3، 2

2 - خداوند گواهان و ناظران امت ها را در قیامت به گواهی فرامی خواند .

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

3 - پیامبران ، گواهان امت های خویش

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

برداشت فوق را فرمایش علی (ع) تأیید می کند که در ضمن بیان مواظن محشر فرمود: .. فیقوم الرسل (ع) فیشهدون فی هذه المواظن فذلک قوله: «فیکف اذا جئنا من کل امه بشهید».

---

توحید صدوق، ص 261، ج 5، ب 36؛ نورالثقلین، ج 1، ص 481، ح 254.

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، گواه امت خویش

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

در برداشت فوق، «هؤلاء» اشاره به مسلمانان و امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گرفته شده است.

6 - خداوند در قیامت ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند .

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 9، 8، 6، 4، 3، 1

1- در قیامت از میان هر امت ، فردی به عنوان گواه و شاهد برانگیخته می شود .

و یوم نبعث من کل امه شهیداً

3- از میان هر امتی در تمامی عصر ها ، فردی به عنوان شاهد و گواه در قیامت حضور پیدا می کند .

و یوم نبعث من کلّ أُمَّه شهیداً

حضور یافتن گواه هر امتی، ممکن است بدین صورت باشد که از میان تمامی امتهای فردی از هر عصر و نسلی به عنوان گواهی دادن در قیامت حضور یابد. بنابراین به تعداد عصرها و نسلها، گواهانی به گواهی خواهند پرداخت.

4- در میان تمامی امت ها در هر عصری، افرادی از جانب خداوند بر اعمال مردمان نظارت دارند.

و یوم نبعث من کلّ أُمَّه شهیداً

برداشت فوق به خاطر این نکته است که نظارت کردن، لازمه گواهی دادن است؛ زیرا تا نظارت بر چیزی انجام نگیرد، گواهی بر آن ممکن نخواهد بود.

6- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند.

و یوم نبعث من کلّ أُمَّه شهیداً

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

8- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها، در قیامت

و یوم نبعث من کلّ أُمَّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

9- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است.\*

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

واژه «ثمّ» که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود - و نه قبل از آن - دیگر کافران رخصت نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 10، 8، 4، 3

3- قیامت، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

4- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند.

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است.

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در «فی کلّ أمّه» مردم هر عصری نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) «هؤلاء» اشاره باشد به کل امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

10- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، شاهد بر همه گواهان طول تاریخ

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «هؤلاء» اشاره به «شهیداً»؛ یعنی، گواهان هر امت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 18

18 - مسلمانان، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواه بر اعمال مسلمانان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

در این که مراد از «شهید» و «شهداء» در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها «گواهی بر اعمال» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 6

6 - رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان \*

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا

«شاهدًا» ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل «أرسلناک» استفاده می شود.

ص: 16

## 42- گواهان امتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 53 - 8

8 - منزلت والای کسانی که در قیامت ، بر اعمال امت ها گواهی می دهند .

فاکتبنا مع الشاهدين

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 117 - 9،11

9 - عیسی (ع) ، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش ، به هنگام حضور در میان آنان

و كنت عليهم شهيداً مادمت فيهم

11 - پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و كنت عليهم شهيداً مادمت فيهم

## 43- گواهان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 11

11 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فكيف اذا جئنا .. و جئنا بك على هؤلاء شهيداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (صلی الله علیه و آله)] الشهيد على الشهداء و الشهداء هم الرسل (ع).

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 242، ح 132؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 370، ح 4.

## 44- گواهان اهل عذاب

10 - « عن أبي جعفر (ع) : . . . قال الله عزّوجلّ : . . . يوم تشهد عليهم ألسنتهم وأيديهم وأرجلهم بما كانوا يعملون » وليست تشهد الجوارح على مؤمن ، إنّما تشهد على من حقّت عليه كلمة العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: .. خدای - عزّوجل - فرمود: «یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون» [و توضیح آن که:] این گونه نیست که جوارح علیه مؤمنی شهادت بدهد؛ همانا شهادت جوارح علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد».

## 45- گواهان ایمان حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 25 - 4

4 - مؤمن انطاکیه ( حبیب نجار ) ، پیامبران آن دیار را بر ایمان استوارش به خدای یکتا ، به گواهی گرفت .

إتی ءامنت بر بکم فاسمعون

خطاب «فاسمعون» - بر مبنای این که مخاطبان آن پیامبران باشند - به این منظور ایراد شده است تا پیامبران انطاکیه را بر ایمان آوردن خود به پروردگار شاهد بگیرد.

## 46- گواهان بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 1

1 - بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

فکفی باللّٰه شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

## 47- گواهان بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 10، 9، 4

4 - لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان ( زنا و مساحقه )

و الّتی یأتین الفاحشه من نسانکم فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

مؤنث آوردن کلمه «اربعه» دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند؛ و «منکم» دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

9 - لزوم دعوت کردن از چهار مرد مسلمان ، برای تحمّل شهادت به هنگام اطلاع از وقوع فحشا ( زنا و همجنس بازی ) \*

و الّتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

جمله «فاستشهدوا»، می تواند به معنای دعوت برای تحمّل شهادت باشد.

10 - شاهد فحشای زنان ، می تواند از ادای شهادت استتکاف کند .

والتی یأتین الفاحشه .. فان شهدوا

جمله «فان شهدوا»، ظهور در این معنا دارد که شاهد، در ادای شهادت و یا استتکاف از آن مختار است و شرعاً الزامی برای ادای شهادت ندارد.

11 - کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

والتی یأتین الفاحشه .. فاستشهدوا علیهنّ اربعة منکم فان شهدوا

چون مخاطبان «منکم» مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

ص: 18



## 48- گواهان بر عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 33 - 12

12 - خداوند ، گواه بر همه عهد ها و پیمان ها و اعمال انسان

و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم انّ اللّٰه کان علی کل شیء شہیداً

## 49- گواهان بر معارف قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 79 - 9

9 - خداوند ، گواهی کافی برای حَقّانیت معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابک من حسنه فمن اللّٰه و ما اصابک من سیئه فمن نفسک . . و کفی باللّٰه شہیداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق «شهِیداً»، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

## 50- گواهان بطلان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 17، 20، 9

9 - خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشرکین . . . قل ای شیء اکبر شہده قل اللّٰه شہید بینی و بینکم

17 - قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا . . . قل اللّٰه ... و أوحی إلّٰی هذا القرآن

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین بر می آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

20 - شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أنّکم لتشهدون أن مع اللّٰه ءالهه أخرى

همزه استفهام در «أنتکم» دال بر شگفتی است.

## 51- گواهان پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 12

12- خداوند ، والاترین گواه بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و غلبه اسلام بر سایر ادیان

هو الذی أرسل رسوله . . . لیظهره علی الدین کلّه و کفی باللّه شهیداً

تعبیر «کفی باللّه شهیداً» محتوای این آیه را تأکید کرده است.

ص: 19

## 52- گواهان تنزیه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 1 - 2

2 - تمامی موجودات هستی ، شاهدی گویا بر منزّه بودن خداوند از هر عیب و نقص

يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که تسبیح در آیه شریفه، تسبیح تکوینی باشد.

## 53- گواهان تنزیه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 2 - 5

5 - حضور همیشگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در میان مردم ، گواه روشنی برای آنان بر مبرّ بودن ساحت آن حضرت از گمراهی و فسادرای

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

آوردن وصف «صاحب» (همدم، همنشین) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اضافه آن به «کم»، پیامدار این معنا است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همیشه با شما بوده و این حضور خود گواهی است بر پاکی و درستی آن حضرت در طول عمرشان.

## 54- گواهان توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 16, 8, 9, 3, 2, 1

1 - گواهی خداوند برپادارنده قسط و عدل ، بر اینکه معبودی جز او نیست .

شهد الله انه لا اله الا هو ... قائماً بالقسط

«قائماً بالقسط»، حال است برای «الله».

2 - نظام آفرینش ، گواه یکتایی خداوند

شهد الله انه لا اله الا هو

بنابراینکه گواهی خدا، گواهی فعلی نیز باشد، یعنی خداوند با فعل خود (نظام آفرینش)، گواهی بر یکتایی خویش می دهد. و «قائماً بالقسط»، مؤید این احتمال است.

3 - خدا ، ملائکه و عالمان ، گواهان توحید

شهد الله أنه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم

6 - دانشمند ، در نگرش قرآنی ، کسی است که با شهود نظام عادلانه هستی به وحدانیت خداوند گواهی دهد .

شهد الله . . و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد «قائماً بالقسط» به منزله دلیلی برای وحدانیت خداوند باشد.

8 - حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین ، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا \*

ص: 20

شهد . . . الملئکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد «قائماً بالقسط» که حال برای «اللّه» است، اشاره به علت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت، مؤخر آمده است.

9 - عالمان راستین، با عمل و حرکت خویش، گواه بر توحید هستند.

شهد اللّه انه لا اله الا هو . . . و اولوا العلم قائماً بالقسط

بنابراینکه منظور از گواهی عالمان، گواهی عملی آنان باشد که عبارت است از موضعگیریها و چگونگی کردار آنان.

16 - انبیا و اوصیا، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد اللّه انه لا اله الا هو و الملئکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): . . . اما قوله «و اولوا العلم قائماً بالقسط» فان اولی العلم الانبیاء و الاوصیاء . . .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 165، ح 18؛ نورالثقلین، ج 1، ص 323، ح 66.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 20، 17، 9

9 - خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشرکین . . . قل ای شیء أكبر شهده قل اللّه شهید بینی و بینکم

17 - قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغیر اللّه اتخذ ولیا . . . قل اللّه . . . و أوحی إلّی هذا القرآن

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

20 - شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أئنکم لتشهدون أن مع اللّه ءالهه أخرى

همزه استفهام در «أئنکم» دال بر شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 28 - 2

2 - عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما كانوا يخفون من قبل

### 55- گواهان حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 16

16 - « عن أمير المؤمنين (ع) في قول الله عز وجل : « و لا تأخذكم بهما رأفة في دين الله » قال في إقامة الحدود وفي قوله تعالى : « و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين قال الطائفة واحد . . . » ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند - عزوجل - « و لا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله » فرمود: در مورد اجرای حدود [رأفت نشان ندهید] و درباره سخن خدای - تعالی - « و لیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین » فرمود: طایفه یک نفر است (یعنی، یک نفر را هم شامل می شود).

ص: 21

## 56- گواهان حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 37 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تأیید کننده رسولان الهی پیشین و گواه بر درستی تعالیم آنان

و صدق المرسلین

## 57- گواهان حقانیت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 16 - 1

1 - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربنا يعلم إنا إلیکم لمرسلون

جمله «ربنا يعلم» (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند «شهد الله» و «علم الله») در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

## 58- گواهان حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 12

12- حضرت ابراهیم (ع) بر صحت عقاید توحیدی خویش گواهی داد و خود را به آثار و پیامد های این عقیده ، ملتزم و متعهد دانست .

و أنا علی ذلکم من الشهدین

## 59- گواهان حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 11

11 - مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نپایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربناء امنافاكتبنا مع الشهداء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 22



10 - صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

فاکتبنا مع الشهداءین . . . ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله «نطمع ان یدخلنا . . .» می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله «فاکتبنا مع الشهداءین» از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 11 - 5، 2

2- قرآن ، خود دلیل و شاهدی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از «شاهد» چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت «و من قبله کتاب موسی» می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل «إنه الحق من ربک» حقانیت و الهی بودن قرآن است و «تُلُو» (مصدر یتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در «یتلوه» به «مَنْ» و ضمیر «منه» به «رب» بر می گردد. بنابراین جمله «أفمن ... یتلوه شاهد منه»؛ یعنی، آیا کسی که علاوه بر «بیتنه» از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

5- تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه . . . من قبله کتب موسی

«کتاب» عطف بر «شاهد» است و ضمیر در «قبله» به شاهد بر می گردد.

11- پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بینه من ربه . . . و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای «من کان علی بینه» پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. این گروه جمله «فلاتک ...» را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 1 - 50 - 3

3- قرآن ، خود گواه حقانیت خویش \*

والقرءان المجید

وجود سوگند به «قرآن» در متن آن، در صورتی منطقی خواهدبود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

ص: 23

## 60- گواهان حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 5

5 - قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

## 61- گواهان حقانیت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 84 - 10

10 - صالحان، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

فاکتبنا مع الشهدین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله «نطمع ان یدخلنا ..» می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله «فاکتبنا مع الشهدین» از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

## 62- گواهان حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 28 - 2

2 - عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

## 63- گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 2,6,8,10

2 - خداوند گواهان و ناظران امت ها را در قیامت به گواهی فرامی خواند.

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

6- خداوند در قیامت ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند .

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، گواهی بر شاهدان امت ها در قیامت

ص: 24

فکیف اذا... و جننا بک علی هؤلاء شهیداً

ولذا اسم اشاره با صیغه جمع (هؤلاء) آمده است.

10 - خداوند در قیامت - با وجود آگاهی بر اعمال - گواہانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

كان الله بهم عليمًا .. فکیف اذا جننا ... و جننا بک علی هؤلاء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 3

3 - صحنه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جننا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یوّد الذین کفروا ... لو تسوی بهم الارض

«یومئذ» متعلق به «شهیداً» است. یعنی آن روز که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 9

9 - تهدید شدن سازندگان « افک » به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنات .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای «افک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 23، 24

23 - اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز \*

و اشهد بانّا مسلمون

24 - رهبران الهی ، گواهان امت خویش در قیامت \*

و اشهد بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 53 - 8

8- منزلت والای کسانی که در قیامت، بر اعمال امت ها گواهی می دهند .

فاکتبنا مع الشاهدين

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 18 - 13، 12، 7

7- در قیامت، گواهانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا، شهادت خواهند داد .

و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

«أشهد» جمع شاهد و به معنای گواهان است.

12- گواهان اعمال در قیامت، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ص: 25

ألا لعنه الله على الظلمين

13- گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد .. ألا لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 9، 8، 6، 3، 1

1- در قیامت از میان هر امت ، فردی به عنوان گواه و شاهد برانگیخته می شود .

و یوم نبعث من کلّ أمة شهيداً

3- از میان هر امتی در تمامی عصرها ، فردی به عنوان شاهد و گواه در قیامت حضور پیدا می کند .

و یوم نبعث من کلّ أمة شهيداً

حضور یافتن گواه هر امتی، ممکن است بدین صورت باشد که از میان تمامی امتهای فردی از هر عصر و نسلی به عنوان گواهی دادن در قیامت حضور یابد. بنابراین به تعداد عصرها و نسلها، گواهانی به گواهی خواهند پرداخت.

6- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند ، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث من کلّ أمة شهيداً

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امت خویشند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان نیز گروه دیگری شاهد و گواه باشد، انتخابشان برای دادن گواهی لغو و بیهوده خواهد بود.

8- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امتها ، در قیامت

و یوم نبعث من کلّ أمة شهيداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

9- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . \*

و یوم نبعث من کلّ أمة شهيداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

واژه «ثمّ» که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود - و نه قبل از آن - دیگر کافران رخصت نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کسانی که در قیامت بر اعمال امت خویش گواهی می دهند، جزء نخبگان و بهترین های امت خویشند .

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

انتخاب شاهد و گواه از میان هر امتی، بیانگر آن است که آنان از نخبگان و خوبان امتند؛ زیرا اگر آنان هم از افراد گناهکار باشند و بر کار آنان گروه دیگری شاهد و گواه باشند، انتخاب آنان برای گواهی، لغو و بیهوده خواهد بود.

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در «فی کلّ أمّه» مردم هر عصری نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) «هؤلاء» اشاره باشد به کل امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 37 - 6

6- در قیامت، گواهیانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

ص: 26



فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 75 - 11

11 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « و نزعنا من كل أمة شهيداً » يقول من كل فرقه من هذه الأمة إمامها . . . » ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند « و نزعنا من كل أمة شهيداً » روایت شده که خدا می فرماید: از هر فرقه ای از این امت، امام آنها را برمی گزینیم» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 65 - 3

3 - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 14، 7

7 - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان - به قرینه آیه «فکیف إذا جئنا من كل أمة بشهید و جنابک علی هؤلاء شهیداً (نساء)4، 41) گواهی دادن آنان است.

14 - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرورنده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 51 - 8

8 - قیامت ، روز برپا خاستن گواهان برای شهادت و گواهی

**64- گواهان دروغگویی منافقان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 16

16 - گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد ( مسجد ضرار )

والله يشهد انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 8

ص: 27

8 - گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

و الله يشهد انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 8

8 - شهادت اُکید خداوند ، بر دروغ گویی منافقان

و الله يشهد ان المنفقين لکذبون

### 65- گواهان دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 6

6- اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله «إن ابنک سرق» (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

### 66- گواهان رسالت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 79 - 8

8 - خداوند ، گواهی کافی برای رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وارسلناک للناس رسولاً و کفی باللّٰه شهیداً

### 67- گواهان صداقت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 7

7 - گواهی اُکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّكَ لِرَسُولِهِ

### 68- گواهان صداقت يوسف (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 5

ص: 28

5- عزیز مصر برادرش بنیامین را شهادی بر صدق دعوای خویش ( من یوسفم ) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخي

جمله «هذا أخي» می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای «قد منّ الله» باشد به عنوان شهادی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

### 69- گواهان عفت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 1

1- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال کذلک

«کذلک» خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

### 70- گواهان عقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 3

3 - خدا، گواه قرارداد های میان مردم و شاهد گفّت وگو های طرفین قرارداد

قال إني أريد . . . أيما الأجلين قضيت ... و الله على ما نقول وكيل

«وکیل» به قرینه متعدی شدن با «علی»، متضمن معنای «شهادت» است؛ یعنی، «و الله علی ما نقول شاهد».

### 71- گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 8

8 - حضرت عیسی (ع) ، گواه بر اعمال اهل کتاب در دنیا

و یوم القیمه یكون علیهم شهیداً

اگر حضرت عیسی (ع) در دنیا گواه بر اعمال نباشد، نمی تواند در قیامت گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 117 - 11

9 - عیسی (ع)، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش، به هنگام حضور در میان آنان

ص: 29

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

11 - پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 5

5 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

در اینکه مراد از «شهداء» و «شهید» در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امته را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 98 - 6

6 - خداوند ، گواه اعمال انسانها

و الله شهید علی ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 33 - 12

12 - خداوند ، گواه بر همه عهد ها و پیمان ها و اعمال انسان

و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم انّ الله کان علی کل شیء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 1

1 - هر امتی گواه و ناظری بر اعمال خویش به همراه دارد .

فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 69 - 11

11 - مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان ( گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا ) و صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 105 - 14

14 - سلمه بن اكوع گوید : مرّ (رسول الله (صلى الله عليه و آله) - ظ - ) بجنازه فائى على ها فقال وجيت . . . فسئل عن ذلك فقال : ان الملائكة شهداء الله فى السماء و انتم شهداء الله فى الارض فما شهدتم عليه من شىء و جب ، و ذلك قول الله : « و قل اعلموا فسيرى الله عملكم و رسوله و المؤمنون » ;

ص: 30



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 46 - 7

7 - خداوند ، بر تمام اعمال مردم شاهد و گواه است .

ثم الله شهيد على ما يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 61 - 5

5 - تمامی اعمال آدمیان ، از لحظه آغاز ، در منظر گواهانی است که از سوی خداوند جهت نظارت بر آنان ، گمارده شده اند .

وما تكون في شأن وما تتلوا منه من قرآن ولا تعملون من عمل إلا كنا عليكم شهوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 12، 13، 9، 8

8- اعمال آدمیان در دنیا ، تحت نظارت شاهدان و گواهانی از ناحیه خداوند ، قرار دارد .

يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

9- شاهدان اعمال در محضر خداوند ، علیه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهی خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم ويقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

12- گواهان اعمال در قیامت ، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند .

ألا لعنه الله على الظالمين

13- گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

ويقول الأشهد .. ألا لعنه الله على الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 4

4- در میان تمامی امت ها در هر عصری ، افرادی از جانب خداوند بر اعمال مردمان نظارت دارند .

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً

برداشت فوق به خاطر این نکته است که نظارت کردن، لازمه گواهی دادن است؛ زیرا تا نظارت بر چیزی انجام نگیرد، گواهی بر آن ممکن نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 9

9- گواهی و نظارت خداوند بر اعمال بندگان ، متکی بر علم و اطلاع گسترده او به احوال آنان است .

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم إنه کان بعباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 4

4- گواهی اعضای بدن انسان به تمامی رفتار و گفتار او در دنیا

ص: 31

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، به خاطر این است که شهادت و گواهی بر هر چیزی، آن گاه متصور و صادق است که شعور و آگاهی بر صحنه شهادت وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 45 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شاهد و گواهی از سوی خداوند بر اعمال مردم است.

أرسلنک شهیداً

متعلق «شاهداً» در آیه، ذکر نشده است و لکن به قرینه «مبشّر» و «نذیر» و نیز آیات دیگری مانند «لتكونوا شهداء على الناس» [2/143] متعلق آن، مردم اند و چون اعمال آنان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت، مراد از گواهی بر مردم هم می تواند گواهی بر اعمال آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 10، 7

7 - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان - به قرینه آیه «فكيف إذا جئنا من كل أمة بشهيد و جئناك على هؤلاء شهيداً (نساء) (4)، (41) گواهی دادن آنان است.

9 - احضار شاهدانی چند در عرصه قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان، هنگام عرضه نامه اعمالشان

و الشهداء

«شهداء» جمع «شاهد» (گواه) است.

10 - تمامی رفتار و کردار انسان ها در دنیا، تحت نظارت گروهی شاهد و گواه قرار دارد.

و الشهداء

برداشت یاد شده به خاطر این مطلب است که لازمه گواهی شاهدان در قیامت، نظارت و حضور آنان در صحنه های اعمال بندگان در دنیا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 51 - 9

9 - وجود گواهان و شاهدان ، بر رفتار و کردار انسان ها در دنیا

یوم یقوم الأشهد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لازمه گواهی دادن بر هر چیزی، گواه و ناظر بودن بر آن از پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 2,4 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فرستاده الهی برای گواهی بر خلق و بشارت و انذار آنان

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

2 - گواه بودن بر اعمال خلق و تبشیر و انذار آنان ، از وظایف مهم پیامبر اسلام

ص: 32

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا مَبَشِّرًا وَنَذِيرًا

اهمیت وظایف یاد شده، از تخصیص یافتن به ذکر استفاده می شود.

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گواه و ناظر بر اعمال امت خویش در طول تاریخ

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا

در صورتی که مراد از «شاهداً» شهادت بر اعمال امت در قیامت باشد، از مطلق آمدن «شاهداً» گواهی و نظارت آن حضرت بر تمام اعمال امت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 17 - 2

2- فرشتگان ثبت کننده اعمال - علاوه بر علم محیط الهی - گواهی دیگر بر اعمال انسان \*

و نحن أقرب إليه من حبل الوريد . إذ يتلقى المتلقين

در آیه قبل، خداوند علم خویش را به عنوان ملاک محاسبه انسان ها معرفی فرمود و اکنون در این آیه دریافت های دو فرشته را، به عنوان گواهی دیگر بر اعمال آدمی یاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 6 - 9

9 - خداوند ، بر هر چیزی شاهد و گواه است .

والله على كل شيء شهيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 14 - 2

2- هر انسانی در عرصه قیامت ، خود شاهد و گواه بر محکومیت خویش خواهد بود .

بل الإنسن على نفسه بصيره

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «بصیره» صفت برای موصوف محذوفی (مانند «حجّه») باشد. در این صورت مفاد این آیه مانند آیه 24 از سوره «نور» است (یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا یعملون).

## 72- گواهان عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 15 - 1

1 - گواهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بر تمامی حرکات و رفتار های امت خویش در قیامت

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 3،4

3 - قیامت، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است.

ص: 33

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

4- سوگند خداوند، به گواهان اعمال انسان ها در قیامت

و شاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 9

9- اصحاب اخدود در قیامت، بر کردار خویش شهادت خواهند داد.

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات «و الیوم الموعود» و «و شاهد و مشهود» در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

### 73- گواهان عمل و ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 12

12- گواهان اعمال در قیامت، دوری ستمگران از رحمت الهی را به همگان اعلام می کنند.

ألا لعنه الله علی الظلمین

### 74- گواهان عهدشکنی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 8

8- گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

و الله یشهد إتهم لکذبون

### 75- گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 7

7 - پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

ص: 34



## 76- گواهان محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 21 - 3

3 - مقرّبان درگاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

يشهده المقربون

فعل «يشهده»، یا از «شهود» به معنای حضور است و یا از «شهاده» که ابن اثیر در نهاییه آن را «خبر دادن از مشاهدات خویش» معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن «مقرّبون» استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم - که در آن صورت «يشهده» به معنای «يشهده به» خواهد بود - صریح در نکته یاد شده است.

## 77- گواهان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 2

2- خداوند ، گواه و ناظری کافی میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

## 78- گواهان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 18

18 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواه بر اعمال مسلمانان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

در این که مراد از «شهید» و «شهداء» در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها «گواهی بر اعمال» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 4,5

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، گواه و ناظر بر اعمال امت خویش در طول تاریخ

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

در صورتی که مراد از «شاهدًا» شهادت بر اعمال امت در قیامت باشد، از مطلق آمدن «شاهدًا» گواهی و نظارت آن حضرت بر تمام اعمال امت استفاده می شود.

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حتی پس از رحلت خود، دارای آگاهی و قدرت نظارت بر عملکرد امت خویش

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

اگر منظور از «شاهدًا» شهادت بر اعمال همه امت در صحنه قیامت باشد، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا که شهادت بدون آگاهی و نظارت فاقد اعتبار است.

ص: 35

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 15 - 1

1 - گواهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بر تمامی حرکات و رفتار های امت خویش در قیامت

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ

### 79- گواهان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 2

2- خداوند، گواه و ناظری کافی میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان

كُفِيَ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

### 80- گواهان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 7

7- موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بيني وبينك . . . والله على ما نقول وكيل

### 81- گواهان نبوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 27، 5

5 - خداوند، بزرگترین گواه رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در برابر منکران است.

قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني وبينكم

با توجه به این حقیقت که نزاع بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان، نزاع شخصی نبوده، بلکه اختلاف بر سر درستی ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نزول وحی بر ایشان بوده است.

27 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم» و ذلك ان مشرکی أهل مکة قالوا: یا محمد ما وجد الله رسولا یرسله غیرک؟ ما نرى أحداً یصدقک بالذی تقول . . . فتأیننا من یشهد إنک رسول الله؟ قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «الله شهيد بينی و بینکم ...».

از امام باقر (ع) درباره آیه «قل أي شيء أكبر شهادة . . .» روایت شده است که مشرکان مکة به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) گفتند: خداوند رسولی غیر از تو نیافت که بفرستد؟ کسی را نمی بینیم درباره آنچه می گویی تو را تصدیق کند ... پس کسی که به رسالت تو گواهی دهد، برای ما می آوری؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند بین من و شما گواه است ...

ص: 36

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 4

4 - لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا... و كلمهم الموتى... ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 38 - 4

4 - قرآن، معجزه جاودان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم يقولون افتريه قل فأتوا بسوره مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 5

5 - خداوند خود گواهی دهنده به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و الهی بودن بعثت او

كفى بالله شهيداً بينى وبينكم

«بالله» فاعل برای «كفى» است و حرف «باء» در آن به اصطلاح زایده و دلالت بر تأکید انتساب فعل به فاعل دارد. قابل ذکر است که گواهی های خداوند بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار است و آن آیات گوناگون و متعددی است که در آنها تصریح شده که او فرستاده ای از ناحیه خداوند است. و چون قرآن معجزه است و الهی بودن آن برای حق جویان امری روشن می باشد، شهادت خداوند به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ثابت می شود و جمله «كفى بالله...» برهانی تام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 8

8 - احاطه علمی خداوند بر موجودات جهان، دلیل کفایت گواهی او برای حقانیت نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

قل كفى بالله بينى وبينكم شهيداً يعلم ما فى السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 7

7- گواهی آکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و الله يعلم انک لرسوله

## 82- گواهان نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 78 - 15

15- « عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزّوجلّ يقول : « وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً » یعنی صلاة الفجر تشهد ملائکه الليل و ملائکه النهار فإذا صلّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبت له مرتین اثبت ها ملائکه الليل و ملائکه النهار ;

ص: 37

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند - عزوجل - می فرماید: «و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً» مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز».

### 83- گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 8,10,14,15,22

8 - جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله «تحبسونهما» تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

10 - ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او اءاخرا من غیرکم . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تحبسونهما» ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - را مقید به سوگند کند.

14 - شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قری

ضمیر در «به» به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در «کان» به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

15 - شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فَيَقْسَمَانِ بِاللَّهِ . . . وَلَا تَنْكُتُمُ الشَّهَادَةَ اللَّهُ

22 - شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لَا تَشْتَرِي . . . وَلَا تَنْكُتُمُ الشَّهَادَةَ اللَّهُ إِنَّا إِذَا لَمْنَا الْأَثَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 4,5,6,7

4 - دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

ص: 38



فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول «استحق» کلمه «اثماً» می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و «اولیان» فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره «استحقاً اثماً» گفته شده «من الذین استحق ...» چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

5 - حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

«اولیان» صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

6 - شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان باللّه

7 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان باللّه لشهدتنا احق من شهدتهما

«احق» افعال تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله «فان عشر ...» دلالت بر این تفسیر دارد.

## 84- گواهان هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 7

7 - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فئه . . من دون الله

«من دون الله» استثنا از «من فئه» است؛ یعنی، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

## 85- گواهی گواهان وصیت

3- پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل «عُثر» نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

ص: 39

## 86- مسؤولیت گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 106 - 17،20

17 - شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی . . . إنا اذا لمن الاثمین

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

20 - اداء شهادت به درستی و راستی، تکلیفی الهی بر عهده شاهدان

و لانکنتم شهده الله

اضافه «شاهده» به «الله» می تواند به منظور رساندن این حقیقت باشد که شهادت حقی از حقوق الهی است و بندگان موظف به ادای آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 7

7 - گواهی شاهدان در امر طلاق زنان و یا رجوع همسران به آنان، باید برای خدا و خالصانه و به دور از چشمداشت مادی باشد.

و أقیموا الشهده لله

## 87- مسؤولیت گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 108 - 3

3 - پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است.

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . . . و اتقوا الله و اسمعوا

## 88- مشرکان و گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- کافران و مشرکان، با رو به روشن شدن با گواهی شاهدان علیه خود، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت «یوم لاینفع . . .» بدل برای «یوم یقوم الأشهاد» می باشد.

ص: 40

## 89- مقام گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 140 - 18

18 - منزلت والای گواهان بر حوادث تاریخی ( شکست ها و پیروزی های مسلمانان ) و بیانگران علل آن حوادث

و یتخذ منکم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل - که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است - چنین احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش پیروی شد و تقوای رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه کردند، شکست خوردند.

## 90- مقامات گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 11، 13

11 - مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامننا فاکتبنا مع الشهدین

13 - ایمان زمینه نیل به منزلت رفیع شاهدان

ءامننا فاکتبنا مع الشهدین

کلمه «فاء» در «فاکتبنا» رساننده برداشت فوق است.

## 91- مقامات گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 3 - 85 - 5

5 - گواهان صحنه قیامت ، دارای مقامی ارجمنداند .

## 92- نقش اخروی گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 13

13- گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

و يقول الأشهد . . . ألا لعنه الله على الظلمين

ص: 41

### 93- نقش گواهان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 7

7- وجود انسان های شایسته و متعالی در هر عصر و در میان هر گروه ، مایه اتمام حجت خداوند بر دیگران است .

و یوم نبعث فی کلّ أُمَّةٍ شَهِیدًا عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که منظور از شهادت و گواهی، شهادت و گواهی قولی نباشد؛ بلکه شهادت عملی باشد؛ یعنی، وجود صالحان خود وسیله ای قرار گیرد برای اتمام حجت بر دیگران و اینکه آنان نیز می توانستند صالح باشند.

### 94- نقش گواهان در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 1

1 - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است .

والذین یرمون المحصنات ثمّ لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلده

«جلد» (مصدر «اجلدوا») گاهی به معنای «زدن با تازیانه چرمی» و گاهی به معنای «بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن» می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که «رمی» (مصدر «یرمون») به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به «قذف» می شود.

### 95- نقش گواهان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 6

6- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت ، بر اساس حجت و گواه شاهدان است .

و یوم نبعث فی کلّ أُمَّةٍ شَهِیدًا عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 51 - 11

11 - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

ص: 42



## 96- نقش گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 21 - 4

4- محاسبه کردار بندگان و جزا دهی به آنان ، متکی بر شهادت گواهان

کلّ نفس معها سائق و شهید

## 97- نورانیت اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 10

10 - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم ... و نورهم

## 98- هشدار به گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 21

21- ضرورت توجه شاهدان ، به آگاهی و شهود خداوند بر هر آنچه به آن شهادت می دهند .

و لانکنتم شهده الله

## 99- همنشینی با گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 12، 9، 6

6 - پیروان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) ، از همنشینان بهشتی پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من يطع الله .. فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين ... و الصالحين

چون مصاحبت و همنشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش بهشت است.

9 - همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و . . . پاداشی برای پیروان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

12 - پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، رفیقان و همنشینانی نیکو برای پیروان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و من یطع الله و الرسول . . . و حسن اولئک رفیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 43

1 - معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، دارای فضیلتی کامل

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین . . . ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه «ذلک»، اشاره به معیت و رفاقت در آیه قبل باشد، و فضیلت کامل بر این مبناست که «الفضل» خبر برای «ذلک» باشد.

2 - معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، تفضلی الهی برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

فاولئک مع الذین . . . ذلك الفضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 71 - 5

5 - مجاهدان راه خدا ، همنشین با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم . . . یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم

### 100- همنشینی با گواهان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 1

1 - مصاحبت با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و من یطع الله و الرسول . . . و الصّالحین

«صدیق»، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی برآنند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

گواهان امتها

### 101- گواهان امتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- منزلت والای کسانی که در قیامت، بر اعمال امت ها گواهی می دهند .

فاکتبا مع الشاهدین

درخواست حواریون از خداوند به اینکه آنان را با گواهان قرار دهد، بیانگر آن است که آنان دارای مقامی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 117 - 11، 9

9- عیسی (ع)، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش، به هنگام حضور در میان آنان

ص: 44

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

11 - پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

گواهی

### 102- آثار ادای گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 5

5 - پاکدامنی ، رعایت امانت ، وفای به عهد ، ادای شهادت و مراقبت از نماز ، از موجبات ورود به بهشت

و الذین هم لفروجهم حفظون . . . و الذین هم لأمن-تهم و عهدهم رعون . و الذین هم بش

### 103- آثار تذکر گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 19

19 - توجه دادن به حضور و گواهی خداوند ، زمینه ساز رویکرد بیشتری به عمل به فرمان های او است .

و اتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیداً

ذکر «ان الله کان علی . . .» پس از بیان دستورهایی خاص ، می تواند مفید این نکته باشد که مخاطبان دستورها ، به حضور و گواهی خداوند

توجه پیدا کنند تا تشویق شوند و یا از ترس پیامد ناگوار ترک عمل ، به سمت عمل به آن دستور بروند.

### 104- آثار عقیده به گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 7

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از

مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلا أن يؤمنوا بالله العزيز . . . إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّـت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جَنَّة»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

ص: 45

## 105- آثار کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 26

26 - شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق ، مورد تهدید خدایند .

وإن تلوا أو تعرضوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترک شهادت حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 33 - 3

3 - خودداری از ادای شهادت و گواهی ، نشانه ضعف ایمان

و الذین هم بشهدتهم قائمون

## 106- آثار گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 10

10 - شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 7

7- گواهی شهود عینی ، طریقی معتبر برای اثبات مدعا

وسئل القریه . . . والعیب التي أقبلنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 61 - 4

4- گواهی دادن ، وسیله اثبات جرم در میان قوم ابراهیم

فأتوا به .. لعلّهم یشهدون

### 107- آثار گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 4

4- کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) خود آنها خواهد بود .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم .. یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

ص: 46



جمله «یومئذ یوفیهم الله» استتلاف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

### 108- آثار گواهی اخروی دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 4

4- کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) خود آنها خواهد بود.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

جمله «یومئذ یوفیهم الله» استتلاف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

### 109- آثار گواهی اخروی زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 4

4- کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) خود آنها خواهد بود.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

جمله «یومئذ یوفیهم الله» استتلاف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

### 110- آثار گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 4

4 - شهادت به حق و برای خدا، زمینه تأمین عدالت اجتماعی است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ

ظاهراً «شهداء لله»، که در حقیقت شهادت دادن به حق است، به عنوان راهی برای دستیابی به اقامه قسط معرفی شده است.

ص: 47

## 111- آداب گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 21

21 - ملاحظه فقر و غنای افراد در ادای شهادت ، هواپرستی است .

شهداء لله .. ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 106 - 21

21 - ضرورت توجه شاهدان ، به آگاهی و شهود خداوند بر هر آنچه به آن شهادت می دهند .

و لانکتُم شهده الله

## 112- اجتناب از گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 3

3 - بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

## 113- احکام گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 12

12 - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 -

21 - وجوب شاهد گرفتن دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان ، یک مرد و دوزن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

22 - بلوغ ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم

کلمه «رجل» (مرد) و «امراه» (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

24 - گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم . . . ممن ترضون من الشهداء

26 - جایگزینی دوزن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور تذکر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن

دیگری است .

فرجل و امراتان . . ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخری

27 - تذکرو یادآوری یکی از گواهان به دیگری ، در صورت فراموشی و لغزش ، فلسفه و حکمت تعدد گواهان \*

ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخری

چون جمله «ان تضلّ» در مقام تعلیل است، پس می توان به غیر مورد (گواهی زنان) گسترش داد.

28 - لزوم تذکر یکی از گواهان به دیگری ، در صورت فراموشی و لغزش وی

ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخری

29 - وجوب ادای شهادت بر گواهان به هنگام فراخوانی به شهادت

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه «اذا ما دعوا» دعوت برای ادای شهادت باشد؛ یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

30 - وجوب تحمّل شهادت بر مؤمنین ، به هنگام استشهاد از آنان

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه «اذا ما دعوا» دعوت برای تحمل شهادت باشد؛ یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

31 - عدم وجوب تحمّل و ادای شهادت ، ابتدائاً و بدون فراخوانی به آن ( داوطلبانه )

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

لزوم ادا و تحمّل شهادت را مشروط به دعوت بر آن کرده و مفهوم شرط این است که در صورت نبود دعوت، شاهد بودن و شهادت دادن واجب نیست.

32 - جواز احضار شهود برای ادای شهادت

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

44 - لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

واشهدوا اذا تبايعتم

47 - لزوم جبران خسارتهایی که بر کاتب و شاهد، از ناحیه کتابت و شهادت به وجود می آید .

ولا یضار کاتب ولا شهید

بنابراینکه «لا یضار» مجهول باشد، مقصود از ضرر، خسارتهای ناشی از شهادت و کتابت است یعنی نباید کاتب و شاهد در این میان متحمل ضرر و زیانی شوند که لازمه آن جبران خسارتهای ایشان است. مثل بیکاری، کرایه رفت و آمد و ... .

50 - جبران نکردن خسارتهایی که بر کاتب و شاهد از ناحیه کتابت و شهادت وارد می شود، موجب فسق و انحراف از حق

ولا یضار کاتب ولا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن «لا یضار»، مقصود از «ضرر»، ضررهای ناشی از «کتابت» است. یعنی اگر ضرری متوجه کاتب و شاهد گردید و خسارتهای ایشان را جبران ننمودید، از حق منحرف شده اید و فاسق گشته اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 10

10 - حرمت کتمان شهادت

ولا تکتبوا الشّهاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 10

ص: 49

10 - شهادت آدمی، علیه پدر، مادر و دیگر خویشاوندان، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است.

شهداء لله و لو على أنفسكم او الولدين و الاقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 4

4 - لزوم رعایت قسط و عدالت به هنگام ادای شهادت

كونوا قومين لله شهداء بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 8,9,10,17,20

8 - جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

جمله «تحبسونهما» تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

9 - شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

اوءاخران من غيركم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما ..» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منكم» و «ءاخران من غيركم» باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی «ءاخران من غيركم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

10 - ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منكم اوءاخران من غيركم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تحبسونهما» ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی - چه

مسلمان و چه غیر مسلمان - را مقید به سوگند کند.

17 - شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی . . . إنا اذا لمن الاثمین

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

20 - اداء شهادت به درستی و راستی، تکلیفی الهی بر عهده شاهدان

و لانکنتم شهده الله

اضافه «شاهده» به «الله» می تواند به منظور رساندن این حقیقت باشد که شهادت حقی از حقوق الهی است و بندگان موظف به ادای آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 4، 1

ص: 50



## 1 - شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عشر علی انهما استحقا ائماً فاخران یقومان مقامهما

عُثْر و عُثُور - مصدر عُثِرَ - به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و «استحقا» باب استفعال از «حق» می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از «استحقا» اراده شده است. بنابراین جمله «فان عشر ...» یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ... .

4 - دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول «استحق» کلمه «ائماً» می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و «اولیان» فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره «استحقا ائماً» گفته شده «من الذین استحق ...» چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 7

7 - تقوایشگی اجرا کنندگان احکام شهادت و تسلیم بودن آنان در برابر احکام الهی ایشان را به اثبات و ایفای حقوق مردم به طور صحیح می رساند .

واتقوا الله و اسمعوا

در برداشتهای گذشته مخاطبان «اتقوا و اسمعوا» شاهدان گرفته شده بود ولی احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مخاطبان در این دو فراز حاکمان و قاضیان که متصدیان اجرای احکام هستند، باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 4

4 - تصدیق کردن و همگام شدن با شهادت دهندگان نابحق، حرام است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذین کذبوا بآیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- گواهی شهود عینی ، طریقی معتبر برای اثبات مدعا

وسئل القریه . . . والعیر التي أقبلنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 12، 11، 7

7 - اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان ، در تمامی صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنات . . . ولاتقبلوا لهم شهده ابدأ

11 - شهادت و گواهی انسان فاسق ، در نظام قضایی اسلام هرگز پذیرفته نمی شود .

ولاتقبلوا لهم شهده ابدأ وأولئك هم الفسقون

ص: 51

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله «و أولئك هم الفاسقون» در مقام تعلیل و بیان فلسفه حکم پذیرفته نشدن شهادت نسبت دهندگان زنا باشد؛ یعنی، چون آنان فاسق اند، گواهیشان مورد قبول نیست. بنابراین گواهی هیچ فاسقی پذیرفتنی نخواهد بود.

12 - پذیرش شهادت شاهد، مشروط به عادل بودن او است .

والذین یرمون المحصنت .. و لاتقبلوا لهم شهده أبداً و أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 4

4 - شهادت و گواهی باطل و دروغ، ممنوع است .

و الذین لایشهدون الزور

### 114- اخلاص در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 7

7 - ادای شهادت، باید بر اساس حق، به خاطر خدا و تقرب به او باشد .

يأيها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء لله

حرف لام در «لله» برای غایت است و دلالت می کند که شهادت باید برای خدا باشد نه برای دستیابی به اغراض دنیوی.

### 115- اخلاص در گواهی طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 7

7 - گواهی شاهدان در امر طلاق زنان و یا رجوع همسران به آنان، باید برای خدا و خالصانه و به دور از چشمداشت مادی باشد .

و أقیموا الشهده لله

### 116- ادای گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

35 - ثبت دیون و مدت آن و ثبت حقوق - کم باشد و یا زیاد - ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذَلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ و اقوم للشَّهاده

38 - تأمین و گسترش عدالت ، تحکیم در ادا و اقامه شهادت و پیشگیری از بروز شک و بدبینی ، از جمله حکمت های لزوم

ص: 52

ثبت و تنظیم اسناد مبادلاتی

ذلکم اقسط عند اللّٰه . . و ادنی الا ترتابوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 106 - 8,16,20

8 - جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه

جمله «تحبسونهما» تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّٰه . . إنا اذا لمن الاثمین

20 - اداء شهادت به درستی و راستی ، تکلیفی الهی بر عهده شاهدان

و لانکتّم شهده اللّٰه

اضافه «شده» به «اللّٰه» می تواند به منظور رساندن این حقیقت باشد که شهادت حتی از حقوق الهی است و بندگان موظف به ادای آن هستند.

### 117- ادای گواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 33 - 1

1 - ادای شهادت و گواهی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم بشهدتهم قانمون

### 118- ارزش گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 12

12 - مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامننا فاکتبا مع الشهدین

ص: 53

## 119- اسلام در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 5,6

5 - نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در «به» به «مثل» بر می گردد از کلمه «ذوا» که تشبیه ذوا است مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از «منکم» مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

6 - اعتبار نظر و گواهی دو مرد مسلمان و عادل در تعیین موضوعات

یحکم به ذوا عدل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 2,4

2 - ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا ایها الذین ءامنوا شهده بینکم . . . حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

4 - شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . . . حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

## 120- اعتبار گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 9,10

9 - شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

و ءاخرا من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما . . .» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منکم» و «ءاخرا من غیرکم» باشد. و می تواند تنها ناظر به

طائفه دوم یعنی «و اءاخران من غيرکم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

10 - ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او اءاخران من غيرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تحبسونهما» ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدهی - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - را مقید به سوگند کند.

### 121- اعتماد به گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 13

ص: 54



13- ایمان به خداوند ، مقتضی اعتماد کامل بر وعده ها و گواهی او \*

و کفی باللّه شهیداً

خداوند، پس از وعده به پیروزی اسلام بر سایر ادیان، فرمود: «و کفی...». این جمله ممکن است بیانگر این باشد که اگر شما به مقام الوهیت ایمان دارید، لازمه آن، اعتماد به گواهی او است.

## 122- اولویت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 5

5 - حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

«اولیان» صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

## 123- اهمیت گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 15

15 - از امام کاظم (ع) روایت شده که فرمود: «... و ان سئلت عن الشهاده فاشهد بها، و هو قول اللّه عز و جل... و من أظلم ممن کتم شهاده عنده من اللّه...»؛

اگر از تو از شهادتی که [آن را تحمل کرده ای] سؤال شد، پس شهادت بده و این سخن خدای عز و جل است: و من أظلم ممن کتم شهاده عنده من اللّه...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 46

46 - لزوم حفظ و مصوئیت نویسنده و گواهان بر مبادلات از زیان

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

بنابراینکه «لا یضار» مجهول باشد و «کاتب» و «شهید» نایب فاعل.

#### **124- اهمیت گواهی به حق**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 55

8 - لزوم ادای شهادت به حق، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

«شهداء»، خبر دوم برای «کونوا» است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق - به قرینه «و لو علی أنفسکم» - کلمه «بالحق» گرفته شده است.

11 - لزوم شهادت به حق، بدون در نظر گرفتن فقر و غنای افراد

کونوا قومین بالقسط شهداء لله .. ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

14 - ترحم به فقیران و بیزاری از ثروتمندان و یا بی اعتنایی به فقیران و طمع به ثروتمندان، نباید مؤمنان را از شهادت به حق بازدارد.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله .. ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

شهادت درباره فقیر و ثروتمند چهار صورت دارد: یا شهادت علیه ثروتمند است به خاطر گرایش ضد استکباری، یا به نفع اوست به خاطر طمع یا ترس، یا علیه فقیر است به خاطر بی اعتنایی به او، و یا به نفع اوست به خاطر ترحم و گرایش به مستضعفان، خداوند دخالت دادن این موارد را در ادای شهادت ممنوع دانسته است.

20 - مقدم داشتن مصالح خویش، والدین و بستگان بر شهادت به حق، هواپرستی و عدالت شکنی است.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم .. فلا تتبعوا الهوی

## 125- اهمیت گواهی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 14

14- تنها مسلمانان دارای حق حضور و گواهی بر اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

از این که خداوند حضور مؤمنان را لازم دانسته است (من المؤمنین) نه عموم مردم را (من الناس)، به دست می آید که گواهان و حاضران صحنه اجرای حدود، باید از مسلمانان باشند نه از غیر آنان.

## 126- ایمان در گواهی

6 - اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان باللّٰه ان ارتبتم . . . لانکتّم شهده اللّٰه

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از «ءاخران من غیرکم» غیر مسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

ص: 56

## 127- بلوغ در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 22

22 - بلوغ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم

کلمه «رجل» (مرد) و «امرأه» (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

## 128- بی ارزشی گواهی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 7

7 - اتهام بی دلیل زنا (قذف) به زنان پاکدامن، موجب از میان رفتن همیشگی حق شهادت نسبت دهندگان، در تمامی صحنه های گواهی

والذین یرمون المحصنت .. ولا تقبلوا لهم شهده ابداً

## 129- بی اعتباری گواهی جعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 6

6 - اگر مدعیان تحریمهای بی اساس، گواه و شاهدی ساختگی نیز بر مدعای خود اقامه کنند، نباید مورد تصدیق قرار گیرند.

قل هلم .. فإن شهدوا فلا تشهد معهم

## 130- بی گواهی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 47 - 4

4 - مشرکان، از ارائه هرگونه شاهد عقلی و نقلی - چه از این جهان و چه از عالم غیب - بر راستی و درستی آیین شرک ناتوان اند.

أفنجعل المسلمین کالمجرمین . . . أم لکم کتب فیه تدرسون ... أم لهم شرکاء ... أم عن

از مجموع آیات مربوط به مشرکان - که به صورت پرسش و درخواست از آنان برای ارائه دلایل درستی آیین خویش مطرح شده است - برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 57

### 131- بی گواهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 47 - 4

4 - مشرکان ، از ارائه هر گونه شاهد عقلی و نقلی - چه از این جهان و چه از عالم غیب - بر راستی و درستی آیین شرک ناتوان اند .

أفجعل المسلمين كالمجرمين .. أم لكم كتب فيهِ تدرسون ... أم لهم شركاء ... أم عن

از مجموع آیات مربوط به مشرکان - که به صورت پرسش و درخواست از آنان برای ارائه دلایل درستی آیین خویش مطرح شده است - برداشت یاد شده به دست می آید.

### 132- تقرب در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 7

7 - ادای شهادت ، باید بر اساس حق ، به خاطر خدا و تقرب به او باشد .

يأيها الذين ءامنوا كونوا قومين بالقسط شهداء لله

حرف لام در «لله» برای غایت است و دلالت می کند که شهادت باید برای خدا باشد نه برای دستیابی به اغراض دنیوی.

### 133- حتمیت گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 11 - 2

2 - گواهی پیامبران در عرصه قیامت بر امت های خویش ، امری قطعی و تخلف ناپذیر است .

وإذا الرسل أقتت

### 134- حرمت تصدیق گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 4

4 - تصدیق کردن و همگام شدن با شهادت دهندگان نابحق، حرام است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

### 135- حرمت تغییر گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58



28 - کتمان شهادت و تغییر آن ، حرام و امری ناروا در ادیان الهی

لانشتری به ثمناً و لو کان ذاقربی و لانکتّم شهده اللّٰه اِنّا اذاً لمن الاثمین

جمله «انا اذاً ..» سخنی است که شاهدان غیر مسلمان نیز باید آن را در پایان سوگند خویش بیان دارند و در حقیقت اعتراف کنند که در صورت کتمان شهادت گنهکار هستند و این نشان می دهد که پیروان دیگر ادیان الهی نیز شهادت های دروغین را حرام و ناروا می دانند.

### 136- حرمت کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

28 - کتمان شهادت و تغییر آن ، حرام و امری ناروا در ادیان الهی

لانشتری به ثمناً و لو کان ذاقربی و لانکتّم شهده اللّٰه اِنّا اذاً لمن الاثمین

جمله «انا اذاً ..» سخنی است که شاهدان غیر مسلمان نیز باید آن را در پایان سوگند خویش بیان دارند و در حقیقت اعتراف کنند که در صورت کتمان شهادت گنهکار هستند و این نشان می دهد که پیروان دیگر ادیان الهی نیز شهادت های دروغین را حرام و ناروا می دانند.

### 137- خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحيات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان باللّٰه

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فيقسمان باللّٰه .. اِنّا اذاً لمن الاثمین

17 - شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی ، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو کان ذاقربی .. اِنّا اذاً لمن الاثمین

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

18 - مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشری به ثمناً و لو کان ذا قربی

23 - دستیابی به منافع شخصی و یا نفع رسانی به خویشان با خیانت و شهادت گناه است .

لانشری به ثمناً و لو کان ذا قربی . . . إنا اذا لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 59

9- شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فَيَقْسَمَانِ بِاللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است .

ذَلِكِ ادْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِنَا .. وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا

10 - خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا .. وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

### 138- درخواست گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةَ قِبَالًا

«قبیلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

### 139- درخواست گواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- کافران مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قَالُوا .. لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

«لو ما» مانند «هلا» و «لولا» برای تحضیض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 6

6- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تأتي بالله و الملائكة قبيلاً

«قبیلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

ص: 60

## 140- ذکر گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 17

17- یعقوب (ع) برای واداشتن فرزندانش به پابندی به سوگند و پیمانشان، آنان را متوجه نظارت و شهادت خدا کرد.

الله علی ما نقول وکیل

از جمله «الله...» در صورتی که آن را جمله ای خبری بدانیم، برداشت فوق استفاده می شود.

## 141- زلیخا و گواهی زنان اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 13

13- زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست.

قالت امرأت العزیز التّن حصحص الحق

«حصحصه» (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

## 142- زمینه گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 1,2,4

1 - قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان، ضمیمه قسم در موارد شک و... ) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

2 - توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران)، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در «یخافوا» و «ایمنهم» به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد ایمن «ترد ایمن» بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین

«او یخافوا ان ترد...» یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

4- رعایت تقوا و ترس از خدا، ضامن ادای شهادت به درستی و راستی است .

ان یأتوا بالشهده علی وجهها . . . و اتقوا الله

### **143- زمینه گواهی ناحق**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 61

22 - خودخواهی ، وابستگی فامیلی و ملاحظه فقر و غنای افراد ، ریشه بسیاری از بی عدالتی ها و شهادت های نابخق و تهدیدی برای عدالت اجتماعی است .

کنونا . . . شهداء لله و لو علی انفسکم او الولدین و الاقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 11

11 - پیروی از هواهای نفسانی زمینه ساز شهادت نابخق است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين كذبوا

#### 144- سوگند به گواهی گواهان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 6

6 - سوگند خداوند ، به مضمون گواهی شاهدان در قیامت

و مشهود

چنانچه شهادت به معنای گواهی دادن باشد؛ نه مشاهده و نظارت، کلمه «مشهود» نیاز به متعلق محذوفی خواهد داشت که می توان گفت: مراد «مشهود به» است.

#### 145- شرایط اعتبار گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 106 - 6

6 - اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان بالله ان ارتبتم . . . لانکتهم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از «ءاخران من غیرکم» غیر مسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

## 146- شرایط گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 7

7 - ادای شهادت ، باید بر اساس حق ، به خاطر خدا و تقرب به او باشد .

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ

حرف لام در «لله» برای غایت است و دلالت می کند که شهادت باید برای خدا باشد نه برای دستیابی به اغراض دنیوی.

ص: 62



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 166 - 9

9 - لزوم ادای شهادت بر اساس علم و آگاهی

و لكن الله يشهد ... أنزله بعلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 4

4 - لزوم رعایت قسط و عدالت به هنگام ادای شهادت

كونوا قومين لله شهداء بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 12

12 - پذیرش شهادت شاهد ، مشروط به عادل بودن او است .

والذين يرمون المحصنت ... ولا تقبلوا لهم شهده أبداً وأولئك هم الفسقون

### 147- شرایط گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 1

1 - قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ... ) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلك ادنى ان يأتوا بالشهده على وجهها

### 148- شگفتی گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 3

3- گواهی پوست بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت ، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

وقالوا لجلودهم لِمَ شهدتم علينا

استفهام در «لِمَ شهدتم» می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

### 149- صحت گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 63

3 - پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عشر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل «عُثر» نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

### 150- عدالت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 23، 5، 6، 4

4 - لزوم رعایت قسط و عدالت به هنگام ادای شهادت

کونوا قومین لله شهداء بالقسط

5 - شهادت به قسط ، در گرو عادت آدمی به انجام اعمال برای خداوند است .

کونوا قومین لله شهداء بالقسط

تقدیم ذکری «قومین» بر «شهداء» اشاره به این حقیقت دارد که شهادت به قسط، متفرع بر قیام لله است.

6 - شهادت به قسط و تلاش در جهت برپایی عدالت ، باید برای جلب رضایت خداوند باشد . \*

کونوا قومین لله شهداء بالقسط

در برداشت فوق کلمه «لله» برای «شهداء»، به قرینه «قومین لله»، در تقدیر گرفته شده است.

23 - اعتقاد به آگاهی خدا از اعمال انسان ، زمینه قیام برای خدا ، شهادت به قسط ، اجرای عدالت و تحصیل تقواست .

کونوا قومین لله شهداء بالقسط . . . و اتقوا الله إن الله خبير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 9 - 4

4 - قیام برای خدا ، شهادت به قسط و اجرای عدالت ، از مصادیق عمل صالح

كونوا قومين لله شهداء بالقسط . . . وعملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 95 - 5,6

5 - نظر و گواهي دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخيص همساني صيد با جريره و كفاره آن

يحكم به ذوا عدل منكم

ضمير در «به» به «مثل» بر مي گردد از كلمه «ذوا» كه تثنيه ذواست مرد بودن و دو نفر بودن به دست مي آيد و از «منكم» مسلمان بودن آنها معلوم مي شود.

6 - اعتبار نظر و گواهي دو مرد مسلمان و عادل در تعيين موضوعات

يحكم به ذوا عدل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 64

2 - ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا یها الذین ءامنوا شهده بینکم . . . حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

4 - شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . . . حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان باللّه . . . ما اعتدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . . ) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - انسان باید به هنگام سخن گفتن (شهادت دادن، داوری کردن و . . .) به عدالت سخن گوید.

و إذا قلمت فاعدلوا

جمله «و لو کان ذاقربی» می تواند بیانگر این باشد که مراد از سخن در اینجا سخنی است که زمینه نفع و ضرر را برای خود و یا دیگران در بر داشته باشد؛ مانند شهادت، داوری و . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - پذیرش شهادت شاهد ، مشروط به عادل بودن او است .

والذین یرمون المحصنت .. و لا تقبلوا لهم شهده أبداً و أولئک هم الفسقون

### 151- علم در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 166 - 9

9 - لزوم ادای شهادت بر اساس علم و آگاهی

و لکن اللّٰه یشهد .. أنزله بعلمه

ص: 65

## 152- غفلت از گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 2

2 - غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصیت

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

## 153- فضیلت ادای گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 33 - 2

2 - ادای شهادت و گواهی ، اقدامی شایسته و بایسته

و الذین هم بشهدتهم قائمون

## 154- فضیلت گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 7

7 - پیامبری ، صدیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ \*

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین . . . و الصّالحین

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در «انعم الله علیهم»، همان مقام نبوت و . . . باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 70 - 4

4 - نبوت ، صداقت کامل ، گواه بودن بر اعمال بندگان و صالح شدن ، تفضل خاص الهی

فاولئک . . . ذلک الفضل من الله

## 155- فلسفه گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 10

10 - خداوند در قیامت - با وجود آگاهی بر اعمال - گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

كان الله بهم عليماً .. فكيف اذا جئنا ... و جئنا بك على هؤلاء شهيداً

ص: 66



## 156- فهم گواهی تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 7

7- برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن كان على بينة من ربه... ومن قبله كتب موسى

## 157- قبول گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 11

11- شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و یوم نبعث من کلّ أمة شهیداً ثم لا یؤذن للذین کفروا

## 158- کافران صدر اسلام و گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 7

7- کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

## 159- کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 12

12 - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- زنان مطلقه نباید به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند.

ولا يحلّ لهنّ ان يكتمن ما خلق الله في ارحامهنّ

کلمه «ما خلق» دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد؛ همانند جنین، حیض و طهر.

ص: 67

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 10،11،12،14،17

10 - حرمت کتمان شهادت

و لا تکتّموا الشّهاده

11 - قلب های گناهکار ، سرچشمه ای برای کتمان شهادت

و من یکتّمها فانه اثم قلبه

12 - کتمان شهادت ، گناهی است قلبی .

و من یکتّمها فانه اثم قلبه

14 - هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و کتمان کنندگان شهادت

فلیؤدّ الذی اوّتمن امانته . . . و لا تکتّموا الشّهاده ... و الله بما تعملون علیم

17 - کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتّموا الشّهاده و من یکتّمها فانه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره «فانه اثم قلبه» فرمود: کافر قلبه

---

من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 35، ح 5؛ نورالثقلین، ج 1، ص 301، ح 1207.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 25

25 - خداوند آگاه به شهادت های دروغ و نابحق مردم و دانا به کتمان شهادت ، از سوی آنان

وإن تلوأ او تعرضوا فإنّ الله کان بما تعملون خبیراً

«تلوا» از «لوی لسانه» (زبانش را منحرف کرد) گرفته شده و متعلق آن - به قرینه «شهداء لله» - شهادت می باشد و انحراف زبان، کنایه از دروغ گفتن است.

## 160- کفایت گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 6

6- گواهی خداوند بر هر امری در اثبات آن کافی و تمام است .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 2

2- خداوند ، گواه و ناظری کافی میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 68

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف بود که کفایت گواهی خداوند را میان او و معجزه خواهان کافر ابلاغ کند.

قل کفی باللّه بینی و بینکم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 10

10 - خداوند، شاهدی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل... کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

### 161- کفایت گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 11

11 - شهادت و گواهی عالمان به قرآن، بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اثبات آن کافی و تمام است.

کفی باللّه... و من عنده علم الکتب

«من عنده...» عطف بر «الله» است و در حقیقت فاعل برای «کفی» می باشد؛ یعنی: «کفی بمن عنده علم الکتب شهیداً».

### 162- کیفر گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 26

26 - شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق، مورد تهدید خدایند.

وإن تلوأ او تعرضوا فإنّ اللّهُ کان بما تعملون خبیراً

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترک شهادت حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

### 163- کیفیت گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 14، 15، 16

14 - شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان باللّه ان ارتبتم لانشتری به ثمناً ولو کان ذا قریبی

ضمیر در «به» به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در «کان» به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام

ص: 69

شده باز می گردد.

15 - شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان بالله .. و لانکتّم شهده الله

16 - شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 6,7,8,9

6 - شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

7 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان بالله لشهدتنا احق من شهدتهما

«احق» افعال تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله «فان عثر ...» دلالت بر این تفسیر دارد.

8 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان بالله .. ما اعتدینا

9 - شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله إنا اذاً لمن الظلمین

### 164- گناه خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 106 - 27

27 - خیانت در شهادت ، گناه است .

لانشتری به ثمناً .. إنا اذا لمن الاثمين

### 165- گناه کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 24

24 - شاهدان رسمی در صورت کتمان شهادت از زمره گنهکارانند .

و لانکنتم شهده الله إنا اذا لمن الاثمين

ص: 70



## 166- گناه گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 21, 22

21 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) خطيباً . فقال : يا أيها الناس عدلت شهادة الزور إشراكاً بالله ثلاثاً ، ثم قرأ : « فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور » ؛

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) ضمن خطبه ای سه دفعه فرمود: ای مردم! شهادت زور (دروغ)، معادل شرک به خدا است. سپس آیه «فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور» را قرائت فرمود.

22 - « دخل عمرو بن عبيد على الصادق (ع) . . . وقال : أحب أن أعرف الكبائر من كتاب الله فقال : . . . إن الكبائر . . . وقول الزور » و اجتنبوا قول الزور « . . . ؛

عمرو بن عبید بر امام صادق (ع) وارد شد. . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب الله بشناسم. آن حضرت فرمود: ... [از جمله] گناهان کبیره... قول زور است؛ [چون در کتاب الله آمده است: «واجتنبوا قول الزور»...].

## 167- گناه گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 2

2 - شهادت به ناحق و قسم دروغ ، گناه است .

فان عشر على انهما استحقا اثماً

مراد از «اثماً» - به قرینه «انا اذا لمن الاثمين» - شهادتهای دروغین است.

## 168- گواهی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 12

12- حضرت ابراهیم (ع) بر صحت عقاید توحیدی خویش گواهی داد و خود را به آثار و پیامد های این عقیده ، ملتزم و متعهد دانست .

وأنأ على ذلكم من الشهدین

## 169- گواهی اخروی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 9

9- اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

ص: 71

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات «و الیوم الموعود» و «و شاهد و مشهود» در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

### 170- گواهی اخروی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 9

9 - تهدید شدن سازندگان «افک» به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الذِّينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ ... بِمَا كَانُوا یَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای «افک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 13

13 - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ .. یَوْمَئِذٍ یُوقَّهِمُ اللَّهُ دَیْنَهُمُ الْحَقَّ وَ یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ ه

جمله «و یعلمون ..» عطف بر «یوقیهم» است و مقصود از «یومئذ» - به قرینه آیه قبل (یوم تشهد ...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا .. و هو خلقکم أوّل مرّة و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم ..» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

### 171- گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 14، 7

7 - حضور پیامبران در قیامت برای گواهی دادن بر اعمال بندگان ، هنگام عرضه اعمالشان

و جایء بالنبیین

مقصود از آوردن پیامبران در قیامت هنگام عرضه نامه اعمال بندگان - به قرینه آیه «فکیف إذا جننا من کلّ أمّه بشهید و جنّابک علی هؤلاء شهیداً (نساء(4)، 41) گواهی دادن آنان است.

ص: 72

14 - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 11 - 1

1 - قیامت ، وقت تعیین شده برای حضور پیامبران جهت گواهی بر امت های خویش

و إذا الرسل أقتت

مقصود و مفاد این آیه - برابر نظر بیشتر مفسران - فرارسیدن زمان وعده الهی مبنی بر گواهی پیامبران بر امت های خویش در عرصه قیامت است؛ مانند «فلنستلنّ الذین أرسل إلیهم ولنستلنّ المرسلین» (اعراف، آیه 6).

### 172- گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 1,2

1 - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

2 - اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 65 - 3

3 - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون

### 173- گواهی اخروی پای قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- شهادت و گواهی زبان، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن، نجیب و مؤمن، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ . . . يَوْمَ تُشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ . . . بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ص: 73

## 174- گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 20 - 3

3- گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله . . . شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 2

2- گلایه دشمنان خدا ، در قیامت ، از پوست بدن خود به خاطر شهادت علیه ایشان

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علينا

«لِمَ» مرکب از لام علت و مای استفهامیه است. استفهام در «لِمَ شهدتم» می تواند توییخی باشد که در این صورت حاکی از اعتراض، گلایه و سرزنش است.

## 175- گواهی اخروی چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 8

8- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مستولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 20 - 3

3- گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله . . . شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

## 176- گواهی اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 29 - 5

5- گواهی خداوند در قیامت ، گواهی کامل و بی نیاز کننده از گواهی دیگران است .

فكفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغٰفِلِيْنَ

ص: 74



## 177- گواهی اخروی دست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 1,2

1 - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

2 - اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 65 - 3

3 - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون

## 178- گواهی اخروی دست قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 3

3 - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إنّ الذین یرمون المحصنات . . . یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . بما كانوا یعملون

## 179- گواهی اخروی زبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 1,2

1 - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

2 - اعضا و جوارح ( زبان ، دست و پای ) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . . . بما کانوا یعملون

### **180- گواهی اخروی زبان قاذف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 75

3- شهادت و گواهی زبان ، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

### 181- گواهی اخروی علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 37 - 7

7- صحنه های شهادت علیه کافران در قیامت ، منظره هایی دشوار و هلاکت آفرین خواهد بود .

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

«مشهد» ممکن است اسم مکان به معنای محل شهادت باشد. حرف «مِنْ» دلالت دارد که همان مکان شهادت منشأ «ویل» برای کافران است، بنابراین باید گفت صحنه های شهادت علیه آنها، مرگ آفرین و عذاب ساز است، به گونه ای که اگر در قیامت مرگ کسی امکان پذیر بود، آنان جز هلاکت و ویل سرنوشتی نداشتند.

### 182- گواهی اخروی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 8

8- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

### 183- گواهی اخروی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 8

8- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 20 - 3

ص: 76

3- گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله . . . شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

### 184- گواهی اخروی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 6

6- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شاهد و ناظر بر تمامی امت ها در قیامت \*

و تری کلّ أمّه جائیه

برداشت بالا بدان احتمال است که خطاب «تری» اختصاص به شخص پیامبر(صلی الله علیه و آله) داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 15 - 1

1- گواهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بر تمامی حرکات و رفتار های امت خویش در قیامت

إنا أرسلنا إليك رسولا شهدا عليكم

### 185- گواهی اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 41 - 6

6- گواهی ملائکه در قیامت ، به این که مشرکان جن پرست بوده اند .

و یوم یحشرهم . . . يقول للملائکه . . . قالوا . . . بل كانوا یعبدون الجنّ

### 186- گواهی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 10

10 - اصحاب اخدود ، در ماجرای سوزندان مؤمنان ، مراقب و گواه کار یکدیگر بودند . \*

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

شاهد بودن اصحاب «اخذود» ممکن است به این منظور باشد که هر یک، بر انجام صحیح مأموریت دیگری نظارت داشته و نزد حاکمان به آن گواهی دهد.

ص: 77

## 187- گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 10

10 - «عن أبي جعفر (ع) : . . . قال الله عزّوجلّ : . . . يوم تشهد عليهم ألسنتهم وأيديهم وأرجلهم بما كانوا يعملون» وليست تشهد الجوارح على مؤمن ، إنّما تشهد على من حَقَّت عليه كلمة العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است:.. خدای - عزوجل - فرمود: «یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون» [و توضیح آن که: این گونه نیست که جوارح علیه مؤمنی شهادت بدهد؛ همانا شهادت جوارح علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 1

1 - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

«أن یشهد» به تقدیر «مخافه» (برای ترس) است. بنابراین مفاد «ما کنتم...» این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید؛ زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

## 188- گواهی امت وسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 29

29 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود : « یدعی نوح یوم القیامه فیقال له : هل بلغت ؟ فیقول : نعم ، فیدعی قومه فیقال لهم هل بلغکم ؟ فیقولون : ما اتانا من نذیر و ما اتانا من أحد ، فیقال لنوح : من یشهد لک ؟ فیقول : محمد (صلی الله علیه و آله) و أمته ، فذلک قوله : « و کذلک جعلناکم أمه وسطاً » قال : و الوسط العدل فتدعون فتشهدون له بالبلاغ . . . ;

روز قیامت نوح(ع) دعوت به حضور می شود و به او گفته می شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ می گوید: آری پیش قومش دعوت می شوند و از آنان سؤال می شود: آیا به شما [رسالتش] را ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: ما را بیم دهنده ای نیامد. پس به نوح گفته می شود: چه کسی به نفع تو شهادت می دهد؟ پس وی می گوید: محمد(صلی الله علیه و آله) و امتش؛ و این است سخن خداوند: شما را امت وسط قرار دادیم. رسول خدا فرمود: مراد از وسط، عدل است. پس شما (مسلمانان) دعوت می شوید و به نفع او شهادت به ابلاغ رسالت می دهید ...».

## 189- گواهی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 1

1 - هر امتی گواه و ناظری بر اعمال خویش به همراه دارد .

فکیف اذا جننا من کل امه بشهید

ص: 78



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 16

16 - انبیا و اوصیا ، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو والملئكه و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): .. اما قوله «و اولوا العلم قائماً بالقسط» فان اولى العلم الانبياء و الاوصياء ... .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 165، ح 18؛ نورالثقلین، ج 1، ص 323، ح 66.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 23

23 - اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز \*

و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 53 - 7

7 - حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره - در دنیا و آخرت - ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاكتبنا مع الشاهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 81 - 19، 20

19 - خداوند و انبیا ، گواهان بر میثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معكم من الشاهدين

20 - به گواه گرفتن انبیا بر حقیقت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند ، و گواهی خداوند همراه آنان بر این حقیقت

ثم جاءكم رسول . . . قال فاشهدوا وانا معكم من الشاهدين

بنابراینکه مراد از «رسول»، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 3

3 - پیامبران ، گواهان امت های خویش

فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

برداشت فوق را فرمایش علی (ع) تأیید می کند که در ضمن بیان مواطن محشر فرمود: . . . فيقوم الرسل (ع) فيشهدون في هذه المواطن  
فذلک قوله: «فیکف اذا جئنا من کل امه بشهید».

---

توحید صدوق، ص 261، ج 5، ب 36؛ نورالثقلین، ج 1، ص 481، ح 254.

ص: 79

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 7

7 - پیامبران ، شاهدان محکمه الهی در قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 20

20 - حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی \*

يحکم بها النبيون . . . بما استحفظوا من كتب الله و كانوا عليه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در «استحفظوا» به «النبيون» نیز برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 117 - 11

11 - پیامبران به هنگام حضور در میان امت های خویش ، گواه و ناظر بر اعمال و عقاید آنان

و كنت عليهم شهيداً مادمت فيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 6

6 - رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان \*

إنا أرسلناك شهيداً

«شاهداً» ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل «أرسلناک» استفاده می شود.

### 191- گواهی انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مؤمن انطاکیه ( حبیب نجار ) ، پیامبران آن دیار را بر ایمان استوارش به خدای یکتا ، به گواهی گرفت .

إتی ءامنت بر بکم فاسمعون

خطابِ «فاسمعون» - بر مبنای این که مخاطبان آن پیامبران باشند - به این منظور ایراد شده است تا پیامبران انطاکیه را بر ایمان آوردن خود به پروردگار شاهد بگیرد.

### 192- گواهی انبیای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 46 - 9

ص: 80

9- گواهی تمامی پیامبران یهود بر حقانیت تورات

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیہ من التوریه

توصیف عیسی (ع) به تصدیق کننده تورات، پس از بیان پیروی آن حضرت از پیامبران یهود، بیانگر آن است که آنان نیز مصدق تورات بوده اند.

### 193- گواهی انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 46 - 12، 13

12 - گواهی و تأیید انجیل بر راستی و درستی تورات موجود در عصر عیسی (ع)

و ءاتینہ الانجیل . . . مصدقاً لما بین یدیہ من التوریه

13 - وجود انجیل ، گواہ بر راستی و درستی تورات

و ءاتینہ الانجیل . . . و مصدقاً لما بین یدیہ من التوریه

### 194- گواهی اوصیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 16

16 - انبیا و اوصیا ، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد اللہ انه لا اله الا هو و الملئکة و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): . . . اما قوله «و اولوا العلم قائماً بالقسط» فان اولی العلم الانبیاء و الاوصیاء . . .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 165، ح 18؛ نورالثقلین، ج 1، ص 323، ح 66.

### 195- گواهی ائمه (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

28 - از امام صادق (ع) درباره سخن خدای تبارک و تعالی که می فرماید: « و کذلک جعلناکم أمة وسطاً لتكونوا شهداء علی الناس »  
روایت شده که فرمود: « نحن الشهداء علی الناس بما عندهم من الحلال و الحرام و ماضیعوأ منه ;

ما (ائمه) شاهد حلال و حرام و آنچه مردم از آن ضایع می کنند، هستیم».

ص: 81

## 196- گواهی بر پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 49 - 13، 9

9- شهادت بر پاکی و پیراستگی انسان از ناپاکی ها ، از شئون خداوند است .

بل الله یزگی من یشاء

بنابر اینکه «یزگی» از «تزکیه» به معنای پاک دانستن و نسبت طهارت دادن باشد.

13 - شهادت خدا بر پاکی و طهارت انسان و نیز ملاک های تعیین شده از سوی او برای پیراستگی ، گزاف و بدون دلیل نیست .

بل الله یزگی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

## 197- گواهی بر حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 12

12 - مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامننا فاكتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 158 - 3، 4

3 - آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شریطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

4 - ظهور خداوند برای تصدیق قرآن و بیان پیامهای خویش به طور مستقیم، ناممکن است.

هل ینظرون إلا أن .. یأتی ربک

«إیتیان» در جمله «یأتی ربک» به معنای ظاهر شدن و آشکار گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 7

7- برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ، به خوبی درمی یابند .

أفمن كان علی بیّنه من ربه. . .ومن قبله كتب موسى

**198- گواهی بر حقانیت محمد (صلی الله علیه و آله)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 82



12 - مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامننا فاکتبتنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 16، 7

7 - گواه طلبی مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تأیید رسالت آن حضرت\*

قل ای شیء أكبر شهده قل الله شهید بینی و بینکم

16 - قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل الله شهید بینی و بینکم و أوحی الیّ هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 5

5 - اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما كانوا لیؤمنوا

«قبلا» در این برداشت جمع «قبیل»، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. «و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی». (قاموس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 6

6- مشرکان مکه، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو تأتي بالله و الملائکه قبلاً

«قبیلاً» به معنای «مقابله» (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

2- شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

3- لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

### 200- گواهی بر ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 5

5- خداوند پس از شناساندن خود به انسان ها از آنان خواست تا بر ربوبیت خدا و عبودیت خویش گواه باشند .

و أشهدهم علی أنفسهم ألتست بربکم

### 201- گواهی بر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 5، 4

4 - پذیرش نسبت زنا به زنان پاکدامن در گرو ارائه چهار شاهد مرد از سوی شخص نسبت دهنده است .

و الذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

«شهداء» جمع «شاهد» است و «شاهد» مفرد مذکر می باشد. بنابراین «أربعة شهداء» به معنای چهار مرد ناظر می باشد. گفتنی است ذکر «أربعة» با تائید نیز شاهد بر مطلب فوق است؛ زیرا اعداد از سه تا ده در زبان عرب، در مذکر با تائید و در مؤنث بدون «تاء» به کار می رود.

5- اثبات زنا ، در گرو شهادت چهار مرد ناظر بر آن کردار ناپسند است .

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که محکومیت به کیفر «قذف»، در صورتی است که چهار شاهد مرد ارائه نشود. بنابراین اگر چهار مرد شهادت بدهد، زنا ثابت خواهد شد.

### 202- گواهی بر عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- گواهی خداوند، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

ص: 84

### 203- گواهی بر عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 3

3- زلیخا نزد زنان اشراف، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد.

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین «فاستعصم»؛ یعنی، یوسف (ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

### 204- گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 -

2,4,5,6,7,8,9,10,13,19

2 - ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یایها الذین ءامنوا شهده بینکم . . . حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

4 - شهادت دو مرد مسلمان عادل، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . . . حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

5 - شهادت دو مرد غیر مسلمان، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند.

و ءاخران من غیرکم ان اتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

6 - اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان بالله ان ارتبتم . . . لانکتهم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از «ءاخران من غیرکم» غیر مسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

7- مرگ، مصیبت و حادثه ای سخت و ناگوار.

مصیبه الموت

8- جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله «تحبسونهما» تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

9- شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

و اءاخرا من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما . . .» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منکم» و «ءاخرا من غیرکم» باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی «و اءاخرا من غیرکم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

ص: 85

10 - ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم و اءاخرا من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تحبسونهما» ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - را مقید به سوگند کند.

13 - سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فیقسمان باللّه

19 - شهادت بر وصیت امری بس عظیم

و لانکتّم شهده اللّه

مراد از «شده اللّه»، شهادت بر وصیت است یعنی شاهدان بر وصیت در حقیقت شهادت الهی را بر دوش دارند و این حکایت از اهمیت والای شهادت بر وصیت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 2

2 - توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت ( نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران ) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در «یخافوا» و «ایمنهم» به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین «ترد ایمن» بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین «او یخافوا ان ترد...» یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

## 205- گواهی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 2,3,4

2- شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لایوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

3- لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

ص: 86



## 206- گواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 3

3 - بندگان خالص خدا، هرگز به باطل و دروغ، شهادت و گواهی نمی دهند.

و الذین لایشهدون الزور

## 207- گواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 84 - 5

5 - بنی اسرائیل به عهدهایی که خداوند با آنان داشت معترف بوده، بر آن گواهی می دهند.

و إذ أخذنا ميثقكم . . . ثم أفررتم و أنتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 10 - 3

3- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن كان من عند الله و كفرتم به و شهد شهد من بنی إسرائيل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را - که آگاه به تورات و مفاد آن بود - گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

## 208- گواهی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 5

5- عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوی خویش (من یوسفم) دانست.

قال أنا یوسف و هذا أخي

جمله «هذا أخي» می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای «قد منّ الله» باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

ص: 87

## 209- گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 18، 1

1 - مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ

«قَوّام» صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و «قسط» به معنای عدل و حق است.

18 - قیام برای خدا ، شهادت به حق و برپا داشتن قسط ، نشانه و جلوه ای از تقوا

كُونُوا قَوْمِينَ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ . . . وَ اتَّقُوا اللّٰهَ

## 210- گواهی تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 5

5- تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و يتلوه . . . من قبله كتب موسى

«کتاب» عطف بر «شاهد» است و ضمیر در «قبله» به شاهد بر می گردد.

## 211- گواهی جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 1

1- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال كذلك

«کذلک» خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س) باشد، در این

مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 3، 1

1 - گواهی خداوند برپادارنده قسط و عدل ، بر اینکه معبودی جز او نیست .

شهد الله انه لا اله الا هو .. قائماً بالقسط

«قائماً بالقسط»، حال است برای «الله».

ص: 88

3 - خدا، ملائکه و عالمان، گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو والملئکه و اولوا العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 81 - 19

19 - خداوند و انبیا، گواهان بر میثاق الهی در مورد ایمان آوردن به انبیا و یاری کردن آنان

و انا معکم من الشاهدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 98 - 6

6 - خداوند، گواه اعمال انسانها

و الله شهيد على ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 33 - 12

12 - خداوند، گواه بر همه عهد ها و پیمان ها و اعمال انسان

و الذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شىء شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 49 - 13، 14

13 - شهادت خدا بر پاکی و طهارت انسان و نیز ملاک های تعیین شده از سوی او برای پیراستگی، گزاف و بدون دلیل نیست .

بل الله يزگی من يشاء و لا يظلمون فتیلا

14 - شهادت خدا بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه، هرگز ستمی به آنها نیست .

الم تر... بل الله يزگی من يشاء و لا يظلمون فتیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - خداوند، گواهی کافی برای رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ارسلناک للناس رسولاً و کفی باللّٰه شهیداً

9 - خداوند، گواهی کافی برای حقایق معارف ارائه شده در قرآن

ما اصابک من حسنه فمن اللّٰه و ما اصابک من سيئه فمن نفسک . . . و کفی باللّٰه شهیداً

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق «شهیداً»، معارفی باشد که در این بخش از آیات تبیین گردید.

10 - خداوند، گواهی کافی بر روابط و عملکرد متقابل پیامبران و مردم

و ارسلناک للناس رسولاً و کفی باللّٰه شهیداً

«ارسلناک للناس رسولاً»، بیانگر دو معناست: یکی بیان وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، یعنی ابلاغ رسالت، و دیگری بیان وظیفه مردم، یعنی پذیرش رسالت او. و «کفی باللّٰه شهیداً»، می تواند ناظر به چگونگی عملکرد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در انجام وظیفه و عملکرد

مردم در پذیرش رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 166 - 1,5,7,12,13

1 - خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك .. و الملكة يشهدون

در برداشت فوق جمله «و الملكة يشهدون» عطف بر «الله يشهد» گرفته شده است و در نتیجه متعلق «یشهدون» نیز «بما انزل الیک» خواهد بود.

5 - تجلی علم الهی در قرآن ، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

جمله «انزله بعلمه» می تواند تفسیری برای «یشهد» باشد یعنی نزول قرآن که مظهري از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

7 - گواهی خداوند به حقانیت قرآن برخاسته از علم و آگاهی او نسبت به آن

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

12 - شهادت خداوند بر اثبات و نفی امور ، شهادتی کافی و تمام

و كفى بالله شهيداً

13 - شهادت خداوند برای اثبات حقانیت قرآن کافی است .

لكن الله يشهد بما أنزل .. و كفى بالله شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 21

21 - ضرورت توجه شاهدان ، به آگاهی و شهود خداوند بر هر آنچه به آن شهادت می دهند .

و لانکتُم شهده الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 8

8 - حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ او حیت . . . و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 117 - 15

15 - خداوند ، گواه و ناظر بر همه پدیده ها

و انت علی کل شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 3

3 - خداوند ، گواه بر راستگویی عیسی (ع) در انجام رسالت های الهی خویش و اظهار برائت از ادعای الوهیت

ص: 90



قال الله هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم

از مصادیق مورد نظر برای «صدقهم» سخنان نقل شده از عیسی (ع) در آیات پیشین است که ابلاغ توحید و یکتاپرستی، نفی ادعای الوهیت برای خویش و مادرش مریم (ع) و نداشتن هیچ نقشی در گرایش امت به شرک از جمله آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 27، 20، 16، 9، 5، 2

2 - خداوند، بزرگترین و ارجمندترین گواه بر هر چیز

قل أي شيء أكبر شهده قل الله

5 - خداوند، بزرگترین گواه رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در برابر منکران است.

قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني وبينكم

با توجه به این حقیقت که نزاع بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان، نزاع شخصی نبوده، بلکه اختلاف بر سر درستی ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نزول وحی بر ایشان بوده است.

9 - خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

ولا تكونن من المشركين . . . قل أي شيء أكبر شهده قل الله شهيد بيني وبينكم

16 - قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل الله شهيد بيني وبينكم وأوحى إليّ هذا القرآن

20 - شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أنتم لتشهدون أن مع الله الهة أخرى

همزه استفهام در «أنتم» دال بر شگفتی است.

27 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم» و ذلك ان مشركي أهل مكة قالوا: يا محمد ما وجد الله رسولا يرسله غيرك؟ ما نرى أحداً يصدقك بالذي تقول . . . فتأتينا من يشهد إنك رسول الله؟ قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «الله شهيد بيني وبينكم ...».

از امام باقر (ع) درباره آیه «قل أي شيء أكبر شهادة . . .» روایت شده است که مشرکان مکه به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) گفتند: خداوند رسولی غیر از تو نیافت که بفرستد؟ کسی را نمی بینیم درباره آنچه می گویی تو را تصدیق کند ... پس کسی که به رسالت تو گواهی

دهد، برای ما می آوری؟ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند بین من و شما گواه است ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 20 - 3

3 - کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر(صلی الله علیه و آله)

قل أي شيء أكبر شهده قل الله .. الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر(صلی الله علیه و آله) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شهادی بر حقانیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 42 - 12

12 - علم خداوند به دروغ بودن سوگند متخلفان جنگ تبوک و گواهی او بر موجه نبودن تخلفشان

ص: 91

سِيحْلِفُونَ بِاللَّهِ .. و اللّٰه يعلم انهم لكَذِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 16

16 - گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد ( مسجد ضرار )

و اللّٰه يشهد انهم لكَذِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 46 - 7

7 - خداوند ، بر تمام اعمال مردم شاهد و گواه است .

ثم اللّٰه شهيد على ما يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 6

6- هود ( ع ) ، خداوند را بر بی تأثیر دانستن معبود های اهل شرک و اعلان بیزاری از آنان ، گواه گرفت .

قال انى أشهد الله واشهدوا انى برىء مما تشركون

اشهاد (مصدر اشهد) به معنای گواه گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 5

5- خداوند خود گواهی دهنده به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و الهی بودن بعثت او

كفى باللّٰه شهيداً بينى و بينكم

«بالله» فاعل برای «کفی» است و حرف «باء» در آن به اصطلاح زایده و دلالت بر تأکید انتساب فعل به فاعل دارد. قابل ذکر است که گواهی های خداوند بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار است و آن آیات گوناگون و متعددی است که در آنها تصریح شده که او فرستاده ای از ناحیه خداوند است. و چون قرآن معجزه است و الهی بودن آن برای حق جویان امری روشن می باشد، شهادت خداوند به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ثابت می شود و جمله «کفی بالله...» برهانی تام خواهد بود.

3 - موسی (ع)، علاقه مداوم خود و برادرش هارون (ع) را به تسبیح و ذکر خداوند، ابراز داشت و خداوند را بر آن گواه دانست.

اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا

جمله «اِنَّكَ..» می تواند تعلیل برای «کی نسبحک کثیراً» باشد؛ یعنی خدایا! تو خوب می دانی که من و برادرم هارون چه روحیه ای داریم و نسبت به تسبیح و ذکر تو، تا چه حد علاقه مندیم، بنابراین با پذیرش وزارت هارون، راه تسبیح و ذکر فراوان تر را بر ما هموار ساز.

6 - خداوند ، شاهد و گواه بر تمامی هستی است .

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 7، 3

3 - خدا ، گواه قرارداد های میان مردم و شاهد گفت وگو های طرفین قرارداد

قال إني أريد . . . أيما الأجلين قضيت . . . و الله على ما نقول وكيل

«وکیل» به قرینه متعدی شدن با «علی»، متضمن معنای «شهادت» است؛ یعنی، «و الله علی ما نقول شاهد».

7 - موسی (ع) خدا را بر قرارداد میان خود و شعیب (ع) گواه گرفت .

قال ذلك بيني وبينك . . . و الله على ما نقول وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 7

7 - تنها خداوند ، شاهد فرورفتن قارون و خانه اش در کام زمین بود .

فما كان له من فته . . . من دون الله

«من دون الله» استثنا از «من فته» است؛ یعنی، در آن لحظه کسی جز خدا حضور نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 8، 2

2 - خداوند ، گواه حقانیت ادعای نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

قل كفى بالله بيني وبينكم شهيداً

آن چه در این آیه از گواهی خداوند به آن پرداخته شده، مربوط به ادعای نبوت از جانب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و انکار آن از سوی کافران است. گفتنی است که در آیات چهارده و شانزده و هجده و بیستوهشت و سیوشش و سیونه و چهل و پنج، بحث رسالت انبیا و از

جمله نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نیز تکذیب شدن آن از سوی کافران، مطرح شده است و در این آیه خداوند، می فرماید برای صدق نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گواهی خداوند، کافی است، اگر چه آنان تکذیب کنند.

8 - احاطه علمی خداوند بر موجودات جهان، دلیل کفایت گواهی او برای حقیقت نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

قل كفى بالله بيني وبينكم شهيداً يعلم ما في السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 55 - 16

16 - خداوند، قطعاً بر همه چیز شاهد و گواه است.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 47 - 7

7 - خداوند، بر همه چیز گواه است.

ص: 93

و هو علی کلّ شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 16 - 1

1 - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربّنا یعلم إنا إلیکم لمرسلون

جمله «ربّنا یعلم» (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند «شهد الله» و «علم الله») در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 28 - 12

12- خداوند ، والاترین گواه بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و غلبه اسلام بر سایر ادیان

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کلّه و کفی باللّه شهیداً

تعبیر «کفی باللّه شهیداً» محتوای این آیه را تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 2 - 2

2 - شهادت خداوند بر گمراه نبودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مبرّا بودن آن حضرت از جهل و رأی فاسد

و النجم .. ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 6 - 9

9 - خداوند ، بر هر چیزی شاهد و گواه است .

و الله علی کلّ شیء شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - گواهی خداوند بر ماهیت دروغ پرداز منافقان و بی تعهدی آنان در قبال هر پیمان

والله يشهد إثمهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 1 - 7,8

7 - گواهی اُکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

والله يعلم إنك لرسوله

8 - شهادت اُکید خداوند ، بر دروغ گویی منافقان

والله يشهد إنَّ المنافقين لكذبون

ص: 94



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 4

4 - گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 6 - 1

1 - گواهی خداوند به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مصون بودن آن حضرت از هرگونه جنون

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُون

در «بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُون» چند احتمال وجود دارد: الف) «مفتون» اسم مفعول و «باء» زایده باشد؛ یعنی، در آینده خواهید دید کدام یک از شما گرفتار جنون است. ب) «مفتون» مصدر و «باء» به معنای «فی» باشد؛ یعنی، خواهید دید در کدام یک از شما، جنون وجود دارد. ج) «باء» متعلق به محذوف و «مفتون» اسم مفعول باشد؛ یعنی، در آینده خواهید دید نام مجنون، شایسته کدام یک از شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 9 - 4

4 - خداوند ، بر همه چیز گواه و از همه چیز آگاه است .

و الله على كل شيء شهيد

«شهاده»، در اصل به معنای خبر دادن از چیزی است که شخص آن را مشاهده کرده و نزد آن حاضر بوده است (نهایه ابن اثیر). گواه بودن خداوند بر همه چیز، مستلزم آگاهی او از آنها است.

### 213- گواهی در امانتداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 15

15 - لزوم گواه گرفتن ، در ادای اموال دیگران

فاذا دفعتم اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم

به نظر می‌رسد ملاک در شاهد گرفتن، مختص مال یتیم نباشد. بنابراین آیه می‌تواند دلیل لزوم گواه گرفتن برای ادای همه اموال و دیون باشد.

## 214- گواهی در بارداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 7

7 - ادّعی‌ای زنان در مورد بارداری، طهر و حیض خود، پذیرفته است.

ولا یحلّ لهنّ ان یتکنّ ما خلق اللّٰه فی ارحامهنّ

ص: 95

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغومی شود.

### 215- گواهی در بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 24

24 - گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم . . . ممن ترضون من الشهداء

### 216- گواهی در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 14 - 4

4- برای محاسبه عمل انسان در قیامت، نیازی به وکیل، دلیل، شاهد و . . . نیست .

كفى بنفسك اليوم عليك حسيبًا

### 217- گواهی در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 4,7

4 - زنان مطلقه نباید به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند .

و لا يحلّ لهنّ ان يكتمن ما خلق الله في ارحامهنّ

کلمه «ما خلق» دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد؛ همانند جنین، حیض و طهر.

7 - ادّعی زنان در مورد بارداری، طهر و حیض خود، پذیرفته است .

و لا يحلّ لهنّ ان يكتمن ما خلق الله في ارحامهنّ

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغومی شود.

### 218- گواهی در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 5،8،16

5 - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدایی کامل مرد از زن مطلقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

ص: 96

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجهن من بیوتهن... و اقیموا الشهده لله ذلکم یوعظ به

«ذلک» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

16 - «محمد بن ابی نصر قال: سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له: فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین؟ فقال: لا تجوز شهاده النساء فی الطلاق . . .»

محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا (ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد - یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...».

### 219- گواهی در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 13 - 2، 1

1 - اثبات ادعای زنا، در گرو اقامه چهار شاهد مرد است.

لولا جاءو علیه بأربعة شهداء

«شهداء» جمع شاهد است و «شاهد» مفرد مذکر و به معنای یک مرد گواه است.

2 - پذیرش اتهام رابطه جنسی، در گرو اقامه چهار شاهد از سوی اتهام زننده است.

لولا جاءو علیه بأربعة شهداء

### 220- گواهی در قذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 6، 3، 4، 1، 2

1 - مردی که همسرش را قذف کند (نسبت زنا بدهد)، برای اثبات ادعای خود، نخست باید چهار شاهد مرد ارائه کند.

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء

«شهداء» جمع «شاهد» است و شاهد مفرد مذکر است. بنابراین «شهداء» به معنای «چند مرد ناظر» می باشد. گفتنی است که عدد چهار، با توجه به آیه قبل - که مربوط به قذف است - و نیز به قرینه ذیل آیه - که در صورت عجز از ارائه شهود باید چهار سوگند یاد شود - استفاده می گردد.

2 - شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

3 - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله «و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم» استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: «مردانی که همسران

شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند». مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

4 - شوهری که همسرش را قذف کند و از ارائه شاهدان ناتوان باشد و یا مدعی مشاهده زنا نباشد، نوبت به سوگند او نمی رسد؛ بلکه باید حد قذف بر وی جاری شود.

والذین یرمون أزوجهم ولم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهادات باللّ

6 - شوهر اگر در ادعای زنا همسرش، مدعی مشاهده نباشد؛ ولی چهار شاهد مرد ارائه کند، زنا همسرش ثابت می شود.

والذین یرمون أزوجهم ولم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

### 221- گواهی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 15

15 - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود.

و وضع الکتب و جایء بالنیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لایظلمون

### 222- گواهی در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 61 - 4

4- گواهی دادن، وسیله اثبات جرم در میان قوم ابراهیم

فأتوا به... لعلهم یشهدون

### 223- گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 11

11 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فکیف اذا جئنا... و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ)] الشہید علی الشہداء و الشہداء ہم الرسل (ع).

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 242، ح 132؛ تفسیر برہان، ج 1، ص 370، ح 4.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 6

ص: 98



6- گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و یوم القیمه یكون علیهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 84 - 10

10- محکومیت کافران در محکمه قیامت ، با شهادت شاهدان همراه است .

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 89 - 3

3- قیامت ، روز برانگیخته شدن گواهانی از میان هر امت برای شهادت دادن بر آنان

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 8

8- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسئلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 37 - 8

8- روز قیامت ، روزی عظیم و جایگاه حضور و گواهی است .

من مشهد یوم عظیم

«مشهد» چنانچه اسم مکان باشد، به معنای محل حضور و شهادت است. و می تواند مصدر میمی و به معنای شهود و حضور در روز

قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 3، 2، 1

1 - شهادت و گواهی زبان، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

2 - اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) گنه کاران، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ عمل خلافی، فروگذار نخواهند کرد.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

3 - شهادت و گواهی زبان، دست و پای قذف کنندگان و تهمت زندگان به زنان پاکدامن، نجیب و مؤمن، بر اعمال ناروایشان در قیامت

إنّ الذین یرمون المحصنات ... یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

ص: 99

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 3

3 - قیامت ، روز حضور گواهان اعمال و شهادت دادن آنها است .

و شاهد

راغب پس از آن که شهادت را به معنای حضور با مشاهده آورده است، معنای گواهی را برای آن ذکر کرده و می گوید: شهادت، گفتاری است که از روی علم سرزده باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 6

6 - « عن أبي هريره قال قرء رسول الله (صلى الله عليه وآله) هذه الآية « يومئذ تحدث أخبارها » قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإن إخبارها أن تشهد على كل عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ;

از ابوهریره روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آیه «یومئذ تحدث أخبارها» را قرائت کرد و فرمود: آیا می دانید خبردادن زمین چیست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمین گواهی دادن آن است بر هر مرد و زنی به آنچه بر روی آن انجام داده است. «.

## 224- گواهی در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 9

9- شاهدان اعمال در محضر خداوند ، علیه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهی خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم و يقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

## 225- گواهی در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 44

44 - لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

و اشهدوا اذا تبایعتم

## 226- گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 107 - 4

4 - دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و

ص: 100

شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول «استحق» کلمه «اثماً» می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و «اولیان» فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره «استحقاً اثماً» گفته شده «من الذین استحق...» چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

## 227- گواهی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 3

3- زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لقد رودته عن نفسه فاستعصم

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین «فاستعصم» ؛ یعنی ، یوسف (ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 16

16- زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استتکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه وإنه لمن الصديقين

جمله «أنا رودته عن نفسه» - به بیانی که در آیه 26 ذیل برداشت شماره 2 گذشت - دلالت بر حصر دارد ؛ یعنی ، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

## 228- گواهی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 4 - 5,6

5 - زمین در قیامت ، دارای شعور و کلام و گواه آنچه بر روی آن اتفاق افتاده است .

6 - « عن أبي هريره قال قرء رسول الله (صلى الله عليه وآله) هذه الآية « يومئذ تحدث أخبارها » قال : أتدرون ما إخبارها ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : فإن إخبارها أن تشهد على كل عبد أو أمه بما عمل على ظهرها ؛

از ابوهريره روايت شده كه رسول خدا(صلى الله عليه وآله) آيه «يومئذ تحدث أخبارها» را قرائت كرد و فرمود: آيا مى دانيد خبردادن زمين چيست؟ گفتند خدا و رسولش آگاه تراند؛ فرمود: إخبار زمين گواهي دادن آن است بر هر مرد و زنى به آنچه بر روى آن انجام داده است. «.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 5

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

یومئذ تحدّث أخبارها .. فمن يعمل مثقال ذرّه خیراً یره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 5

5- زمین ، مشخصات کردار های ریز و درشت انسان ، اطلاعاتی را در خود محفوظ داشته ، در قیامت آن را گزارش خواهد کرد .

و من يعمل مثقال ذرّه شرّاً یره

### 229- گواهی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 26، 23

23 - تقدّم و اولویّت مردان نسبت به زنان ، در تحمّل شهادت

فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

26 - جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور تذکّر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است .

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احدیہما فتذکّر احدیہما الاخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 16

16 - « محمدبن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز

شهادة النساء فی الطلاق . . . »

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد - یک شاهد

[مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...».

### 230- گواهی زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- زنان اشراف در حضور پادشاه مصر ، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن حش لله ما علمنا علیه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زائده نیز این معنا را تأکید می کند.

ص: 102



### 231- گواهی عالم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 10 - 8

8- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

### 232- گواهی عالمان به انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 13

13- آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیداً . . . و من عنده علم الکتب

### 233- گواهی عالمان به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 13

13- آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیداً . . . و من عنده علم الکتب

### 234- گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 9

9- عالمان و آگاهان به قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواهی می دهند .

كفى بالله . . . و من عنده علم الكتب

## 235- كواهي علما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 103

8 - حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین ، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا \*

شهد . . . الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد «قائماً بالقسط» که حال برای «الله» است، اشاره به علت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت، مؤخر آمده است.

9 - عالمان راستین ، با عمل و حرکت خویش ، گواه بر توحید هستند .

شهد الله انه لا اله الا هو . . . و اولوا العلم قائماً بالقسط

بنابراینکه منظور از گواهی عالمان، گواهی عملی آنان باشد که عبارت است از موضعگیریها و چگونگی کردار آنان.

16 - انبیا و اوصیا ، صاحبان علم و گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

امام باقر (ع): . . . اما قوله «و اولوا العلم قائماً بالقسط» فان اولی العلم الانبياء و الاوصياء . . .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 165، ح 18؛ نورالتقلین، ج 1، ص 323، ح 66.

## 236- گواهی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 16، 17

16 - دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان ، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها . . . و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

17 - دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم . . . بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

چون جمله «کانوا . . .» عطف بر «استحفظوا» است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به

حقانیت آن کتاب است.

### 237- گواهی علیه ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 61 - 2

2- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را به منظور گواهی دادن مردم به مجرم بودن او در شکستن بت ها ، احضار کردند .

فأتوا به ... لعلهم یشهدون

### 238- گواهی علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 104

9- اصحاب اخدود در قیامت، بر کردار خویش شهادت خواهند داد.

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات «و الیوم الموعود» و «و شاهد و مشهود» در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

### 239- گواهی علیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 10

10 - شهادت آدمی، علیه پدر، مادر و دیگر خویشاوندان، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است.

شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

### 240- گواهی علیه ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 7

7- در قیامت، گواهیانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا، شهادت خواهند داد.

و یقول الأشهد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم

«أشهاد» جمع شاهد و به معنای گواهان است.

### 241- گواهی علیه مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 7,9

7- در قیامت، گواهیانی متعدد بر ستمگری ستمکاران و دروغ بافی افترازنندگان به خدا، شهادت خواهند داد.

و یقول الأشهد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم

«أشهاد» جمع شاهد و به معنای گواهان است.

9- شاهدان اعمال در محضر خداوند ، علیه آنان که به خدا دروغ بسته اند ، گواهی خواهند داد .

أولئك يعرضون على ربهم ويقول الأشهد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم

## 242- گواهی علیه والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 10

ص: 105

10 - شهادت آدمی، علیه پدر، مادر و دیگر خویشاوندان، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است.

شهداء لله و لو على انفسكم او الولدين والاقربين

### 243- گواهی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 20

20 - درخواست حواریون از عیسی (ع)، مبنی بر شهادت و گواهی او بر مقام تسلیم آنان

امنا بالله و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 6,8

6 - گواهی حضرت عیسی (ع) بر اهل کتاب در روز قیامت

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

8 - حضرت عیسی (ع)، گواه بر اعمال اهل کتاب در دنیا

و يوم القيمة يكون عليهم شهيداً

اگر حضرت عیسی (ع) در دنیا گواه بر اعمال نباشد، نمی تواند در قیامت گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 46 - 6

6 - گواهی و تأیید عیسی (ع) بر راستی و درستی تورات موجود در عصر خویش

وقفتينا... بعيسى ابن مريم مصدقاً لما بين يديه من التوريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 9,10

9 - حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد.

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل «اشهد» حضرت عیسی (ع) باشد. نیاوردن رینا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

10 - عیسی (ع)، گواه بر کیفیت برخورد مردمان با تعالیم و فرمان های الهی

و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 117 - 9

9 - عیسی (ع)، گواه و ناظر بر عقاید و رفتار امت خویش، به هنگام حضور در میان آنان

و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم

ص: 106



## 244- گواهی غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 5,6,9,10

5 - شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او اءاخرا ن من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

6 - اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان باللّه ان ارتبتم .. لانکتّم شهده اللّه

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از «ءاخرا ن من غیرکم» غیر مسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

9 - شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او اءاخرا ن من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه ان ارتبتم

جمله «تحبسونهما ..» می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان «ذوا عدل منکم» و «ءاخرا ن من غیرکم» باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی «و اءاخرا ن من غیرکم» گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

10 - ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او اءاخرا ن من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تحبسونهما» ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - را مقید به سوگند کند.

## 245- گواهی فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 11

11 - شهادت و گواهی انسان فاسق، در نظام قضایی اسلام هرگز پذیرفته نمی شود.

و لا تقبلوا لهم شهده أبداً و أولئك هم الفسقون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله «و أولئك هم الفاسقون» در مقام تعلیل و بیان فلسفه حکم پذیرفته نشدن شهادت نسبت دهندگان زنا باشد؛ یعنی، چون آنان فاسق اند، گواهیشان مورد قبول نیست. بنابراین گواهی هیچ فاسقی پذیرفتنی نخواهد بود.

ص: 107

## 246- گواهی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 15

15 - « عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع) أنّ علياً (ع) قال ، ليس بين خمس من النساء وبين أزواجهنّ ملاءنه . . . والمجلود في الفريه لأنّ الله عزّوجلّ يقول : ولا تقبلوا لهم شهادة أبداً . . . » ;

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاءنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود).. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: «و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 5 - 9

9 - « في مجمع البيان [ أحد القولين في هذه الآية ] ان الإستثناء يرجع إلى الأمرين فإذا تاب قبلت شهادته حدّ أو لم يحد و قول أبي جعفر (ع) وأبي عبد الله (ع) ;

در مجمع البيان آمد است که [یکی از دو قول در آیه یاد شده] این است که استثنا به هر دو امر بازمی گردد. پس هرگاه قذف کننده توبه کند، شهادت او قبول می شود؛ چه حد بر او جاری شده باشد و چه نشده باشد... و ان قول امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - است».

## 247- گواهی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 91 - 17، 18

17 - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

18 - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . \*

و هو الحق مصدقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوئیهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 7,8

7 - قرآن ، محتوای تورات را تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که «مصدقاً» حال برای ضمیر مفعولی «نزله» - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از «ما بین یدیه» (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

ص: 108

8 - وجود قرآن، گواه و شاهدهی بر حقانیت تورات است. \*

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است؛ یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 5

5 - گواهی قرآن بر حقانیت تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 5

5 - گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از «ما بین یدیه من الکتب»، تورات و انجیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 20، 17، 16

16 - قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل الله شهید بینی و بینکم و أوحی إلیّ هذا القرآن

17 - قرآن، گواه یگانگی خداوند و بطلان شرک

قل أغیر الله اتّخذ ولیاً... قل الله... و أوحی إلیّ هذا القرآن

از ارتباط این آیه با آیات قبل چنین برمی آید که قرآن تحقق عینی شهادت خداوند است.

20 - شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أنتکم لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى

همزه استفهام در «أنتکم» دال بر شگفتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 3

3 - قرآن، بینه و دلیل روشن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و گواه حقانیت او

قل إني على بينه من ربي و كذبتم به

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از بینه و مرجع ضمیر «کذبتم به» قرآن است. مفرد آمدن کلمه «بینه» و مذكر آمدن ضمیر «به» این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 92 - 5

ص: 109

5- قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 17 - 3, 2

2- قرآن، خود دلیل و شاهدهی بر راستی و درستی خویش است.

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از «شاهد» چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت «و من قبله کتاب موسی» می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل «إنه الحق من ربك» حقانیت و الهی بودن قرآن است و «تُلُو» (مصدر یتلوه) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در «یتلوه» به «مَنْ» و ضمیر «منه» به «رب» بر می گردد. بنابراین جمله «أفمن ... یتلوه شاهد منه»؛ یعنی، آیا کسی که علاوه بر «بیته» از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

3- بهره مندان از بصیرت الهی، دلالت و گواهی قرآن را بر حقانیت قرآن، در می یابند و بدان واقف می شوند.

أفمن كان علی بیته من ربه و یتلوه شاهد منه

روشن است که مساوی نبودن زمینه داران ایمان با فاقدان آن، در ارتباط با شهادت قرآن (أفمن ... یتلوه شاهد منه [کمن لیس کذلک]) مجرد وجود قرآن به عنوان شاهد نیست؛ بلکه درک و عدم درک آنان از گواهی قرآن، موجب تمایز آن دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 1 - 3

3- قرآن، خود گواه حقانیت خویش \*

و القراءان المجید

وجود سوگند به «قرآن» در متن آن، در صورتی منطقی خواهد بود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

## 248- گواهی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 20 - 3

3 - کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أى شیء أكبر شهدہ قل اللہ . . الذین ءاتینہم الکتب یعرفونہ

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهی بر حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند.

ص: 110



## 249- گواهی گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 3

3 - پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل «عُثر» نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

## 250- گواهی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 5,29

5 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

در اینکه مراد از «شهداء» و «شهید» در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امته را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

29 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « یدعی نوح یوم القیامه فیقال له : هل بلغت ؟ فیقول : نعم ، فیدعی قومه فیقال لهم هل بلغکم ؟ فیقولون : ما اتانا من نذیر و ما اتانا من أحد ، فیقال لنوح : من یشهد لک ؟ فیقول : محمد (صلی الله علیه و آله) و أمته ، فذلک قوله : « و کذلک جعلناکم أمه وسطاً » قال : و الوسط العدل فتدعون فتشهدون له بالبلاغ . . . »

روز قیامت نوح(ع) دعوت به حضور می شود و به او گفته می شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ می گوید: آری پیش قومش دعوت می شوند و از آنان سؤال می شود: آیا به شما [رسالتش] را ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: ما را بیم دهنده ای نیامد. پس به نوح گفته می شود: چه کسی به نفع تو شهادت می دهد؟ پس وی می گوید: محمد(صلی الله علیه و آله) و امتش؛ و این است سخن خداوند: شما را امت وسط قرار دادیم. رسول خدا فرمود: مراد از وسط، عدل است. پس شما (مسلمانان) دعوت می شوید و به نفع او شهادت به ابلاغ رسالت می دهید ...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گواه امت خویش

و جنابک علی هؤلاء شهیداً

در برداشت فوق، «هؤلاء» اشاره به مسلمانان و امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گرفته شده است.

6 - خداوند در قیامت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای گواهی بر امت خویش فرامی خواند.

و جنابک علی هؤلاء شهیداً

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گواهی بر شاهدان امت ها در قیامت

فکیف اذا... و جنابک علی هؤلاء شهیداً

و لذا اسم اشاره با صیغه جمع (هؤلاء) آمده است.

11 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، گواه و شاهد بر همه رسولان الهی در روز رستاخیز

فکیف اذا جئنا .. و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

امیرالمؤمنین (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هو [محمد (صلی الله علیه و آله)] الشهید علی الشهداء و الشهداء هم الرسل (ع).

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 242، ح 132؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 370، ح 4.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 3

3 - صححه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یوّد الذین کفروا ... لو تسوی بهم الارض

«یومئذ» متعلق به «شهیداً» است. یعنی آن روز که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 17 - 25، 11

11- پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه من ربه .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای «من کان علی بیّنه» پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. این گروه جمله «فلاتک ...» را مؤید این نظر شمرده اند.

25- «عن الحسین بن علی (ع) فی قوله: «و یتلوه شاهد منه» قال: الشاهد هو محمد (صلی الله علیه و آله)؛

از امام حسین (ع) روایت شده است که درباره «و یتلوه شاهد منه» فرمود: شاهد محمد (صلی الله علیه و آله) است.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 10، 8

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناظر اعمال امت خویش و گواه آنان در قیامت است .

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق با توجه به دو نکته در آیه است: الف) بنابر اینکه منظور از امت در «فی کلّ أمه» مردم هر عصری نباشد؛ بلکه امت هر پیامبری باشد. ب) «هؤلاء» اشاره باشد به کل امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت و نه تنها مردم عصر آن حضرت.

10- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، شاهد بر همه گواهان طول تاریخ

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «هؤلاء» اشاره به «شهیداً»؛ یعنی، گواهان هر امت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 83 - 2

2- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخفی نیست .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 112

18 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواه بر اعمال مسلمانان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

در این که مراد از «شهید» و «شهداء» در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها «گواهی بر اعمال» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 45 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شاهد و گواهی از سوی خداوند بر اعمال مردم است .

أرسلنک شهیداً

متعلق «شاهداً» در آیه، ذکر نشده است و لکن به قرینه «مبشّر» و «نذیر» و نیز آیات دیگری مانند «لتكونوا شهداء علی الناس» [2/143] متعلق آن، مردم اند و چون اعمال آنان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت، مراد از گواهی بر مردم هم می تواند گواهی بر اعمال آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 37 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تأیید کننده رسولان الهی پیشین و گواه بر درستی تعالیم آنان

و صدق المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 8 - 1,2,3,4

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فرستاده الهی برای گواهی بر خلق و بشارت و انذار آنان

إنّا أرسلنک شهیداً و مبشّراً و نذیراً

2 - گواه بودن بر اعمال خلق و تبشیر و انذار آنان ، از وظایف مهم پیامبر اسلام

إنّا أرسلنک شهیداً مبشّراً و نذیراً

اهمیت وظایف یاد شده، از تخصیص یافتن به ذکر استفاده می شود.

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شهادت دهنده و تأکیدکننده بر درستی ادراکات عقلی و گرایش فطری انسان \*

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا

برداشت بالا- بدان احتمال است که منظور از «شاهدًا»، شهادت دادن به درستی ارزش هایی باشد که انسان با عقل و فطرت آن را درک کرده یا می تواند درک کند. قرینه بر درستی این احتمال، تقدم «شاهدًا» بر «مبشِّرًا و نذیرًا» است؛ چه این که اول باید ارزش تبیین گردد؛ سپس بر اجرای آن تأکید شود.

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گواه و ناظر بر اعمال امت خویش در طول تاریخ

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

در صورتی که مراد از «شاهدًا» شهادت بر اعمال امت در قیامت باشد، از مطلق آمدن «شاهدًا» گواهی و نظارت آن حضرت بر تمام اعمال امت استفاده می شود.

ص: 113

## 251- گواهی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 26، 23

23 - تقدّم و اولویّت مردان نسبت به زنان ، در تحمّل شهادت

فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

26 - جایگزینی دو زن به جای یک مرد در شهادت ، به منظور تذکّر یکی از آنها به دیگری در صورت فراموشی و لغزش آن دیگری است .

فرجل و امراتان .. ان تضلّ احدهما فتذکّر احدهما الاخری

## 252- گواهی مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 13

13- آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیداً .. و من عنده علم الکتب

## 253- گواهی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 29، 5

5 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردمان و پیامبر گواه بر اعمال مسلمانان است .

لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

در اینکه مراد از «شهداء» و «شهید» در آیه شریفه چیست، چند نظر ابراز شده است، از جمله گواهی بر اعمال است؛ یعنی، امت اسلامی و یا گروهی از آنان اعمال دیگر امته را مشاهده می کنند و در قیامت بر آن شهادت می دهند و پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیز ناظر اعمال مسلمانان است و در آخرت بر آن شهادت می دهد.

29 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « یدعی نوح یوم القیامه فیقال له : هل بلغت ؟ فیقول : نعم ، فیدعی قومه فیقال لهم هل بلغکم ؟ فیقولون : ما اتانا من نذیر و ما اتانا من أحد ، فیقال لنوح : من یشهد لک ؟ فیقول : محمد (صلی الله علیه و آله) و أمته ، فذلک

قوله: « و كذلك جعلناكم أمة وسطاً » قال: و الوسط العدل فتدعون فتشهدون له بالبلاغ . . . ;

روز قیامت نوح(ع) دعوت به حضور می شود و به او گفته می شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ می گوید: آری پیش قومش دعوت می شوند و از آنان سؤال می شود: آیا به شما [رسالتش] را ابلاغ کرده است؟ آنان می گویند: ما را بیم دهنده ای نیامد. پس به نوح گفته می شود: چه کسی به نفع تو شهادت می دهد؟ پس وی می گوید: محمد(صلی الله علیه و آله) و امتش؛ و این است سخن خداوند: شما را امت وسط قرار دادیم. رسول خدا فرمود: مراد از وسط، عدل است. پس شما (مسلمانان) دعوت می شوید و به نفع او شهادت به ابلاغ رسالت می دهید ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 78 - 18

ص: 114



18 - مسلمانان ، گواه بر اعمال سایر مردم و پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواه بر اعمال مسلمانان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

در این که مراد از «شهید» و «شهداء» در آیه چیست، نظراتی چند ابراز شده است که از جمله آنها «گواهی بر اعمال» می باشد.

### 254- گواهی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 21 - 3

3 - مقربان درگاه خداوند گواهان نامه اعمال نیکوکاران اند .

یشهده المقربون

فعل «یشهد»، یا از «شهود» به معنای حضور است و یا از «شهاده» که این اثر در نهایت آن را «خبر دادن از مشاهدات خویش» معنا کرده است؛ در هر صورت گواه بودن «مقربون» استفاده می شود؛ زیرا در معنای اول حضور و نظارت آنان به منظور گواهی دادن است و معنای دوم - که در آن صورت «یشهده» به معنای «یشهد به» خواهد بود - صریح در نکته یاد شده است.

### 255- گواهی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 18 - 8، 3

3 - خدا ، ملائکه و عالمان ، گواهان توحید

شهد الله انه لا اله الا هو و الملئکه و اولوا العلم

8 - حاکمیت قسط و عدل بر نظام تکوین ، دلیل دانشمندان و ملائکه برای گواهی بر وحدانیت خدا \*

شهد . . . الملئکه و اولوا العلم قائماً بالقسط

به نظر می رسد «قائماً بالقسط» که حال برای «الله» است، اشاره به علت گواهی ملائکه و اولوا العلم باشد. و بدین جهت، مؤخر آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 166 - 11، 1

1 - خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك .. و الملائكة يشهدون

در برداشت فوق جمله «و الملائكة يشهدون» عطف بر «الله يشهد» گرفته شده است و در نتیجه متعلق «یشهدون» نیز «بما انزل اليك» خواهد بود.

11 - فرشتگان الهی ، شاهد و ناظر نزول قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و الملائكة يشهدون

کلمه «واو» در جمله «و الملائكة يشهدون» حالیه و «یشهدون» به معنای نظارت می کنند، گرفته شده است.

ص: 115

## 256- گواهی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 1 - 2

2 - تمامی موجودات هستی ، شاهدهی گویا بر منزه بودن خداوند از هر عیب و نقص

يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که تسبیح در آیه شریفه، تسبیح تکوینی باشد.

## 257- گواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 1

1 - مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ

«قوام» صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و «قسط» به معنای عدل و حق است.

## 258- گواهی ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 12,25

12 - سود مصلحت واقعی فقرا و یا اغنیا ، از طریق شهادت ناحق تأمین نخواهد شد .

ان يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهُمَا

25 - خداوند آگاه به شهادت های دروغ و ناحق مردم و دانا به کتمان شهادت ، از سوی آنان

وإن تلوأ او تعرضوا فإنَّ اللّهُ كان بما تعملون خبيراً

«تلوا» از «لوی لسانه» (زبانش را منحرف کرد) گرفته شده و متعلق آن - به قرینه «شهداء لله» - شهادت می باشد و انحراف زبان، کنایه از دروغ گفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 21

21 - هشدار و تهدید خداوند نسبت به کسانی که به حق شهادت ندهند و برای خدا قیام نکنند .

كونوا قومين لله شهداء بالقسط . . . واتقوا الله إنّ الله خير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 116

1 - شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عشر علی انهما استحقا ائماً فاخران یقومان مقامهما

عُثْرٌ وَعُثُورٌ - مصدر عُثِرَ - به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و «استحقا» باب استفعال از «حق» می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از «استحقا» اراده شده است. بنابراین جمله «فان عشر...» یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ...

10 - شهادت به ناحق و قسم دروغ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است.

و ما اعتدینا إنا اذا لمن الظلمین

### 259- گواهی نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 71 - 10

10 - اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و اندازگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایة ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

### 260- گواهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 10 - 3

3- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّٰه و کفرتم به و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را - که آگاه به تورات و مفاد آن بود - گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

### 261- لغو گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عشر علی انهما استحقا اثماً فاخران یقومان مقامهما

عُثْرٌ و عُثُورٌ - مصدر عُثِرَ - به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و «استحقا» باب استفعال از «حق» می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از «استحقا» اراده شده است. بنابراین جمله «فان عشر ...» یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ...

ص: 117

## 262- ممنوعیت گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 4

4 - شهادت و گواهی باطل و دروغ ، ممنوع است .

و الذین لایشهدون الزور

## 263- موانع کتمان گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 29

29 - توجه به آگاهی خداوند از اعمال آدمیان ، زمینه اقامه عدل ، پرهیز از شهادت های دروغ و کتمان شهادت

کونوا قومین بالقسط شهداء لله .. فان الله کان بما تعملون خبیراً

## 264- موانع گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 108 - 2

2 - توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت ( نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران ) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در « یخافوا » و « ایمنهم » به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین « ترد ایمن » بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین « او یخافوا ان ترد... » یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

## 265- موجبات گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 5,6

5 - اجرای عدالت و شهادت به حق ، مقتضای ایمان است .

يأبها الذفن ءامنوا كونوا قومفن بالقسط شهداء لله

6 - تحقق شهادت به حق در گروه داشتن ملكه عدالتخواهف

يأبها الذفن ءامنوا كونوا قومفن بالقسط شهداء لله

ص: 118



برداشت فوق بر این اساس است که نظر اصلی آیه بر شهادت دادن به حق باشد، بنابراین اقامه قسط به منزله مقدمه ای برای رسیدن به شهادت به حق، خواهد بود. یعنی شهادت به حق در صورتی میسر است که ملکه قیام به قسط، در وجود آدمی ایجاد شده باشد.

## 266- مؤاخذه گواهی بی برهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 12

12 - ادعا ها و گواهی های بدون پشتوانه علمی ، دارای مسئولیت و مورد بازخواست

ستکتب شهدتهم و یسئلون

## 267- وجوب گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 12

12 - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن كتم شهادته عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 30، 29

29 - وجوب ادای شهادت بر گواهان به هنگام فراخوانی به شهادت

و لا یأب الشَّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه «اذا ما دعوا» دعوت برای ادای شهادت باشد؛ یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشَّهاده.

30 - وجوب تحمّل شهادت بر مؤمنین ، به هنگام استشهاد از آنان

و لا یأب الشَّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه «اذا ما دعوا» دعوت برای تحمل شهادت باشد؛ یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشَّهاده.

## 268- وجوب گواهی در حد زنا

13- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه «طائفه» - که به معنای گروه است - استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: «و ليشهد عذابهما المؤمنون».

ص: 119

## 269- وقت گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 12 - 1

1- گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه قیامت

وإذا الرسل أقتت . لأئى يوم أُجَلت

«أئى» اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. «أُجَلت» به معنای «أخّرت» است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی «أُجَلت»، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

## 270- ویژگی گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 3

3- گواهی خداوند، مهمترین و صحیحترین و اطمینان بخش ترین گواهیها

قل أى شىء أكبر شهده قل الله شهيد بينى وبينكم

## 271- ویژگیهای گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 5

5- گواهی خداوند در قیامت ، گواهی کامل و بی نیاز کننده از گواهی دیگران است .

فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 6

6- گواهی خداوند بر هر امری در اثبات آن کافی و تمام است .

قل كفى بالله شهيداً بينى وبينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 9

9- گواهی و نظارت خداوند بر اعمال بندگان ، متکی بر علم و اطلاع گسترده او به احوال آنان است .

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم إنه کان بعباده خبیراً بصیراً

ص: 120

## 272- ویژگیهای گواهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 84 - 11

11- شهادت گواهان در قیامت ، خدشه ناپذیر و غیر قابل ردّ است .

و یوم نبعث من کلّ أمّة شهیداً ثمّ لایؤذن للذین کفروا

ص: 121

### 3- گوساله

#### 1- آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 16,17

16 - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله «و أشربوا ..» حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

17 - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 1,2

1 - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

بینؤمّ لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

2 - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

یه-رون ما منعک . . . لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی

#### 2- آمرزش گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 11,12

11 - آمرزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

مخاطب در جمله «إن ربك . . .» حضرت موسی (ع) است. در اینکه چرا خداوند در بیان آمرزش گناهان بنی اسرائیل، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه «رب» را به آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل

ص: 122

در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی (ع) که تونیز از خطاها و لغزشهای قوم، در صورت توبه، درگذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

12 - گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تونیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

### 3- آموزش گوساله پرستان تائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 154 - 1

1 - موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آموزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله «و لما سکت . . .»، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی (ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

### 4- اختفای ساخت گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 2

2 - ساخت گوساله زرین به دست سامری، پنهان و به دور از چشم بنی اسرائیل صورت گرفت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«أخرج» تنها ناظر به مرحله عرضه گوساله بر بنی اسرائیل است و مسکوت ماندن مراحل قبل از آن، (ساخت گوساله) نشانگر مستور بودن آن مراحل از انظار عمومی است.

### 5- القای گوساله سامری در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زّین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقه») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن

ص: 123

و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثُمَّ لَنَسْفَعُ...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر .. لَنَحْرَقَنَّهٗ ثُمَّ لَنَسْفَعُ فِي الْيَمِّ

«انظر» فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لَنَحْرَقَنَّهٗ» و «لَنَسْفَعُ»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

### 6- امتحان با گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 3

3 - فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون .. إِنَّمَا فَتِنْتُمْ بِهِ

### 7- انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 14

14 - موسی (ع)، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحْلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ

### 8- بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 5

5 - گوساله پرستان بنی اسرائیل، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّ الْيَوْمَ لَهُمْ قَوْلًا

### 9- بی منطقی گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 8

8 - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

ص: 124

جمله حالیه «و اَنتُم ظالمون» ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

### 10- بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 10، 7

7- گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری، امر نابخردانه و شگفت آور

ألم یروا أنه لا یكلمهم و لا یهدیهم سیلا

10 - بنی اسرائیل هیچ بهانه و عذری در گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

جمله حالیه «و كانوا ظلمین» می تواند اشاره به یکی از این دو معنا باشد: شرک ظلم است و قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی از ظالمان شدند. گوساله پرستی بنی اسرائیل قرین ظلم بود، نه بیان این حقیقت که شرک خود ظلم است. یعنی این کردار آنان از سر ظلم بود و هیچ توجیهی که بتواند آن کار ناصواب را کاری شایسته جلوه دهد در دست نداشتند. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

### 11- پشیمانی از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 1

1 - بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله «سقط فی أیدیهم» کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

### 12- توبه از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 4

4 - خداوند گناه آن گروه از بنی اسرائیل را که پس از گوساله پرستی توبه کرده و با ایمان به یکتایی خدا به پرستش او بازگشتند، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد .

و الذین عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصدق مورد نظر برای «الذین عملوا السيئات»، به دلیل آیات پیشین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

ص: 125

### 13- توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 20، 7

7 - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف «فاء» در «فاقتلوا» تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله «أقتلوا أنفسکم» تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله «فاقتلوا أنفسکم» دو نظر ایراد شده است. 1- فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ 2- هر کسی خود را بکشد.

20 - پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل ، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسی . . . فتاب علیکم

آیه های این بخش از سوره چنانچه از مطلع آن (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی ..) به دست می آید، در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 12

12 - گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

### 14- توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 19

19 - گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني

## 15- تهديد گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 1،2

1 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهدید کرد .

ص: 126

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم و ذله فى الحيوه الدنيا

«فى الحيوه الدنيا» علاوه بر اینکه قید برای «ذله» است، می تواند «قید» برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن «غضب» دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

2- خداوند، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد.

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم .. ذله فى الحيوه الدنيا

### 16- تهمت گوساله پرستی به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 10

10 - سامری و طرفداران و مبلغان او، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند.

فقالوا هذا إلهكم و إله موسى فنسى

### 17- جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 1

1 - سامری، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد.

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«عجل»؛ یعنی، گوساله نر. توصیف «عجلاً» به «جسداً» بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله «فأخرج لهم...» ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان - به قرینه گفتن «لهم» نه «لنا» - تبرئه خود از پرستش گوساله است.

### 18- جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 5

5 - گوساله پرستان بنی اسرائیل، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر



أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولاً

## 19- حاكميت گوساله پرستان بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 94 - 17

ص: 127

17 - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

اِنّی خشیت ان تقول فرقت بین بنی اسرائیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

## 20- ذلت دنیوی گوساله پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 2

2 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

ان الذین اتخذوا العجل سینالهم .. ذله فی الحیوه الدنیا

## 21- ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 2

2 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

ان الذین اتخذوا العجل سینالهم .. ذله فی الحیوه الدنیا

## 22- روش برخورد با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 11

11 - سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

يقوم اِنّما فتنتم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن «ای قوم من» ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن آن، روشن گری و ارشاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هارون (ع)، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد.

لاتأخذ بلحیتی و لا برأسی إئی خشیت

ص: 128

### 23- روش نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 14

14 - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرّفته

از معانی ذکر شده برای «حرق» و «تحریق»، سوهان کاری کردن و ساییدن است و «تحریق» بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

### 24- زمینه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 5,9

5 - برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاً یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

9 - وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

واتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه 138 و 139، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 6

6 - توهم به سر آمدن زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد.

بِسْمَا خَلْقْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ

جمله «أَعْجَلْتُمْ ..» اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 8

8 - بنی اسرائیل ، دارای زمینه مساعد فکری برای پذیرش گوساله طلایی به عنوان معبود بودند .

فَقَالُوا هَذَا إِلَهَكُمُ وَإِلَهُ مُوسَى

انتخاب شکل گوساله برای القای بت پرستی و نیز ارتداد سریع بنی اسرائیل، به خصوص پس از مشاهده معجزات موسی (ع)،

ص: 129

گویای برداشت یاد شده است.

## 25- سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 11، 12

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زَرین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرقته ثم لنسفنه في اليم نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقته») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثم لنسفنه...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت.

وانظر .. لنحرقته ثم لنسفنه في اليم

«انظر» فرمان موسی (ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لنحرقته» و «لنسفنه»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 22

22 - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: «و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم» روایت شده که فرموده است: «فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الى طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی اليم قال: فكانت احدهم ليقع فی الماء و ما به إليه من حاجه فيتعرض بذالك للرماد فيشربه و هو قول الله: و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم»؛

موسی (ع) قصد [نابودی] [گوساله] [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] [می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بكفرهم].

## 26- صدای گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مجسمه گوساله دست ساز بنی اسرائیل ، بانگی مانند بانگ گاو داشت .

له خوار

«خوار» به صدای گاو گفته می شود و در صدای شتر نیز به صورت استعاره کاربرد دارد. (مفردات راغب).

5 - برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

ص: 130

معمولاً یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

## 27- صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 3

3 - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

«خوار»؛ یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 6

6 - صدای خارج شده از گوساله سامری ، خالی از هرگونه مفهوم لفظی بود .

له خوار .. أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولاً

## 28- ظلم گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 11

11 - بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمين

## 29- عجز گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 1

1 - گوساله سامری ، پیکره ای عاجز از پاسخ گویی و ناتوان از نفع و ضرر رسانی



أفلايرون الأيرجع إليهم قولاً ولايملك لهم ضرراً ولا نفعاً

«رجوع» در کلام فصیح عرب به صورت متعدی نیز استعمال می شود (مصباح) و «لايرجع...»؛ یعنی گوساله، گفته ای را به آنان باز نمی گرداند و به آنان پاسخی نمی دهد و «لايملك...»؛ یعنی، گوساله، مالک نفع و ضرر آنان نیست.

ص: 131

### 30- عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 92 - 3

3 - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال یہ-رون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

«ما منعک..» استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 3

3 - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)

یہ-رون ما منعک .. لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 1

1 - موسی (ع) ، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یس-مری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 8

8 - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و کذلک سؤلت لی نفسی

«کذلک» در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل - که دعوت مردم به گوساله پرستی است - وجود ندارد.

### 31- فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل

7 - فرونشستن فتنه گوساله پرستی در میان قوم موسی ، فراهم آورنده زمینه ای مناسب برای مطرح شدن تورات از سوی آن حضرت

### أخذ الألواح

بیان این واقعیت که موسی(ع) در پی فرونشستن فتنه گوساله پرستی، الواح را برگرفت، این حقیقت را روشن می سازد، که زمینه از دست رفته برای تعالیم تورات بار دیگر در میان قوم موسی ایجاد شد. گفتنی است آیه «149» می رساند که عموم بنی اسرائیل از گوساله پرستی توبه کردند و آیه «153» می رساند که خداوند توبه آنان را پذیرفت و در نتیجه فتنه گوساله

### 32- فرجام گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 3

3 - بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرين

### 33- فلسفه نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 1

1 - متذکر ساختن مردم به توحید در پرستش ، هدف موسی (ع) از منهدم ساختن و خرد کردن گوساله سامری

لنحرقنه .. . إنما إلهكم الله

برحسب ظاهر، این آیه ادامه سخن موسی (ع) با قوم خویش است. ارائه این بیانات، پس از محاکمه سامری و محکومیت وی و نیز تصمیم به نابود ساختن گوساله او، نتیجه گیری از مجموع واقعه و حاکی از این نکته است که موسی (ع) برای اخذ این نتیجه (ابطال شرک و اثبات توحید)، آن مقدمات را به کار گرفته بود.

### 34- کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 15

15 - موسی (ع) با توجه دادن مرددان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب «بارء» در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار «بارئکم» در دو جمله «توبوا إلی بارئکم» و «ذلکم خیر لکم عند بارئکم» رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 154 - 1

1 - موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

ولما سکت عن موسی الغضب

ص: 133

وقوع جمله «و لما سكت . . .»، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

### 35- گوساله بریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 8

8- ابراهیم (ع)، در فاصله ای کوتاه پس از آمدن فرشتگان بشارت، گوساله ای بریان شده برای آنان آورد.

فما لبث أن جاء بعجل حنید

ضمیر در «لبث» به ابراهیم(ع) برمی گردد و «أن جاء» به تقدیر «فی» متعلق به «لبث» است. «عجل» به گوساله نر که بیش از یک ماه نداشته باشد، گفته می شود و «حنید» به معنای بریان شده است. بنابراین «فما لبث ...»؛ یعنی، ابراهیم(ع) در آوردن گوساله ای بریان شده درنگی نکرد.

### 36- گوساله بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 6,7

6 - معبود دست ساز بنی اسرائیل (مجسمه گوساله) نه با آنان سخن می گفت و نه ایشان را به راهی رهنمون می ساخت.

ألم یروا أنه لا یكلمهم ولا یتهدیهم سبیلا

استفهام در «ألم یروا» برای انکار و تعجب است؛ یعنی گوساله پرستان با اینکه می دیدند معبود دست سازشان با آنان سخن نمی گوید و راهی را به آنان نشان نمی دهد، آن را «إله» می پنداشتند و این امری است که به خاطر نابخردانه بودنش هر خردمندی را شگفت زده می کند.

7 - گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری، امر نابخردانه و شگفت آور

ألم یروا أنه لا یكلمهم ولا یتهدیهم سبیلا

### 37- گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 19

19 - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . . . فتاب علیکم

جمله «تاب علیکم» عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: «ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم» پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت». قابل ذکر است که ضمیر در «تاب» به قرینه جمله بعد به «بارئکم» (خالق شما) بر می گردد.

ص: 134

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 7

7 - گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود، با سامری همراهی و هم کاری داشتند.

عجلاً... فقالوا هذا إلهكم وإله موسى

فعل جمع «قالوا» می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

گوساله پرستان بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 17

17 - گوساله پرستان، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

### 38- گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 18

18 - هارون، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازسازی ایشان

إن القوم استضعفوني

«استضعاف» به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

### 39- گوساله پرستان نائب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 12



12 - گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

ص: 135

## 40- گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 7، 10، 11، 13، 15

7 - بنی اسرائیل ، در غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

«من بعده»؛ یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. «اتخذتم» از افعال تصییر است. کلمه «العجل» مفعول اول آن و مفعول دومش «الها» است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است؛ یعنی: «ثم جعلتم العجل الها لكم».

10 - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بكم البحر . . . و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

11 - بنی اسرائیل ، هیچ بهانه و عذری برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه «أنتم ظالمون» (در حالی که ظالم بودید) ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن حالتی بوده مقارن گوساله پرستی؛ یعنی، گرایش بنی اسرائیل به شرک از سر ظلم بود و هیچ توجیهی هر چند واهی از قبیل جهل و مانند آن - که بتواند بهانه و عذری برای آنان باشد - در میان نبوده است.

13 - داستان غیبت موسی (ع) از میان قوم خویش و گرایش آن قوم به گوساله پرستی ، داستانی عبرت آموز و شایسته یاد آوردن

و إذ وعدنا موسی أربعین ليله ثم اتخذتم العجل من بعده

15 - گوساله پرستی بنی اسرائیل از جمله ستمکاری های آنان بود .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 1، 4، 5

1 - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك

4- آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله «عفونا عنکم» نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف «ثم» به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

5- امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین «من بعد ذلک» بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود؛ بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلک خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 7، 1

ص: 136

1 - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

يقوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل

7 - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلى بارئكم فاقتلوا أنفسكم

حرف «فاء» در «فاقتلوا» تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله «أقتلوا أنفسكم» تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . . .) می باشد. در معنای جمله «فاقتلوا أنفسكم» دو نظر ایراد شده است. 1- فاقتلوا بعضكم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ 2- هر کسی خود را بکشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 71 - 12

12 - از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: « . . . ان الذين أمروا قوم موسى بعبادة العجل ، كانوا خمسة أنفس ، و كانوا أهل بيت يأكلون على خوان واحد . . . و هم الذين ذبحوا البقره التي أمر الله عز و جل بذبحها ؛

. . . کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند . . . و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود ذبح کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 10، 8، 4

4 - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

8 - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه «و أنتم ظالمون» ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

10 - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

14 - قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

اشراب «مصدر أشربوا» به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از «عجل» (گوساله) به قرینه «فی قلوبهم» محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن «عجل» به جای «محبت عجل»، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

22 - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: « و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم » روایت شده که فرموده است: « فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی الیم قال: فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشربه و هو قول الله: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم ;

موسی(ع) قصد [نابودی] گوساله [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و

خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 11، 2، 1

1 - قوم موسی در غیاب وی (زمان حضورش در میعادگاه مناجات) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

2 - قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ .. من حلیهم عجلاً جسداً

اتخاذ (مصدر «اتخذ») در اینجا به معنای ساختن است. «عجل» به معنای گوساله نر و «حلی» (جمع حلی) به معنای زیورآلات است.

11 - بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 8، 2، 1

1 - بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله «سقط فی أیدیهم» کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

2 - بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

8 - قوم موسی علی رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 7، 8، 9، 11

7- موسی (ع) بر اثر شدت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسی إلى قومه غضبن أسفاً . . . وألقى الألواح

8- آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

و ألقى الألواح

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی (ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

9- موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

و أخذ برأس أخيه يجره إليه

ص: 138

11 - بازداری بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی ، مسؤولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

و أخذ برأس أخیه یجره إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 7

7 - قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی بر خداوند افترا بستند .

و كذلك نجزی المفترین

مصدق مورد نظر برای «المفترین» مشرکان و گوساله پرستان بنی اسرائیل هستند. بنابراین شرک‌ورزی آنان افترا بر خدا بود. «افتراء»، از «فریه»، به معنای دروغ بافتن است. و مراد از «مفترین»، به مناسبت مورد، کسانی هستند که بر خدا دروغ می‌بندند؛ یعنی به دروغ چیزی را به خدا نسبت می‌دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 85 - 11

11 - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان ، پس از عبورشان از دریا بود .

یبنی اسرئیل قد أنجینکم من عدوکم . . . فتتا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 3, 1

1 - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع) ، سعی در بی‌تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند .

ألم یعدکم . . . أفضال . . . أم أردتم . . . قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله «ما أخلفنا» و نیز «حمّلنا»، جملگی توجیهاات بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

3 - بی‌اختیار قلمداد کردن خود ، از بهانه های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

«موعد» مصدر و به معنای «وعد» است. «ملک» نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالک بودن امور خویش است. از همین رو



معنای «ما أخلفنا...» چنین می شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 3

3 - تویخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

استفهام در «أفلا یرون» برای انکار تویخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 1

1 - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) ، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود .

ص: 139

و لقد قال لهم هرون من قبل

«من قبل»؛ یعنی، پیش از بازگشت موسی (ع) از میقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 1

1 - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فَاتَّبَعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي .. قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَكْفِينَ

«لن نبرح»؛ یعنی، «لانازال» (پایدار می مانیم) و «عاکف» به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 92 - 1

1 - موسی (ع) ، پس از بازگشت از میقات ، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مورد بازخواست و توبیخ قرار داد .

یه-رون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

#### 41- گوساله پرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 9

9 - سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وانظر إلى إلهك الذي ظلت عليه عاكفاً

«إلهك» علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان «إله» پذیرفته بود.

#### 42- گوساله پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 12

12 - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا . .. قل ... ولقد جاءكم موسى بالبينت ثم أنخذتم العجل

جمله «لقد جاءكم...» عطف بر «لم تقتلون...» در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 18

ص: 140

18 - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ ( کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . . ) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا . . . قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله «قل بئسما . . .» (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب «نؤمن بما أنزل علینا» قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 15،18

15 - کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

18 - گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت فغفونا عن ذلك

#### 43- گوساله چاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 7

7 - پذیرایی ابراهیم (ع) از میهمانان خویش ، با گوساله ای فربه و بریان

فجاء بعجل سمین

#### 44- گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 6

6 - سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان «اله» بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج . . . فقالوا هذا إلهکم وإله موسی

#### 45- گوشت گوساله در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 12

12- حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

ص: 141

#### 46- مبارزه با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 20

20 - هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازداري آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 11

11 - بنی اسرائیل در خطر تشمت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله با گوساله پرستان

إني خشيت أن تقول فرقت بين بنی اسرائیل

#### 47- مبارزه با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 17

17 - هارون در غیاب موسی (ع) با شرکوزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 17

17 - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا أمری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان «اتَّبِعُونِي»، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

#### 48- مبارزه هارون(ع) با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 17

17 - هارون در غیاب موسی (ع) با شرکوزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

ص: 142

## 49- مجسمه گوساله نر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 2

2 - قوم موسی با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ . . . من حلیهم عجلاً جسداً

اتخاذ (مصدر «اتخذ») در اینجا به معنای ساختن است. «عجل» به معنای گوساله نر و «حلی» (جمع حلی) به معنای زیورآلات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 3,6,1

1 - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«عجل»؛ یعنی، گوساله نر. توصیف «عجلاً» به «جسداً» بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله «فأخرج لهم...» ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان - به قرینه گفتن «لهم» نه «لنا» - تبرئه خود از پرستش گوساله است.

3 - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

«خوار»؛ یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

6 - سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان «اله» بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج . . . فقالوا هذا إلهكم وإله موسى

## 50- محافظت از گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 10



10 - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت علیه عاکفاً

«ظلت»، تخفیف یافته «ظللت» (مداومت داشتی) است. «عکوف» به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و «ظلت علیه عاکفاً»؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

### 51- مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 2

2- تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

ص: 143

لن نبرح عليه عكفين حتى يرجع إلينا موسى

## 52- مغضوبیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 1

1 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم و ذله فى الحيوه الدنيا

«فى الحيوه الدنيا» علاوه بر اینکه قید برای «ذله» است، می تواند «قید» برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن «غضب» دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

## 53- مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 3

3 - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن اختصاص دادند .

لن نبرح عليه عكفين

ملازمت و مداومت، از لغت «عاکفین» به دست می آید.

## 54- منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 15

15 - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فى قلوبهم العجل

## 55- موسی (ع) و گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زّین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقنه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

ص: 144

«تحریق» (مصدر «لنحرقتَه») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثمّ لنسفنه...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

### 56- نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 13

13 - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود .

لنحرقتَه ثمّ لنسفنه

ضمیرهای جمع در افعال «لنحرقتَه» و «لنسفنه» گویای نکته یاد شده است.

### 57- نقش صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 5

5- شنیده شدن صدای گوساله از تندیس دست ساز سامری ، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد .

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

### 58- نقش گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 2

2- گوساله سامری ، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود .

إِثْمًا فَتَنَّمْ بِهِ

### 59- هارون (ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 17

17 - هارون در غیاب موسی (ع) با شرکوزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

ص: 145

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 5

5 - موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی، وی را کاملاً دور از خطا ندانست.\*

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.

### 60- هزینه گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 11

11 - بنی اسرائیل، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خوانده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند.

ما أخلفنا موعدك بملكننا و لكنا حملنا أوزارًا

یکی از معانی ذکر شده برای «ملک»، «مملوک» است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختیم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

گوساله پرستان

### 61- آموزش گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 11, 12

11 - آموزش گناه گوساله پرستان بنی اسرائیل مؤثر در پیشبرد اهداف رسالت موسی (ع)

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

مخاطب در جمله «إن ربك ...» حضرت موسی (ع) است. در اینکه چرا خداوند در بیان آموزش گناهان بنی اسرائیل، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داده و کلمه «رب» را به آن اضافه کرده، دو وجه می توان ذکر کرد: بخشش گناه بنی اسرائیل در راستای ربوبیت خدا بر موسی و طبعاً در راستای پیشبرد رسالت اوست. توصیه ای است به موسی (ع) که تونیز از خطاها و لغزشهای قوم، در صورت توبه، درگذر و آنها را نادیده انگار. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

12 - گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

ص: 146

## 62- آموزش گوساله پرستان تائب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 154 - 1

1 - موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آموزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله «و لما سکت . . .»، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

## 63- انذار گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 14

14 - موسی (ع) ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را مردمی عهدشکن توصیف کرده و آنها را به عذاب سخت الهی هشدار داد .

أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربكم

## 64- بی عقلی گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 5

5 - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

## 65- توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 7,20

7 - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل



حرف «فاء» در «فاقتلوا» تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله «أقتلوا أنفسکم» تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله «فاقتلوا أنفسکم» دو نظر ایراد شده است. 1- فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ 2- هر کسی خود را بکشد.

20 - پذیرش توبه گوساله پرستان بنی اسرائیل ، از نعمت های خداوند به آنان

و إذ قال موسى . . . فتاب عليكم

آیه های این بخش از سوره چنانچه از مطلع آن (یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی . . .) به دست می آید، در صدد بیان نعمتهایی است که خداوند به بنی اسرائیل ارزانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 12

12 - گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

### 66- توطئه گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 19

19 - گوساله پرستان بنی اسرائیل مهبای کشتن هارون به خاطر مبارزه پی گیر وی با شرکورزی آنان

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

### 67- تهدید گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 1، 2

1 - خداوند، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهدید کرد.

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

«فی الحیوه الدنیا» علاوه بر اینکه قید برای «ذله» است، می تواند «قید» برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن «غضب» دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

2 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم . . . ذله في الحيوه الدنيا

### 68- جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 5

5- گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

ص: 148

أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولاً

### 69- حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 17

17 - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل ، در فاصله ارتداد آنان ، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

### 70- ذلت دنیوی گوساله پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 2

2 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم .. ذله في الحيوه الدنيا

### 71- ذلت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 2

2 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم .. ذله في الحيوه الدنيا

### 72- روش برخورد با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 11

11 - سخنان هارون به گوساله پرستان بنی اسرائیل ، گفتاری محبت آمیز و همراه با توجیه و ارشاد بود .

يقوم إنّما فتنتم به

انتساب بنی اسرائیل به خود، با گفتن «ای قوم من» ابراز محبت است و ریشه یابی ماجرای سامری با فتنه خواندن آن، روشن گری و ارشاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 149

8 - هارون (ع)، برای ادای توضیح در باره علل نحوه برخورد خود با گوساله پرستان، از موسی (ع) تقاضای فرصت کرد.

لاتأخذ بلحیتی و لا برأسی إتی خشیت

### 73- کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 15

15 - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست.

ذلكم خير لكم عند بارئكم

انتخاب «بارء» در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار «بارئکم» در دو جمله «توبوا إلی بارئکم» و «ذلكم خير لكم عند بارئکم» رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 154 - 1

1 - موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست.

ولما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله «ولما سکت...»، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی (ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

### 74- گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 19

19 - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند.

فاقتلوا أنفسکم... فتاب علیکم

جمله «تاب علیکم» عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی: «ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم» پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت». قابل ذکر است که ضمیر در «تاب» به قرینه جمله بعد به «بارئکم» (خالق شما) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 7

7- گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود، با سامری همراهی و هم کاری داشتند .

عجلاً... فقالوا هذا إلهکم وإله موسی

ص: 150

فعل جمع «قالوا» می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

### 75- گوساله پرستان بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 17

17 - گوساله پرستان، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إتی خشیت أن تقول فرقت بین بنی إسرئیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

### 76- گوساله پرستان بنی اسرائیل و هارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 18

18 - هارون، مقهور گوساله پرستان بنی اسرائیل و ناتوان از بازداری ایشان

إن القوم استضعفونی

«استضعاف» به معنای غلبه کردن و مقهور ساختن است.

### 77- گوساله پرستان نائب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 12

12 - گذشت از گناه گوساله پرستان نائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصییه خداوند به موسی (ع) \*

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.



## 78- مبارزه با گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 20

20 - هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازداري آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش

ص: 151

برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 11

11 - بنی اسرائیل در خطر تشمت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله با گوساله پرستان

إنی خشیت أن تقول فرقت بین بنی إسرئیل

### 79- مغضوبیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 1

1 - خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به غضبی شدید و قریب الوقوع تهید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

«فی الحیوه الدنیا» علاوه بر اینکه قید برای «ذله» است، می تواند «قید» برای غضب نیز باشد. در این صورت مراد از غضب الهی گرفتار ساختن به عذابهای دنیوی است. نکرده آوردن «غضب» دلالت بر شدت غضب و عظمت آن دارد.

گوساله پرستی

### 80- آثار گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 16، 17

16 - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله «و أشربوا ..» حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقتشان به گوساله پرستی بوده است.

17 - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 2, 1

1 - موسی (ع) با مشاهده گوساله پرستی بنی اسرائیل ، پس از بازگشت از میقات ، به شدت خشمگین شد .

بینوؤم لاتأخذ بلحیتی و لا برأسی

گرفتن سر و ریش هارون، نشان شدت از ناراحتی موسی(ع) در مورد انحراف بنی اسرائیل دارد.

2 - موسی (ع) با گرفتن سر و ریش هارون ، او را در باره گوساله پرست شدن بنی اسرائیل در غیاب خود مورد بازخواست قرار داد .

ص: 152

یه-رون ما منعک . . . لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی

### 81- بی منطقی گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 8

8 - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و اتم ظلمون

جمله حالیه «و اتم ظالمون» ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

### 82- بی منطقی گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 10، 7

7 - گرایش قوم موسی به پرستش مجسمه ای ناتوان از سخن گفتن و عاجز از هدایتگری ، امر نابخردانه و شگفت آور

الم یروا انه لا یکلمهم و لا یهدیهم سیلا

10 - بنی اسرائیل هیچ بهانه و عذری در گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

اتخذوه و كانوا ظلمین

جمله حالیه «و كانوا ظلمین» می تواند اشاره به یکی از این دو معنا باشد: شرک ظلم است و قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی از ظالمان شدند. گوساله پرستی بنی اسرائیل قرین ظلم بود، نه بیان این حقیقت که شرک خود ظلم است. یعنی این کردار آنان از سر ظلم بود و هیچ توجیهی که بتواند آن کار ناصواب را کاری شایسته جلوه دهد در دست نداشتند. برداشت فوق ناظر به معنای دوم است.

### 83- پشیمانی از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 1

1 - بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان

شدند .

و لما سقط في أيديهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله «سقط في أيديهم» کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

ص: 153

#### 84- توبه از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 4

4 - خداوند گناه آن گروه از بنی اسرائیل را که پس از گوساله پرستی توبه کرده و با ایمان به یکتایی خدا به پرستش او بازگشتند ، آمرزید و آنان را مشمول رحمت خویش قرار داد .

و الذین عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها و ءامنوا

مصدق مورد نظر برای «الذین عملوا السيئات»، به دلیل آیات پیشین، گوساله پرستان بنی اسرائیل است. این آیه در حقیقت استثنایی برای آیه پیشین است.

#### 85- تهمت گوساله پرستی به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 10

10 - سامری و طرفداران و مبلغان او ، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند .

فقالوا هذا إلهكم و إله موسى فتنسى

#### 86- زمینه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 5,9

5 - برآمدن صدای گاو از مجسمه گوساله بنی اسرائیل ، زمینه ساز روی آوری قوم موسی به پرستش آن

له خوار

معمولاً یاد کردن از ویژگیهای یک شیء ناظر به علت احکامی است که بر آن مترتب شده است. بنابراین می توان گفت خداوند با بیان این ویژگی از مجسمه گوساله (بروز دادن صدای گاو) اشاره به یکی از علل گرایش آنان به پرستش آن گوساله دارد.

9 - وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسى من بعده من حليهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه 138 و 139، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 6

6 - توهّم به سر آمدن زمان میعاد خدا با موسی (ع) و تأخیر وی در مراجعت، زمینه ساز گرایش قوم موسی به گوساله پرستی شد.

بِسْمَا خَلْفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ

ص: 154

جمله «أعجلتم ..» اشاره به علتی دارد که بنی اسرائیل را به گوساله پرستی واداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 8

8 - بنی اسرائیل ، دارای زمینه مساعد فکری برای پذیرش گوساله طلایی به عنوان معبود بودند .

فقالوا هذا إلهكم و إله موسى

انتخاب شکل گوساله برای القای بت پرستی و نیز ارتداد سریع بنی اسرائیل، به خصوص پس از مشاهده معجزات موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

### 87- ظلم گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 11

11 - بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمين

### 88- عوامل گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 92 - 3

3 - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی ، مقصر دانست .

قال يه-رون ما منعك إذ رأيتهم ضلّوا

«ما منعك..» استفهام انکاری است و گویای اعتراض موسی(ع) به هارون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 3

3 - هارون (ع) ، دارای مسؤولیت در قبال گمراه شدن بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنان ، از دیدگاه موسی (ع)



یه-رون ما منعک . . . لاتأخذ بلحیتی و لا برأسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 1

1 - موسی (ع) ، پس از توییح بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل ، به بازخواست و محاکمه او پرداخت .

قال فما خطبک یس-مری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 155

8- فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و کذلک سؤلت لی نفسی

«کذلک» در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل - که دعوت مردم به گوساله پرستی است - وجود ندارد.

### 89- فتنه گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 154 - 7

7- فرونشستن فتنه گوساله پرستی در میان قوم موسی ، فراهم آورنده زمینه ای مناسب برای مطرح شدن تورات از سوی آن حضرت

أخذ الألواح

بیان این واقعیت که موسی(ع) در پی فرونشستن فتنه گوساله پرستی، الواح را برگرفت، این حقیقت را روشن می سازد، که زمینه از دست رفته برای تعالیم تورات بار دیگر در میان قوم موسی ایجاد شد. گفتنی است آیه «149» می رساند که عموم بنی اسرائیل از گوساله پرستی توبه کردند و آیه «153» می رساند که خداوند توبه آنان را پذیرفت و در نتیجه فتنه گوساله پرستی فرونشست.

### 90- فرجام گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 3

3- بنی اسرائیل پس از اذعان به گمراهی خویش ، به این حقیقت رسیدند که نجاتشان از فرجام شوم گوساله پرستی در گرو شمول رحمت خدا و مغفرت اوست .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخسرین

### 91- گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 7,10,11,13,15

7- بنی اسرائیل ، در غیاب موسی (ع) به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

«من بعده»؛ یعنی پس از غیاب موسی (ع) و دور شدنش از بنی اسرائیل. «اتخذتم» از افعال تصبییر است. کلمه «العجل» مفعول اول آن و مفعول دومش «الهاً» است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است؛ یعنی: «ثم جعلتم العجل الهاً»

ص: 156

لکم».

10 - گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، پس از عبورشان از دریا و نجات یافتن از سیطره فرعونیان بود .

و إذ فرقنا بکم البحر . . . و إذ وعدنا ... ثم اتخذتم العجل من بعده

11 - بنی اسرائیل ، هیچ بهانه و عذری برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جمله حالیه «أنتم ظالمون» (در حالی که ظالم بودید) ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن حالتی بوده مقارن گوساله پرستی: یعنی، گرایش بنی اسرائیل به شرک از سر ظلم بود و هیچ توجیهی هر چند واهی از قبیل جهل و مانند آن - که بتواند بهانه و عذری برای آنان باشد - در میان نبوده است.

13 - داستان غیبت موسی (ع) از میان قوم خویش و گرایش آن قوم به گوساله پرستی ، داستانی عبرت آموز و شایسته یاد آوردن

و إذ وعدنا موسی أربعین ليله ثم اتخذتم العجل من بعده

15 - گوساله پرستی بنی اسرائیل از جمله ستمکاری های آنان بود .

ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 4، 5، 1

1 - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

4 - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل ، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله «عفونا عنکم» نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف «ثم» به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

5 - امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین «من بعد ذلك» بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود؛ بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلک خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 7، 1

1 - قوم موسی با گوساله پرستی، بر خویشان ستم کرده و مستحق کیفر شدند.

يقوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل

7 - کشتن یکدیگر، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف «فاء» در «فاقتلوا» تفسیریه است؛ یعنی، بیانگر این است که جمله «أقتلوا أنفسکم» تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا ..) می باشد. در معنای جمله «فاقتلوا أنفسکم» دو نظر ایراد شده است. 1- فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید)؛ 2- هر کسی خود را بکشد.

ص: 157

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 71 - 12

12 - از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: «... ان الذين أمروا قوم موسى بعبادة العجل ، كانوا خمسه أنفس ، و كانوا أهل بيت يأكلون على خوان واحد... و هم الذين ذبحوا البقره التي أمر الله عز و جل بذبحها ؛

... کسانی که قوم موسی (ع) را به پرستش گوساله دعوت کردند، پنج نفر بودند که همگی از یک خانواده و سر یک سفره می نشستند... و آنان همان کسانی بودند که مأمور گشته بودند گاوی را که خداوند عز و جل دستور داده بود زبح کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 4,8,10

4 - قوم موسی ، در غیاب او به گوساله پرستی روی آوردند .

ثم اتخذتم العجل من بعده

8 - قوم موسی ، هیچ عذر و بهانه ای برای گرایش به گوساله پرستی نداشتند .

ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظلمون

جمله حالیه «و انتم ظالمون» ظهور در این معنا دارد که: ظالم بودن، حالتی مقارن گوساله پرستی بوده است؛ یعنی، گوساله پرستی بنی اسرائیل از سر ظلم بوده و هیچ توجیهی از قبیل جهل که بتواند بهانه و عذری برای آن باشد در میان نبوده است.

10 - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 14,22

14 - قلب ها و دل های یهودیان عصر موسی آکنده از عشق به گوساله پرستی بود .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

اشراب «مصدر اشربوا» به معنای آمیختن و نفوذ دادن است. مراد از «عجل» (گوساله) به قرینه «فی قلوبهم» محبت و عشق گوساله است نه خود گوساله. آوردن «عجل» به جای «محبت عجل»، بیانگر این است که: محبت گوساله چنان با قلبهای آنان عجین شده بود که گویا خود گوساله در دلهای آنان جای داشت.

22 - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: « و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم » روایت شده که فرموده است: « فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی الیم قال: فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشر به و هو قول الله: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم »;

موسی (ع) قصد [نابودی] گوساله [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 11، 2، 1

1 - قوم موسی در غیاب وی ( زمان حضورش در میعادگاه مناجات ) به پرستش تندیس گوساله روی آوردند .

ص: 158

و اتخذ قوم موسى من بعده من حليهم عجلاً جسداً

2- قوم موسى با زیورآلات خویش مجسمه گوساله نری را برای پرستش ساختند .

اتخذ .. من حليهم عجلاً جسداً

اتخاذ (مصدر «اتخذ») در اینجا به معنای ساختن است. «عجل» به معنای گوساله نر و «حلی» (جمع حلی) به معنای زیورآلات است.

11- بنی اسرائیل زمان موسی بر اثر ارتداد و گرایش به گوساله پرستی از ستمکاران شدند .

اتخذوه و كانوا ظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 149 - 1,2,8

1- بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط في أيديهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله «سقط في أيديهم» کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

2- بنی اسرائیل پس از آگاهی به گمراهی خویش ، از گوساله پرستی توبه کردند و به گناه خویش معترف شدند .

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لئكونن من الخسرين

8- قوم موسی علی رغم پیشینه گوساله پرستی به رحمت و مغفرت الهی امیدوار بودند .

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 150 - 7,8,9,11

7- موسی (ع) بر اثر شدت غضب به خاطر گوساله پرستی قومش ، لوحه های تورات را بر زمین افکند .

لما رجع موسى إلى قومه غضبين أسفاً .. و ألقى الألواح



8 - آلودگی بنی اسرائیل به شرک و گوساله پرستی ، از میان برنده زمینه ابلاغ تورات و تعلیم پیام ها و موعظه های آن

وَأَلْقَى الْأَلْوَابِحَ

گویا هدف از بیان این بخش از داستان که موسی(ع) با مشاهده گوساله پرستی تورات را بر زمین افکند، این نکته باشد که موسی(ع) جامعه نابخرد خویش را شایسته تورات ندانست و زمینه تعالیم آن را بر باد رفته دید و لذا آن را بر زمین نهاد.

9 - موسی (ع) ، برادرش هارون را در انحراف بنی اسرائیل و گرایش آنان به گوساله پرستی مقصر شناخت .

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجْرُهُ إِلَيْهِ

11 - بازداری بنی اسرائیل از گرایش به شرک و گوساله پرستی ، مسئولیت هارون از دیدگاه موسی (ع)

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجْرُهُ إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 7

7 - قوم موسی با گرایش به گوساله پرستی بر خداوند افترا بستند .

و كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ

ص: 159

مصدق مورد نظر برای «المفترین» مشرکان و گوساله پرستان بنی اسرائیل هستند. بنابراین شرک‌ورزی آنان افترا بر خدا بود. «افتراء»، از «فریه»، به معنای دروغ بافتن است. و مراد از «مفترین»، به مناسبت مورد، کسانی هستند که بر خدا دروغ می‌بندند؛ یعنی به دروغ چیزی را به خدا نسبت می‌دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 85 - 11

11 - ارتداد بنی اسرائیل و پیدایش گوساله پرستی در میان آنان، پس از عبورشان از دریا بود.

بینی اسرائیل قد أنجینکم من عدوکم .. فتتأ قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 1,3

1 - بنی اسرائیل در برابر بازخواست و توبیخ خود از جانب موسی (ع)، سعی در بی‌تقصیر نشان دادن خود در ماجرای گوساله پرستی داشتند.

ألم یعدکم .. أفضال .. أم أردتم ... قالوا ما أخلفنا موعدک بملکنا

جمله «ما أخلفنا» و نیز «حمّلنا»، جمله‌گی توجیهاً بنی اسرائیل برای پذیرش گوساله پرستی از سوی آنان است.

3 - بی‌اختیار قلمداد کردن خود، از بهانه‌های بنی اسرائیل برای توجیه پیمان شکنی با موسی (ع) و پذیرش گوساله پرستی در میان خود

ما أخلفنا موعدک بملکنا

«موعد» مصدر و به معنای «وعد» است. «ملک» نیز مصدر است و مراد بنی اسرائیل، نفی مالک بودن امور خویش است. از همین رو معنای «ما أخلفنا...» چنین می‌شود: ما از پیمان و وعده تو، به اختیار خود تخلف نکردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 3

3 - توبیخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

استفهام در «أفلا یرون» برای انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 1

1 - انحراف و گوساله پرستی بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع)، علی رغم هشدار های هارون (ع) صورت گرفته بود.

و لقد قال لهم هرون من قبل

«من قبل»؛ یعنی، پیش از بازگشت موسی (ع) از میقات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 1

1 - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی، سرباز زدند.

فَاتَّبَعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي... قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَڪْفِينَ

ص: 160

«لن نبرح»؛ یعنی، «لا انزال» (پایدار می مانیم) و «عاکف» به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 92 - 1

1 - موسی (ع)، پس از بازگشت از میقات، هارون را در باره عکس العمل وی در مقابل گوساله پرستان بنی اسرائیل، مورد بازخواست و توییح قرار داد.

یه-رون ما منعک إذ رأیتهم ضلّوا

### 92- گوساله پرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 9

9 - سامری، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید.

وانظر إلی إلهک الذی ظلت علیه عاکفاً

«إلهک» علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان «إله» پذیرفته بود.

### 93- گوساله پرستی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 92 - 12

12 - گرایش یهودیان به گوساله پرستی، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل ... ولقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل

جمله «لقد جاء کم ..» عطف بر «لم تقتلون ...» در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 18

18 - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران، گوساله پرستی و...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است.

قالوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا .. قُلْ بَشِّرْهُم بِأَمْرِكُمْ بِإِيمَانِكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

چون جمله «قل بَشِّرْهُم بِأَمْرِكُمْ ..» (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب «نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا» قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 15، 18

15 - کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

18 - گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت فعمفونا عن ذلك

### 94- مبارزه با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 17

17 - هارون در غیاب موسی (ع) با شرکوری و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 17

17 - هارون (ع) ، دارای برنامه ای مشخص برای مقابله با گوساله پرستی و احیای توحید در بنی اسرائیل بود .

أطیعوا أمری

دعوت هارون(ع) از بنی اسرائیل به اطاعت فرمان های او، پس از فرمان «اتبعونی»، حاکی از آن است که وی برای بنی اسرائیل در صورت پیروی آنان از او، دستور العمل هایی را تدارک دیده بود.

### 95- مبارزه هارون(ع) با گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 17

17 - هارون در غیاب موسی (ع) با شرکوری و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني

## 96- مدت گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 2

2- تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری ، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتی یرجع إلینا موسی

ص: 162

## 97- مکان گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 3

3 - بنی اسرائیل ، محل استقرار گوساله سامری را عبادت گاه خود قرار داده و ساعات فراوانی را به عبادت آن اختصاص دادند .

لن نبرح علیه عکفین

ملازمت و مداومت، از لغت «عاکفین» به دست می آید.

## 98- منشأ گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 15

15 - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

## 99- هارون (ع) و گوساله پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 17

17 - هارون در غیاب موسی (ع) با شرکورزی و گوساله پرستی بنی اسرائیل به مبارزه پرداخته بود .

قال ابن أم إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 5

5 - موسی (ع) در عین قانع شدن به بی تقصیری هارون در گرایش بنی اسرائیل به گوساله پرستی ، وی را کاملاً دور از خطا ندانست . \*

قال رب اغفر لی و لأخی

طلب مغفرت برای هارون می تواند گویای برداشت فوق باشد.



**100- القای گوساله سامری در دریا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 163

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقته ثم لنسفته في اليم نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقته») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتمنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثم لنسفته...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . . . لنحرقته ثم لنسفته في اليم

«انظر» فرمان موسی (ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لنحرقته» و «لنسفته»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

### 101- امتحان با گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 3

3 - فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون . . . إنما فتنتم به

### 102- جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 1

1 - سامری، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«عجل»؛ یعنی، گوساله نر. توصیف «عجلاً» به «جسداً» بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله «فأخرج لهم...» ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان -

به قرینه گفتن «لهم» نه «لنا» - تبرئه خود از پرستش گوساله است.

### 103- روش نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 14

14 - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

ص: 164

از معانی ذکر شده برای «حرق» و «تحریق»، سوهان کاری کردن و ساییدن است و «تحریق» بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

#### 104- سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 22

22 - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: «و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم» روایت شده که فرموده است: «فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفه الی طرف ذنبه ثم احرقه بالنار فذره فی الیمّ قال: فکانت احدهم لیقع فی الماء و ما به إلیه من حاجه فیتعرض بذالک للرماد فیشربه و هو قول اللّٰه: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم»؛

موسی (ع) قصد [نابودی] گوساله [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 11، 12

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زّین سامری

وانظر إلی إلهک . . . لنحرّفته ثمّ لنسفته فی الیمّ نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرّفته») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتمی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثمّ لنسفته...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . . . لنحرّفته ثمّ لنسفته فی الیمّ

«انظر» فرمان موسی (ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لنحرّفته» و «لنسفته»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

## 105- صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 3

3 - تندیس گوساله زرین سامری ، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

«خوار»؛ یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا

ص: 165

است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 6

6 - صدای خارج شده از گوساله سامری ، خالی از هرگونه مفهوم لفظی بود .

له خوار .. أفلايرون أليرجع إليهم قولاً

### 106- عجز گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 1

1 - گوساله سامری ، پیکره ای عاجز از پاسخ گویی و ناتوان از نفع و ضرر رسانی

أفلايرون أليرجع إليهم قولاً و لايملك لهم ضرراً و لانفعاً

«رجوع» در کلام فصیح عرب به صورت متعدی نیز استعمال می شود (مصباح) و «لايرجع ..»؛ یعنی گوساله، گفته ای را به آنان باز نمی گرداند و به آنان پاسخی نمی دهد و «لايملك...»؛ یعنی، گوساله، مالک نفع و ضرر آنان نیست.

### 107- فلسفه نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 1

1 - متذکر ساختن مردم به توحید در پرستش ، هدف موسی (ع) از منهدم ساختن و خرد کردن گوساله سامری

لنحرقتنه .. إنما إلهكم الله

برحسب ظاهر، این آیه ادامه سخن موسی (ع) با قوم خویش است. ارائه این بیانات، پس از محاکمه سامری و محکومیت وی و نیز تصمیم به نابود ساختن گوساله او، نتیجه گیری از مجموع واقعه و حاکی از این نکته است که موسی (ع) برای اخذ این نتیجه (ابطال شرک و اثبات توحید)، آن مقدمات را به کار گرفته بود.

### 108- گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان « اله » بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج... فقالوا هذا إلهكم وإله موسى

ص: 166

## 109- محافظت از گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 10

10 - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ظلت علیه عاکفاً

«ظلت»، تخفیف یافته «ظللت» (مداومت داشتی) است. «عکوف» به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و «ظلت علیه عاکفاً»؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

## 110- موسی (ع) و گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 11

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقنه ثم لنسفنه في اليم نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقنه») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثم لنسفنه...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

## 111- نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 13

13 - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود .

لنحرقنه ثم لنسفنه

ضمیرهای جمع در افعال «لنحرقنه» و «لنسفنه» گویای نکته یاد شده است.



## 112- نقش صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 5

5 - شنیده شدن صدای گوساله از تندیس دست ساز سامری ، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد .

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

ص: 167

### 113- نقش گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 2

2 - گوساله سامری ، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود .

إِنَّمَا فَتَنَّاهُمْ بِهِ

### 114- هزینه گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 11

11 - بنی اسرائیل ، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را ، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خوانده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند .

مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أُوزَارًا

یکی از معانی ذکر شده برای «ملک»، «مملوک» است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهمیم نساختم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

ص: 168

1- احکام گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 103 - 1,2,6,12,13

1 - خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره، سائبه، وصیله و حامی قرار نداده است.

ما جعل الله من بحیره و لاسائبه و لاوصیله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و... به قرینه «قالوا حسبنا ما وجدنا...» در آیه بعد، نفی تشریح احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و... بوده است.

2 - کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره، سائبه، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند.

ما جعل الله... و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

6 - احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افتراهای کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من... و لاوصیله و لكن الذين كفروا يفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دوقلو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را «وصیله» می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای «وصیله» در آیه فوق فرمود: «ان اهل الجاهلیه كانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلايستحلون ذبحها و لااكلها...»

---

معانی الاخبار، ص 148، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 683، ح 410.

12 - بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره، سائبه، وصیله و حامی، را احکامی الهی می پنداشتند.

ما جعل الله من بحیره... يفترون على الله الكذب و اکثرهم لايعقلون

13 - تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت - علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره، سائبه، وصیله و حامی - آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اکثرهم لايعقلون

## 2- استفاده از گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 7

ص: 169

7- امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام‌ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما کُنَّا عن الخلق غفلین . . . و إنَّ لکم فی الأنعم لعبره ... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 4

4- بهره مندی انسان‌ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از «لام» «لهم» (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

### 3- اهمیت شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 73 - 3

3- اهمیت و نقش بسیار شیر شتر ، گاو و گوسفند و فراورده های آن ، در تغذیه انسان‌ها

و مشارب

برداشت یاد شده از آن جا است که شیر - با آن که از منافع آنعام به شمار می رود - اختصاص به ذکر یافته است.

### 4- پیه گوسفند در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 146 - 2

2- خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا . . . ذلک جزینهم ببغیهم

### 5- تحریم پیه گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر والغنم حرمننا علیهم شحومهما إلا ما حملت

«شحم» به معنی چربی و پیه است و «ظهر» یعنی پشت و «حوایا»، جمع «حویه»، به معنی روده است.

5 - تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمننا... ذلک جزینهم بیغیهم

«بغی» به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

### 6- تسخیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 72 - 2

2- رام و مسخر کردن دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنها لهم

### 7- تشبیه به گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 171 - 9

9 - از امام باقر ( ع ) درباره آیه فوق روایت شده : « مثل الذین کفروا فی دعائک ایاهم ای مثل الداعی لهم إلى الإیمان کمثل الناعق فی دعائه المنعوق به من البهائم التي لاتفهم وإنما تسمع الصوت فکما ان الأنعام لایحصل لها من دعاء الراعی إلا السماع دون تفهم المعنی فکذلک الکفار لایحصل لهم من دعائک ایاهم إلى الإیمان إلا السماع دون تفهم المعنی ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند».

### 8- تعقل در خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 2

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت ( مانند شتر ، گاو و گوسفند )

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

### 9- حلیت جنین گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حليت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنين آنها

من الضأن .. قل الذكرين حرم أم الأثنيين أما اشتملت عليه أرحام الأثنيين

ص: 171



## 10- حلیت گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 14

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم .. کلوا مما رزقکم الله

«أنعام» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 2

2 - حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8,9

8- شتر، گاو و گوسفند، چهار پایانی حلال گوشت

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»؛ یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ» به تقدیر «أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكُلَ لَحُومِ الْأَنْعَامِ» می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

9- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

ص: 172

## 11- خالق گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

1- خداوند، خالق و آفریننده انعام (گاو، شتر و گوسفند) است.

و الأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «أنعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

## 12- خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

1 - آفرینش انسان، جنبندگان و دام ها (شتر، گاو و گوسفند)، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله... و من الناس و الدواب و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

## 13- خوردن گوشت گوسفند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها (گاو، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت، امری رایج و متداول بوده است.

و الأنعم خلقها لكم... و منها تأكلون... و الخيل و البغال و الحمير لتربوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

## 14- ذبح گوسفند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 12

12 - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به

ص: 173

اعتقاد همه مفسران مراد از «أنعام» در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که «بهیمه» به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

### 15- زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1 - خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

«ثمانیه أزواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

### 16- شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 2

2 - شیر دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، از منابع مهم تغذیه انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

### 17- شیر گوسفند از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 66 - 3

3- بیرون آوردن شیر خالص و آماده نوشیدن ، از بین خون و سرگین داخل شکبه شتر ، گاو و گوسفند ، از آیات خداوند

وإن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سانع

### 18- عبرت از خروج شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 66 - 4

4- در خارج کردن شیر خالص از میان خون و فضولات غذایی شتر، گاو و گوسفند، درس عبرتی است برای انسانها

وإن لكم في الأنعم لعبرة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث ودم لبنًا خالصًا سائغ

ص: 174

## 19- عبرت از گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 66 - 1

1- در شتر، گاو و گوسفند درس عبرتی برای انسانهاست.

وإن لكم في الأنعم لعبرة نسقيكم

«أنعام» نامی است برای شتر، گاو و گوسفند.

## 20- فلسفه خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 2

2- آفرینش دام ها ( شتر، گاو و گوسفند ) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست.

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 2

2- شتر، گاو و گوسفند، برای انسان و در خدمت او است.

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر، گاو و گوسفند «أنعام» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 5

5- خداوند، شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید.

و منها يأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند، دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان‌ها آفریده است.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

لام در «لکم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می‌رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

### 21- فواید پشم گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 9

ص: 175



9- پشم، کرک و موی دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لكم من الأنعم... تستخفونها... أثناً و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می‌باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

## 22- فواید پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 5,6

5- آفرینش دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند)، به گونه‌ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود، به قدرت خداست.

والله... جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

6- بهره‌وری انسان، از پوست دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال، از نعمت‌های الهی است.

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

## 23- فواید شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 66 - 5

5- شیر شتر، گاو و گوسفند نوشیدنی، سالم و سهل التناول است.

وإن لكم في الأنعم لعبرة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث و دم لبناً خالصاً سائغ

«خالصاً» (پالوده از هر چیز) حکایت از سلامت آن و «سائغاً» (آسان جریان یابنده) حکایت از سهل التناول بودن آن می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 2

2- شتر، گاو و گوسفند، دارای نوشیدنی‌های بسیار برای انسان

و مشارب

## 24- فواید کرک گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 9

ص: 176

9- پشم، کرک و موی دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لكم من الأنعم... تستخفونها... أثناً و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می‌باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

## 25- فواید گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 5 - 4

4- دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند)، دارای فواید و منافع گوناگون برای انسان

و الأنعم خلقها لكم فيها دفء و منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 6، 1

1 - وجود و کارایی دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای انسان، آکنده از درس‌ها و عبرت‌هایی از تقدیر و تدبیر الهی است.

و إن لكم فی الأنعم لعبره

«أنعام»؛ یعنی، گله‌های شتر، گاو و گوسفند. «عبره» و «اعتبار» نیز به معنای پندگرفتن و اندرز یافتن است.

6 - شتر، گاو و گوسفند، از منابع درآمد و امرار معاش انسان

و منها تأکلون

جمله «و منها تأکلون» (از آنها می‌خورید) می‌تواند تعبیر کنایی از ارتزاق و کسب درآمد باشد؛ چنان‌که گفته می‌شود «فلانی از حرفه اش می‌خورد» که مقصود این است که فلانی از حرفه اش زندگی کرده کسب درآمد می‌نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 6

6 - شتر، گاو و گوسفند، از نعمت‌های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن «أنعام» از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 73 - 1

1 - شتر، گاو و گوسفند - علاوه بر خوردن و سوار شدن - دارای منافع بسیار و انواع سودها برای بشر است .

فمنها ركوبهم و منها يأكلون . و لهم فيها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 8,9

ص: 177

8- بهره مندی انسان ها ، فلسفه آفرینش دام ها ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز )

و أنزل لكم من الأنعم

9- دام ها ( شتر ، گاو ، گوسفند و بز ) دارای اهمیت و نقش ویژه در تغذیه و بهره‌وری انسان ها

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

از اختصاص به ذکر یافتن دام ها از میان دیگر حیوانات و نعمت های خدادادی، به وقت سخن گفتن از آفرینش انسان ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 4

4- خداوند ، برخی از دام ها ( چون شتر ) را برای سوار شدن و برخی دیگر ( مانند گوسفند ) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لتركبوا منها و منها تأكلون

## 26- فواید موی گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 80 - 9

9- پشم ، کرک و موی دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لكم من الأنعم . . . تستخفونها ... أثثا و متعًا

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

## 27- کیفیت خروج شیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 66 - 2

2- خداوند ، بیرون آورنده شیر خالص از میان خون و سرگین های داخل شکنجه شتر ، گاو و گوسفند جهت استفاده انسانها

وإن لكم فی الأنعم لعبره نسقیکم ممّا فی بطونه من بین فرث و دم لبنًا خالصًا سائغ

«فرث» سرگینی است که داخل شکنجه است و هنوز از آن خارج نشده است.

## **28- گوسفند در کفاره**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 95 - 4،8،26

ص: 178

4 - جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی ( شتر، گاو و گوسفند ) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

«نعم» مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. «جزاء» مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه «مثل» صفت «جزاء» می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. «من النعم» صفت و یا حال برای «جزاء» است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25.

8 - جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه ( شتر، گاو و یا گوسفند ) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . . هدیاً بلغ الکعبه

26 - شتر، کفّاره شکار شتر مرغ، گاو، کفّاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفّاره شکار آهو و گاو کفّاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

## 29- گوسفند قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 6

6 - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از «أنعام» در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که «بهیمه» به معنای چهارپا و اضافه آن به «أنعام» بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 13

13 - گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره «طیبت» در آیه فوق فرمود: .. یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

---

کافی، ج 5، ص 306، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 572، ح 665.

ص: 179



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 3

3 - خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم .. کلووا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 5

5 - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5 - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم ... و منها تأکلون

### 31- مالکیت بر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 3

3 - حق مالکیت انسان بر دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

«أنعام» جمع «نعم» است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود؛ هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن «أنعام» به ضمیر «کم»، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

### 32- منشأ تسخیر گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) را رام انسان و در خدمت او قرار داده است .

أَتَا خَلَقْنَا لَهُمْ أَنْعَامًا .. وَ ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ

«تذلیل» (مصدر «ذَلَّلْنَا») به معنای خوار کردن و به خضوع واداشتن چیزی است. و مقصود از آن در آیه شریفه، رام کردن و در اختیار قرار دادن انعام برای بشر است.

ص: 180

### 33- نعمت پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 6

6- بهره‌وری انسان، از پوست دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال، از نعمت‌های الهی است.

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

### 34- نعمت زوجیت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 7

7- آفرینش انعام (شتر، گاو، گوسفند و بز) به صورت نر و ماده، جلوه قدرت خدا و از نعمت‌های الهی

و أنزل لكم من الأنعم ثمنیه أزواج

«انعام» در اصل به شتر، گاو و گوسفند گفته می‌شود و گاهی شامل بز هم می‌شود؛ چنان‌که در این آیه چنین است. «أزواج» به معنای انواع و صنف‌ها است و اطلاق هشت صنف بر چهار نوع از حیوان، به اعتبار نر و ماده بودن هر یک از آنها است.

### 35- نعمت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 13

13 - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان‌ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 8

8 - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان‌ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 133 - 4

4 - دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) و فرزندان ، از نعمت ها و امداد های الهی به بشر

أمدکم بأنعم و بنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 6

ص: 181

6- شتر، گاو و گوسفند، از نعمت های بزرگ الهی برای بشر و دارای نقش مفید و مؤثر در بهبود زندگی وی

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

از اختصاص به ذکر یافتن «أنعام» از میان دیگر نعمت های الهی برای بشر، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 4

4- شیر و منافع بسیار شتر، گاو و گوسفند، نعمتی الهی و شایسته سپاس و شکرگزاری است.

ولهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

ص: 182

### 1- آثار سنگینی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 57 - 16

16- هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان سنگینی نشسته ( محرومان از درک و فهم آیات الهی ) ، ناممکن است .

و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبداً

«لن» برای نفی همیشگی است که در آیه مورد بحث، با کلمه «أبداً» نیز بر آن تأکید مجدد شده است؛ یعنی، چنین افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

### 2- آثار سنگینی گوش مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 2

2- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشهایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم أکنّ

### 3- آگاهی گوش از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 20 - 4

4- آگاهی گوش ، چشم و پوست آدمی ، از اعمال و رفتار او

شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم بما كانوا یعملون

گفتنی است که گواهی دادن فرع بر آن است که گواهی دهنده به آنچه گواهی می دهد آگاه باشد.

#### 4- ادراک گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 13

13 - دریافت های ادراکی انسان ، از طریق گوش ، تنها به یک کیفیت است ، ولی از طریق چشم و قلب ، متنوع است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

مفرد آورده شدن «سمع» و جمع آورده شدن «أبصار» و «أفئده» شاید به خاطر این واقعیت خارجی باشد که انسان از طریق گوش ، تنها صدا را می شنود در حالی که از طریق چشم ، رنگ ها ، جسم ها ، سکون و حرکت و .. و نیز از طریق قلب ، دریافت های گوناگونی دارد .

#### 5- استفاده از گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 7

7- بهره نگرستن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لا تقف .. .. إن السمع ... کان عنه مسئولاً

خداوند ، به منظور دور کردن انسانها از حرکت های غیر علمی ، به آنان نعمت شنوایی ، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان ، با بهره گیری صحیح از آن ، به یقین دست یافته و بر اساس آن ، حکم کرده و عمل نمایند .

#### 6- انگشت به گوش کردن قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 7 - 2

2- انگشت ها را در گوش ها نهادن و جامه ها را بر سر کشیدن ، واکنش معمول قوم نوح در برابر دعوت آن حضرت

و إتی کلّمَا دعوتهم .. .. جعلوا أصبعهم فی ءاذانهم و استغشوا ثیابهم

#### 7- پرسش از گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 11 ، 9

9- چشم، گوش و قلب در قیامت، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت.

إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا - چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد - مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

11- « عن الحسن بن هارون قال : قال لي أبو عبد الله (ع) : « إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً » قال : يسأل السمع عما سمع و البصر عما نظر إليه و الفؤاد عما عقد عليه ;

ص: 184



حسن بن خارون گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: [مراد از آیه] «إِنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» [این است که گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود].

### 8- خالق گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 10

10 - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

### 9- سنگینی گوش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 11 - 4

4- خداوند ، با تصرف در حس شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عدداً

### 10- سنگینی گوش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 57 - 13

13- محروم شدن حق ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها .. إنا جعلنا ... فی ءاذانهم وقراً

### 11- سنگینی گوش دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 57 - 10

10- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

«أَكِنَّة» جمع «كِنَان» به معنای «پرده و پوشش» است. «وَقْر» به معنای «سنگینی» است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر «یَفْقَهُوهُ» به «آیات» بازمی‌گردد که چون مراد از «آیات»، واژه «قرآن» است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از «أَنْ يَفْقَهُوهُ»، «لِنَلَايَفْقَهُوهُ» و یا «کراهه أَنْ يَفْقَهُوهُ»

ص: 185

است.

## 12- سنگینی گوش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 3

3 - خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

## 13- سنگینی گوش مروجان لهُو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 8

8 - رواج دهندگان سخنان باطل، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند.

كأنَّ فی أذنيه وقرا

## 14- سنگینی گوش معرضان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 8

8 - رواج دهندگان سخنان باطل، به قدری از آیات خدا گریزانند که گویا سنگینی گوش دارند.

كأنَّ فی أذنيه وقرا

## 15- سنگینی گوش مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 57 - 11

11- برخی از مردم، در برابر آیات قرآن، مانند کسانی اند که گوش شان، سنگین، و فهم آنها از کار افتاده است.

إنَّا جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

تعبیرهای «علی قلوبهم أکنه» و «فی اذانهم وقراً» تعبیراتی کنایی هستند، نه این که واقعاً، گوش و قلب آن ها، خللی ظاهری پیدا کرده باشد.

ص: 186

## 16- عوامل حجاب گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 7 - 5

5- آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد «غشاوه» بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده «غشاوه» بر گوش و چشم خویش هستند.

## 17- فواید گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 7 - 3

3- قلب ( دل و اندیشه ) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 6

6- قوای شنوایی و بینایی و قلب ، ابزار شناخت است .

و لاتقف .. إن السمع والبصر والفؤاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 5

5- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی اذانهم وقرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 52 - 6

6 - حواس ظاهری ، همانند شنوایی ، از ابزار شناخت است .

لاتسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 53 - 7

7 - شنوایی و بینایی از جمله ابزار فهم و دریافت هدایت است .

و ما أنت بهد العمى . . . إن تسمع إلا من يؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 187

14 - لقمان - 31 - 7 - 6

6- گوش ، از ابزار کسب اطلاعات و شناخت است .

كأن لم يسمعها كأن في أذنيه وقراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 40 - 8

8- گوش و چشم ، از ابزار شناخت حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدى العمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 11

11- ابزار حسی چشم و گوش ، وسیله رهیافت حقایق به محدوده ادراک بشر \*

جعلنا لهم سمعاً وأبصاراً وأفئده فما أغنى عنهم سمعهم ولا أبصرهم ولا أفئدتهم

تقدم لفظی «سمع» و «بصر» بر «أفئده» ممکن است بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

### 18- قصاص گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 4

4- جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و كتبنا عليهم .. والعين بالعين والأنف بالأنف والأذن بالأذن والسن بالسن

### 19- گواهی اخروی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 8

8- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 20 - 3

3 - گوش، چشم و پوست دشمنان خدا، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد.

و یوم یحشر أعداء الله... شهد علیهم سمعهم وأبصرهم و جلودهم

ص: 188



## 20- گوش جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 5,8

5 - جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک ( قلب ، چشم و گوش ) هستند .

لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم أعین لا يبصرون بها ولهم آذان لا يسمعون بها

8 - بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشتن را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

ولهم أعین لا يبصرون بها ولهم آذان لا يسمعون بها

## 21- مسؤل گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 3

3- انسان ، در قبال فعالیت چشم ، گوش و قلب خویش ، در پیشگاه خداوند مسؤل است .

إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤلأ

## 22- موجبات سنگینی گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 2

2 - اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی ، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است .

وجعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی آذانهم وقرا

«اصرار» و «حق ستیزی» از جملات دیگر آیه ، مانند «كل آیه .. ..» و «یجادلونك ...» ، استفاده شده است .

## 23- نعمت گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - قوای ادراکی انسان ( چشم و گوش و قلب ) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثم سوييه و نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرو

ص: 189

## 24- نقش گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 5

5- گوش، ابزار شناخت و قلب و دل، جایگاه فهم

و منهم من يستمع اليك وجعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه وفي آذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 108 - 5

5- قلب، چشم و گوش، از ابزار شناخت

طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 57 - 15

15- گوش، ابزار شناخت، و قلب و دل، جایگاه فهم است.

إنّا جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه وفي آذانهم وقراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 7

7- قلب و گوش، ابزار شناخت و درک حقایق

فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو آذان يسمعون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 23 - 11، 12

11 - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی، برای دارندگان گوش شنوا، قابل درک است.

إنّ في ذلك لآيت لقوم يسمعون

12 - گوش شنوا ، وسیله ای برای شناخت آیات الهی است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 6

6 - قوای ادراکی ( چشم و گوش و قلب انسان ) از نشانه های خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي أَحْسَنَ . . . و بدأ خلق الإنسن . . . و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 23 - 15

ص: 190

15 - گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضلّه الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشوه

ص: 191

### 1- اجتناب از گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 6

6 - امساک بی بدیل از خوردن گوشت چهارپایان (زهد بیجا) پیروی از راه شیطان است.

ومن الأنعم . . . کلوا . . . و لا تتبعوا خطوت الشیطن

### 2- استفاده از گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 56، 39، 35، 11، 1

1 - حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

11 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکیه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت علیکم . . . ذلکم فسق

بنابر اینکه «ذلکم» اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

35 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم . . . فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

39 - استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، تنها به مقدار ضرورت جایز است.

حرمت . . . فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

56 - بهره گیری مضطر از مردار، خون، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و . . . ، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد.

فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح «غیر متجانف» در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لائم.

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 162؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 447، ح 1.

ص: 192

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 16

16 - خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن يكون ميتة أو دماً .. فمن اضطر ... فإن ربك غفور رحيم

### 3- استفاده از گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 18

18 - استفاده از تمام گوشت قربانی، جایز نیست.

فكلوا منها و أطمعوا البائس الفقير

«من» در «منها» تبعیضیه است. بنابراین «كلوا منها»؛ یعنی، «بخورید بخشی از آن را [نه همه آن را]».

### 4- اهمیت گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 3

3 - میوه و گوشت، دو غذای مهم در بهشت

و أمدد نهم بفكهه و لحم

### 5- پیدایش گوشت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 4

4 - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند.

فكسونا العظم لحمًا

«كسو» (مصدر «كسونا») به معنای پوشانیدن است.



## 6- تحریم گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 8

8 - تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

ص: 193

قلء الذكرين حرم .. ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا

## 7- تحریم گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 14

14 - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فكلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

## 8- تحریم گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 8

8 - تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قلء الذكرين حرم .. ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا

## 9- تشبیه به خوردن گوشت مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 19، 16

16 - ریختن آبروی برادر مؤمن با غیبت، به منزله خوردن گوشت بدن بی جان او است.

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

19 - تجسس در عیب ها و کاستی های مؤمنان، همانند غیبت به منزله خوردن گوشت آنان است. \*

ولا تجسسوا .. ایحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً

برداشت بالا بدان احتمال است که «ایحبّ..» تنها در جهت ترسیم قبح غیبت نباشد؛ بلکه علاوه بر غیبت شامل تجسس نیز بشود.

## 10- تنوع گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 21 - 2، 1

1 - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتان ( سابقون )

و لحم طير ممّا يشتهون

ص: 194

«طیر» (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. «مما یشتهون» (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

2- جوانان خدمت گذار، پذیرایی کننده پستازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

«لحم طیر» عطف بر «أکواب» است؛ یعنی، «و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر».

### 11- چهارپایان حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 3، 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . . . کلوا مما رزقکم الله

«أنعم» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

3 - خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم . . . کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 2

2 - حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

### 12- حرمت گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 1 - 14، 6

6 - حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لكم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهیمة الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

### **13- حرمت گوشت خوک**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 1

ص: 195

1 - خوردن مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده، حرام است.

إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغير الله

«اهلال» (مصدر (أهل) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآند - نام بردن است و لام در «لغير الله» برای تعدیه می باشد. بنابراین «ما أهل به لغير الله»؛ یعنی، حیوانی که [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر او برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 3 - 5 - 1

1 - حرمت استفاده از مردار، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 6

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

#### 14- حرمت گوشت مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 6

6 - خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به

#### 15- حلیت گوشت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 2

2 - حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

## **16- حلیت گوشت چهارپایان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 5.14

5 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

ص: 196

أحلت لكم بهيمة الأنعم الا ما يتلى عليكم

«بهيمة» اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرائی و یا دریایی (مجمع البیان). و «انعام» به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه «بهيمة» به «انعام»، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمة تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمة الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8

8 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمَ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»; یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أحلت لكم الأنعام» به تقدیر «أحلت لكم أكل لحوم الأنعام» می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

### 17- حلیت گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 14

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان



اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم .. . كلوا مما رزقكم الله

«أنعام» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

ص: 197

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8,9

8 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»؛ یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ» به تقدیر «أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكُلْ لَحْمِ الْأَنْعَمِ» می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

9 - استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

## 18- حلیت گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 14

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از

عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم .. . كلوا مما رزقكم الله

«أنعام» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

ص: 198

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8,9

8 - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»; یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ» به تقدیر «أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكْلَ لَحْمِ الْأَنْعَمِ» می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

9 - استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

### 19- حلیت گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 14

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 142 - 2

2 - جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم .. . كلوا مما رزقكم الله

«أنعام» جمع «نعم» به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 199

5 - انعام - 6 - 143 - 2

2 - حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 15

15 - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 8,9

8 - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ

«أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است. بنابراین «أنعام»؛ یعنی، شتران لکن گاهی «أنعام»؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از «أنعام» در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله «أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ» به تقدیر «أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكُلَ لَحْمِ الْأَنْعَامِ» می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

9 - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

## 20- حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2 - استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثینین .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

## 21- خوردن گوشت اسب در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 10

10- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

ص: 200

## 22- خوردن گوشت استر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 10

10- خوردن گوشت اسب، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

## 23- خوردن گوشت الاغ در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 10

10- خوردن گوشت اسب، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

## 24- خوردن گوشت چهارپایان در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

## 25- خوردن گوشت شتر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت، امری رایج و متداول بوده است .



والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه آنها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

ص: 201

## 26- خوردن گوشت گاو در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

## 27- خوردن گوشت گوسفند در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 9

9- خوردن گوشت دام ها ( گاو ، گوسفند و شتر ) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

والأنعم خلقها لكم . . . و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده؛ ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

## 28- فلسفه حرمت گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 23

23 - « محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابي جعفر (ع) قال قلت له لم حرم الله عز وجل الخمر و الميته و الدم و لحم الخنزير ؟ فقال : ان الله تبارك و تعالى . . . خلق الخلق . . . و علم ما يضرهم فنهاهم عنه و حرمه عليهم ثم احله للمضطر في الوقت الذي لا يقوم بدنه إلا به فأمره أن ينال منه بقدر البلغه لاغير ذلك . . . »

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . . . و می دانست چه چیزی

موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن ...».

ص: 202

## 29- گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایپیشگان، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّات و نعیم... و آمدندهم بفقکه و لحم ممّا یشتهون

## 30- گوشت پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 21 - 2، 1

1 - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

«طیر» (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. «ممّا یشتهون» (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

2 - جوانان خدمت گذار، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

«لحم طیر» عطف بر «أکواب» است؛ یعنی، «و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر».

## 31- گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 5

5- قابلیت بهره برداری از فرآورده های دامی (گوشت، لبنیات و...) برای تغذیه آدمی، از مواهب و نعمت های الهی است.

و الأنعم خلقها لکم... و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 5

5- گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

### 32- گوشت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 7,9,11

7- حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

ص: 203

أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى عليكم

بنابر اینکه استثنای در «الا ما يتلى» نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

9- خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود، حرام است .

غیر محلی الصيد

بنابر اینکه «صید» به معنای اسم مفعول باشد؛ یعنی حیوان شکار شده.

11- حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصيد و انتم حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 8

8- حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت ... و إن تستقسموا بالازلم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

### 33- گوشت حیوانات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 14 - 3،8

3- تغذیه با گوشت های تازه، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی، از فواید دریاست .

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَکَ

«طری» به معنای جدید و تازه و «حلیه» به معنای زیور است.

8- گوشت های تازه دریایی و اشیای ترینی آن و سهولت کشتیرانی، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 11، 10

10 - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من کلُّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا . . . و تری الفلک فیه مواخر

11 - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

من کلُّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها و تری الفلک فیه مواخر

### **34- گوشت شتر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 93 - 14، 5

ص: 204

5 - حلیت برخی از خوردنی ها ( شتر و شیر آن ) بر مسلمانان ، مورد اعتراض یهود

کل الطّعام کان حلالاً لبنی اسرائیل . . . ان کنتم صادقین

در شأن نزول آیه آمده است که یهودیان برای ردّ سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) که خود را بر آیین ابراهیم (ع) می دانست گفتند: با آن که گوشت شتر در آیین ابراهیم (ع) حرام بوده چرا در آیین اسلام تحریم نشده است؟

14 - حلیت همه خوردنی ها بر بنی اسرائیل ، جز گوشت شتر که اسرائیل (ع) ( یعقوب ) قبل از نزول تورات بر خود حرام کرده بود .

کل الطّعام کان حلالاً لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه

امام صادق (ع): . . . ان اسرائیل کان اذا اکل من لحم الابل هیّج علیه وجع الخاصره فحرّم علی نفسه لحم الابل وذلک قبل ان تنزل التوراه.

---

کافی، ج 5، ص 306، ح 9؛ بحار الانوار، ج 9، ص 191، ح 31.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 13

13 - گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

امام صادق (ع) درباره «طیبت» در آیه فوق فرمود: . . . یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم . . .

---

کافی، ج 5، ص 306، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 572، ح 665.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 3

3 - خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم . . . کلوا مما رزقکم الله



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 5

5 - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5 - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأکلون

ص: 205

### 35- گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 16, 17

16 - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فكلوا منها

17 - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطمعوا البائس الفقير

### 36- گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 36 - 11

11 - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

### 37- گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 13

13 - گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

امام صادق(ع) درباره «طیبت» در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ....

---

کافی، ج 5، ص 306، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 572، ح 665.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم . . . كلوا مما رزقكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 5

5 - گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 206

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5- جواز خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند

الأنعم... و منها تأكلون

### 38- گوشت گاو در دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 12

12- حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

### 39- گوشت گوساله در دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 12

12- حلیت گوشت گوساله و گاو در شریعت ابراهیم (ع)

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

### 40- گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 13

13 - گوشت شتر، گاو و گوسفند، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات أحلت لهم

امام صادق (ع) درباره «طیبات» در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 3

3 - خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم . . . كلوا مما رزقكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 5

ص: 207

5- گوشت دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، یکی دیگر از منابع تغذیه انسان

و منها تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 5

5- جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأکلون

### 41- نزول گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 115 - 9

9- نزول نان و گوشت ( مائده آسمانی ) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی ( ع )

قال الله انی منزلها علیکم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً ولحماً . . .

---

مجمع البیان، ج 3، ص 410؛ نورالثقلین، ج 1، ص 691، ح 437.

ص: 208

## 7- گیاهان

### 1- آثار تنوع رنگ گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 12

12- گوناگونی رنگ عسل ، نتیجه استفاده زنبور های عسل از گیاهان گوناگون است .

ثمّ کلی من کلّ الثمرت . . . یخرج من بطونها شراب مختلف ألونه

ذکر گوناگونی عسل پس از بیان تغذیه زنبورهای عسل از میوه ها و گیاهان مختلف، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

### 2- آثار تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 5

5- تنوع نباتات ، فراهم آورنده زمینه مناسب برای تغذیه انسان و انواع دام ها

نبات شتی . کلوا وارعوا أنعمکم

### 3- آثار ذکر رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 28 - 4

4- توجه به رویش گیاهان و سبزیجات ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفره . . . فأنبتنا فیها . . . عنبًا و قصبًا

### 4- آثار رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 8

8- رویش گیاهان زنده از دل مرده زمین ، نمودی از رستاخیز دوباره انسان از درون خاک





ذلک رجع بعید . . . و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 8

8- رویش دوباره گیاهان در پی خزان ، نمودی از حیات دوباره انسان ها پس از مرگ

و أحيينا به بلدة ميتًا كذلك الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 4

4 - پیدایش محصولات کشاورزی و رویدن گیاه در زمین ، دلیل امکان معاد و حیات دوباره انسان است .

عمّ يتساءلون . . . ألم نجعل ... لنخرج به حبّاً و نباتاً

### 5- آثار مطالعه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 30

30 - مطالعه در چگونگی رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، زایل کننده هر گونه شک و تردید در امکان برپایی رستاخیز و

قدرت خدا بر احیای دوباره مردگان

يأيتها الناس إن كنتم في ريب من البعث . . . و ترى الأرض هامده ... من كلّ زوج بهیج

### 6- استفاده از گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 10 - 6

6- بهره برداری از آب و گیاه حق همگانی است

هو الذی أنزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فيه تسمون . ينبت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 11 - 2

2- رویش گیاهان و درختان میوه به منظور بهره برداری انسان است

ینبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعنب و من كل الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 3

3 - جواز بهره برداری انسان از رویدنی های زمین برای تغذیه

كلوا وارعوا أنعمكم

ص: 210

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 2

2- رویش گیاهان مختلف، با کاربرد های گوناگون، از آمیختن دو عنصر آب و خاک، به منظور استفاده انسان ها و دام ها، از آیات الهی است.

أولم يروا أنا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعاً تأكل منه أنعمهم وأنف

### 7- اطاعت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 6 - 1

1 - گیاهان از بوته ها تا درختان، در اطاعت و فرمانبری از قوانین الهی

و النجم و الشجر يسجدان

«نجم» در معنای ستاره و گیاه بی ساقه (بوته) به کار می رود و «شجر» به گیاهان ساقه دار گفته می شود (مفردات راغب). قرار گرفتن «نجم» در کنار «شجر» قرینه است بر این که مراد از آن، معنای دوم (بوته) است.

### 8- اهمیت رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 15

15 - طبیعت ( نزول باران، رویش گیاهان و . . . ) از منابع تفکر و نشانه های ربوبیت خداوند است.

كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ .. كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 6

6 - اهمیت ویژه باران و رویش گیاهان در مجموعه نعمت های بی کران الهی برای انسان

و أنزل لكم من السماء ماء فأنبتنا به حدائق

اختصاص به ذکر یافتن نزول باران و رویش گیاهان از میان سایر نعمت ها، دلالت بر اهمیت ویژه آنها برای آدمیان دارد.

## 9- اهمیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 24 - 7

7- گیاهان ، از منابع غذایی انسان ها و چهارپایان است .

فاختلط به نبات الأرض مما يأكل الناس و الأنعم

ص: 211

## 10- باروری گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 5

5 - احاطه علمی خدا به تمام تحولات پیچیده شکوفه ها و کیفیت بارور شدن و ثمردهی آنها

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها .. إلا بعلمه

## 11- بذر گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 1

1 - خداوند شکافنده دانه ها و هسته ها برای روییدن است.

إن الله فالق الحب و النوى

«حب» به دانه هایی مانند گندم و جو گفته می شود (راغب) و «نوی» جمع «نواه»، به معنای هسته است.

## 12- پایان عمر گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 14

14 - روییدن از خاک، رشد و بالیدن، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند.

کمثل غیث أعجب الکفار نباته ثم بهیج فتریه مصفرًا ثم یكون حطماً

هر یک از «نبات» (رویاندن) «هیجان» (حرکت)، «اصفرار» (زرد شدن) و «حطام» (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

## 13- پیدایش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 34 - 4

4- پیدایش آسمان، زمین، شب، روز، آب، گیاه و کوه، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الكبرى

«کبری» اسم تفضیل است و قیامت را - در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد - برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

ص: 212

## 14- تبدیل گیاهان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 65 - 2

2 - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را به خس و خاشاک تبدیل کند .

لو نشاء لجعلنه حطماً

«حطام» به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحيط).

## 15- تخریب گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 7

7 - در صورت وزش باد های مخرب ، گیاهان ، سرسبزی خود را از دست داده و به زردی می گریند .

و لئن أرسلنا ريحاً فأرؤه مصفرّاً

مرجع ضمیر مفعولی «رأوه»، «نبات» مستفاد از آیه پیش (آثار رحمه الله) است.

## 16- ترکیبات گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 6

6 - گیاه ، ترکیبی است آمیخته به آب .

فاختلط به نبات الأرض

## 17- تشبیه به خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 1

1 - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

وَاللّٰهُ اَنْبَتَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا

## 18- تشبيه به رويش گياهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 213



10 - شباهت رستاخیز انسان ها در قیامت ، به رویش گیاهان پس از ریزش باران

و من ءایته أنك ترى الأرض خشعه .. إن الذی أحيها لمحی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 5

5 - چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت ، همچون رویدن نباتات است .

والله أنبتکم من الأرض نباتاً .. ویخرجکم إخراجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 6

6 - معاد انسان ، شبیه رویش گیاهان از زمین است .

لنخرج به حباً و نباتاً

یاد آوری اخراج دانه و گیاه از زمین - در آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده - گویای تشابه معاد با رویش گیاهان است.

### 19- تشبیه به گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 11

11 - حیات دنیا ، همچون رستنی های کشتزار ، فریبا و ناپایدار است .

اعلموا أنما الحیوه الدنیا .. کمثل غیث أعجب الکفار نباته ... ثمّ یكون حطماً

### 20- تعقل در رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 1,4

1 - فرایند جوانه زدن دانه ها از دل خاک ، رشد و نمو کردن و بالاخره به ثمر نشستن آنها ، شایان مطالعه و تأمل

«حرث» (مصدر «تحرثون»)، به عمل شخم زدن زمین و پاشیدن دانه ها در آن گفته می شود. با توجه به آیات بعد، آیه شریفه، درصدد تشویق منکران معاد به مطالعه کردن در چگونگی رشد و نمو و به ثمر رسیدن بذر است که آنان تنها نقش شخم زدن زمین و پاشیدن دانه ها را به عهده دارند؛ و نه بیشتر از آن.

4 - توصیه منکران معاد از سوی خداوند، به مطالعه در چگونگی رشد و نمو دانه های پاشیده شده در زمین بهوسیله کشاورزان، برای پی بردن به قدرت الهی و پذیرش امکان معاد

## 21- تعقل در رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 7

7 - تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالتق الحب و النوى . . . ذلكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 7

7 - مطالعه در آفرینش و رویش مداوم نباتات ، راهبر انسان ها به مسأله معاد و آسان کننده درک و ایمان به آن است .

و الله أنبتکم من الأرض نباتاً . . . و یخرجکم إخراجاً

## 22- تغذیه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 8, 7, 4

4- درختان انگور ، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد ، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند .

جنّات من أعنب و زرع و نخیل . . . یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

7- گوناگون شدن میوه های درختان و محصولات کشاورزی ، علی رغم بهره‌وری آنها از آب با طبیعتی واحد ، از نشانه های توحید و یکتایی خدا در تدبیر هستی

یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

8- مشروب شدن گیاهان و درختان گوناگون به وسیله آبی با طبیعت واحد ، از نشانه های خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یسقی بماء وحد . . . إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

## 23- تناسب عناصر گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 6

6- اجزای موجودات روئیده از زمین ، متناسب و موزون است .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از «موزون» تناسب و موزون بودن اجزای اشیا باشد.

ص: 215

## 24- تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 5

5 - گیاه ، دارای گونه هایی است گوناگون و متناسب با خوراک انسان و دام ها .

نبات الأرض مما يأكل الناس و الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 11، 13

11 - خداوند ، گیاهان زمین را از انواع گوناگون قرار داده است .

فأخرجنا به أزواجًا من نبات شتى

«أزواج» جمع زوج است و معنای اصلی زوج، صنف و نوع هر چیز است و به دو چیز هم شکل یا مخالف - که در کنار هم قرار گیرند - زوج گفته می شود (لسان العرب). اطلاق «أزواج» به نباتات ممکن است از جهت تشابه افراد یک نوع به یکدیگر باشد که بر مجموعه افراد مشابه، «زوج»، «صنف» و یا «نوع» اطلاق می شود. همچنین ممکن است از جهت تقسیم شدن آنها به صنف نر و صنف ماده باشد.

13 - وجود تفاوت چشمگیر در بین انواع گوناگون نباتات ، از جلوه های ربوبیت الهی است .

فأخرجنا به أزواجًا من نبات شتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 29، 32

29 - رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، جلوه ای از قدرت خداوند

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ .. وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً... مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

32 - گیاهان ، دارای اصناف و دسته های گوناگون

من كل زوج بهيج

«زوج» در این جا به معنای صنف و دسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 2

2 - گوناگونی نباتات ، از زمینه های مطالعه برای پی بردن به امکان معاد و قدرت خدا بر احیای مردگان

فسیأتیهم أنبؤا .. یستهزءون . أولم یروا إلی الأرض کم أنبتنا فیها

در این جا روی سخن با کسانی است که منکر معاد بوده و پذیرفتن آن برای آنان دشوار می نمود. آیه یاد شده برای برطرف کردن استبعاد کافران و ارائه نشانه های امکان معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 8 - 1

1 - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

ص: 216

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية

واژه «ذلک» اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 2

2- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية... وإن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 2

2- رویش گیاهان مختلف، با کاربرد های گوناگون، از آمیختن دو عنصر آب و خاک، به منظور استفاده انسان ها و دام ها، از آیات الهی است.

أولم يروا أنّا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأكل منه أنعمهم وأنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 9

9- تنوع و گوناگونی گسترده گیاهان، از آیات الهی است.

و أنبتنا فيها من كلّ زوج بهيج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 6 - 2

2- نظام گیاهان با تنوع و قانون مداری خاص خویش، نشانی از خداوند و رحمت او

و النجم و الشجر يسجدان

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر به دست می آید: الف) تعبیر «یسجدان» اشاره به انقیاد تکوینی و قانون مداری دارد؛ ب) آیات شریفه در مقام ارائه نمودهای آفرینش و رحمانیت خداوند است.

## 25- نمردهی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 5

5 - احاطه علمی خدا به تمام تحولات پیچیده شکوفه ها و کیفیت بارور شدن و نمردهی آنها

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها .. إلا بعلمه

ص: 217



## 26- خالق گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 3

3- خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنين

«ثمرات» (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

## 27- خزان گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 7

7- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحيوه الدنيا كما أنزلته من السماء فاختلطت به نبات الأرض فأصبح هشيمًا تذروه الرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 1

1 - « رویش و خزان » و « حیات و مرگ » مداوم در پهنه زمین ، از نمود های تدبیر خداوند

أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده

فعل های «بیدار» و «یعیید» مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد؛ یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

## 28- خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 9

9- زرد و خشک شدن ، نشانه پایان رشد کشت ها

ثمّ يهيّج فترية مصفرّاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 14

14 - رویدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

کمثل غیث أعجب الکفار نباته ثمّ يهيّج فترية مصفرّاً ثمّ یكون حطماً

هر یک از «نبات» (رویاندن) «هیجان» (حرکت)، «اصفرار» (زرد شدن) و «حطام» (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

ص: 218

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 6

6 - توجه به رویدن و خشکیدن گیاهان ، زمینه ساز یاد معاد

أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی

ارتباط آیات آغاز سوره، با جمله هایی نظیر «یصلی النار الكبرى» و «والأخره خیر و أبقى» (در ادامه سوره) بیانگر آن است که این آیات، زمینه توجه به مفاد آیات مربوط به معاد را فراهم می سازد.

### 29- خوشه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 6

6 - خداوند از گیاهان سبز سنبله هایی با دانه های چیده شده بر روی هم بیرون می آورد.

فأخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا

### 30- دانه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 59 - 9

9 - افتادن دانه ای در تاریکیهای زمین و در دل خاک تیره از حیظه علم خداوند خارج نیست.

و ما تسقط من ورقه . . . ولا حبه فی ظلمت الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 6

6 - خداوند از گیاهان سبز سنبله هایی با دانه های چیده شده بر روی هم بیرون می آورد.

فأخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا

### 31- رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 11

11 - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از «احیای ارض» (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 219

3 - رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالق الحب و النوى يخرج الحى من الميت و مخرج الميت من الحى

6 - قدرت خداوند بر رویاندن گیاه زنده از دل دانه و هسته مرده، نمودی از قدرت او بر زنده ساختن آدمی پس از مرگ است.

لقد جئتمونا فردى كما خلقنكم أول مره . . . إن الله فالق . . . مخرج الميت من الحى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 10,11,12

10 - حیاتبخشی دوباره به مردگان به هنگام برپایی قیامت، همانند رویش گیاهان مرده و به ثمر نشانیدن آنهاست.

فاخرجنا به من كل الثمرت كذلك نخرج الموتى

11 - زنده شدن گیاهان مرده، دلیل امکان معاد و زنده شدن مردگان

كذلك نخرج الموتى لعلكم تذكرون

تشبیه زنده کردن مردگان به چگونگی رویش گیاهان و تبدیل دانه های بی جان به موجوداتی زنده، استدلالی است بر امکان معاد و زنده شدن مردگان.

12 - مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است.

هو الذى يرسل الرياح . . . فاخرجنا به من كل الثمرت كذلك نخرج الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 1,2,4

1 - گیاهان نهفته در سرزمین های مستعد، بر اثر بارش باران، به تمامی می روید و بازدهی آن فراوان است.

و البلد الطيب يخرج نباته باذن ربه

با توجه به مقابله دو فراز «یخرج نباته باذن ربه» و «والذى خبث . . .» معلوم می شود در جمله «یخرج نباته» ضد معنای «نکدا»، همانند «مبارکا»، لحاظ شده است.

2- رویش گیاهان به اذن و اراده خداوند است .

و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه

4- گیاهان نهفته در سرزمین های نامستعد ، هر چند باران رحمت بر آن بیارد ، تهی از خیر و برکتند و بازدهیشان اندک است .

و الذی خبث لا یخرج إلا نکداً

«نکد» به معنای چیزی است که خیر در آن نباشد و بی خیر بودن گیاهان به این است که بازدهی آن اندک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 9

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 220

9 - حجر - 15 - 21 - 2

2- رویش متناسب گیاهان و پدیده های معدنی و اعطای مواهب و وسایل معیشت ، از خزانه الهی است .

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون. و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین . و!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 7

7- رویش گیاهان و درختان زیتون ، نخل و تاک به وسیله آب ، زمینه ای برای اندیشیدن و راهی برای خداشناسی است .

ینبت لکم به .. إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 45 - 7

7- رشد انبوه گیاهان با نزول باران و زوال سریع آن با خزان ، نمودی از سرخوشی های ناپایدار زندگی دنیا است .

الحویه الدنیا کما أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشیماً تذروه الری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 29

29 - رویش و رشد گیاهان گوناگون بر زمین های مرده ، جلوه ای از قدرت خداوند

یأیها الناس إن کنتم فی ریب من البعث.. .. و تری الأرض هامده... من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 9

9 - نزول باران و رویش گیاهان توسط آن ، از نشانه های داشتن آگاهی همه جانبه خدا به امور انسان ها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. .. إن الله لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 19 - 6

6 - پیدایش گیاهان مختلف با میوه های متفاوت به وسیله ریزش باران ، یکی از جلوه های تدبیر و ربوبیت خداوند است .

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ .. لَكُمْ فِيهَا فَوْكَةٌ كَثِيرَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 8 - 1

1 - رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا .. إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ

واژه «ذلک» اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 221



2- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا.. إن في ذلك لآيه... وإن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - « رویش و خزان » و « حیات و مرگ » مداوم در پهنه زمین، از نمود های تدبیر خداوند

أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده

فعل های «بیدار» و «یعيد» مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد؛ یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- نزول باران و سرسبز و با طراوت شدن زمین به وسیله آن، از آیه های خداوند است.

و من آياته .. و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

6- برق هایی ترس آفرین و طمع زا، بارش باران و رویش گیاهان با آن، نشانه های قدرت خداوند

يريكم البرق .. إن في ذلك لآيت

8- پدیده های طبیعی، مانند برق و باران و رویش گیاهان، از منابع خداشناسی است.

يريكم البرق .. إن في ذلك لآيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- رویش گیاهان و آباد شدن زمین، پرتویی از رحمت خداوند بر آدمیان است.

فانظر إلى ءاثر رحمت الله كيف يحيى الأرض بعد موتها

مراد از «آثار»، می تواند هر چیزی باشد که بر اثر باران، به دست می آید که غالب آنها گیاهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 2، 1

1 - خداوند ، روانه کننده آب به سرزمین های خشک جهت رویاندن گیاهان است .

أولم يروا أنا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعاً

«جرز» به جایی کویر مانند گفته می شود که ریشه گیاه، در آن قطع شده و از بین رفته باشد (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «زرع» مصدر به معنای مفعول است.

2 - رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أولم يروا أنا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعاً تأكل منه أنعمهم وأنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 222

15 - یس - 36 - 33 - 5

5- رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

وَأَيُّهُ لِهَمِ الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ أَحْيَيْنَهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 11

11 - احیای زمین با رویاندن نباتات و درختان میوه ، به منظور تغذیه انسان ها از سوی خدا ، شایسته شکر و سپاس گذاری است .

وَأَيُّهُ لِهَمِ الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ أَحْيَيْنَهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا .. جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 11

11 - پیدایش و رویش گیاهان ، مظهری از حیات زمین است .

اهْتَرَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 2

2 - آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نمو دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای

بیابان گردان ؛ بیانگر مبرّا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أَفْرَيْتُمْ مَا تَمْنُونَ .. فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریع «فسبّح» بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 14

14 - روییدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان

کشت می کنند .

كَمْثَلٌ غَيْثٌ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتْرِيْهِ مَصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ حَطَمًا

هر یک از «نبات» (رویاندن) «هیجان» (حرکت)، «اصفرار» (زرد شدن) و «حطام» (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 6

6- رویش نباتات در زمین و سپس خشک شدن و تبدیل شدن آنها به خاک ، نشانه قدرت خداوند بر احیای مردگان در قیامت

وَاللّٰهُ اَنْبَتَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا . . . وَيَخْرِجُكُمْ اِخْرَاجًا

ص: 223

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 6

6 - توجّه به رویدن و خشکیدن گیاهان ، زمینه ساز یاد معاد

أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی

ارتباط آیات آغاز سوره، با جمله هایی نظیر «یصلی النار الكبرى» و «و الآخره خیر و أبقى» (در ادامه سوره) بیانگر آن است که این آیات، زمینه توجّه به مفاد آیات مربوط به معاد را فراهم می سازد.

### 32- رویش گیاهان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 8

8- بارش آب باران از آسمان ، جهت حیات گیاهان از آیات الهی است .

هو الذی أنزل من السماء ماء . . . إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

ممکن است مشارالیه «ذلک» عبارت «أنزل . . . ماء» در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 33 - 2

2- رویش انواع دانه ها ( چون گندم ، جو ، برنج و . . . ) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

وآیه لهم الأرض المیتة أحيینها وأخرجنا منها حَبًّا

مقصود از «حَبِّ» در آیه شریفه، جنسِ «حَبِّ» و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و..) است و نکره آمدن آن - با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است - گویای همین نکته است.

### 33- زرد شدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 7

7- در صورت وزش باد های مخرب ، گیاهان ، سرسبزی خود را از دست داده و به زردی می گرایند .

و لئن أرسلنا ريحاً فرأوه مصفرةً

مرجع ضمير مفعولی «رأوه»، «نبات» مستفاد از آیه پیش (آثار رحمه الله) است.

### 34- زردی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 9

9 - زرد و خشک شدن ، نشانه پایان رشد کشت ها

ص: 224

ثمّ يهيج فتریه مصفرّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 14

14 - رویدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

کمثل غیث أعجب الکفار نباته ثمّ یهيج فتریه مصفرّاً ثمّ یكون حطماً

هر یک از «نبات» (رویاندن) «هیجان» (حرکت)، «اصفرار» (زرد شدن) و «حطام» (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

### 35- زمینه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 66 - 7

7 - نقش برپایی کتب آسمانی در نزول باران و دیگر مواهب آسمانی و رویش گیاهان و دستیابی به دیگر نعمت های زمین

ولو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . . . لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 6

6 - نزول باران ، زمینه تحول عناصر خاک و مهیا شدن زمین برای رویش گیاهان

فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت وربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 1

1 - نزول باران بر زمین ، مایه تولید حبوبات و رویش گیاهان است .

و أنزلنا . . . لنخرج به حبّاً و نباتاً

«باء» در «به»، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

### **36- زوجیت در گیاهان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 12

12 - حاکمیت قانون زوجیت در گیاهان

فأخرجنا به أزوجًا من نبات شتى

ص: 225



## 37- زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 4,6

4- گیاهان و میوه جات هر یک دارای دو نوع نر و ماده

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«زوج» در لغت به معنای یک جفت و نیز به معنای یک تایی از یک جفت است. تشبیه آن (زوجین) به اعتبار معنای دوم است. بنابراین «زوجین»؛ یعنی، دو چیز که هر یک زوج و همتای دیگری است و «اثنین» تأکید برای زوجین است.

6- زمین و گسترش آن، کوه های ثابت و استوار، رودخانه ها، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است.

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 22 - 3

3- درختان و گیاهان محصول دهنده، مشمول قانون زوجیت هستند و نر و ماده دارند.\*

و أرسلنا الریح لوقح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 4

4- قانون زوجیت، حاکم بر نظام نباتات

من کل زوج کریم

از معانی «زوج»، جفت است. برخی از مفسران واژه «زوج» را در آیه یاد شده به همین معنا گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 18

18 - وجود قانون زوجیت ، در گیاهان

فأنتنا فیها من کلّ زوج کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 36 - 4

4 - حاکمیت قانون زوجیت ( نر و ماده بودن ) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات ( گیاهان ، حیوانات و ... )

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . و ممّا لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 5

5- وجود زوجیت ، در نباتات و گیاهان

ص: 226

و أنبتنا فيها من كل زوج بهيج

### 38- زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 8 - 1

1- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان.

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية

واژه «ذلک» اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 2

2- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها، نشانی از عزت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية... وإن ربك لهو العزيز

### 39- شگفتی رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 1

1 - شکافتن زمین هنگام روییدن گیاه، کار خداوند و تحوّل شگفت انگیز است.

ثم شققنا الأرض شققاً

به قرینه آیات بعد، مراد از «شققنا الأرض» شکافتن زمین هنگام روییدن گیاه است. تأکیدی که کلمه «شققاً» بر آن دلالت دارد، در این موارد بیانگر شگفت بودن است.

### 40- عبرت از رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 1

1 - رویش گیاهان مختلف از زمین ، شایان تأمل و درس آموزی

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

ص: 227

## 41- علم خدا به گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 8

8 - خداوند، به هر آنچه در دل خاک فرو می رود (قطرات باران، دانه های گیاهان و...) و هر آنچه از دل خاک بیرون می آید (انواع گیاهان و...) آگاه است.

يعلم ما يلج في الأرض و ما يخرج منها

«ولوح» (مصدر «يلج») معادل «دخول» است و واژه «ما» (آنچه) در «ما يلج..» شامل قطرات باران، دانه های گیاهان و... است. هم چنین کلمه «ما» در «ما يخرج» دربرگیرنده انواع گیاهان، جنبنندگان، آب و... است.

## 42- عنصر خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 4,6

4 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز.

فإننا خلقناكم من تراب.. و تری الأرض هامده... و أنه یحی الموتی

جمله «و أنه یحیی..» عطف بر «أنّ الله هو الحقّ» و به تقدیر «و ذلك بأنّ الله یحیی الموتی» می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

6 - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنه علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 6,8

6 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن.

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «الساعة» به برپایی قیامت و «ذلک» در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّنا خلقناکم من تراب.. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت وربّت» اشاره داشته باشد.

8 - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ . . . وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً . . . وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

### 43- عوامل ازدیاد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 4

4 - نزول باران ، تدبیری الهی در گسترش بخشیدن به پوشش گیاهی و زندگی جانداران در پهنه زمین

و ما أنزل الله من السماء من رزق فأحيا به الأرض بعد موتها

تفریع حیات زمین بر نزول باران از آسمان، می تواند بیانگر اهمیت محوری و اساسی آن در حیات تمامی پهنه زمین و بهره

ص: 228

مندی تمام عرصه حیات نباتی و حیوانی از آن باشد.

#### 44- عوامل باروری گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 22 - 2

2- باد ها ، وسیله جا به جا کردن گرده های نر ، برای بارور ساختن گیاهان و درختان است .

و أرسلنا الريح لوقح

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از «الرياح لوقح» (بادهای بارورکننده) بادهایی است که مواد باردارکننده را از گیاهان نر، به گیاهان ماده منتقل می کنند.

#### 45- عوامل پوشش گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 13

13 - پوشش گیاهی بر سطح زمین ، مرهون بارش باران است .

و أنزلنا من السماء ماء فأنبتنا فيهما من كل زوج كريم

#### 46- عوامل تنوع رنگ گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 7

7- آب ، مایه حیات و رویش کشت های متنوع و رنگارنگ

يخرج به زرعاً مختلفاً ألونه ثمّ بهيج فتریه مصفراً

#### 47- عوامل رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 31

31 - آب ، مایه رویش و رشد گیاهان

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

ص: 229



## 48- عوامل رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 4, 3, 2

2 - خداوند با آب باران گیاهان را از زمین می رویاند.

أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شيء

3 - آب مایه اصلی رویدن گیاهان و هر موجود رشدکننده است.

فأخرجنا به نبات كل شيء

4 - سرسبزی زمین و رشد نباتات مرهون ریزش باران است.

أنزل من السماء ماء .. فأخرجنا منه خضرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 4

4 - آب ، مایه رویش و رشد گیاهان است .

كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 4

4- آب ، عامل حیات و رویش گیاهان ، میوه ها و نباتات است .

و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 10 - 3

3- رویش گیاهان و به وجود آمدن مراتع و جنگل ها ، در اثر نزول باران است .

أنزل من السماء ماء .. و منه شجر

«شجر» شامل گیاه بدون ساقه و با ساقه می شود که از آنها به مراتع و جنگلها تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 3

3- آب ، مایه رویش گیاهان و درختان میوه است .

أنزل من السماء ماء .. ينبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعنب

حرف جر «ب» در «به الزرع» سببیه است و مرجع ضمیر آن «ماء» در آیه قبل است. از این رو معنای جمله چنین می شود: خداوند به وسیله آب، کشتها و ... را برای شما می رویاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 4

4- باران ، از عناصر اصلی حیات گیاهی در زمین است .

كماء أنزلنه من السماء فاختلط به نبات الأرض

ص: 230

چنان چه «باء» در «فاختلط به» برای تعدیه باشد، جمله «فاختلط به نبات الأرض» معنایی مبالغه آمیز خواهد داشت؛ یعنی، نقش آب، به قدری برجسته است که باید گفت گیاه زمین، با آب، مخلوط شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 8,9

8 - باران ، از عوامل اصلی رویش گیاهان

أنزل .. فأخرجنا

9 - نزول باران از آسمان و رویش گیاهان مختلف به وسیله آن ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

الذی .. و أنزل من السماء ماء فأخرجنا به أزوجًا من نبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 31

31 - آب ، مایه رویش و رشد گیاهان

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 19 - 2

2 - تأثیر مهم و محوری آب در رویش گیاهان

فأنشأنا لكم به جنّ من نخيل وأعناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 6, 1

1 - آب باران ، منشأ پیدایش حیات و رویش گیاهان و نباتات در بستر زمین

ماء طهورًا . لنحیی به بلده میتاً

6 - پاکی و زلال بودن آب ، تأثیرگذار در احیای زمین ( رویش گیاهان و نباتات )

ماء طهورًا لنحیی به بلده میتًا

برداشت فوق، از قید «طهورًا» برای «ماء» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 14

14 - ثبات و آرامش زمین، آن را برای رویش گیاهان، مساعد کرده است.

و ألقى في الأرض روصي أن تميمدبكم . . فأنبتنا فيهما من كل زوج كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 7

7 - آب، مایه حیات و رویش کشت های متنوع و رنگارنگ

يخرج به زرعًا مختلفًا ألونه ثم يهيح فتریه مصفرًا

ص: 231

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 12

12 - نقش اصلی و تعیین کننده باران ، در رویش و بالندگی گیاهان

کمثل غیث أعجب الکفار نباته

«غیث» به معنای باران است و ضمیر «نبات» به «غیث» بازمی‌گردد. اضافه «نبات» به ضمیر «ه» لامیه است؛ یعنی، «نبات له» (گیاهی که از آن باران است). انتساب گیاه به باران، با این که نور خورشید و عناصر خاک نیز در رشد آن دخالت دارد، حکایت از نقش اصلی باران در رشد آن دارد.

### 49- فلسفه خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 1

1 - تغذیه انسان و چریدن دام های او از گیاهان و رویدنی های زمین ، از هدف های خلقت نباتات

أزوجاً من نبات .. کلوا و ارعوا أنعمکم

«رعی» به معنای چرانیدن است. «ارعوا أنعمکم»؛ یعنی، دام های خود را به چرا ببرید تا از نباتات رویانیده شده تغذیه نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 1

1 - همه موجودات زمین ( جمادات ، نباتات و حیوانات ) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أن الله سخر لكم ما فى الأرض

### 50- فلسفه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 6

6- رویش گیاهان ، نباتات و میوه ها برای تأمین رزق و روزی انسان است .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 2

2- رویش گیاهان و درختان میوه به منظور بهره برداری انسان است

ينبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعناب و من كل الثمرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 232

9- فلسفه احیای زمین و رویاندن دانه ها از جانب خداوند ، بهره مندی انسان ها و تأمین زندگی آنان است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها وأخرجنا منها حبًا فممنه يأكلون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، پس از طرح مسأله احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن، تنها مسأله تغذیه انسان ها را یادآور شده است. یادآوری این مسأله می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 1

1- تأمین روزی خلق ، از اهداف مهم ریزش باران و رویش درخت ها و گیاهان

و نزلنا من السماء .. فأنبتنا به جنّات و حبّ الحصيد ... رزقًا للعباد

### 51- فواید زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 15

15 - خداوند ، از هر گیاهی ، زوج سودمند و دارای فایده آفریده است .

فأنبتنا فيها من كلّ زوج كريم

صفت «کريم»، درباره اشیا و مفاهیم به معنای «سودمندی و دارای نفع بودن» است (مفردات راغب).

### 52- فواید گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 24 - 8

8 - گیاهان ، زینت بخش زمینند .

فاختلطت به نبات الأرض .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه تسیمون

«تسیمون» (از اسامه) به معنای چرانیدن گوسفندان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 19 - 5،7

5 - منابع گیاهی زمین ، تأمین کننده بخش بزرگی از نیازمندی های انسان

لکم فیها فوکه کثیره

ص: 233



ضمیر «فیها» به «جَنّات» باز می گردد. «فواکه» جمع «فاکَهِه» است و «فاکَهِه» به هر نوع میوه گفته می شود.

7- تغذیه و امرار معاش از منابع گیاهی ، یکی از مهم ترین فواید رویش گیاهان برای انسان

و منها تأکلون

ضمیر «منها» به «جَنّات» باز می گردد؛ یعنی: و از آن [باغ ها] می خورید. گفتنی است که جمله «منها تأکلون» (از باغ ها می خورید) می تواند کنایه از این باشد که شما با آن باغ ها، امرار معاش و گذران زندگی می کنید؛ مثلاً وقتی گفته می شود «فلانی از حرفه اش می خورد» مقصود این است که در سایه حرفه اش زندگی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 5

5- زیبایی ، طراوت و نشاط آفرینی گیاهان برای انسان ، امری مهم و براساس تقدیر و برنامه الهی

فأنبئنا به حدائق ذات بهجه

تذکر خداوند به بهجت آفرینی بوستان ها برای آدمیان، نشانگر اهمیت آن و تدبیر و تقدیر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 7

7- زمین ، بدون بارش باران و رویش گیاهان ، مرده و موات است .

یحی الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 8

8- نباتات ، منبع اصلی تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

فنخرج به زرعاً تأکل منه أنعمهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 6,4

4- رویش گیاهان بهجت آفرین در زمین، به تدبیر الهی و آیتی خداوندی است.

و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

6- سرور آفرینی گیاهان در روح انسان، زمینه اندیشیدن وی به پدیدآورنده آن

أفلم ینظروا... و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 1

1 - سودمندی آسمان، شب، روز، زمین، آب، گیاه و کوه ها برای انسان و دام، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است.

متاعاً لکم ولأنعمکم

«متاعاً» مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب); ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است; یعنی، «تمتیعاً لکم».

ص: 234

### 53- قانونمندی رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 5

5- خداوند ، همه رویدنی های زمین را به وزن و اندازه معین رویانید .

و أنبتنا فيها من كل شيء موزون

### 54- کاشت دانه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 14

14 - روییدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

كَمْثَلْ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتَهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتْرِيْهِ مَصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ حَطْمًا

هر یک از «نبات» (رویاندن) «هیجان» (حرکت)، «اصفرار» (زرد شدن) و «حطام» (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

### 55- گیاهان خودرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 4

4 - « عن أمير المؤمنين (ع) قال : إنّ الأبَّ هو الكلاء والمرعى ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرمود: «آب» علف ها و گیاهان خودرو و چراگاه [حیوانات] است».

### 56- مالک گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 24

24 - زمین و رویدنیهایش از آن خداست .

اضافه كلمه «أرض» به «الله» می تواند به این معنا باشد که زمین از آن خداست. و نیز می تواند به معنای زمین خدا، در مقابل زمینی که مالک شخصی دارد، باشد. بنابر احتمال دوم معنای «فدروها ...» چنین می شود: ناقه را آزاد بگذارید. آن ناقه در زمین خدا می چرد و به زمینهای شخصی شما تعرضی نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 64 - 7

7- زمین و رویدنی های آن ، ملک خداوند است .

فذررها تأكل في أرض الله

برداشت فوق، از اضافه «أرض» به «الله» استفاده شده است.

### 57- مراحل عمر دانه گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 14

14 - رویدن از خاک ، رشد و بالیدن ، زرد شدن و آن گاه خشک و تبدیل به خاشاک شدن ، مراحل عمر دانه هایی است که کشاورزان کشت می کنند .

كَمْ مِثْلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتَهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرِيهَ مَصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حَطَمًا

هر یک از «نبات» (رویاندن) «هیجان» (حرکت)، «اصفرار» (زرد شدن) و «حطام» (خاشاک) اشاره دارد به یکی از مراحل عمر بذری که کشاورزان کشت کرده اند.

### 58- مطالعه تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 11

11 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعًا... ثُمَّ يُجْعَلُهُ حَطَمًا

### 59- مطالعه خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 11

11 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء . . ثم يخرج به زرعاً ... ثم يجعله حطماً

ص: 236

## 60- مطالعه رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 1

1 - رویش گیاهان مختلف از زمین ، شایان تأمل و درس آموزی

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 11

11 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه و نگاه عمیق به مبدأ نزول باران و چگونگی رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. ثم يخرج به زرعاً ... ثم يجعله حطماً

## 61- منشأ پژمردگی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 2

2 - پژمرده ساختن گیاهان و تبدیل آن به هیزم و خرده کاه ، جلوه های حاکمیت تدبیر خداوند بر جهان هستی است .

ربك .. الذی أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی

در این آیات، همان گونه که رویاندن گیاهان از جلوه های ربوبیت خداوند معرفی شده؛ پژمرده ساختن آنها نیز براساس تدبیر و ربوبیت او دانسته شده است. این تدبیر، ممکن است ناظر به منافی نظیر تهیه هیزم و کود، غذای زمستانی حیوانات و غیر آن باشد که از گیاهان خشک شده حاصل می شود.

## 62- منشأ تبدیل گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 3,2,1

1 - تبدیل گیاهان سبز و خرم ، در زمانی کوتاه به خس و خاشاک تیره و سیاه فام ، کار خداوند است .

«غشاء» به گیاهان خشکی گفته می شود که روی سیلاب ها، قرار گرفته و جابه جا می شوند و «أحوى» به معنای سیاه پر رنگ است.  
(مفردات راغب)

2 - پژمرده ساختن گیاهان و تبدیل آن به هیزم و خرده کاه، جلوه های حاکمیت تدبیر خداوند بر جهان هستی است .

رَبِّكَ .. الذی أخرج المرعى . فجعله غشاء أحوى

در این آیات، همان گونه که رویاندن گیاهان از جلوه های ربوبیت خداوند معرفی شده؛ پژمرده ساختن آنها نیز براساس تدبیر و ربوبیت او دانسته شده است. این تدبیر، ممکن است ناظر به منافعى نظیر تهیه هیزم و کود، غذای زمستانی حیوانات و غیر آن باشد که از گیاهان خشک شده حاصل می شود.

3 - سیر صعودی و نزولی گیاهان و روییدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند



است .

الذی قدر . . . أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی

### 63- منشأ تنوع رنگ گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 6,8

6- جریان رویش کشت های رنگارنگ و رسیده و آن گاه خشک و خرد شدن ساقه ها و برگ های آنها ، به دست خداوند است .

ثم ینخرج به زرعاً مختلفاً ألونه ثم ینهیج فتریه مصفرّاً ثم ینجعله حطماً

«هیجان» (مصدر «یهیج») در اصل به معنای حرکت شتابان و جوش و خروش است. این کلمه هرگاه به کشت ها و نباتات نسبت داده شود، آغاز خشک شدن را افاده می کند و این کنایه از رسیدن محصول و وقت چیدن آن است. «حطام» به معنای خرده های یک شیء خشک شده است و مقصود از آن، خرد و کاه شدن برگ ها و ساقه های کشت ها است.

8- متنوع و رنگارنگ بودن کشت ها ، از جلوه های قدرت خدا و توحید ربوبی او است .

ثم ینخرج به زرعاً مختلفاً ألونه

آیه شریفه، درصدد بیان جلوه هایی از قدرت و توحید ربوبی خداوند (چون نزول باران، پیدایش چشمه ها و رویدن کشت ها) است. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن قید تنوع و رنگارنگی کشت ها، می تواند به منظور به نمایش گذاشتن جلوه دیگری از قدرت خدا باشد.

### 64- منشأ تنوع گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 13

13- طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء . . . ثم ینجعله حطماً إنّ فی ذلک لذکری

### 65- منشأ ثمردهی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - محصول دادن زراعت ، وابسته به اراده خداوند است .

لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَاهُ حُطْمًا

ص: 238

## 66- منشأ خشکیدن گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 13، 6

6 - جریان رویش کشت های رنگارنگ و رسیده و آن گاه خشک و خرد شدن ساقه ها و برگ های آنها، به دست خداوند است .

ثم یخرج به زرعاً مختلفاً ألونه ثم یهیج فتریه مصفرّاً ثم یجعلہ حطماً

«هیجان» (مصدر «یهیج») در اصل به معنای حرکت شتابان و جوش و خروش است. این کلمه هرگاه به کشت ها و نباتات نسبت داده شود، آغاز خشک شدن را افاده می کند و این کنایه از رسیدن محصول و وقت چیدن آن است. «حطام» به معنای خرده های یک شیء خشک شده است و مقصود از آن، خرد و کاه شدن برگ ها و ساقه های کشت ها است.

13 - طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

الم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثم یجعلہ حطماً إنّ فی ذلک لذكری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 10

10 - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

والذی أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی . سنقرنک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند - پیش از وعده به قرائت و حفظ - نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

## 67- منشأ رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 3

3 - رویش و رشد دانه ها در بستر خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرءیتم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 64 - 2، 1

1 - انسان در فرایند رشد و نمو بذری که در زمین کشاورزی اش می باشد، هیچ نقشی ندارد.

ءأنتم تزرعونه

«زرع» (مصدر «تزرعون»)، به معنای رویاندن و رشد و نمو بخشیدن است. ضمیر مفعول «تزرعونه» به «حرث» در آیه قبل - که از «تحرثون» استفاده می شود - و یا به «بذر» - که از مقام استفاده می شود - باز می گردد. استفهام در «ءأنتم...» انکاری است؛ یعنی، شما آن بذر را که کاشته اید، رشد نمی دهید.

ص: 239

2- رویش دانه های کاشته شده ، در زمین ، رشد و نمو و بالاخره به ثمر رسیدن آن نمودی از قدرت خداوند است .

أم نحن الزرعون

### 68- منشأ رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 11

11 - پدید آمدن گیاهان از زمین ، در اختیار خداوند و به دست اوست .

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 1

1 - خداوند شکافنده دانه ها و هسته ها برای رویدن است.

إن الله فالق الحب والنوى

«حب» به دانه هایی مانند گندم و جو گفته می شود (راغب) و «نوی»، جمع «نواه»، به معنای هسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 11، 2

2- جهان طبیعت ، دارای آسمان های متعدد

السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 3

3 - نزول باران از سمت آسمان و رویش بوستان های پرتراوت در پرتو آن ، جلوه تدبیر خدای یگانه

و أنزل لكم من السماء ماء فأنبتنا به حدائق ذات بهجة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 10

10 - رویش گیاهان و حیات یافتن زمین ، با باران ، به دست خداوند است .

کیف یحی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 13، 6

6 - جریان رویش کشت های رنگارنگ و رسیده و آن گاه خشک و خرد شدن ساقه ها و برگ های آنها ، به دست خداوند است .

ثم یرج به زرعاً مختلفاً ألونه ثم یریح فتریه مصفرّاً ثم یرجعه حطماً

ص: 240

«هیجان» (مصدر «یهیج») در اصل به معنای حرکت شتابان و جوش و خروش است. این کلمه هرگاه به کشت ها و نباتات نسبت داده شود، آغاز خشک شدن را افاده می کند و این کنایه از رسیدن محصول و وقت چیدن آن است. «حطام» به معنای خرده های یک شیء خشک شده است و مقصود از آن، خرد و کاه شدن برگ ها و ساقه های کشت ها است.

13 - طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سارها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ يجعله حطماً إنّ فی ذلک لذكری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 3

3 - حیات و سرسبزی پهنه زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 4

4- رویش گیاهان بهجت آفرین در زمین ، به تدبیر الهی و آیتی خداوندی است .

و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 63 - 3

3- رویش و رشد دانه ها در بستر خاک ، نمودی از قدرت الهی و نشانی روشن از امکان معاد

أفرءیتم ما تحرثون

روی سخن در این آیه، با منکران معاد است. تشویق آنان به مطالعه در چگونگی رشد گیاهان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 64 - 2,3

2- رویش دانه های کاشته شده ، در زمین ، رشد و نمو و بالاخره به ثمر رسیدن آن نمودی از قدرت خداوند است .

أم نحن الزرعون

3- نقش الهی در فرایند رشد دانه ها در زمین ، منحصر به فرد بوده و هیچ نیرویی توان چنین عملی را ندارد .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 2

2 - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و رویدنی های زمین و تأمین کننده غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حبًّا و نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 31 - 2,3

ص: 241



2 - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

أُخْرِجَ .. مرعیها

«مرعی» مصدر میمی است و در این جا به معنای اسم مفعول به کار رفته است؛ یعنی، آنچه چریده می شود. این کلمه گرچه ناظر به تغذیه گیاه خواران است؛ ولی تأثیر گیاه در زندگانی انسان نیز - به قرینه «متاعاً لکم و لأنعامکم» در آیات بعد - مراد است.

3 - بیرون آوردن آب و گیاه از دل زمین ، نشانه قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم أشدّ خلقاً .. أخرج منها ماءها و مرعیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 26 - 1

1 - شکافتن زمین هنگام روییدن گیاه ، کار خداوند و تحوّل شگفت انگیز است .

ثمّ شققنا الأرض شقّاً

به قرینه آیات بعد، مراد از «شققنا الأرض» شکافتن زمین هنگام روییدن گیاه است. تأکیدی که کلمه «شقّاً» بر آن دلالت دارد، در این موارد بیانگر شگفت بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 5، 2

2 - آمادگی زمین ، برای رویش گیاهان و پیدایش چشمه ساران

و الأرض ذات الصدع

چنانچه «ذات الرجع» در آیه قبل به باران نظر داشته باشد؛ «ذات الصدع» در این آیه به نتایج باران در زمین اشاره خواهد داشت.

5 - بازگشت های مکرر نزولات آسمانی و رویش گیاهان از دل زمین ، از نشانه های امکان معاد است .

ذات الرجع .. ذات الصدع

توصیف آسمان و زمین به اوصاف یاد شده - در سیاق آیات معاد - به همسانی آن اوصاف، با اعاده انسان در آخرت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

و الذی أخرج المرعى

«مرعى» یا مصدر میمی و یا اسم مکان است و به صورت مجاز در معنای گیاهان چراگاه به کار رفته است. برگزیدن این لفظ، به منظور بیان منافع گیاه است که خوراک دام ها را تأمین می کند.

2 - توجّه به قدرت خداوند بر رویانیدن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزه دانستن او از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سبّح اسم . . . و الذی أخرج المرعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- سیر صعودی و نزولی گیاهان و رویدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است.

الذی قدر . . . أخرج المرعی . فجعله غشاء أحوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 10

10 - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعی . فجعله غشاء أحوی . سنقرنک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند - پیش از وعده به قرائت و حفظ - نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

### 69- منشأ زوجیت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 36 - 2

2 - خداوند تمامی رویدنی های زمین، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است.

سبحن الذی خلق الأزوج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

«زوج» (مفرد «أزواج») برای دو معنا به کار می رود: 1- مقابل طاق و مرادف جفت؛ 2- به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

### 70- منشأ زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 6

6 - زیبایی موجود در انواع گیاهان جلوه هنرنمایی خداوند

من کلّ زوج کریم

قید «کریم» بیانگر برداشت یاد شده است.

## 71- نشانه های پایان رشد گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 9

9- زرد و خشک شدن ، نشانه پایان رشد کشت ها

ص: 243

## 72- نظم در گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 6 - 2

2- نظام گیاهان با تنوع و قانون مداری خاص خویش ، نشانی از خداوند و رحمت او

و النجم و الشجر یسجدان

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر به دست می آید: الف) تعبیر «یسجدان» اشاره به انقیاد تکوینی و قانون مداری دارد؛ ب) آیات شریفه در مقام ارائه نمودهای آفرینش و رحمانیت خداوند است.

## 73- نعمت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 8

8- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

اللّه الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إن الاعنسان لظلوم کفار» در دو آیه بعد (آیه 34) مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 3

3 - حبوبات و گیاهان ، از نعمت های الهی

لنخرج به حبّاً و نباتاً

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که خداوند در مقام برشمردن آن دسته از آفریده های خویش است که در زندگانی انسان ها مؤثر می باشد. تقدیم «حب» بر «نبات»، به دلیل اهمیت بیشتر دانه جات (از قبیل گندم، جو و...) در زندگی آنها است، به گونه ای که در اکثر موارد، گیاه را برای دانه اش می خواهند.

## 74- نقش رویش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 7

7- نزول باران و رویش نباتات و میوه ها ، دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

ص: 244

## 75- نقش گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 14

14 - باران و گیاه ، دارای نقشی بسزا در زندگی انسان ها

و أنزل من السماء ما فأخرجنا به أزوجًا من كلّ نبات

مخاطب قرار گرفتن انسان ها در صدر آیه، نشان می دهد که نعمت های یاد شده در آیه، در جهت منافع آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 33

33 - گیاهان ، مایه زیبایی و خرمی زمین

من كلّ زوج بهیج

«بهیجه و بهاچه» به معنای حسن و خرمی است. بنابراین «بهیج»: یعنی، نیکو و خرم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 6

6 - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نزل . . . ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 2

2 - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فيها ... والريحان

واژه «ریحان»، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

## 76- هسته گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 6, 7, 3

3 - رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالح الحب و النوی یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

6 - قدرت خداوند بر رویاندن گیاه زنده از دل دانه و هسته مرده، نمودی از قدرت او بر زنده ساختن آدمی پس از مرگ است.

لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره . . . إن الله فالح . . . مخرج المیت من الحی

7 - تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالح الحب و النوی . . . ذلکم الله

ص: 245



## 77- منشأ تأمین گیاه خواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 4 - 1

1 - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

و الذی أخرج المرعى

«مرعى» یا مصدر میمی و یا اسم مکان است و به صورت مجاز در معنای گیاهان چراگاه به کار رفته است. برگزیدن این لفظ، به منظور بیان منافع گیاه است که خوراک دام ها را تأمین می کند.

ص: 246

## 8- لانه سازی

### 1- لانه سازی بر روی خانه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 4

4- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

### 2- لانه سازی بر روی درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 4

4- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

### 3- لانه سازی بر روی سایبانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 4

4- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

### 4- منشأ لانه سازی زنبور عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 1,2

1- سکنی گزینی زنبور های عسل در کوه ها ، درختان ، بنا ها و سایبان ها با الهام الهی است .

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون



2- الهام خداوند به زنبور های عسل و هدایت آنها به ساختن خانه هایی مناسب برای خود ، به مقتضای ربوبیت اوست .

و أوحى ربك إلى النحل . . . و ممّا يعرشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 7

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی ( حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل ) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

ص: 248

1- اندوه لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 6

6- ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش ( بازگرداندن بنیامین )

قال کبیرهم . . . قد أخذ علیکم موثقاً... فلن أبرح الأرض

2- اهتمام لاوی به بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 7

7- فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تقریر جمله «فلن أبرح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً» بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

3- اهتمام لاوی به سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 7

7- فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تقریر جمله «فلن أبرح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً» بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می

دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

#### 4- اهتمام لاوی به عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 7,8

7- فرزند بزرگ یعقوب، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند.

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تفریع جمله «فلن أبرح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً» بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

8- فرزند ارشد یعقوب نسبت به دیگر برادرانش، متعهدتر و به عهد و پیمان خویش پایبندتر بود.

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله . . . فلن أبرح الأرض

#### 5- برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 11 - 1

1- پیشنهاد لاوی (نکستن یوسف ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت.

لاقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . قالوا یاأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد - که همان طرح لاوی بود - مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

#### 6- بینش لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 2

2- لاوی برخلاف دیگر برادرانش، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود.

لاقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . . . إن کنتم فعلین

جمله شرطی «إن كنتم فاعلين» (اگر بر توطئه علیه یوسف (ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن كنتم...) معنایی است که از «ألقوه...» استفاده می شود؛ یعنی، «إن كنتم فاعلين فألقوه فی غیبت الجب».

ص: 250

7- فرزند بزرگ یعقوب ، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند .

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

لاوی با تفریع جمله «فلن أبرح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً» بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

9- فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . . . من قبل ما فرطتم فی یوسف

«ما» در «ما فرطتم» مصدریه است و عبارت «من قبل ما فرطتم . . .» عطف بر «أن أباکم . . .» می باشد ؛ یعنی: «ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل». تفریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

11- لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی أو یحکم الله لی

گویا مقصود لاوی از «حتی یأذن لی أبی» این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن یحاط بکم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از «یحکم الله» شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

## 7- پیشنهاد لاوی

1- یکی از برادران یوسف ( لاوی ) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه «قائل» گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، «لاوی» بوده است.



3- لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

«جبّ» به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآند که «جبّ» به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: «غیبت الجب» حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و «سیاره» به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

5- چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ص: 251

ظاهر آن است که «ال» در «الجب» عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

8- «عن أبي جعفر (ع): . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم».

### 8- تصمیم لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 5

5- فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

«براح» (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. «ال» در «الأرض» عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

### 9- تعالیم لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 1، 2

1- لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . . . ارجعوا إلی أبیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

2- شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

### 10- توصیه های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 2

2- شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 4

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا .. وسئل القریه .. والعیبر التی أقبلنا فیها

ص: 252

«اقبال» (مصدر اقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن «إلیک» و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و «فیها» حال برای ضمیر «أقبلنا» می باشد. بنابراین «وسئل ... العیر الی ...» ; یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

## 11- حکمت در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 25

25- یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندان (یوسف (ع)، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید.

فصیر جمیل ... إنه هو العلیم الحکیم

## 12- خواسته های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 3,4,5,7

3- لاوی از برادرانش خواست، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است.

إن ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا ...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند.

ارجعوا الی أبیکم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

5- لاوی از برادرانش خواست، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه، به پدر بیان کنند.

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله «یأبانا» مخاطب قرار دهید، رساننده این است که به گونه ای سخن بگوئید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

7- لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهران و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظین

در معنای جمله «و ما كنا . . .» چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله «إن ابنك سرق» گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهران انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 253

6- لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

وإنا لصدقون

### 13- سرزنشهای لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 10

10- فرزند بزرگ یعقوب ، رفتار گذشته برادرانش با یوسف (ع) را رفتاری نکوهیده خواند .

قال کبیرهم . . . و من قبل ما فرطتم فی یوسف

### 14- عقیده لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 13

13- لاوی به خداوند و برتری او در حکم و قضاوت معتقد بود .

قال . . . أو یحکم الله لی و هو خیر الحکمین

### 15- فلسفه پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 4,6

4- لاوی با پیشنهاد خود ( انداختن یوسف به چاه ) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لا تقتلوا یوسف . . . و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

6- لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

يلتقطه بعض السياره

التقاط (مصدر يلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

## 16- قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 254

1- پیشنهاد لاوی ( نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه ) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد - که همان طرح لاوی بود - مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

### 17- لاوی در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 5

5- فرزند ارشد یعقوب بر آن شد که در سرزمین مصر بماند و به کنعان باز نگردد .

فلن أبرح الأرض حتی یأذن لی أبی

«براح» (مصدر أبرح) به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. «ال» در «الأرض» عهد حضوری است و اشاره به شهر و دیاری دارد که بنیامین در آن جا بازداشت شده است.

### 18- لاوی و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 7

7- لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنای جمله «و ما کنا ..» چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله «إن ابنک سرق» گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

### 19- لاوی و اذن یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



11- لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد.

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از «حتی یأذن لی اَبی» این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در ننگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از

ص: 255

پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از «یحکم الله» شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او بازگردم.

14- «عن أبي الحسن الهادي (ع) : . . . قال [ لاوی ] : « لن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي . . . » . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است: . . . (لاوی) گفت: هرگز از این سرزمین دور نمی شوم تا اینکه پدرم به من اجازه دهد . . .».

## 20- لاوی و بازگشت به کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 11، 9

9- فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا . . من قبل ما فرّطتم في يوسف

«ما» در «ما فرّطتم» مصدریه است و عبارت «من قبل ما فرّطتم . . .» عطف بر «أَنْ أباكم . . .» می باشد ؛ یعنی: «ألم تعلموا تفریطكم في يوسف من قبل». تقریب به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

11- لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد .

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از «حتى يأذن لي أبي» این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در نگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از «یحکم الله» شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او بازگردم.

## 21- لاوی و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 3، 4، 5، 7

2- شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنك سرق

3- لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

5- لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله «یأبانا» مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

7- لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما كنا للغيب حفظين

در معنای جمله «و ما كنا ..» چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله «إن ابنك سرق» گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 6

6- لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

وإنا لصدقون

## 22- لاوی و تبعید یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 2

2- لاوی برخلاف دیگر برادرانش ، با توطئه علیه یوسف (ع) و دور ساختن او از نزد پدرشان یعقوب (ع) موافق نبود .

لاقتلوا يوسف و ألقوه في غيبت الجب .. إن كنتم فعلين

جمله شرطی «إن كنتم فعلين» (اگر بر توطئه علیه یوسف(ع) مصمم هستید) می رساند که لاوی با انجام توطئه موافق نبود. لازم به ذکر است که جواب جمله شرطی (إن كنتم...) معنایی است که از «ألقوه...» استفاده می شود ؛ یعنی، «إن كنتم فعلين فألقوه في غيبت الجب».

## 23- لاوی و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 1

1- لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . . . ارجعوا إلى أביکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

ص: 257

## 24- لاوی و ظلم برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 9

9- فرزند بزرگ یعقوب با یادآور شدن ظلم و ستم برادرانش به یوسف ، بازگشت به نزد پدر را بدون همراه داشتن بنیامین ناروا شمرد .

ألم تعلموا .. من قبل ما فرّطتم فی یوسف

«ما» در «ما فرّطتم» مصدریه است و عبارت «من قبل ما فرّطتم ..» عطف بر «أنّ أبأکم ...» می باشد ; یعنی: «ألم تعلموا تفریطکم فی یوسف من قبل». تقریط به معنای کوتاهی کردن و رها کردن چیزی تا نابود شدن آن است (لسان العرب).

## 25- لاوی و قتل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 1,4

1- یکی از برادران یوسف ( لاوی ) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه «قائل» گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، «لاوی» بوده است.

4- لاوی با پیشنهاد خود ( انداختن یوسف به چاه ) درصدد حفظ جان یوسف ( ع ) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاقتلوا یوسف .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

## 26- لاوی و مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 11

11- لاوی بازگشت از مصر بدون بنیامین را به پیام رخصتی از ناحیه یعقوب (ع) و یا به تقدیر و حکمی از جانب خدا موکول کرد.

فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي أبي أو يحكم الله لي

گویا مقصود لاوی از «حتی یأذن لی اَبی» این معنا باشد که پدرش یعقوب اطمینان کند که ما در ننگه داری از بنیامین کوتاهی نکردیم و مصداق سخنی که خود گفته بود (إلا أن يحاط بكم) تحقق یافت. و یا اگر چنین اطمینانی پیدا نکرد، از پیمان خویش چشم پوشی کند و در نتیجه اجازه بازگشت را به من بدهد. و مراد از «یحکم الله» شاید این باشد که تقدیر الهی سبب شود من بتوانم بنیامین را از دست عزیز مصر برهانم و با او باز گردم.

ص: 258

## 27- لاوی و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 6

6- ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم... قد أخذ علیکم موثقاً... فلن أبرح الأرض

## 28- لاوی و نجات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 4,6

4- لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود.

لا تقتلوا یوسف... و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

6- لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید.

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

## 29- لاوی و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 10 - 3

3- لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند.

قال قائل منهم لا تقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

«جبّ» به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که «جبّ» به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است:



«غیبت الجب» حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و «سیاره» به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

### 30- یعقوب (ع) در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 8

8- یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع)، بنیامین و لاوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و

ص: 259

شکایت پیشه کند .

فصیر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

### 31- یعقوب (ع) و بازگشت لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 12

12- یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

### 32- یعقوب (ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 11

11- یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در «بهم» یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

### 33- یعقوب (ع) و ملاقات با لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 12

12- یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

## 10- لباس

### 1- اهمیت لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 9

9- اهمیت مسکن ، سایه ، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

والله جعل لكم من بيوتكم سكناً .. ظللاً ... أكنناً ... سربیل تقيکم الحرّ ...

### 2- پاکیزگی لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 4 - 1

1 - پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ثيابك فطهر

### 3- پوشیدن لباس زرد در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 29 - 17

17 - « عن الصادق (ع) (فی قوله تعالى) «و تأتون فی نادیکم المنکر» یعنی الخذف بالحصی و التصفیق بالحمام ... و مناقره الديوک

... و الجنق فی المجالس و لبس المعصفرات ... ؛

از امام صادق (ع) درباره این سخن خدای تعالی «و تأتون فی نادیکم المنکر» روایت شده که فرمود : مقصود از «منکر» پرتاب سنگ ریزه

در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر ... و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و شرطه در مجالس و پوشیدن لباس های معصفر

(لباس هایی که با عصفر، به رنگ زرد درآمده) است.»

### 4- تاریخ لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس . . . لم نجعل لهم من دونها ستراً

### 5- تشبیه به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 1

1 - آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لكم الیل لباساً

جمله «و هو الذی جعل لكم الیل لباساً» برای حصر است و از نوع حصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 1

1 - تاریکی شب - بسان لباسی پوشیده بر موجودات - با مستور ساختن آنها از دید انسان ، مانع تلاش و فعالیت بیش از حد او است .

و جعلنا الیل لباساً

تقابل این آیه و آیه بعد - که روز را زمان تلاش برای زندگی دانسته است - بیانگر برداشت یاد شده است.

### 6- تنوع لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 3

3- لباس های بهشتیان ، دارای تنوع

سندس و استبرق

### 7- جنس لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 7

7 - پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 262

1- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایشگان در بهشت

یلپسون من سندس و استبرق

«سندس» به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. «استبرق» نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

### 8- رنگ لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 4

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلپسون ثیاباً خضرًا من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه های «ثیاباً» و «خضرًا» و «سندس» دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

### 9- زیبایی لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- بهشتیان، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند.

و یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و إستبرق متکئین فیها علی الأرائک

### 10- زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 263

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثياباً خضرًا من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه های «ثياباً» و «خضرًا» و «سندس» دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

### 11- ضخامت لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثياباً خضرًا من سندس و استبرق

کلمه «استبرق» معرب «استبر» فارسی است. و به معنای «دیبای ضخیم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

### 12- ظرافت لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

### 13- علاقه به لباس حریر



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 8

8 - علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها ، به زیور آلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

يحلّون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فيها حرير

ص: 264

## 14- کیفیت لباس محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 4 - 5,6,7

5 - « عن رجل من أهل اليمامة . . . قال : قال لي أبو الحسن : إن الله تعالى قال لنبیّه « و ثيابك فطهر » و كانت ثيابه طاهره و إنما أمره بالشمير ؛

از مردی از اهل یمامه روایت شده . . . که گفت : امام کاظم (ع) به من فرمود : خدای تعالی به پیغمبر خود فرموده است : « و ثيابك فطهر » ، در حالی که جامه های وی پاک بوده است . همانا او را به بالا زدن جامه ها امر کرده است .»

6 - « قال أبو عبد الله (ع) . . . و الله تعالى يقول : « و ثيابك فطهر » قال : و ثيابك ارفعها و لاتجرها . . . ؛

امام صادق (ع) فرمود : . . . خدای تعالی می فرماید : « و ثيابك فطهر » [یعنی] می فرماید : جامه های خود را بالا بزن و بر روی زمین مکشان . . .»

7 - « قيل معناه و ثيابك فقصر . . . و روی ذلك عن أبي عبد الله (ع) ؛

گفته شده که معنای آن (و ثيابك فطهر) این است که جامه های خود را کوتاه کن و این معنا از امام صادق (ع) روایت شده است .»

## 15- لباس آتشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 19 - 6,8

6 - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالذین كفروا قَطَّعت لهم ثياب من نار

تکثیر «نار» نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی .

8 - جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قَطَّعت لهم ثياب من نار

تکثیر «نار» علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد .

## 16- لباس اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 1

1 - بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إِنَّ الْأَبْرَارَ ... وَ جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

«جَنَّة» به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تقخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 265

1 - ابرار در بهشت ، برخوردار از بالا پوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

«سندس»، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و «استبرق» به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی «استبر» یا «ستبر» دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر «عالیهم» (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالا پوش است.

### 17- لباس بودن همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 3

3 - زن و شوهر ، لباس عفاف یکدیگرند و هر کدام مایه پرهیز دیگری از گناهان جنسی است .

هن لباس لکم و ائتم لباس لهن

### 18- لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 2

2- انسان در بهشت ، دارای جامه و پوشش

یلبسون من سندس و استبرق

### 19- لباس تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 11

11 - شیطان در صدد بر ملا ساختن زشتیهای آدمیان و کندن لباس تقوای ایشان است.

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

هشدار به فریبکاری شیطان و مطرح کردن برهنه سازی آدم و حوا پس از بیان ارزش برتر لباس تقوا، بیدارباشی است به آدمیان که شیطان در

تلاش است تا جامه تقوا را از اندام و قلب و روح آنان به در آورد.

## 20- لباس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 19 - 6,8

ص: 266

6- برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند.

فالدین كفروا قَطَّعت لهم ثياب من نار

تکثیر «نار» نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

8- جامه های آتشین در دوزخ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده.

قَطَّعت لهم ثياب من نار

تکثیر «نار» علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

## 21- لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 1

1- دیبای نازک و ضخیم، پوشش تقوایپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و استبرق

«سندس» به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. «استبرق» نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 1

1 - بوستانی بزرگ و پر نعمت و لباسی فاخر از حریر، پاداش ابرار در قیامت

إِنَّ الْأَبْرَارَ... وَ جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

«جَنَّة» به معنای بوستان است و تکثیر آن بر تعظیم و تقخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2, 1

1 - ابرار در بهشت، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

«سندس»، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و «استبرق» به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی «استبر» یا «ستبر» دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر «عالیهم» (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالاپوش است.

2- جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

## **22- لباس حریر بهشتیان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 267

10 - كهف - 18 - 31 - 5

5- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و استبرق

کلمه «استبرق» معرب «استبر» فارسی است. و به معنای «دیبای ضخیم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 7

7- پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 6

6- لباس بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

### 23- لباس در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 90 - 4

4- زمان ذوالقرنین ، در دورترین نقطه شرق سرزمین او ، از صنعت لباس و ساختمان ، خبری نبوده است .

بلغ مطلع الشمس ... لم نجعل لهم من دونها سترا

### 24- لباس رسمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 4

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .



«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه‌های «ثياباً» و «خضرًا» و «سندس» دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

ص: 268

## 25- لباس مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 9

9- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها

## 26- لباس متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 1

1- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایندگان در بهشت

یلبسون من سندس و استبرق

«سندس» به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. «استبرق» نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

## 27- لباس محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 1 - 1

1 - نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به هنگامی که آن حضرت جامه ای به خود پیچیده بود .

يَأْتِيهَا الْمَزْمَلُ

«تَزْمَلُ» (مصدر «مَزْمَلُ») به معنای پیچیدن جامه و پارچه ای بر خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 1 - 1

1 - نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به هنگامی که آن حضرت ردا بر خود پیچیده بود .

يَأْتِيهَا الْمَدَثَرُ

«دثار»، به معنای لباس رویین و آنچه روی لباس زیرین به تن می کنند (مانند ردا و ..) است.

## **28- لباس مساکین**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 7.30.31

ص: 269

7 - تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرته اطعام عشره مسکین .. اهلکم او کسوتهم او تحریر رقبه

30 - لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال ( تابستان و زمستان ) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

31 - بالا پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم ( پیراهن ، روسری و پایین پوش ) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

## 29- منابع تأمین لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 16

16- نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثناً و متعاً إلی حین .. و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید «إلی حین» مربوط به محدودیت بهره مندی از پشم، کرک و مو باشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی «سربیل» - که ذکر عام بعد از خاص است - چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

### 30- نعمت لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 7

7- دستیابی انسان ، به لباسی مناسب برای محافظت خویش از حرارت و شداید جنگ ، نعمتی الهی است .

و جعل لكم سربیل تقيکم الحرّ و سربیل تقيکم بأسکم

ص: 270

### 31- نیاز به لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 16

16- نیاز به لباس ، نیازی دائمی برای انسان و تأمین آن از فراورده های حیوانی ، امری موقت است .

و من أصفافها وأوبارها وأشعارها أثناً و متعاً إلی حین . . . و جعل لکم سربیل تق

برداشت فوق، بر این احتمال است که قید «إلی حین» مربوط به محدودیت بهره مندی از پشم، کرک و موباشد و از اینکه اشیای یاد شده مقید به زمانی محدود شده است، ولی «سراییل» - که ذکر عام بعد از خاص است - چنین قیدی ندارد، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

### 32- ویژگیهای لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 31 - 4,5

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثياباً خضرًا من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه های «ثياباً» و «خضرًا» و «سندس» دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

5- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثياباً خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه «إستبرق» معرب «إستبر» فارسی است. و به معنای «دیبای ضخیم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 9,2

2- جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

9- « روی عن الصادق (ع) أنه قال : فی معناه تعلقوهم الثیاب فیلبسونها . . . » و سقاهم ربهم شراباً طهوراً « یطهرهم عن کل شیء سوی اللّٰه . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره معنای «عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق» فرمود: لباس به طرف آنان بالا می رود و آن را می پوشند. .. و درباره «و سقاهم ربهم شراباً طهوراً» فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...».

## 11- لجاجت

### 1- آثار اجتناب از لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 15

15 - تنها اهل یقین ( کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند ) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بیّنا الآیة لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در «لقوم» لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 16

16 - کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إن فی ذلکم لآیة لقوم یؤمنون

### 2- آثار ترک لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 13

13 - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهره‌وری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنہ . . . و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمی

از صدر آیه - که درباره لجاجت کافران است - و نیز فعل مضارع «لایؤمنون» - که اشعار به استمرار عدم ایمان دارد - می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

### 3- آثار لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش





1 - بقره - 2 - 74 - 3

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 19

19 - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذين لا يعلمون لولا .. تأتينا آيه ... قد بينا الآية لقوم يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 18

18 - لجاجت و ناباوری ، عامل بسته شدن قلب انسان ، بر شناخت معارف الهی و تأثیر پذیری از هدایتهاست .

قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 11

11 - روحیه جدال و لجاجت ، مانع از درک و پذیرش حق است .

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 26

26 - ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند .

قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 2،7

2- قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آية .. لا يؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

«فؤاد» به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

7- محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم كما لم يؤمنوا به أول مرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 101 - 14

14 - لجاجت، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لا يؤمنون

ص: 273

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 15 - 3,6

3- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

6- لجاجت و تعصب ، عامل انکار حقایق عینی و محسوس

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 41 - 6

6- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 8 - 3

3 - عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إلا كانوا عنه معرضین . فقد کذبوا ... و ما کان اکثرهم مؤمنین

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 77 - 5

5 - روحیه لجاجت و عناد ، مانع بهره‌وری از هدایت و رحمت قرآن

قرآن برای هدایت کافران و سایر اهل کتاب است و بی تردید هدایتگری های آن در بسیاری از آنان تأثیر دارد. با توجه به این نکته گفتنی است که مراد از «مؤمنین» کسانی اند که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم اند و در یک کلمه روح حق پذیری در آنان نمرده است و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاج و عناد قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن می ستیزند. آیات بعد مؤید همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 80 - 5

5 - مصمم بودن بر حق ناپذیری، مانع از شناخت حق با همه روشنی آن

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ... وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدَّعَا إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ

قید «إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ» بیانگر روحیه عناد و حق ستیزی است؛ یعنی، آن جا که عناد ریشه بدواند، سخن حق بی تأثیر است.

ص: 274

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 11

11 - روحیه لجاج و حق ناپذیری ، مانع بهره‌وری انسان از آیات الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قید «لقوم یؤمنون» نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 3 - 9

9 - روحیه خیره سری و عناد ، مانع بهره‌وری از روشنگری های قرآن

تلك آيات الكتب المبين . تتلوا عليكم ... لقوم يؤمنون

با توجه به این که قرآن، آمده است تا با روشنگری هایش گمراهان را هدایت کند و بی تردید این روشنگری ها در بسیاری از آنان اثر کرده است؛ مراد از عبارت «لقوم یؤمنون» همه کسانی است که در صدد شناخت حق بوده و در مقابل آن تسلیم می شوند و در مقابل آنان کسانی هستند که در موضع لجاجت و دشمنی قرار دارند و از حق می گریزند و چه بسا با آن به ستیز می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 52 - 3,7

3 - کافران رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . . . فإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

7 - عناد و حق گریزی موجب محرومیت انسان از هدایت الهی است .

فإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى . . . إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 58 - 9

9 - کفر مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مکه ، براساس لجاجت و عناد بوده است ، نه منطوق و برهان

ولئن جنتهم بأيه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - 36 - 8 - 3

3- لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنا جعلنا فی أعتقهم أغللاً... فهم مقمchon

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - 36 - 9 - 3

3- لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و بینایی

ص: 275

فهم لایؤمنون ... فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 10 - 3

3 - کسانی که دارای روح لجاجت و حق ناپذیری باشند ، انذار ها و اخطار های پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءانذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 63 - 3

3 - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

كذلك یؤفک الذین كانوا بآیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 70 - 2

2 - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت الله .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 15 - 16

16 - لجاجت و عناد ، عامل استکبار و غفلت از قدرت نامحدود الهی \*

فاستکبروا فی الأرض ... و كانوا بآیتنا یجحدون

چنانچه جمله «و كانوا بآیتنا یجحدون» به منزله تعلیل برای استکبار و عدم توجه قوم عاد، نسبت به قدرت نامحدود خداوند باشد، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 28 - 5



5- انکار آیات الهی، از سر عناد و حق ستیزی، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بآیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 11 - 2

2- انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط «خرّاصون» با «غمره» و «ساهون» مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 44 - 3

ص: 276

3- کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و این یروا.. یقولوا سبحان

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 21 - 4,5

4- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدر اسلام

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

5- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

#### 4- آثار لجاجت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 26 - 1

1 - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفر پیشه تاریخ را - که از سر لجاجت و عمد بر کفر و تکذیب خود پافشردند - با عذاب استیصال نابود کرد .

فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینت .. ثم أخذت الذین کفروا

«تنکیر» به معنای انکار (تغییر) است (لسان العرب) و مقصود از آن در آیه شریفه، تغییر نعمت به نعمت و حیات به مرگ می باشد؛ که مجازات کفر پیشگی است.

#### 5- آثار لجاجت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 98 - 4

4- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشدارى به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباہ کننده ای برای جوامع در پی دارد.

## 6- آثار لجاجت با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 277

8 - لجاجت کنندگان در برابر پذیرش آیات الهی، در معرض از دست دادن قوای درک معارف الهی اند.

ولئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذین كفروا إن أنتم إلاّ مبطلون . کذلک يطیع اللّٰه علی ق

### 7- آثار لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 52 - 2

2 - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

### 8- آثار لجاجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 97 - 10

10- سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لُدًّا

### 9- آثار لجاجت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 9

9 - بنی اسرائیل، بر اثر پافشاری بر آزاررسانی به موسی (ع)، از راه راست منحرف شدند.

لم تؤذوننی . . . فلما زاغوا

«زیغ» به معنای میل و انحراف است.

### 10- آثار لجاجت قوم ثمود

2- خداوند، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع)، عذابی سخت بر آنان نازل کرد.

فلما جاء أمرنا

مراد از «أمر» عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر «نا» حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

ص: 278

## 11- آثار لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 139 - 3

3 - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ... فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ

## 12- آثار لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 73 - 2

2 - کافران لجوج انداز شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر كيف كان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگرستن در سرنوشت کافرانِ لجوج انداز شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 33 - 3

3 - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 4

4 - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ

عبارت «بل لا یوقنون» بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(صلی الله علیه و آله) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 7

7 - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لَجَّوْا فِی عِتْوٍ وَ نَفُورٍ . . . وَ یَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 279

6 - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از «ما کانوا یکسبون»، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 19 - 4

4 - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . . . بل الذین کفروا فی تکذیب

### 13- آثار لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 7 - 3

3 - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی اکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که «فاء» در «فهم لایؤمنون» تعلیلیه است و جمله برای بیان علت مضمون جمله «لقد حقّ القول علی اکثرهم» می باشد؛ یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

### 14- آثار لجاجت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 3

3 - لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آنان بود .

إن کاد لیضلننا عن ءالہتنا لولا أن صبرنا علیہا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر (صلی الله علیه و آله)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.



## 15- آثار لجاجت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 7 - 3

3- تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدر اسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی اکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که «فاء» در «فهم لایؤمنون» تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ

ص: 280

جمله «لقد حقّ القول على أكثرهم» می باشد؛ یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

### 16- آثار لجاجت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 11

11 - باقی ماندن منافقان ، بر مواضع منافقانه خود تا لحظه مرگ ، مایه بدبختی و شقاوت آنان در آخرت

بلی و لکنکم فتنتم أنفسکم ... حتی جاء أمر الله

مقصود از «أمرالله» مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 15 - 7

7 - پافشاری و استمرار بخشی منافقان بر اعمال زشت و ناپسند ، عامل گرفتاری آنان به عذاب سخت اخروی

إنهم ساء ما كانوا يعملون

«إنهم ساء...» برای بیان علت محکومیت منافقان به عذاب سخت اخروی است.

### 17- افشای لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 4

4 - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمان مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

ولا أنتم عبدون ما أعبد

### 18- زمینه لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 136 - 3

3 - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ .. أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَنِينَ ... قَالُوا سِوَاهُ عَلَيْنَا أَوْعَظْتَ أُمَّ ل

## 19- شدت لجاجت انسان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 8

ص: 281

8 - عناد و لجاجت آدمی در برابر حق تا مرز رضایت به نابودی خویش و گرفتار شدن به عذاب های الهی

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره .. أو ائتنا بعذاب أليم

## 20- شگفتی لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 4

4 - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أكفره

## 21- عوامل لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 6

6 - مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم وأبصرهم . . . و لو أننا نزلنا . . . ما كانوا لیؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 15 - 17

17 - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی \*

فأما عاد فاستكبروا فی الأرض . . . و كانوا بأئتنا یجحدون

## 22- عوامل لجاجت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 10

10 - ترس موهوم و خرافی قوم ابراهیم از معبودهای پنداری خویش، از عوامل پافشاری آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشركون به

## 23- کیفر لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 3

3- گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ص: 282

ینوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله يريد أن يغويكم

وقوع جمله «إن كان الله» پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..)، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

#### 24- لجاجت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 7

7- فرعون و اطرافیان او، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع)، آن را انکار کردند.

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

#### 25- لجاجت اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 5

5- باغداران یمنی، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حق مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند.

قال أوسطهم ألم أقل لولا تسبیحون

#### 26- لجاجت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 9 - 16، 14، 13

13- اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند.

جاءتهم رسلهم بالبیئت فردوا ایدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أرسلتم به

مرجع ضمیر در «ایدیهم فی أفوههم» اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایی دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

14- اقوام کافر در برخورد با دلایل روشن انبیا، بشدت ناراحت و غضبناک می شدند و به صراحت موضع کفرآلود خود را اعلام می کردند.

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

مراد از «ردّوا أيديهم في أفواههم» کنایه از غضب و خشم آنهاست که در آیات دیگر نیز آمده است (غضوا علیکم الأنامل من الغیظ).

16- اقوام کافر، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند.

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج 13، ص 194)، از ابوعبیده و اخفش، عبارت «فردّوا أيديهم في أفواههم» ضرب المثل برای کسی

ص: 283

است که جواب مثبت به درخواست نمی دهد و سکوت اختیار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 84 - 3

3 - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم پیامبران

فلما رأوا بأسنا قالوا ءامنا بالله وحده و كفرنا بما كُنا به مشركين

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به استهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

### 27- لجاجت اکثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 72 - 4

4 - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضلّ قبلهم أكثر الأولین . و لقد أرسلنا فيهم منذرين

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای حقیقت یاد شده است.

### 28- لجاجت اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 7 - 2

2 - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 10 - 2

2 - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .



و سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

## 29- لجاجت اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 7 - 2

2- بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

ص: 284

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 10 - 2

2- بیشتر سران شرک و کفر در صدر اسلام، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند.

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

### 30- لجاجت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 4 - 5

5- بروز اختلاف در میان امت های پیشین، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان، نمونه ای از انفکاک ناپذیری برخی کافران از مرام خویش؛ حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن... منفکین... حتی تأتیهم البینه... و ما تفرّق... إلا من بعد ما جاء

### 31- لجاجت اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 14 - 6

6- مردم انطاکیه، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند.

فکذبوهما فعزّزنا بنالث

فرستاده شدن دو پیامبر - در یک زمان - در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

### 32- لجاجت اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 97 - 1

1 - کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند، اگر تمام معجزات و نشانه های الهی بر آنان عرضه شود، هرگز تسلیم

نشده و ایمان نخواهند آورد .

إن الذين حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون. ولو جاءتهم كل آية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 6 - 1

1- امت های محکوم به عذاب ، علی رغم بهره مندی آنان از معجزات الهی ، ایمان نیاوردند .

ص: 285

### 33- لجاجت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 4

4- اهل کتاب ( یهود و نصارا ) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله «لئن . . .» (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 3

3- عناد، لجاجت و بهانه جویی، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و موسی (ع)

فقد سألوا موسی أكبر من ذلك .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواستهای اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 20 - 6

6- عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در عین آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم .. فهم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 1 - 98 - 6

6- اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم يكن .. منفكين حتى تأتيهم البيئه

در برداشت یاد شده، «منفکین» به معنای «منفکین عن الکفر» دانسته شده است. «تأتيهم البيئه» - به تقدیر «أن» مصدریه - با «اتيان البيئه» مرادف است و عبارت «حتى اتيان البيئه» را می توان به معنای «حتى وقت اتيان البيئه» یا «حتى باتيان البيئه» دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: «لم يكن ... منفكين في وقت من الأوقات حتى وقت اتيان البيئه» یا «لم يكن ... منفكين بأي طريق حتى باتيان البيئه».

#### 34- لجاجت اهل مدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 93 - 6

ص: 286

6- شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود.

وارتقبوا إني معكم رقيب

«رقيب» در آیه شریفه به معنای منتظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 94 - 1

1- خداوند، در پی اصرار مردم مدین بر شرکورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع)، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت.

ولما جاء أمرنا

مراد از «أمر» عذاب نازل شده بر قوم شعیب است. اضافه آن به ضمیر «نا» حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

### 35- لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 61 - 16

16 - لجاجت در برابر حق و تکذیب آن، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجك... فنجعل لعنت الله على الكاذبين

### 36- لجاجت برده داران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 71 - 6

6- برده داران، خود را با برده ها برابر نمی دانند و هرگز از برده داری دست برنمی دارند.

فما الذين فضلوا برادى رزقهم على ما ملكت أيمنهم فهم فيه سواء

### 37- لجاجت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 5

5- بنی اسرائیل برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن ، لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

رفعنا فوقکم الطور خذوا ماء اتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارباب از بنی اسرائیل خواست تا تورات را بپذیرند و بر آن پیمان بسپارند، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 64 - 2

ص: 287

2 - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

«ثم» در جمله «ثم تولیتم» حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا «من بعد ذلک» رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که «ثم» برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 3

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . . . ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 5

5 - بنی اسرائیل ، برای پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن لجاجت کرده و سرسختی نشان می دادند .

و رفعنا فوقکم الطور خذوا ماء اتینکم

از اینکه خداوند با تهدید و ارعاب (قرار دادن کوه بر سر بنی اسرائیل) از قوم موسی خواست تا تورات را بپذیرند و برای عمل کردن به آن پیمان بسپارند. برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 248 - 16

16 - وجود افراد غیر مؤمن ( لجوج و ناباور ) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر «ان کنتم مؤمنین» اشاره است به اینکه افرادی غیر مؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 23 - 11



11 - گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ انْعَمِ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 24 - 7

7 - قوم موسی (ع)، مردمی لجوج، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذكروا نعمه الله عليكم .. قالوا يموسى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا اَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 25 - 10

ص: 288

10 - بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

وبین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 - 15

15 - لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا .. فَلَا تَأْسُ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 5

5 - لجاجت و سرسختی بنی اسرائیل در پذیرش تورات و عمل به فرمان های آن

و إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ .. خَذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 8

8 - بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

يَبْنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ .. أَضَلَّاهُمُ السَّامِرِيُّ ... أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبِّكُمْ

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است؛ به نظر می رسد آنان از بیهوشی و ایمان سستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 1,2

1 - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فَاتَّبَعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي .. قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَڪْفِينَ

«لن نبرح»؛ یعنی، «لانزال» (پایدار می مانیم) و «عاکف» به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

2- تصمیم گوساله پرستان بنی اسرائیل بر عبادت گوساله سامری، تا زمان بازگشتن موسی (ع) از میقات و تعیین تکلیف

لن نبرح علیه عکفین حتی یرجع إلینا موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 8، 5

5- بنی اسرائیل، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع)، آن حضرت را مورد آزار قرار می دادند.

لم تؤذوننی وقد تعلمون أنّی رسول الله إلیکم

8- بنی اسرائیل، به رغم اندرزهای موسی (ع)، از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند.

يقوم لم تؤذوننی . . . فلما زاغوا

جمله «فلما زاغوا» بیانگر آن است که بنی اسرائیل، به جای پذیرش نصیحت های موسی (ع)، بر اذیت های خویش نسبت به

ص: 289

آن حضرت پای فشرودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 13

13 - بنی اسرائیل ، به رغم در دست داشتن بشارت عیسی (ع) ، در برابر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) موضع گیری کرده و رسالت آن حضرت را نپذیرفتند .

و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه .. فلما جاءهم بالبینة قالوا هذا سحر مبین

### 38- لجاجت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 10 - 4

4 - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

وقالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

### 39- لجاجت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 26

26 - ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 104 - 2

2- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 52 - 3

3 - کافران رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . . . فإنگ لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 19 - 5

ص: 290

5- برخی از مردم، چنان هدایت ناپذیر و حق‌گريزانند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست.

أفأنت تتقذ من فی النار

تردیدی نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می‌توان استفاده کرد که هدایت این گروه امکان‌پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون رسول الله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 24 - 4

4- حق پوشان لجوج و معاند، مستحق آتش دوزخ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق \*

ألقیا فی جهنم کلّ کفار عنید

وصف «کفار» و «عنید» مشعر به علیت است؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می‌کشاند، انکار لجوجانه و حق‌ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز «کافر» اطلاق می‌شود.

#### 40- لجاجت دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 61 - 8

8 - محاجّه و لجاجت خصم در برابر حق، شرط دعوت آنان به مباحله

فمن حاجک... فقل تعالوا... ثم نبتهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 79 - 3

3 - حمایت‌های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام، در برابر سرسختی و حق‌ستیزی دشمنان

أم ابرموا أمراً فإنا مبرمون

#### 41- لجاجت دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 97 - 6

6- بشارت به پرهیزگاران و انذار دشمنان متعصب و سرسخت دین ، از اهداف قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لتبشّر به المتّقین و تنذر به قومًا لُدًّا

«لُدًّا» جمع «الُدِّ» است و «قومًا لُدًّا»؛ یعنی، مردمی در اوج سرسختی و لجاجت.

#### **42- لجاجت دشمنان محمد (صلی الله علیه و آله)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 291

5 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رفع نگرانی او نسبت به لجاجت مخالفان

و کذلک جعلنا لكل نبی عدوا

از اهداف این یادآوری تاریخی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می تواند رفع ناراحتی و دلگیری آن حضرت از خصومت و مخالفت های کافران باشد.

### 43- لجاجت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 8

8 - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَّا يذوقوا عذاب

جمله «بل لَمَّا يذوقوا عذاب» (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 15 - 2

2 - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلاّ صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

### 44- لجاجت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 8



8 - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَّا يذوقوا عذاب

جمله «بل لَمَّا يذوقوا عذاب» (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 15 - 2

2 - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

ص: 292

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

#### 45- لجاجت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 10، 9

9- پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم... أفلا تعقلون

10 - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود، دلیل نابه جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه «وقد كان...» و یا عطف بر جمله «بسمعون...» در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای «أفتطمعون...» می باشد.

#### 46- لجاجت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 75 - 7

7- فرعون و اطرافیان او، علی رغم مشاهده نشانه های حقانیت رسالت موسی و هارون (ع)، آن را انکار کردند.

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 78 - 9

9- فرعون و اطرافیان، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد.

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در «لکما»؛ در کلمه «مؤمنین» معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 3

3- مخالفت فرعون با دعوت موسی (ع)، از روی لجاجت و با آگاهی کامل از حقانیت او بود.

فقال له فرعون إني لأظنك يموسى مسحورًا. قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا ربّ ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 56 - 3,4

3- فرعون، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع)، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد.

ص: 293

و لقد أرينه آیتنا کلها فکذب و أبی

4- فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرينه آیتنا کلها فکذب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 27 - 5

5 - تکبر فرعون و ابای وی از تصور رسالت موسی (ع) به سوی خود

قال إن رسولکم الذی أرسل إلیکم لمجنون

تعبیر «رسولکم» به جای «رسولنا» می تواند از آن جهت باشد که او در یک گفتار استهزاآمیز نیز حاضر نبود رسالت موسی را متوجه خود بداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 49 - 6

6 - اصرار و پافشاری فرعون بر سحر شمردن معجزه موسی

إنه لکبیرکم الذی علمکم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 29 - 13

13 - فرعون ، سخن مؤمن آل فرعون را قطع کرده ، به دفاع از تصمیم خود مبنی بر کشتن موسی (ع) پرداخت .

أتقتلون رجلاً .. فمن ینصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما أریکم إلا ما أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 39 - 1

1 - روی گردانی فرعون با تمام وجود ، از پذیرش رسالت موسی (ع)

أرسلنه إلی فرعون . . . فتولّی برکنه

«رکن» در این جا می تواند به معنای ارکان وجود و کنایه از اعراض کامل و همه جانبه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 22 - 1

1 - فرعون ، به تکذیب گفته های موسی (ع) اکتفا نکرده سرسختانه به مخالفت با او پرداخت .

ثمّ أدبر یسعی

حرف «ثمّ» در این آیه، برای تراخی رتبی است؛ یعنی، ادبار فرعون، نارواتر از تکذیب او بود.

ص: 294

## 47- لجاجت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 133 - 6

6 - فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا عليهم . . . فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 1

1 - فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه ( طوفان و . . . ) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

ولما وقع عليهم الرجز قالوا يموسى ادع لنا ربك

«رجز» به معنای عذاب است و «ال» در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه قبل باشد، و هم می تواند «ال» در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به دلیل روی آوردی آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 13 - 2

2 - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 14 - 1

1 - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم

«جَحَدُوا» (مصدر «جحدوا») به معنای نفی و انکار کردن است. «استیقان» (مصدر «استیقنت») معادل «ایقان» و جمله «استیقنتها أنفسهم» حال برای ضمیر فاعل در «جحدوا» است؛ یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار

کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 48 - 4

4 - لجاجت و عناد شدید فرعونیان ، در مخالفت با پیام موسی (ع)

و ما نریهم من ءایه إلا هی اکبر من أختها

از این که خداوند برای هدایت فرعونیان، معجزاتی پیاپی و یکی از دیگری مهم تر نشان داد، لجاجت آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 49 - 9

ص: 295

9- اصرار و لجاجت فرعونیان ، در نپذیرفتن ربوبیت مطلقه الهی ، حتی پس از گرفتار آمدن به عذاب

ادع لنا ربّک

فرعونیان به جای «ربّنا» «ربّک» گفته اند؛ با این که موسی(ع) خداوند را «ربّ العالمین» معرفی کرد. از این مطلب اعتراف نکردن به ربوبیت مطلقه و در نتیجه لجاجت آنان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 18 - 2

2- فرعونیان و قوم ثمود ، قدرت مندترین و سرسخت ترین مخالفان پیامبران ، در امت های پیشین بودند .

فرعون و ثمود

در قرآن، خبر از هلاکت بسیاری از امت های گذشته مطرح شده است؛ بنابراین یاد کردن فرعونیان و ثمودیان از بین آنها، نشانه آن است که این دو دسته، از دیگران بارزتر بوده اند.

#### 48- لجاجت قبطیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 1

1- قوم فرعون ، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی (ع) و غلبه او بر ساحران ، بر ناباوری خود پای فشرده و کسی از آنان به او ایمان نیاورد .

فما آمن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر «من قومه» راجع به «موسی» و مراد از «قوم موسی»، بنی اسرائیل باشد.

#### 49- لجاجت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 2,3

2- تعصب و پافشاری قوم ابراهیم بر عقیده شرک خویش، علی رغم استدلالهای آن حضرت بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحنونی فی الله



3 - اظهار شگفتی ابراهیم(ع) از لجاجت مردم بر شرک، علی رغم وجود دلایل واضح بر بطلان آن

و حاجه قومه قال أتحنونی فی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 65 - 2

2- بت پرستان، علی رغم قانع شدن از استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک، بار دیگر در صدد دفاع از عقیده شرک آمیز خویش برآمدند.

ثم نکسوا علی رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء یناطقون

برداشت یاد شده براین مبنا استوار است که مقصود از بالا و پایین شدن - که در جمله کنایی «ثم نکسوا علی رءوسهم»

ص: 296

موجود است - زیر و رو شدن عقاید و مواضع اعتقادی بت پرستان باشد؛ یعنی، آنان در آغاز بر اثر استدلال ابراهیم(ع) به بطلان شرک دست یافتند؛ ولی باز به عقیده پیشین بازگشتند. و مجدداً به دفاع از آن پرداختند.

## 50- لجاجت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 66 - 1

1- قوم ثمود، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند.

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 81 - 3, 2

2- اصحاب حجر (قوم ثمود)، از معجزات و آیات الهی روی برتافته و بر کفر خویش اصرار ورزیدند.

وأتینهم ءآیتنا فکانوا عنها معرضین

3- اصحاب حجر (قوم ثمود)، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند.

وأتینهم ءآیتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود؛ چنان که آمدن جمله «فکانوا عنها معرضین» به جای «فأعرضوا عنها» - که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است - می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 157 - 6

6 - ثمودیان، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فأت بناه إن كنت من الصدقین . قال هذه ناقه... و لاتمسوها بسوء... فعقروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 12

12 - پافشاری و سرسختی قوم عاد و ثمود ، در مخالفت با دعوت توحیدی پیامبران خویش

فإنا بما أرسلتم به كفرون

ص: 297

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 17 - 4

4 - انتخاب گمراهی از سوی قوم ثمود ، با وجود روشن شدن راه هدایت برای آنان

و أمّا ثمود فهديهم فاستحبوا العمى على الهدى

«استحباب» (مصدر «فاستحبوا») به معنای دوست داشتن است و آن گاه که با «على» متعدی شود به معنای انتخاب و برگزیدن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 18 - 2

2 - فرعونیان و قوم ثمود ، قدرت مندترین و سرسخت ترین مخالفان پیامبران ، در امت های پیشین بودند .

فرعون و ثمود

در قرآن، خبر از هلاکت بسیاری از امت های گذشته مطرح شده است؛ بنابراین یاد کردن فرعونیان و ثمودیان از بین آنها، نشانه آن است که این دو دسته، از دیگران بارزتر بوده اند.

### 51- لجاجت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 12

12 - قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 53 - 4,6,7

4- اصرار و پافشاری و تعصب قوم هود ، بر شرکوری و پرستش غیر خدا

و ما نحن بتاركي ءالهمتنا عن قولك

جمله اسمیه «ما نحن . . .» و آوردن «با» ی زایده در خبر (تارکی ءالھتنا) حکایت از تأکید و اصرار قوم عاد بر پرستش بتها دارد.

6- دعوت هود (ع) و سخنان او، بی تأثیر در بازداری قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالھتنا عن قولک

«عن» در «عن قولک» برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله «ما نحن ...» چنین می شود: سخن و ادعای تو، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

7- تأکید قوم عاد، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 58 - 1

ص: 298

1- قوم عاد ، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند .

فإن تولّوا .. يستخلف ربّی قومًا غیرکم ... و لما جاء أمرنا نجّینا هودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 136 - 2

2- قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علینا .. من الوعظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 12

12 - پافشاری و سرسختی قوم عاد و ثمود ، در مخالفت با دعوت توحیدی پیامبران خویش

فإنّا بما أرسلتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 15 - 15

15 - لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آیات روشن الهی

أولم یروا .. و كانوا بآیتنا یجحدون

«جحد» (مصدر «یجحدون») به معنای انکار کردن چیزی است که حقانیت آن برای منکر روشن است.

## 52- لجاجت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 9

9- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی ( ازدواج با زنان ) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فاعلین

جمله «إن کنتم فاعلین» به منزله جمله «إن فعلتم ما أقول لکم و ما أظنکم تفعلون» است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر

دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 2

2 - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا .. لتكوننّ من المخرجين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 54 - 7

7 - روی آوردن قوم لوط به کردار زشت ، علی رغم آگاهی آنان به ماهیت پلید آن

ص: 299

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

برخی از مفسران کلمه «تبصرون» را از «ابصارالقلب» (معادل دانش و آگاهی) مشتق دانسته اند. بنابراین مفاد پیام لوط چنین می شود: شما به زشتی ها روی آورده اید با این که ماهیت پلید و قبیح اعمالتان را می دانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 36 - 3

3 - مقاومت شدید و یکپارچه جامعه لوط (ع) ، در برابر آن حضرت و رسالت او

فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین

### 53- لجاجت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 73 - 1

1 - قوم نوح ، نبوت او را با وجود شواهد و براهین صدق ، نپذیرفته و آن حضرت را به دروغ گویی متهم کردند .

يقوم إن كان کبر علیکم مقامی . . . فإن تولیتم فما سألتکم من أجر . . . فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 117 - 1

1 - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا ، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 6 - 2

2 - قوم نوح ، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند .

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



19 - نوح - 71 - 7 - 6

6 - اصرار و پافشاری قوم نوح ، بر مواضع کفرآمیز خویش

وَأَصْرُوا

#### 54- لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 16

16 - ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

ص: 300

بل طبع الله عليها بكفرهم

چنانچه مقصود از جمله «قلوبنا غلف» این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله «بل طبع الله» بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 4 - 4

4 - برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهن من آیه... إلا كانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 33 - 9

9 - لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبونک و لكن الظلمین بآیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 121 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

وقل للذین لا یؤمنون اعملوا علی مکانکم إنا عملون

«اعملوا» امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و «مکانه» به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست «اعملوا...»؛ یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا؛ یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 15

15- کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان ، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند .

هو الذی یریکم البرق . . . و هم یجدلون فی الله

جمله حالیه «و هم یجدلون فی الله» قید برای همه جمله هایی است که در آیات پیشین آمده است ؛ یعنی، با آنکه آثار وجودی خدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعد، ابر و صاعقه را پدید می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّ و بحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 8

8- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند ، مردمانی جبّار و منحرف بودند .

ص: 301

وقال الذين كفروا لرسولهم لئخرجنكم... وخاب كل جبار عنيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 72 - 10

10- کافران به خاطر باطل گرایي، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود، مورد سرزنش خدایند.

والله جعل لكم... أفعالاً بطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 6 - 5

5- خداوند، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان، مؤاخذه نخواهد کرد.

فلعلک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم يؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 5

5 - ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

ولو رحمناهم... للجو فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 3 - 5

5 - دلداری خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد سرسختی کافران

لعلک بخع نفسک ألا یكونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 73 - 3

3 - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند.

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 10 - 1

1 - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

«مقت» به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 15، 14

14 - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

ص: 302

و هو عليهم عمى أولئك ينادون من مكان بعيد

15 - پیام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم کافران لجوج

أولئك ينادون من مكان بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 8 - 6

6 - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلى عليه ثم يصبر مستكبراً

بنابراین که «ثم» برای تراخی رتبی باشد - نه زمانی - برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 18 - 2

2- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتَّبِعُوا أهواءهم .. فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 4

4- إخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذين كفروا وصدّوا .. و شاقّوا ... من بعد ما تبين لهم الهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 44 - 1

1 - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

وإن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 47 - 5

5 - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رغم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

ولکنّ اکثرهم لایعلمون

مفهوم «اکثرهم» این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رغم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 2 - 2

2 - روی گردانی کافران ، از پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به رغم مشاهده معجزه «شق القمر»

ص: 303

وانشَقَّ القمر . . . وإن يروا آية يعرضوا

از اطلاق «آیه» بر «شق القمر»، استفاده می شود که «شق القمر» از معجزات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده که بر حقانیت رسالت خویش اقامه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 10 - 4

4 - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 17 - 5

5 - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون كيف نذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 9

9 - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

وجعل لكم السمع والأبصر والأفئدة قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 28 - 7

7 - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن يجير الكافرين من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 29 - 7,8



7- کافران لجوج و تکذیب گر، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هوفی ضلل مبین

8- تهدید شدن کافران لجوج و تکذیب گر، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هوفی ضلل مبین

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر «فستعلمون» (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 30 - 4

4- کافران لجوج و تکذیب گر، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

ص: 304

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 7

7 - کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای رها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَ

ضمیر فاعلی «يقض» به «الإنسان» بر می گردد که به قرینه «ما أكفره» تنها بر کافران منطبق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 3

3 - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٖ كَانَ بِهِ بِصِيرًا .. . فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق «لایؤمنون»، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 19 - 2

2 - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

حرف «فی»، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه «بل هو قرآن مجید» - در آیات بعد - قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 22 - 3

3 - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ .. . بَلِ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ . فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 8

8 - سرسختی مخالفان توحید در مواضع خویش ، نباید پایداری اهل توحید را متزلزل سازد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پایداری اهل توحید، از مضارع بودن «أعبد» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 5 - 4

4 - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر ، از خبر های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

ص: 305

## 55- لجاجت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 97 - 9

9- مشرکان و کافران عصر بعثت، در برابر حق و دعوت های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مردمی لجوج و سرسخت بودند.

و تنذر به قومًا لُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 133 - 3

3- کافران عصر بعثت، علی رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگی آن با دیگر کتاب های آسمانی، آن را نادیده گرفتند و معجزه بودن آن را انکار می کردند.

لولا یأتیناب--آیه من ربّه أولم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 4 - 3

3 - اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدر اسلام

و إن یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. از این رو برخی از مفسران جواب شرط «إن یکذبوک» را محذوف و چنین دانسته اند: «إن یکذبوک فلا تحزن و اصبر اذ قد کذب رسل من قبلک».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 45 - 2

2 - کافران صدر اسلام، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند.

و إذا قیل لهم اتقوا ما بین یدیکم و ما خلفکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- کافران صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتيهم من آية . . . إلا كانوا عنها معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 63 - 1,2

1 - کافران و مشرکان صدر اسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

ص: 306

«جحد» (مصدر «يجحدون») به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

2 - کافران و مشرکان صدراسلام، مردمی لجوج، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 5

5 - مشرکان و کافران صدراسلام، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 21 - 3,4

3 - کافران صدراسلام، مردمی لجوج، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

«عتوّ» به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از «نفور» (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

4 - روح لجاج، استکبار و حق گریزی، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذين من قبلهم... بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 1 - 3

3 - کافران مخالف رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند؛ چنان که در آیه 32 از سوره «انفال» از آنان چنین یاد

شده است: «وإذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 2 - 1

1 - عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت ، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للكفرین لیس له دافع

«للكافرين» خبر مقدم برای «لیس» و «دافع» اسم آن است. «لام» در «له» برای تقویت و ضمیر «له» مفعول مقدم برای «دافع» است؛ یعنی، «لیس للکافرین دافع یدفع العذاب عنهم»، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 25 - 2

ص: 307

2- اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر يؤثر . إن هذا إلا قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 49 - 1

1 - کافران مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدراسلام، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 2

2 - کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آماده عبادت خداوند می خواندند، هرگز به آن تن نداده و معبود پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پرستیدند .

و لا أتم عبودن ما أعبد

### 56- لجاجت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 2

2 - حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 4

4 - کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب الیم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 13 - 1

1- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله «لایؤمنون به» جمله تفسیریه برای «المجرمین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 14 - 1

1- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

ص: 308

كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين . لا يؤمنون به ... و لو فتحنا عليهم باباً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 15 - 2, 1

1- كافرين هدايت ناپذير مکه ، در صورت مشاهده گشایش درى از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندى و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا عليهم باباً من السماء فظلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

«سكر» در لغت حالتى را گفته اند كه عارض بر عقل مى شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این مى شود كه: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندى مى دانستند.

2- كافرين مکه ، مردمی حق ناپذير و لجاجت پيشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا عليهم باباً من السماء فظلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 7

7 - لجاجت و تعصب كور كورانه اشرف كافر مکه و تحير و سرگردانى آنها در طغيان و سرکشی ، على رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمناهم ... للجوأ فى طغيانهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 31 - 1

1 - كافرين مکه اعلام کردند كه به هیچ رو به قرآن و كتاب های پيشين آسمانى ايمان نمی آورند .

وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذى بين يديه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - بروج - 85 - 19 - 6

6 - اصرار كافرين مکه بر تكذيب تهديد های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونيان و ثموديان ، شگفت آورتر از كفوروزی

پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف «بل» استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مگه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است؛ زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

### 57- لجاجت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 3

3- گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ص: 309

ینوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله يريد أن يغويكم

وقوع جمله «إن كان الله» پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..)، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

## 58- لجاجت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 201 - 2، 1

1 - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

كذلك سلكنه .. لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم

«ال» در «العذاب» برای عهد است. بنابراین «العذاب الأليم» اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه «أفبعذابنا يستعجلون» بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزاء، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

2 - استمرار دشمنی مجرمان با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

## 59- لجاجت گناهکاران هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 14 - 2

2- مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لا يؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم باباً من السماء

## 60- لجاجت مخالفان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - مخالفان رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إِنَّهٗ كَانَ لَايْتِنَا عَنِيدًا

ص: 310

## 61- لجاجت مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 27

27 - گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

## 62- لجاجت مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 4 - 3

3 - مردم در صدر اسلام، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصفّ - ت صفاً .. . إنّ إلهکم لوحد

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این حقیقت در قرآن کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 5 - 4

4 - بیشتر مردم عصر بعثت، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أكثرهم .. . وقالوا ... فاعمل إنّنا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه «أکنّه»، «وقر» و «حجاب» تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

## 63- لجاجت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 24 - 8

8 - اصرار و پافشاری مرفهان خوش گذران بر کفر، در برابر پیام ملاطفت آمیز و توحیدی پیامبران

قال مترفوها... قل أو لو... قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

#### 64- لجاجت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 4

4 - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قیامت ، در دنیا از هدایت برخوردار بودند ؛ لکن آن را نپذیرفته اند .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

ص: 311

## 65- لجاجت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 4,5

4- اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله «لئن . . .» (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

5- یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 63 - 8

8- علمای نصارای نجران ، مفسد ، مشرک ، مجادله گر ، حق ناپذیر و مورد تهدید خداوند

فمن حاجک . . . فان تولّوا فانّ اللّٰه علیم بالمفسدین

در شأن نزول آمده که این آیات درباره علمای نجران نازل شده است.

## 66- لجاجت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 19

19 - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذین لا یعلمون لولا . . . تأتینا ءایه . . . قد بیّنا الایة لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 28 - 9,10



9- لجاجت پیشگان مشرک، پس از دیدن جهنم نیز اگر دنیا بازگردند اصلاح نمی شوند.

و لو تری إذ وقفوا علی النار . . . و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

10- دروغگویی، شیوه همیشگی مشرکان لجاجت پیشه است.

فقالوا . . . و إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 111 - 2

2- مشرکان لجوج، حتی در صورت نزول ملائکه بر ایشان، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إليهم الملائكة . . . ما كانوا ليؤمنوا

ص: 312

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19، 7

7- مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند.

أفأخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله «أخذتم...» به وسیله حرف «فاء» بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد- که مشرکان نیز آنها را باور دارند - می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند.

أفأخذتم من دونه أولياء... أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابَهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 3

3- مشرکان علی رغم اعترافشان به اینکه قوام بخش امور بندگان خداوند است، برای او شریک های متعددی برگزیده بودند.

أفمن هو قائم علی کل نفس بما كسبت و جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 83 - 1

1- مشرکان، علی رغم شناخت نعمت های الهی، آن را عملاً انکار می کنند و راه ناسپاسی می پیمایند.

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها

در این آیه انکار در مقابل عرفان و شناخت قرار گرفته است و این می رساند که مراد از انکار نعمت، انکار عملی است نه ذهنی و اعتقادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - ردّ دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (دعوت به یکتاپرستی) ، از سوی مشرکان و پافشاری آنان بر شرک و بت پرستی

و ادع إلى ربّك . . . و إن جدلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 12 - 1

1 - تعجب پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مواضع انکار آمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند ؛ علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إنّ إلهکم لوحد . . . فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً... بل عجبت

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی

ص: 313

مشرکان - به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش - بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 15 - 4

4 - اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلا سحر مبین

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 167 - 1

1 - مشرکان ، سخنانی بهانه جویانه علیه اسلام و به دفاع از مواضع عقیدتی خود پیوسته ، تکرار می کردند .

و إن كانوا ليقولون

«إن» مخفف «إن» است. آمدن فعل «كانوا» دلالت می کند که خبر آن (لیقولون)، امری ثابت در گذشته و دارای پیشینه است و آمدن خبر به صورت فعل مضارع بیانگر تکرار مضمون آن است. بنابراین مقصود از آیه شریفه - با توجه به آیات بعد - سخنان بهانه جویانه مشرکان است که پیوسته آن را تکرار می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 170 - 1

1 - مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أن عندنا ذكراً من الأولین . لکنّا عباد الله المخلصین . فكفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 79 - 2، 1

1 - توطئه های پی در پی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمراً

«إبرام» (مصدر «أبرموا») در اصل به معنای تاییدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن - به قرینه شأن نزول و آیه بعد - تصمیم جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد.

2 - اصرار و لجاجت مشرکان در مخالفت با دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نمودی از حق گریزی آنان

أكثرکم للحقّ کرهون . أم أبرموا أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 6

6 - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن . . . منفکین حتّی تأتیهم البینه

در برداشت یاد شده، «منفکین» به معنای «منفکین عن الکفر» دانسته شده است. «تأتیهم البینه» - به تقدیر «أن» مصدریه - با «اتیان البینه» مرادف است و عبارت «حتّی اتیان البینه» را می توان به معنای «حتّی وقت اتیان البینه» یا «حتّی باتیان البینه» دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: «لم یکن . . . منفکین فی وقت من الأوقات حتّی وقت

ص: 314

اتیان البینه» یا «لم یکن ... منفکین بأیّ طریق حتی باتیان البینه».

## 67- لجاجت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 8,9

8 - مشرکان به هنگام حضور در نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از سر لجاج و انکار به مجادله درباره قرآن و رسالت آن حضرت می پرداختند.

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا

9 - مشرکانی که صرفاً برای مجادله در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حاضر می شدند، در نهایت عناد و لجاجت قرار داشتند.

حتی إذا جاءوک یجدلونک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 11

11 - مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم آیاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا انت بقراءنا غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 40 - 1

1 - برخی مشرکان، با اینکه آسمانی بودن قرآن را باور داشتند، به تکذیب آن برمی خاستند.

بل کذبوا... و منهم من یؤمن به

این برداشت مبتنی بر این است که: ضمیر «هم» - با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش - به تکذیب کنندگان قرآن برگردد و از «یؤمن» زمان حال اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 42 - 4

4 - مشرکان ، در برخورد با سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای موضعی لجوجانه بودند .

أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 43 - 4

4 - مشرکان با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برخوردی لجوجانه داشتند .

أفأنت تهدى العمى و لو كانوا لا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 315

5- مشرکان و کافران صدراسلام، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

وإِنَّه لَقَسَمٌ لِّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اظهارات انکارآمیز مشرکان صدراسلام نسبت به قرآن، به رغم باور قلبی آنان به آسمانی بودن آن

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون

«إدهان» (مصدر «مدهنون») به دو معنا آمده است: الف) اظهار کردن بر خلاف آنچه در دل است؛ ب) به شوخی گرفتن چیزی و برخورد استهزاآمیز کردن با آن. برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - شرک پیشگان صدراسلام، به جای سپاس گزاری خداوند به خاطر فرستادن قرآن، بر تکذیب آن پافشاری کردند.

و تجعلون رزقكم أنكم تكذبون

برخی از مفسران بر آنند که «رزق»، به معنای عطا است و آیه شریفه نیز به تقدیر «و تجعلون شکر رزقکم..» می باشد.

### 68- لجاجت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- امتناع مشرکان عصر بعثت از اقرار به ربوبیت خدا بر تمام هستی علی رغم مشاهده نقش او در جهان آفرینش

قل من رب السموت و الأرض قل الله

از اینکه خداوند خود به پرسشی که از مشرکان کرده (من رب السموت) پاسخ می دهد (قل الله) معلوم می شود آنان از اعتراف و اقرار به



ربوبیت خداوند خودداری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 97 - 9

9- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 10

10- مشرکان ستم پیشه صدر اسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا .. فلیأتنا بایه کما أرسل الأولون

ص: 316

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 6 - 5

5- پیشگویی قرآن، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماء امننت قبلهم .. أفهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 24 - 14

14- گروه بسیاری از مشرکان در صدراسلام - علی رغم شناخت حق - مردمی حق گریز بودند .

بل أكثرهم لایعلمون الحق

واژه «أكثر» افعال التفضیل است و نقطه مقابل آن، کثیر می باشد - نه قلیل - و بدین جهت گروه بسیار استفاده شده است؛ یعنی، هر چند مشرکان دانا و حق گریز، در مقایسه با نادانان کمتر بودند؛ ولی خود جمعیتی چشم گیر و بسیار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 60 - 10

10 - فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل «زاد» امر به سجده دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 4 - 3

3 - اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدراسلام

و إن یکذبوک فقد کذب رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. از این رو برخی از مفسران جواب شرط «إن یکذبوک» را محذوف و چنین دانسته اند: «إن یکذبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذب رسل من قبلک».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 13 - 3

3 - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذكروا لا يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 14 - 2

2 - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و إذا رأوا آية يستسخرون

تمسخر معجزه الهی - که امری ملموس و روشن می باشد - گویای حقیقت یاد شده است.

ص: 317

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 36 - 9

9 - پایبندی مشرکان صدر اسلام به آیین شرک و دفاع از معبود های خود در برابر دعوت به توحید

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . و يقولون أننا لناركوا الهتنا لشاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 63 - 2, 1

1 - کافران و مشرکان صدر اسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

«جحد» (مصدر «يجحدون») به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

2 - کافران و مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 5 - 6

6 - سرسختی و لجاجت مشرکان عصر بعثت ، در برابر قرآن و دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا قلوبنا في أكنه مما تدعونا إليه و .. فاعمل إننا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 1

1 - اصرار مشرکان عصر بعثت ، بر شرک و مباحثات انکار آمیز آنان درباره توحید

و الذين يحاجون في الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بحث و جدل مشرکان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در عینی ترین حقایق مورد شهود آن حضرت، امری نکوهیده و سرزنش بار

أفتمرونه علی ما یری

استفهام در «أفتمارونه» برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور افشای سرسختی مشرکان در ترک پرستش خداوند؛ حتی در فرض محال تن دادن پیامبر (صلی

الله علیه و آله) به پرستش معبود های آنان

ولا أنتم عبدون ما أعبد

ص: 318

## 69- لجاجت مشرکان مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 1

1 - مشرکان لجاجت پیشه مکہ، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 4

4- مشرکان مکہ ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرّفنا .. من کلّ مثل فابی ... وقالوا لن نؤمن لک حتی تعجز لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 91 - 3

3- مشرکان مکہ ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

ولقد صرّفنا .. من کلّ مثل فابی ... وقالوا لن نؤمن لک حتی ... تكون لک جنّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 92 - 5

5- سرسختی و لجاجت مشرکان مکہ در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم بر حق او

لن نؤمن لک حتی .. تسقط السّماء کما زعمت علينا کسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 4

4- مشرکان مکہ ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبى ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... يكون لك بيت من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 47 - 12

12 - مشرکان مکہ ، از سر لجاجت ، قرآن را نپذیرفتند و به آن ایمان نیاوردند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب .. و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون

«جحد» نفی کردن چیزی است که دل، اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل، نفی کرده است (مفردات راغب) بنا بر معنای لغوی، «جحد»، منطبق بر لجاجت است.

ص: 319

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 49 - 10

10 - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بآیتنا إلاّ الکفرون . . . و ما یجحد بآیتنا إلاّ الظلمون

«جحد» در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). «جحد» طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: «ال» در «الظالمون» عهد بوده و اشاره به «الکافرون» در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 30 - 2

2 - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 34 - 2

2- مشرکان مکه بر موضع انکار آمیز خود در باره معاد پافشاری کرده و بر آن اصرار میورزیدند .

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ

به کارگیری فعل مضارع (يقولون) - که مفید استمرار است - بیانگر مطلب فوق می باشد.

## 70- لجاجت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 15، 8، 6

6- مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: 1- به خاطر لجالت آنان



است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. 2 - یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

8 - نکوهش مؤمن آل فرعون از مردم مصر ، به خاطر تردید کردن در رسالت یوسف (ع) در گذشته (علی رغم مشاهده دلایل روشن او) فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

15 - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

ص: 320

## 71- لجاجت معرضان از توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 11

11- « عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال : كلّ جبار عنيد من أبى أن يقول : لا إله إلاّ الله ؛

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرمود: [مراد از] اگر دنکش کینه توز، کسی است که از گفتن «لا إله إلاّ الله» دریغ داشته باشد».

## 72- لجاجت معرضان از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 12

12- « عن أبى جعفر (ع) قال : « العنيد » المعرض عن الحق ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: [مراد] از «عنید» کسی است که از حق روی گردان است».

## 73- لجاجت مغالطه گران در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 29

29 - لجاجت پیشگان مغالطه افکن در دین را باید به حال گمراهی خود رها نمود.

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فى خوضهم يلعبون

## 74- لجاجت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 74 - 5

5 - تکذیب کنندگان رسالت پیامبران پس از نوح (ع) ، علی رغم ارائه معجزات و دلیل های روشن به آنان ، همچنان بر ناباوری و تکذیب خود ، پای فشردند .

فجاءوهم بالبینت فما كانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این است که مضاف الیه «قبل» ضمیر عاید به «مجیء» که از «جاءوهم بالبینات» استفاده می شود، بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 3

3- اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیت خویش و ایمان آوردن قومشان

ص: 321

حتّی إذا استتیس الرسل

متعلق «استتیس» ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 25 - 10

10 - تکذیب شدن رسالت پیامبران الهی، از روی عمد و لجاجت و باآگاهی از محتوای آن بوده است.

جاءتهم رسلهم بالبیّنات وبالزّبر وبالکتب المنیر

تکذیب شدن پیامبران الهی - به رغم آن که آنان در متن جامعه بودند (جائتهم) و معجزات و دلایل روشنی را به مردم ارائه نموده و کتاب روشنگر و قابل فهمی را به ایشان عرضه می کردند - حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

### 75- لجاجت مکذبان بصیرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 3

3 - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند.

إنّ ربّه کان به بصیرًا .. فما لهم لایؤمنون

متعلق «لایؤمنون»، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و ..

...

### 76- لجاجت مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 14 - 2

2 - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله «کنتم بها تکذّبون» ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر؛ هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را

بپذیرند؛ بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

## **77- لجاجت مکذبان حسابرسی عمل**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 3

3 - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

ص: 322

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا . . . فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق «لایؤمنون»، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . . .

### 78- لجاجت مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 50 - 2

2- سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

### 79- لجاجت مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 3

3 - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهِ بَصِيرًا . . . فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

متعلق «لایؤمنون»، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . . .

### 80- لجاجت مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 50 - 2

2- سرسختی و لجاجت تکذیب گران صدراسلام، در پذیرش قرآن و اسلام

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

### 81- لجاجت مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 14 - 2

2- پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

ص: 323

جمله «کنتم بها تکذّبون» ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر؛ هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند؛ بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

## 82- لجاجت مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 101 - 8

8- وجود برخی از افراد آگاه و مغرض ، در میان مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

بل اکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 4 - 3

3 - اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدر اسلام

وإن یکذّبوک فقد کذّبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. از این رو برخی از مفسران جواب شرط «إن یکذّبوک» را محذوف و چنین دانسته اند: «إن یکذّبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذّب رسل من قبلک».

## 83- لجاجت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 16، 14

14- منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد ، با تکان دادن سر همچنان آن را مستبعد می شمردند .

فسینغضون إلیک رءوسهم

تکان دادن سر از سوی مشرکان، پس از دریافت پاسخ شبهات خویش درباره معاد، می تواند به منظور استبعاد معاد باشد.

16- منکران معاد ، علی رغم دریافت پاسخ شبهات خود درباره معاد ، همچنان بر حفظ ذهنیت خود پای می فشردند .

فسینغضون إلیک رءوسهم

از اینکه منکران معاد، پس از دریافت پاسخ تمامی شبهات خود درباره معاد، با تکان دادن سر آن را به استهزا گرفته و انکار می کردند، نشان



می دهد که آنان، در پی حفظ ذهنیت دیرینه خود درباره معاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 6

6- خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد، دلجویی کرده است .

فوربک لنحشرنهم و الشیطن

ضمیمه «فوربک» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبال خیره سری های کافران است.

ص: 324

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 3

3 - منکران معاد، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما اُکفره

از آیات بعد - که توجّه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجّه به معاد در «ثمّ إذا شاء أنشره» قرار داده است - استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله «ما اُکفره»، تعجّب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 3

3 - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند.

إن ربّه کان به بصیراً... فما لهم لا یؤمنون

متعلق «لا یؤمنون»، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و ...

## 84- لجاجت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 8 - 3

3 - منافقان - با وجود این که از نجوا کردن نهی شده بودند - بر آن اصرار میورزیدند.

ألم تر إلى الذین نهوا عن النجوى ثمّ یعودون لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 15 - 6

6 - تداوم و استمرار بخشی منافقان، بر اعمال رشت و کردار ناپسند خویش

انّهم ساء ما كانوا يعملون

«كانوا يعملون» ماضی استمراری و بیانگر پافشاری و تداوم بخشیدن منافقان به اعمال ناپسند خویش است.

### 85- لجاجت منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 126 - 5

5 - منافقان صدر اسلام ، علی رغم امتحانات مکرر الهی ، متنبه نگشته و توبه نمی کردند .

أولا يرون أنهم يفتنون . . . ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون

ص: 325

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 6

6 - منافقان صدراسلام ، با علم به این که احکام و فرمان های خدا و رسول او ، به دور از ظلم و احجاف بود ، به آنها تن در نمی دادند .

أم یخافون أن یحیف اللّٰه علیهم ورسوله

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «بل» در «بل أولئک..» برای اضراب ابطالی باشد؛ یعنی، منافقان این گونه نبودند که گمان کنند که خدا و رسول او، به آنان ظلم می کنند؛ بلکه می دانستند که خدا و رسولش، عادلانه حکم می کنند.

### 86- لجاجت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 23 - 2

2 - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ ادبر

برداشت یاد شده، از «ادبار و روی گردانی» از آیات الهی و سخن بحق پیامبر (صلی الله علیه و آله) استفاده می شود.

### 87- لجاجت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 4,5

4 - اهل کتاب ( یهود و نصارا ) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

ولئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله «لئن . . .» (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

5 - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را پذیرا نیستند .

ولئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 20

20 - یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذي قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 19

19 - كفورزی يهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

ص: 326

بل طبع الله عليها بكفرهم

### 88- لجاجت یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 91 - 5

5 - یهودیان صدر اسلام در برابر دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) موضعی غیر منطقی و لجوجانه داشتند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

جملات بعدی این آیه قرینه نزول این آیه در شأن یهود است. و چون یهود، گرچه ظاهراً معتقد به نبوت موسی (ع) و دیگر انبیای الهی بودند، ادعای عدم نزول وحی بر هیچیک از افراد بشر باید از سر مکابره و عناد باشد.

### 89- محمد (صلی الله علیه و آله) و لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 13

13 - ساحت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان راستین، مبرّاً از لجاجت، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می شود.

### 90- منشأ لجاجت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 9

9 - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است، نه ناشی از نادانی صرف.

بل أكثرهم لا يعلمون

قید «أكثر» بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

### 91- موارد لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 52 - 7

7 - بی اعتنائی به ضرورت ها و احتیاط های عقلی ، کج روی و لجاجت است .

قل أرءیتم إن كان من عند الله ثم کفرتم به من أضلّ

ص: 327

از آن جا که بی‌اعتنایی به احتمال نزول قرآن از سوی خداوند، موجب گمراهی دانسته شده است؛ استفاده می‌شود که برای پرهیز از گمراهی به عنوان ضرر، باید به احتمال منتهی به آن اعتنا کرد.

## 92- موانع لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 13

13- توجّه به وقوع حتمی وعده‌های الهی، بازدارنده انسان از لجاجت و حق‌ناپذیری\*

ءامن إنّ وعد الله حقّ

«إنّ» بیانگر تعلیل است؛ یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

## 93- مؤمنان و لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 13

13 - ساحت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان راستین، مبرّاً از لجاجت، خشم و تعصب جاهلی

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته

از مقابله رسول و مؤمنان با کافران متعصبِ جهالت پیشه، مطلب بالا استفاده می‌شود.

## 94- نشانه‌های لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 63 - 4

4 - انکار ربوبیت و یکتایی خداوند، در عین مشاهده آیات و جلوه‌های خالقیت مطلق او، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه‌جویی است.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَيْل ... ذَلِكَمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ ... فَاتِي تَوْفِكُونَ . كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِي

لجوج

## 95- ایمان کافران لجوج



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام- 6- 111- 8

8- اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله

ص: 328

## 96- بی تأثیری معجزه بر لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 4

4- لجاجت پیشگان، حتی در صورت سخن گفتن مردگان با ایشان و شهادت بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایمان نمی آورند.

و لو أننا... و كلمهم الموتی... ما كانوا لیؤمنوا

## 97- تهدید کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 18

18- خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا، ربوبیت او را منکر شوند، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است.

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 40 - 1

1 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد.

فسوف تعلمون . من یأتیة عذاب یخزیه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از عذاب خوارکننده، به قرینه ذیل آیه - که از عذاب دائمی (اخروی) سخن می گوید - عذاب دنیایی است.

## 98- تهدید مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 40 - 1

1 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد.

فسوف تعلمون . من یأتیة عذاب یخزیه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از عذاب خوارکننده، به قرینه ذیل آیه - که از عذاب دائمی (اخروی) سخن می گوید - عذاب دنیایی است.

ص: 329

## 99- روش برخورد با کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 85 - 8

8 - رهنمود خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

## 100- روش برخورد با مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 85 - 8

8 - رهنمود خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

## 101- عذاب کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 18

18- خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا، ربوبیت او را منکر شوند، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است .

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 104 - 4

4- عذاب دردناک، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله . . . لهم عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 35 - 3

3- کافران متعصب و لجاجت پیشه ، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند .

و يعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

### **102- کافران لجوج**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 112 - 4

ص: 330

4 - کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا .. ما كانوا لیؤمنوا ... و كذلك جعلنا لكل نبی عدوا شیطین الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 93 - 11

11 - اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

### 103- کیفر کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 104 - 4

4- عذاب دردناک ، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله .. لهم عذاب ألیم

### 104- محرومیت کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 35 - 6

6 - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و یعف عن کثیر . و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند؛ می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

### 105- محمد(صلی الله علیه و آله) و کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 122 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از «انتظروا» هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

ص: 331

## 106- مشرکان لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 15

15 - ناآگاهی اغلب مشرکان لجوج به تعیین کننده بودن مشیت الهی جهت متمایل ساختن آنان به ایمان

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لكن أكثرهم یجهلون

متعلق «یجهلون» می تواند «مشیه الله» باشد، یعنی اکثر مشرکان به نقش مشیت الهی ناآگاه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 101 - 8

8- وجود برخی از افراد آگاه و مغرض ، در میان مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

بل أكثرهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 6

6- وجود عناصری آگاه اما لجوج و حق ناپذیر ، در میان مشرکان و منکران معاد

إن هؤلاء لیقولون . . . و لكن أكثرهم لا یعلمون

بنابراین که ضمیر «هم» به مشرکان مکه بازگردد؛ از مفهوم «اکثرهم» استفاده می شود که اقلیتی آگاه در میان مشرکان حضور داشتند که به رغم درک حقانیت معاد، به انکار آن می پرداختند.

## 107- هشدار به کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 122 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا



با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از «انتظروا» هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

لجوجان

### 108- حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 157 - 5

5 - تأثیرناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه . . قال هذه ناقة . . فعقروها

ص: 332

## 12- لذایذ

### 1- آثار لذایذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 11

11 - شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقیم . . . لا تجد أكثرهم شکرین

### 2- ارزش لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 11 - 8

8 - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجره

### 3- اعراض از لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 22

22 - ضرورت دل بستن به عاقبت نیک و دل خوش نبودن به لذت های زودگذر

والعقبه للتقوی

### 4- اهمیت لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 3

3 ارزش ها و لذت های بهشتی ، فراتر از تصوّر و اندیشه بشر

مثل الجنة التي وعد المتقون



در صورتی که واژه «مثل» به معنای تمثیل و تشبیه باشد؛ می‌رساند که بیان نعمت‌های اخروی بدون استفاده از تمثیل و تشبیه، برای بشر قابل فهم نیست.

### 5- بهترین لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 15

15 - از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: «ان اطیب شیء فی الجنه و أذّه حب اللّٰه و الحب فی اللّٰه و الحمد لله قال اللّٰه عزوجل : «و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین» . . .»

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و «حمد» برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [و گفتار] مؤمنان در بهشت «الحمد لله رب العالمین» است. . . .

### 6- بهترین لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 14، 8، 9

8 - پرتوی از خشنودی و رضوان الهی، برتر از همه لذت‌های دیگر برای مؤمنان در بهشت \*

و رضون من اللّٰه أكبر

نکره آمدن «رضوان» می‌تواند برای تقلیل باشد؛ یعنی، حتی شمه‌ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

9 - رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

و رضون من اللّٰه أكبر

14 - برترین لذت‌ها برای اهل بهشت، لذت معنوی و روحانی است.

و رضون من اللّٰه أكبر

### 7- بهترین لذایذ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 8

8- پرتوی از خشنودی و رضوان الهی، برتر از همه لذت‌های دیگر برای مؤمنان در بهشت \*

و رضون من الله أكبر

نکره آمدن «رضوان» می‌تواند برای تقلیل باشد؛ یعنی، حتی شمه‌ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

ص: 334

## 8- بی ارزشی لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 69 - 15

15 - ناچیزی بهره‌وری‌ها و لذایذ زندگی دنیوی، در مقایسه با ثواب‌ها و ارزش‌های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم... أولئک حبطت أعمالهم... و أولئک هم الخسرون

با اینکه کافران و منافقان در دنیا بهره‌مند بوده‌اند، خداوند ایشان را زیانکار واقعی معرفی می‌کند؛ زیرا لذایذ دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی بهره‌اند.

## 9- بی ارزشی لذایذ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 15

15- بی ارزشی لذت‌ها و امکانات دنیوی کافران، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

یتمتعون و یأکلون... و النار مثوی لهم

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذت‌جویی‌های آنان را ارزش‌نپندارند؛ زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

## 10- پوچی لذایذ دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 14

14- یک عمر لذت‌جویی و هوس‌رانی، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ‌گویی و مجازات

کأثم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلا ساعه من نهار

«یوم یرون ما یوعدون» همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه‌ای از روز می‌نماید.

## 11- تحریم لذایذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

28 - سوگند بر تحریم طیبیات و لذایذ بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: «فما بال اقوام يحرمون على انفسهم الطيبات .. فقاموا هولاء فقالوا يا رسول الله فقد حلفنا على ذلك فانزل الله تعالى «لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم...».

---

ص: 335

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 320.

## 12- تلاش برای لذایذ اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 26 - 5

5 - دنیا، عرصه تلاش برای رسیدن به لذت های آخرت است .

فلیتنافس المتنافسون

## 13- جاودانگی لذایذ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 6

6 - لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل . . . جنّات تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن «جنّات تجری . . .»، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

## 14- جاودانگی لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 6

6 - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

## 15- عوامل علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 13

13- سرانجام تداوم کفر و غوطه‌پوری در لذت های دنیا، پشیمانی است .



ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم يأكلوا... فسوف يعلمون

ص: 336

## 16- عوامل لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 2

2 - بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهره‌وری و لذت کامل بهشتیان - و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی - \*

فکھین بما ءاتیہم ربہم

ممکن است که «فاکھین»، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهره‌وری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت‌ها است.

## 17- فرجام علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 13

13- سرانجام تداوم کفر و غوطه‌وری در لذت‌های دنیا ، پشیمانی است .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرہم یا کلو... فسوف یعلمون

## 18- لذایذ اخروی انسان‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 4

4 - انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت‌های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از این که خداوند وعده به «جَنّات» و «نهر» داده است، استفاده می‌شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

## 19- لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 8

8- تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا، آماده برای آنان در بهشت

وفیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

## 20- لذایذ اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 337

2 - پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّات النعیم . . . لایسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان - پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی - بیانگر مطلب بالا است.

### 21- لذایذ اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 4

4 - تقوایندگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنیة

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 8

8 - تمامی زیبایی ها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا، آماده برای آنان در بهشت

وفیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 5

5 - لذت های جنسی تقوایندگان در بهشت ، گوشه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازًا . . . و کواعب أترابًا

### 22- لذایذ اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففين - 83 - 35 - 2

2 - تماشای كیفر های كافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

علی الأرائك ينظرون

### 23- لذایذ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 128 - 16

ص: 338

16 - انسانها از گمراه شدن توسط جنیان لذت و بهره می برند.

وقال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 12

12 - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . \*

وتلذّ الأعین

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که «تلذّ الأعین» از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

## 24- لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 1

1 - لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متّکین علی رفرف خضر .. فبأیّ الآء ربکما تکذّبان

## 25- لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 55 - 2

2 - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إنّ أصحاب الجنّة الیوم فی شغل فکھون

«فاکھون» از «فکاهه» گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده،

«فاکھون» خبر دوم برای «إنّ» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل ( چون حجله عروس ) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

جمله «هم و أزواجهم...» استتشاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 339

3 - لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إئی

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 3

3 - لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أكواب کانت قواریراً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

## 26- لذایذ جنسی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 5، 4

4 - وجود لذت های جنسی در بهشت

و کواعب أتراباً

5 - لذت های جنسی تقوایبشگان در بهشت، گوشه ای از سعادت‌مندی آنها است .

مفازاً... و کواعب أتراباً

## 27- لذایذ جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 128 - 15، 14

14 - وجود خواسته ها و لذت‌های نفسانی در جن (شیطان)



قد استكثرتم استمتع بعضنا ببعض

15 - جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

وقال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

## 28- لذایذ چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 12

12 - لذت های چشم ، از برجسته ترین لذت های انسان است . \*

ص: 340

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که «تَلَذُّ الْأَعْيُنَ» از باب ذکر خاص پس از عام بوده و برای بیان اهمیت لذت های چشم آورده شده باشد.

### 29- لذایذ حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 23 - 8

8 - حرمت هر گونه بهره گیری جنسی از محارم نسبی ، رضاعی و سببی

حرمت علیکم امهاتکم . . . و حلائل ابنائکم

اسناد حرمت به خود «امهات و . . .» می رساند که نه تنها ازدواج، بلکه هر گونه استمتاع و بهره گیری جنسی از زنان یاد شده، حرام شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 1

1 - حرمت بهره گیری جنسی از زن شوهردار و ازدواج با وی ، هر چند مسلمان نباشد .

حرمت . . . و المحصنات من النساء

قید «من النساء» برای «المحصنات» قیدی تأکیدی است و شمول آن را نسبت به زن غیر مسلمان افاده می کند.

### 30- لذایذ دنیوی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 54 - 4

4 - مشرکانِ ملت های پیشین نیز ، گرفتار عذاب شدند و بین آنان و لذت های دنیوی شان جدایی برگشت ناپذیر افتاد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل

«اشیاع» (جمع «شیعه») به معنای پیروان است و در آیه - به قرینه «من قبل» - مراد کسانی است که مشابَهت فکری با مشرکان بعدی داشته اند.

### 31- لذایذ دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 3

3- توییح کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا

ص: 341

### 32- لذایذ دنیوی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 54 - 2,4,1

1 - بین مشرکان و لذت های دنیوی شان ، پس از مرگ فاصله می افتد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

این که مراد از «ما یشتهون» چیست احتمال های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله آنها لذت ها و مال و اموال دنیایی است.

2 - مشرکان صدراسلام و پیشتر از آنها ، در پی لذت های دنیوی بوده اند .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

4 - مشرکان ملت های پیشین نیز ، گرفتار عذاب شدند و بین آنان و لذت های دنیوی شان جدایی برگشت ناپذیر افتاد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل بأشیاعهم من قبل

«اشیاع» (جمع «شیعہ») به معنای پیروان است و در آیه - به قرینه «من قبل» - مراد کسانی است که مشابهت فکری با مشرکان بعدی داشته اند.

### 33- لذایذ دنیوی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 54 - 2

2 - مشرکان صدراسلام و پیشتر از آنها ، در پی لذت های دنیوی بوده اند .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

### 34- لذایذ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 128 - 14

14 - وجود خواسته ها و لذت های نفسانی در جن (شیطان)

قد استكثرتم استمتع بعضنا ببعض

### 35- لذایذ قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 9

9- از دید دنیا طلبان، قارون در اوج لذت و خوشبختی قرار داشت .

فخرج علی قومه .. قال الذین یریدون الحیوه الدنیا ... إنه لذو حظّ عظیم

ص: 342

«حظّ» به معنای بهره و نصیب است؛ یعنی، او از سعادت و نیک بختی بهره بزرگی دارد.

### 36- لذایذ مادی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 12

12- انسان، در حیات اخروی همانند دنیا، دارای نیازها و لذت های مادی

فیها أنهر من ماء... من لبن... من خمر... من عسل مصفّی و لهم فیها من کلّ الثم

توصیف ها و ترغیب های خداوند به اموری چون نهرهای آب گوارا، شیر، شراب و عسل می رساند که انسان ها در آخرت از این امور مادی، لذت می برند و بدین لذت ها نیازمنداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 4

4 - انسان در حیات اخروی، دارای تمایلات و لذت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّات و نهر

از این که خداوند وعده به «جنّات» و «نهر» داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

### 37- لذایذ مادی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 10

10 - وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت... مسکن... و رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 4

4 - انسان در بهشت، دارای ویژگی های موجود مادی است و از خوردنی ها و آشامیدنی ها لذت می برد.

كلوا و اشربوا هنيءا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - واقعه - 56 - 25 - 2

2- پيشتازان ( سابقون ) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّات النعيم .. لا يسمعون فيها لغوًا ولا تأثيماً

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پيشتازان - پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی - بیانگر مطلب بالا است.

ص: 343

### 38- لذایذ مادی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 5

5- انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

### 39- لذایذ مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 5

5- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهـم یا کـلوا و یـتمتعوا و یـلهـم الأمل

### 40- لذایذ مادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 4

4- تمامی همّ و تلاش کافران هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهره‌وری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذرهـم یا کـلوا و یـتمتعوا

### 41- لذایذ مجاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 2

2 - جواز بهره گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالک وی

حرّمت .. و المحصنات من النساء الا ما ملکت ایمانکم



لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

ص: 344

## 42- لذایذ معنوی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 10، 14

10 - وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت ... مسکن ... و رضون من الله أكبر

14 - برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 2

2 - پیشتازان ( سابقون ) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّات النعیم ... لا یسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان - پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی - بیانگر مطلب بالا است.

## 43- محدودیت لذایذ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 1

1 - بهره مندی انسان ها از لذت ها و خوشی های دنیا ، اندک و محدود است .

کلوا و تمتّعوا قليلاً

## 44- محرومان از لذایذ اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 13 - 3

3 - مرفهان تکذیب گر و دین ستیز ، از هرگونه آسایش و راحتی یا لذت و کام جویی در قیامت ، محروم خواهند بود .

و ذرني و المکذبین اُولی النعمه . . . و طعامًا ذا غصّه و عذابًا أليماً

تأکید خداوند بر گلوگیر و دردآور بودن کیفر صاحبان ثروت و رفاه، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

#### 45- محرومیت از لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 10

10 - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

ص: 345

من أهل الكتب و المشركين في نار جهنم .. الذين آمنوا و عملوا الصلحت ... جزا

#### 46- ناپسندی علاقه به لذایذ مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 8

8- متمرکز کردن تمامی هم و تلاش بر بهره‌وری هر چه بیشتر از تمتعات و لذت های دنیوی و دل بستن به آرزو های واهی ، امری ناپسند و محکوم است .

ذره‌م یا کلوا و يتمتعوا و يلههم

آیه، تعریض است به اینکه: کافرانِ هدایت ناپذیر، تمام همشان تمتعات دنیوی است؛ لذا باید آنان را به حال خود رها کرد و این حاکی از ناخرسندی خداوند از آنهاست.

#### 47- ویژگیهای لذایذ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 1

1 - بهره مندی انسان ها از لذت ها و خوشی های دنیا ، اندک و محدود است .

کلوا و تمتعوا قليلاً

لذت طلبی

#### 48- آثار لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 9

9- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر خوش گذرانی ، در پی دارنده عذاب ذلت بار اخروی

أذهبتم طيبتكم في حياتكم الدنيا واستمتعتم بها فاليوم تجزون عذاب الهون

#### 49- زمینه لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- بی اعتقادی به معاد ، گرایش دهنده انسان به لذت جویی هر چه بیشتر از امکانات دنیایی

الذین کفروا .. اذهبتم طیبیتکم ... و استمتعتم بها

مخاطب قرار گرفتن لذت جویان با عنوان کفر، می نمایاند که این وصف در گرایش کافران به لذت جویی و حرص بر لذت

ص: 346

های دنیایی نقشی اساسی دارد.

## 50- سرزنش لذت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 9،10

9- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین كفروا یتمتعون و یأكلون كما تأكل الأنعم

لحن شدید تویخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

10- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ؛ نه غوطهور در لذت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . . و الذین كفروا یتمتعون و یأكلون كما تأكل الآن

خداوند، مؤمنان را متصف به «عملوا الصالحات» کرده و کافران را مشمول «یتمتعون و یأكلون كما تأكل الأنعام» دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

## 51- فرجام لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 16

16- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّـت . . . و الذین كفروا... النار مثوی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

## 52- لذت طلبی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 9

9- بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متکین علی فرش . . . فیهنّ قصرت الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 74 - 4

ص: 347

4- بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

لم یطمثهنّ إنا من قبلهم ولا جانّ

### 53- لذت طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 6

6- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل ... جنّ - ت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن «جنّات تجری...»، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

### 54- لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 4

4- لذت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طیبّتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 7,8

7- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه - که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده - استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد؛ بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

8- آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذت طلب و شکمباره

یتمتّعون و یأکلون ... و النار مثوی لهم





### 13- لطف خدا

#### 1- لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 7

7 - رفق و مدارای خداوند نسبت به عموم انسان ها

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ

برداشت فوق بر این اساس است که «لطیف» از «لطف» (رفق و مدارات) مشتق شده باشد. بنابر این متعلق «لطیف» در جمله یاد شده محذوف است؛ یعنی، «أَنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ بَعَادَهُ».

#### 2- آثار ذکر لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 48 - 6

6 - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر . . . فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

#### 3- آثار علاقه به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 20 - 14

14 - تقوای پیشگان ، با انفاق کردن اموال خود ، نعمت علاقه مندی به لطف خدا را پاس داشته ، از آن قدردانی می کنند .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزى . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

ص: 349

#### 4- آثار لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 6

6 - دستیابی به هدایت در گرو الطاف خدا و رحمت اوست .

أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمه وأولئك هم المهتدون

برداشت فوق مبتنی بر این است که «أولئك» (در ذیل آیه) اشاره به مشمولین صلوات و رحمت - که از «أولئك عليهم» به دست می آید - داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 16

16 - رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

ولا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يذكهم ولا لهم عذاب اليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 12 - 8

8 - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصایب ، در گرو مشیت خدا و بسته به لطف و رحمت اوست .

وإذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا... فلما كشفنا عنه ضرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 7

7 - لطف و عنایت خداوند در هدایت انسان مؤثر است .

و اجنبی و بنیّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيرا من الناس

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) از خداوند خواستار نجات فرزندانش شد، معلوم می شود که عنایت و لطف خدا در هدایت مؤثر بوده و انسان نیازمند به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 54 - 3

3- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مأیوس از فرزنددار شدن ، با لطف و قدرت خداوند

إنا نبشرك بغلمِ عَلِيمٍ . قَالَ ابْشِرْ تَمُونِي عَلِيٌّ أَنْ مَسَّنِيَ الْكَبِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 56 - 4

4- ابراهیم (ع) امیدوار به فرزنددار شدن در کهنسالی ، در پرتو لطف و رحمت الهی

فِيمَ تَبْشِرُونَ... فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ . قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 87 - 1

ص: 350

1- لطف و رحمت خداوند ، مانع بازپس گیری وحی ( حقایق و معارف و حیانی ) از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لئن شئنا لنذهبنّ .. إلاّ رحمه من ربّك

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلاً عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از «لئن شئنا» باشد و عبارت چنین فرض شود: «و لکن لانشاء ذلک رحمه» (ولی زایل کردن معارف عطا شده را نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 21، 20

20- حضرت ابراهیم (ع) ، لطف و عنایت ویژه خداوند به خود را ، پشتوانه پذیرش استغفار خود می دانست .

سأستغفر لک ربّی إنّہ کان بی حقیّاً

21- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع) ، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت او

قال سلم علیک .. إنّہ کان بی حقیّاً

جمله «إنّہ کان بی حقیّاً» پاسخ ابراهیم (ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد؛ یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 50 - 7

7- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرطنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیّاً

«لسان» در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای «کلام»، لذا ممکن است «لسان صدق» به معنای کلام صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم (ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف «علیّاً» برای «لسان»، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 5، 6

5- برکت یافتن هر سرزمین ، درگرو خواست و عنایت خدا است .

إلى الأرض التي برکنا فيها

6- تفاوت سرزمین ها از جهت ارزش ، برکت و توجهات خداوند به آن

إلى الأرض التي برکنا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 6

6- عدم امکان برخورداری زکریا (ع) از فرزند ، طبق عوامل طبیعی و بدون لطف الهی

وزکریاً إذ نادى ربّه .. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه

از این که زکریا(ع) گفت: «خدایا مرا از تنهایی نجات ده به من فرزند عطا کن»، می توان استفاده کرد که اگر خداوند دعای او را مستجاب نمی کرد ایشان از داشتن فرزند محروم می شد و تا آخر عمر تنها می ماند.

ص: 351

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 107 - 2

2- مورد لطف و مرحمت قرار گرفتن انسان ، فلسفه دین و حکمت فرستاده رسولان

و ما أرسلنک إلاّ رحمہ للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 5 - 1

1 - قرآن ، نشأت یافته از رحمت و لطف الهی به انسان ها است .

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لہو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیہ و آلہ) و نیز هشدار است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، ناشی از رحمت و لطف او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لہو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشرکان، هشدار است به شرک پیشگان صدراسلام که اگر بر آنان عذاب نازل نمی شود، نه از ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 5

5 - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام ، معلول رحمت و لطف وی بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار می بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 5

5 - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است ؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

ص: 352



و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُ العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(صلی الله علیه و آله) و از سوی دیگر هشدار است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 62 - 5

5 - تسلط انسان بر زمین و بهره‌گیری گسترده‌ی وی از نعمت‌های آن، تدبیری الهی و نشان‌دهنده‌ی الطاف خداوند در حق وی

و يجعلکم خلفاء الأرض

اسناد «جعل» به خداوند، برای یادآوری این واقعیت است که اگر شما بر گرده زمین سوارید و از آن سود می‌جوئید، امری اتفاقی نیست؛ بلکه در آن رموز و مناسبات زیادی به کار رفته که همه وابسته به تدبیر خداوند است و بر این اساس است که قادر به تصرف در زمین و تسلط بر آن هستید. تعبیر «خلفاء الأرض» اشاره به همین تصرف و تسلط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 11، 12

11 - لطف و آگاهی همه جانبه خداوند، منشأ صدور احکامی خاص برای همسران پیامبر

قل لأزواجک . . . ینساء النبی . . . و اذکرن . . . إنّ الله کان لطیفاً خبیراً

12 - علم و لطف خداوند، منشأ اعطای عصمت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت . . . إنّ الله کان لطیفاً خبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 57 - 1، 2، 3، 4

1 - بهشتیان، رهایی خود از پیامد‌های هلاکت بار هم‌نشینی با کافران دوزخی را، مدیون لطف خدا و به توفیق او می‌دانند.

و لولا نعمه ربّی لکننت من المحضّرين

2 - توفیق نجات از پیامد‌های هلاکت بار معاشرت با افراد فاسد و منحرف، نعمت و لطف الهی است.

و لولا نعمه ربّي لكنت من المحضرين

3- رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامد های سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه ، در سایه ایمان به خدا و لطف و عنایت او ، امری ممکن است .

و لولا نعمه ربّي لكنت من المحضرين

4- انسان ها در جامعه فاسد و محیط منحرف ، بدون ایمان به خدا و لطف او ، در معرض انحراف و هلاکت اند .

و لولا نعمه ربّي لكنت من المحضرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 102 - 19

19 - بدون کمک و عنایت خداوند ، صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

ص: 353

إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ . . . قَالَ يَا بْتَ افْعَلْ مَا تَوَمَّرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ

مسأله ذبح اسماعیل (ع) - چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است - یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء الله من الصابرين)، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 8

8 - رهایی انسان از گرفتاری ها و مصیبت ها ، در گرو مشیت خداوند و بسته به لطف و رحمت او است .

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ دَعَا رَبَّهُ مَنِيئًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 16 - 14

14 - اخطار و بیم دادن خداوند به بندگان ، از روی لطف و رحمت او است .

ذَلِكْ يَخْوْفُ اللَّهُ بِعِبَادِهِ يَعْبَادُ فَاَتَّقُونَ

تعبیر «ای بندگان من» نشانگر اظهار لطف خداوند به بندگان خویش است. گفتنی است که اظهار لطف پس از تهدید به آتش دوزخ، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 9 - 4

4 - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ; نه از استحقاق آنان .

و مِنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند; می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 10، 9

9 - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . اللّٰه لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای «لطیف» - که حکایت از رحمت و لطف دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

10 - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهره‌وری های دنیوی ایشان است ؛ ولی ریزنگری ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید .. لطیف ... یرزق من یشاء و هو القویّ

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگر منکران معاد و گمراهان، برباطل اند پس چرا خداوند روزی خود را از آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: «لطیف بودن»، «مشیت» و «قدرت شکست ناپذیر او».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 354

8 - لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

اللّٰه لطیف بعباده . . . و هو القویّ العزیز . . . و یمح اللّٰه البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 14

14 - « نعمت ها » برخاسته از لطف و رحمت الهی و « مصائب و سختی ها » نتیجه عملکرد خود آدمی است .

و اِنَّا اِذَا اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مَنَّا رَحْمَةً . . . و اِن تَصْبِهِمْ سَبِيْهُ بِمَا قَدَّمْت اٰیْدِيْهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 28 - 4

4 - کلمه توحید ، کلمه ای ماندگار در نسل ابراهیم (ع) ، به اراده و لطف الهی

اِنِّیْ بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُوْنَ . اِلَّا الَّذِیْ فَطَرْنِیْ . . . و جَعَلَهَا کَلِمَةً بَاقِیَةً فِیْ عَقْبِهِ

فاعل «جعل» - به قرینه آیه بعد - می تواند خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 9

9 - امکان فرزنددار شدن زن کهنسال و نازا ، در پرتو لطف و عنایت الهی

و یَبْشُرُوْهُ بِغُلْمٍ عَلِیْمٍ . . . قَالَتْ عَجُوْزٌ عَقِیْمٌ . قَالُوْا کَذٰلِكَ قَالَ رَبُّکَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 27 - 4,5,1

1 - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فَمَنْ اللّٰه عَلَیْنَا وَوَقِیْنَا عَذَابَ السَّمُوْمِ

4- بهشتیان ، قدردان لطف الهی اند ؛ نه مغرور به عمل خویش .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

5- انسان ها ، بدون لطف و رحمت خداوند ، در معرض ابتلا به عذاب دوزخ اند .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 29 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مصون از هر گونه کفایت و جنون ، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ

ص: 355

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 65 - 4

4 - رونق کشاورزی ، نشانه لطف و رحمت الهی به انسان ها است .

لو نشاء لجعلنه حطماً . فظلمتم تفكّهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 12

12 - امید بستن به حل مشکلات زندگی مشترک و تبدیل شدن سختی ها به آسانی ها - در پرتو لطف و عنایت خداوند - امیدی شایسته و بجا برای مؤمنان

سیجعل الله بعد عسر یسراً

آیه شریفه، ضمن امید بخشیدن به مردان و زنان درگیر با مشکلات زندگی مشترک، آنان را به رفع شدن مشکلاتشان در پرتو عنایت و لطف خداوند، امیدوار ساخته و به این امیدواری تشویق و ترغیب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 2 - 5

5 - لطف و عنایت خداوند ، سبب مصونیت انسان از جنون و هرگونه اندیشه نادرست و دور از عقل و خرد

ما أنت بنعمه ربّك بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 49 - 2,3

2 - نعمت و لطف ویژه خداوند به یونس (ع) ، مانع گرفتار شدن او به بیابان خشک و بی آب و گیاه شد .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء

3 - نعمت و لطف خداوند به یونس (ع) ، موجب مذمت نشدن او گردید .

لولا أن تدرکه نعمه من ربّه لنبذ بالعرء و هو مذموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 50 - 2

2 - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب « ترک اولی » ( ترک مردم و نفرین علیه آنان ) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیہ ربّہ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب «ترک اولی» از پیامبران بود. بنابراین مقصود از «فاجتباه» به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 26 - 3

3 - هیچ کس به صورت مستقل و بدون عنایت الهی ، به حقایق پنهانی و امور غیبی آگاه نیست .

فلا یظہر علی غیبہ أحدًا

ص: 356



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 21 - 5

5- برخورداری از توجهات و عنایت های خداوند ، مایه خشنودی انسان و دست یافتن او به فرجامی پسندیده و رضایت بخش

ابتغاء وجه ربّه . . . و لسوف یرضی

### 5- استمرار لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 1

1 - لطف و رحمت پیوسته خداوند نسبت به بندگان خویش

اللّه لطیف بعباده

### 6- اقرار به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 13

13 - اعتراف آرزوکنندگان ثروت قارونی به لطف و رحمت خداوند در حق ایشان ، به خاطر گرفتار نساختن آنان به سرنوشت قارون ( فرو بردن آنان در زمین )

لولا أنّ منّ اللّٰه علینا لخنسف بنا

### 7- الگوی امیدواران به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 4

4 - امیدواران به لطف خدا و معتقدان به روز جزا ، بهره مند از الگوهای شایسته و الهی

لقد کان لکم فیهم . . . لمن کان یرجوا اللّٰه

### 8- امیدواران به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 109 - 4

4 - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم . . . إن أجرى إلا على رب العلمين

ص: 357

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 127 - 4

4- امید پیامبران و تبلیغ کنندگان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم ... إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 145 - 4

4- امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 164 - 4

4- امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 180 - 4

4- امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

### 9- امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 55 - 5

5- بشارت دادن و امیدوار ساختن افراد بی فرزند به فرزنددار شدن در پرتو لطف و عنایت خداوند ، کاری پسندیده و ارزشمند

إنا نبشرك بغلم ... فلا تكن من القنطين ... من رحمه ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 97 - 6

6- رهبران الهی و مصلحان جامعه اسلامی ، در معرض تبلیغات سوء و استهزای دشمنان بوده و باید به حمایت و لطف الهی امیدوار باشند .

المستهزءین . . . و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 10

ص: 358

10- لطف و رحمت خاص الهی ، تنها نقطه امید زکریا در برخوردار شدن از فرزند بود .

فهب لی من لدنک ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 45 - 5

5 - تنها در سایه پرهیز از گناه و توبه از خطاهای گذشته ، می توان به رحمت و لطف خدا امیدوار بود .

و إذا قیل لهم اتقوا .. لعنکم ترحمون

به کار رفتن کلمه «لعلّ» که برای ترجیحی و امیدواری است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 6

6 - توبه خالصانه ، موجب امیدواری بندگان به لطف و عنایت خداوند است .

توبوا إلى الله توبه نصوحاً عسی ربکم

مطلب یاد شده، از تعبیر «عسی ربکم» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 1

1 - امیدواری باغداران یمنی - پس از توبه و پشیمانی - به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی ربنا أن یبدلنا خیراً منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن «حیوان» بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 20 - 13

13 - دل بستن به لطف خداوند ، خود از نعمت های الهی و سزاوار پاسخ گویی و سپاس گذاری است .

و ما لأحد عنده من نعمه تجزى . إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

چنانچه استثنا در این آیه، متصل باشد، «ابتغاء» از مصادیق «نعمه تجزی» خواهد بود. در نتیجه مفاد دو آیه، این می شود که: کسی نزد انفاق گر نعمتی ندارد، جز یک نعمت [که خداوند عطا کرده است] و آن حالت «ابتغاء» است. بنابراین وجود علاقه و دل بستگی به «وجه الله» - که مایه «ابتغاء» است - نعمتی است که باید به وسیله سپاس گذاری جزا داده شود (نعمه تجزی).

## 10- اهمیت امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 359

2- توصیه فرشتگان به ابراهیم (ع) بر مایوس نشدن از لطف و رحمت خداوند در زندگی

قالوا .. فلا تكن من القنطين

«قنوط» به معنای ناامید شدن از خیر است.

### 11- اهمیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 20 - 11

11 - برخورداری از لطف و توجه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گران باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

### 12- تحصیل لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 7

7- نیل به هدایت و دستیابی به رحمت و الطاف الهی ، بشارت و مژده خداوند به صبرپیشگان راه ایمان

و بشر الصبرین .. أولئک ... هم المهندون

جمله «أولئک علیهم ..» می تواند بیانگر بشارت و مژده ای باشد که «و بشر الصابرين» بدان اشاره داشت؛ یعنی: بشرهم بأن علیهم صلوات و ...

### 13- تداوم لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 4 - 2

2 - خداوند ، با نوید آخرتی بهتر از دنیا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را به تداوم عنایت های خویش و نبود هیچ بغض و نفرتی نسبت به او ، مطمئن ساخت .

ما ودّعک ... و للأخره خیر لک من الأولى

#### 14- تفاوت مضمون لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 21 - 3

3- برخورداری همه انسان ها از فیض و عطای الهی ، به صورت یکسان و مساوی نیست .

ص: 360



كَلَّا نَمَدَّ هُوْلَاءِ و هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ .. انظر كيف فضّلنا بعضهم على بعض

### 15- حتمیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 5 - 1

1 - افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود.

أفنزرب عنکم الذکر صفحاً أن کتتم قومًا مسرفین

با توجه به مقام آیه - که مسأله وحی را مطرح می کند - مراد از «اسراف»، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

### 16- ذکر لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 4 - 12

12- برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند در گذشته عمر، زمینه جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است.

قال ربّ .. لم أکن بدعائک ربّ شقیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 62 - 10

10 - لزوم توجه همیشگی انسان به امداد ها و الطاف خداوند در حق وی

قلیلاً ما تذکرون

لحن آمیخته با سرزنش جمله «قلیلاً ما..» می رساند که خداوند خواهان توجه همیشگی انسان به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 3 - 3

3 - توجه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به او، مایه اطمینان آن حضرت به قطع نشدن ارتباط الهی با او است.

ما و دَعَكَ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 2 - 8

8 - توجّه به عنایت های خداوند در رفع مشکلات رسالت ، مایه اطمینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما و دَعَكَ رَبِّكَ و ما قلی . . . و وضعنا عنک و زرک

ص: 361

## 17- زمینه لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 19

19 - توجه انسان به خدا و فرمانهایش ، زمینه ساز جلب لطف و رحمت او

نسوا الله فنیسهم

با استفاده از مفهوم جمله «نسوا الله ..» برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 4 - 19 - 12

12- برشمردن لطف و عنایت های مکرر خداوند درگذشته عمر ، زمینه ساز جلب رحمت و لطف الهی و از آداب دعا است .

قال ربّ .. لم أكن بدعائك ربّ شقیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 122 - 6

6 - انقطاع کامل آدم (ع) از غیر خدا و معطوف شدن تمام توجه او به خداوند ، زمینه ساز عنایت دوباره خداوند به آن حضرت بود .

اجتبه ربّه فتاب علیه

حرف «فا» گویای تفریع «تاب علیه» بر جمله قبل است که بر گردآمدن و جمع شدن همه علایق و وابستگی های آدم(ع) در توجه به خداوند دلالت داشت .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 8

8- لطف خداوند بر انسان ، بر اساس لیاقت و شایستگی او است .

و لقد آتینا ابرهیم رشده و کنّا به علمین

برداشت یاد شده با توجه به القای خصوصیت از مورد (حضرت ابراهیم(ع)) قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 83 - 9

9- توسل و التجای ایوب (ع) به رحمت گسترده خداوند ، برای جلب لطف و عنایت او

و أيُّوب . . . و أنت أرحم الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 9

9- بهره مندی از عنایات خاص الهی ، نیازمند به تلاش و عمل خود انسان است .

كلّ من الصبرين . و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 362

7- بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند بودن زمینه های لایق و مستعد است .

8 - عفت و پاک دامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

والتي أحصنت فرجها فنفخنا فيها من روحنا

برداشت یاد شده به خاطر این است که عفت و پاک دامنی مریم(س) موجب شد که او رشد پیدا کند و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار گشته و روح بلند حضرت مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 77 - 2

2 - دعا و عبادت ، موجب توجه و عنایت خدا به انسان است .

قل ما يعبؤا بكم ربّي لولا دعاؤكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 119 - 4

4 - ایمان به خدا و همراهی با پیامبران ، مایه نجات و بهره مندی از لطف و رحمت الهی

و نَجِّنِي و من معي من المؤمنين . فَأُنَجِّينَهُ و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 81 - 4

4 - ایمان به خداوند ، مایه جلب لطف و رحمت او

و نَجِّينَهُ و أهله . . . إِنْه من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 111 - 4

4 - ایمان به خدا ، مایه جلب لطف و رحمت او

فبشّرته بغلامٍ حلِيمٍ . . . كذلك نجزي المحسنين . إله من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صفات - 37 - 122 - 4

4 - ايمان به خدا ، مايه جلب لطف و رحمت او

و لقد متنا على موسى و هرون . و نجّينهما . . . إلهما من عبادنا المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صفات - 37 - 132 - 4

4 - ايمان به خدا ، موجب لطف و رحمت او

و تركنا عليه في الآخرين . . . إنا كذلك نجزي المحسنين . إله من عبادنا المؤمنين

ص: 363

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 36 - 6

6 - عبودیت خداوند ، موجب بهره مندی از لطف و امداد الهی

أليس الله بكاف عبده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 22

22 - مودت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، زمینه ساز برخورداری انسان از غفران و لطف الهی

قل لا أسئلكم عليه أجرًا إلا المودة في القربى . . . غفور شكور

با توجه به این که «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» پس از طرح محبت اهل بیت ذکر گردیده، مطلب بالا را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 26 - 5

5 - ایمان و عمل نیک ، زمینه بهره‌وری از فضل و عنایات فزون تر خداوند

الذين آمنوا وعملوا الصلح ويزيدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 16 - 11

11 - شمول لطف و رحمت الهی ، نسبت به گنه کاران ، در صورت اقدام عملی آنان به جبران گناهان

قل للمخلفين من الأعراب . . . فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 27 - 3

3 - بهره مندی از لطف و رحمت خداوند ، منوط به شایستگی اعمال خود انسان

إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ . فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا

از ارتباط «فمنّ الله..» با «كنا قبل...»، استفاده می شود که عمل خود انسان زمینه ساز بهرهوری او از رحمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 8،10

8 - عفت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری او از عنایات ویژه الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

تقدیم عبارت «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» بر «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا»، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

10 - عفت و پاکدامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که عفت و پاکدامنی مریم(س)، موجب شد که او رشد کرده و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار باشد و روح بلند مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

ص: 364



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 20 - 8

8 - توجه به ربوبیت خداوند ، وادارسازنده انسان به تلاش برای کسب رضایت و لطف او است .

ابتغاء وجه ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 22

22 - تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز جلب عنایت و توجه خداوند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّكَ تَوَّابٌ

تواب بودن خداوند، ممکن است به معنای رجوع به بندگان باشد؛ به این معنا که به آنان تفضل کرده آنان را بپذیرد. (برگرفته از قاموس)

### 18- سرزنش یأس از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 55 - 3

3- یأس از لطف و رحمت خداوند ، نکوهیده و ناپسند است .

فلاتكن من القنطين

### 19- شدت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 53 - 7

7 - لطف و عنایت خداوند به بندگان ، بسیار شدید است .

قل يعبادى الذين أسرفوا

برداشت بالا از ندا کردن گنه کاران با عنوان عبودیت و نیز اضافه شدن «عباد» به ضمیر جلاله «ی» به دست می آید.

### 20- شرایط بهره مندی از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 9

9- بهره مندی از عنایات و الطاف خداوند ، نیازمند داشتن زمینه های شایسته و مستعد است .

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

ص: 365

## 21- عمومیت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 20 - 2

2- لطف و عطای خداوند در دنیا، فراگیر همه انسان ها از مؤمن و کافر و نیک و بد

كَلَّا نَمَدَّ هُوَلاءِ و هُوَلاءِ من عطاء ربِّك

## 22- عوامل امیدواری به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 14

14 - خداترسی، تلاوت قرآن کریم، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما یخشی الله من عباده العلموا .. إنّ الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

## 23- عوامل محرومیت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 14، 15

14 - غفلت از خدا و فرمان های او، عامل سلب شدن عنایت خدا نسبت به انسان و نیازهایش

نسوا الله فنسیهم

15 - نقش اصلی عملکرد انسان، در محرومیتش از لطف و عنایت الهی

نسوا الله فنسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 110 - 5

5 - به تمسخر گرفتن مؤمنان و مضحکه قرار دادن آنان، مایه محرومیت از لطف و رحمت الهی

فأتخذتموهم سخریاً .. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 26

26 - رواج دادن فساد در جامعه ، موجب محرومیت از لطف و محبت خداوند است .

و لا تبغ الفساد فی الأرض إنّ الله لایحبّ المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 52 - 2

2 - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

ص: 366

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

## 24- غفلت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 62 - 9

9- انسان ها در بیشتر عمر خود، غافل از الطاف الهی در حق خویش

قلیلاً ما تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 30 - 1

1 - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . . . کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ آلاء ربّکما تکذبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن «کما» و «تکذّبان»، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

## 25- فلسفه لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 77 - 4

4- فراخوانی انسان ها به اسلام، علت و فلسفه توجه و عنایت خداوند به آنان است .

قل ما یعبؤا بکم ربّی لولا دعاؤکم

## 26- لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 2

2- گسترش الطاف و رحمت خاص الهی بر مؤمنان صبور، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 207 - 12

12 - رأفت الهی به مؤمنان ، با خرید جانشان در برابر رضایت خویش

و من الناس . . . و الله رءوف بالعباد

ص: 367

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 7

7 - نماز و حالات معنوی انسان ، زمینه دریافت الطاف خداوند

فنادته .. و هو قائم یصلی فی المحراب

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: انّ طاعه الله عزّ و جلّ خدمته فی الارض و لیس شیء من خدمته یعدل الصّلوه فمن ثمّ نادت الملائکه زکریّا و وقائم یصلی فی المحراب.

---

من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 133، ح 2، ب 30؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 173، ح 46.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 8

8 - عنایت خاص خداوند به مریم (س)

یا مریم انّ الله اصطفیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 100 - 5

5 - توجه و لطف خاص خداوند به اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا

با توجه به آیات قبل که خطاب مستقیم به اهل کتاب ندارد، ولی نسبت به اهل ایمان، خطاب مستقیم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 18

18 - لطف و عنایت خاص خداوند نسبت به پیکارگران نبرد احد

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 2

2 - لطف و عنایت خداوند به کشته شدگان در راه او ( شهیدان )

فرحین بما اتیهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 7

7 - توجه خاص خداوند به مؤمنان واقعی و حمایت و پشتیبانی مستمر از آنان

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

ظاهراً مراد از «المؤمنين 9»، مؤمنان خالص و واقعی می باشد و مخاطبان «انتم»، کل جامعه اسلامی - اعم از خالص و ناخالص - است. بنابراین معنای آیه چنین است: خداوند، مؤمنان واقعی را به حال خودشان رها نمی کند که همچنان با ناپاکان مختلط

ص: 368



باشند و ناخالصان مشخص نگردند. و این، حاکی از توجه خاص خداوند به مؤمنان واقعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 3

3 - خردمندان مؤمن، مورد لطف و عنایت پروردگار هستند.

فاستجاب لهم ربهم

اجابت سریع دعای خردمندان مؤمن و نیز اضافه تشریفیه در «ربهم» (پروردگارشان)، دلالت بر عنایت و لطف خاص خداوند به آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 9 - 12

12 - عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت رعایت حقوق یتیمان

وليشخس الذين... ذرية ضعافاً... وليقولوا قولاً سديداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 10 - 4

4 - عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت حفظ اموال یتیمان

ان الذين ياكلون اموال اليتامى ظلماً ائماً ياكلون في بطونهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 40 - 8

8 - خداوند با لطف و تفضل خویش، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد.

وان تک حسنه يضاعفها ويؤت من لدنه اجراً عظيماً

لطف و تفضل از کلمه «من لدنه» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 13

انّ الله نعمًا يعظكم به

با توجه به کلمه «موعظه» که در آن خیرخواهی و لطف و عنایت موعظه کننده نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 7

7 - ضعف روحیه دشمنان و ناتوانی آنان از رویارویی با مسلمانان ، از عنایات خداوند

و لو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم

تقدیم «سلطهم» بر «قاتلوکم» می رساند که مراد از سلطه، جرأت و بیباکی است ؛ یعنی اگر خدا می خواست ترس را از آنان زایل می کرد و در نتیجه با شما می جنگیدند.

ص: 369

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 162 - 13

13 - اهمیت والای نماز و زکات و عنایت ویژه الهی نسبت به اقامه کنندگان نماز

و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

منصوب آوردن «المقیمین» به تقدیر «امدح» و «اخص» برای تأکید بیشتر به اهمیت نماز و عنایت خاص خداوند به اقامه کنندگان آن است و ذکر زکات در بین دیگر عبادتها و واجبات، حکایت از اهمیت ویژه آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 48

48 - بخشایش گناه بندگان از سوی خدا همراه با لطف و مهربانی بر ایشان است .

فإنّ الله غفور رحيم

در برداشت فوق «رحيم»، صفت برای «غفور» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 19

19 - عنایت خداوند به عزت و شوکت مسلمین در برابر یهود و نصارا

فعسى الله ان يأتى بالفتح او امر من عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 5

5 - الفت و مهربانی مؤمنان با یکدیگر ، و پرهیز از دشمنی ، مورد عنایت و خواست الهی

انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوه و البغضاء

نهی مؤکد خداوند از شرابخواری و قماربازی و معرفی شراب و قمار به عنوان عوامل تفرقه و دشمنی حکایت از آن دارد که الفت و مهربانی بین اهل ایمان مورد عنایت خاص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 97 - 4

4 - مرکزیت کعبه برای قوام مردمان ، لطف الهی به ایشان

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 39 - 9

9 - عنایت ویژه الهی به برخی هدایت یافتگان یا مستقر ساختن آنان بر راه مستقیم

يجعله على صراط مستقيم

ص: 370

9 - خداوند در عین آگاهی بر کردارهای آدمیان، به آنان لطف دارد.

هو یدرک الأبصر و هو اللطیف الخبیر

از معانی «لطیف» رفق و لطف است و مقتضای کنار هم آمدن دو صفت لطیف و خبیر، خصوصاً در صورتی که «الخبیر» صفت «اللطیف» باشد، برداشت فوق است.

12 - عن أبي الحسن (ع) في حديث: ... انما قلنا اللطيف للخلق اللطيف و لعلمه بالشیء اللطيف او لا تری إلى اثر صنعه فی النبات اللطيف ... و من الحيوان الصغار ... و ما هو اصغر منها ما لا يكاد تستبينه العيون ...

از ابوالحسن (امام رضا یا امام هادی علیهما السلام) روایت شده است: ... اطلاق وصف «لطیف» بر خداوند به سبب آن است که آفریننده اشیا یی لطیف است و به اشیا یی لطیف علم دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان لطیف، حیوانات ریز و کوچکتر از آنها که به چشم نمی آید مشاهده نمی کنی ... ؟

13 - عن أبي الحسن الرضا (ع): ... و اما اللطيف فليس قله و قضا فیه و صغر، و لكن ذلك على النفاذ فی الاشياء و الامتناع من ان یدرک ... و كذلك لطف الله تبارک و تعالی عن ان یدرک بحد او یحد بوصف ... و اما الخبیر فالذی لا یعزب عنه شیء و لا یفوته شیء، لیس للتجربه و لا الاعتبار بالاشياء فی فیه التجربة و الاعتبار علما ...

از امام رضا (ع) روایت شده است: ... «لطیف» در صفات خداوند به معنای کمی و ریزی و کوچکی نیست، بلکه اطلاق این صفت بر ذات اقدس او به سبب نفوذش در اشیا و ممکن نبودن درک ذات باری است ... و اما «خبیر» به معنای آن است که هیچ چیز بر او پوشیده نیست و چیزی از حیظه آگاهی او بیرون نمی باشد. آگاهی و علم خداوند از راه تجربه و اکتساب حاصل نمی شود ...

2 - ارائه آگاهی به انسان، پرتوی از ربوبیت و لطف الهی است.

قد جاء کم بصائر من ربکم

تکرار ضمیر «کم» و اضافه رب به آن بیانگر لطف خداوند به بندگانش است.

2 - پیامبر(صلی الله علیه و آله) از لطف و عنایت ویژه خداوند برخوردار است.

الیک من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 141 - 4

4 - موسی (ع) با تکیه بر لطف خداوند به بنی اسرائیل در نجات بخشی آنان از شکنجه فرعونیان ، لزوم پرستش خدای یگانه و پرهیز از گرایش به شرک را به آنان گوشزد کرد .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً .. وإذ أنجینکم من آل فرعون

برداشت فوق بر این اساس است که مفاهیم ذکر شده در آیه مورد بحث برگرفته از سخنان موسی باشد و مخاطبان اصلی آن همان مردمی باشند که پس از عبور از دریا به بت پرستی گرایش پیدا کردند.

ص: 371

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 20 - 4

4- نعمت ها و امکانات مادی ، لطف و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

كَلَّا نَمَدَّ . . . من عطاء ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 2

2 - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 7

7 - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لورحمنهم . . . للجبّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 12

12 - پیدایش دوستی و محبت میان انسان ها ، برخاسته از لطف و عنایت خداوند و از آیات او است .

و من ءایته . . . و جعل بینکم مودّه و رحمه

نکته فوق بنابر این احتمال است که خطاب «و جعل بینکم مودّه . . .» خطاب به همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 5 - 6

6 - هشدار خداوند از فریب خوردن به وسیله عوامل اغواگر ( همچون شیطان ) درباره خدا و لطف و بخشش او

«باء» در «باللہ» برای ملاپست است که بر سر مضاف مقدر («بشأن اللہ») وارد شده است و مراد از «الغرور» - به قرینه آیه بعد - شیطان می باشد. طبق نظر مفسران، مقصود از فریب خوردن درباره خدا، می تواند این باشد که شیطان انسان را به عفو و بخشش خداوند مغرور می سازد و او را به تکرار گناه، روی آوردن به متاع های دنیا و غفلت از آخرت سوق می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 13

13 - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثم إذا حوّلنه نعمه متّٰ قال إنّما أوتيته على علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند

ص: 372



کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 20

20 - عزت و اقتدار خداوند ، توأم با رحمت و لطف او است .

و هو العزيز الغفور

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «غفور» صفت برای عزیز باشد.

محرومان از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 13

13 - خداوند در قیامت لطف خویش را از کتمان کنندگان احکام و معارف دین دریغ کرده و با آنان سخن نخواهد گفت .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله .. لا يكلمهم الله يوم القيمة

جمله «ولا يكلمهم الله» کنایه از خشم خدا و دریغ کردن لطف و رحمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 13

13 - منافقان ، محروم از عنایت و توجه خدا به خاطر نسیان و غفلت آنان از او

المنفقون و المنفقت .. نسوا الله فَنَسِيَهُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 40 - 6

6- کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

ولا هم ينظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «ینظرون» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده «نظره» باشد که به معنای رحمت است

(لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 5

5 - طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونیان و پیشوایان کفر در روز رستاخیز

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار . . . و يوم القيمة هم من المقبوحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 16

16 - انسان های مغرور و سرمست ، محروم از لطف و محبت خداوند

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

ص: 373

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 27

27 - فسادگران ، از لطف و محبت خداوند محروم اند .

و لا تبغ الفساد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 34 - 2,3

2 - کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قیل الیوم نسیکم

3 - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قیل الیوم نسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که «کما» در «کما نسیتم» برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 56 - 8

8 - کافران و روی گردانان از عبادت خداوند ، دور ماندگان از هدف آفرینش و عنایت حق \*

و ما خلقت .. . إلا ليعبدون

از این که هدف الهی از آفرینش انسان، پرستشگری حق دانسته شده، استفاده می شود که کافران از هدف عالی خلقت - که مورد نظر حق بوده - دور مانده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 3 - 3

3 - مدعیان بی عمل ، مبعوض خداوند و بی بهره از لطف و مهر او

کبر مقتاً عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون

«بغض» نقطه مقابل «حب» است. به همین جهت در آیه بعد، نسبت به مؤمنانی که به گفته های خود پایبند می باشند، فعل «یحب» به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 11 - 3

3 - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فَسَحَقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

«سحق» به معنای «بُعد» است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 5 - 10

ص: 374

10 - جوامع اسرافگر ، مستحق محرومیت از برکات و الطاف الهی

أن كنتم قومًا مسرفين

آیه شریفه، نشانگر آن است که مسرفان، استحقاق محرومیت از نزول وحی را دارند؛ ولی لطف بی کران الهی موجب شده است که وحی ادامه یابد.

### 27- محرومیت از لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 176 - 6

6 - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که «ذلک» اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

### 28- مراتب لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 6

6 - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذي نَجَّنا من القوم الظالمين

### 29- مشمولان لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 1

1 - الطاف و عنایت های خداوند ، ثناء و درود او و رحمت خاصش همواره بر مؤمنان صبرپیشه ، سایه گستر است .

أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمه

صلاه به معنای توجه کردن و مورد مهر قرار دادن است. (الکشاف)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 17

17- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتُمون . . . لایکلمهم اللّٰه

برداشت فوق از مفهوم جمله «إن الذین . . . لایکلمهم اللّٰه» استفاده شده است.

ص: 375

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برخوردار از لطف و محبت ویژه خداوند

عفا الله عنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 2

2- بندگان راستین و مؤمن برخوردار از لطف و عنایت ویژه خداوند و دارای مقام و منزلتی خاص در پیشگاه او

قل لعبادی

برداشت فوق بر این اساس است که اضافه در «عبادی» تشریفیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 10

10- انسان ، مورد لطف و عنایت خاص خداوند و دارای مقام و مرتبه ویژه در پیشگاه اوست .

وَأَتِيكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 53 - 7

7- حضرت ابراهیم (ع) برخوردار از عنایت ویژه خداوند و بقای نسل او ، مورد توجه خاص الهی بود .

قَالُوا لَا تَتَّخِذِ لِلنَّبِيِّ رَبًّا إِنَّا نَعْلَمُ بِمَا نَسِبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 2

2- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطِ الْمُرْسَلُونَ

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 92 - 3

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای شخصیتی والا در نزد پروردگار و برخوردار از عنایت و لطف ویژه او

فوربک

از اینکه خداوند در سوگند خویش پیامبر(صلی الله علیه و آله) را مخاطب قرار داد و فرمود: «سوگند به پروردگار تو..» برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 99 - 5

ص: 376



5- پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحت تربیت و عنایت ویژه خداوند

و اعد ربک حتی یأتیک الیقین

اضافه صفت «رب» به کاف خطاب - که مرجع آن پیامبر است - با توجه به این نکته که خداوند «رب» همه بندگان است، می تواند به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 15

15- انسان ، بهره مند از لطف خاص خداوند و برخوردار از کرامت و مقام ویژه در جهان

و الله جعل لکم من بیوتکم . . . و جعل لکم من الجبال ... لعلکم تسلّمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 128 - 1،2،5

1- حمایت و لطف الهی ، همراه تقوایبندگان است .

إن الله مع الذین اتّقوا

2- نیکوکاران ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

إن الله مع .. الذین هم محسنون

5- هدایت گران و مبلغان صابر دین ، در قبال مکرها و اذیت و آزار دشمنان ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

و اصبر .. إن الله مع الذین اتّقوا و الذین هم محسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 20 - 4

4- نعمت ها و امکانات مادی ، لطف و عطای خداوند و امداد او برای آدمیان است .

کلاً نمَدّ .. من عطاء ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 7

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تحت ربوبیت و عنایت ویژه خداوند

إن ربك أحاط بالناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 74 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در مواضع دینی - اجتماعی خویش - به عنایت خداوند - معصوم بود .

ولولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 85 - 10

10- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تحت عنایت ویژه و ربوبیت خاص خداوند

ص: 377

من آمر ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 95 - 2

2- ذوالقرنین ، در پرتو لطف پروردگار ، برخوردار از امکانات مادّی بسیار ، بهره مند بود .

قال ما مکّنی فیه ربّی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 2 - 6,7

6- بنده نوازی و مهرورزی خداوند ، مایه برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از تربیت ها و الطاف او است .

ذکر رحمت ربّک عبده

این که خداوند، رحمت بر بنده اش زکریا را با تعبیر «ربّک» - خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) - بیان کرد، اشاره به این نکته دارد که او در راستای تربیت آن حضرت نیز از رحمت بر بنده خود دریغ نخواهد کرد.

7- « کهیعص » ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص . ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

گفته اند: «کهیعص» می تواند مبتدا باشد و «ذکر»، خبر آن. در این صورت خود «کهیعص»، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 7

7- یحیی (ع) در پرتو عنایت های خداوند ، دوست دار او و سرشار از اشتیاق به وی بود .

حناناً من لدنّا

در این برداشت، وصف «حناناً» بیانگر مهر و محبتی است که خداوند آن رانست به خود، به یحیی (ع) عطا فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود .

و هزّی إلیک . . . تسقط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 18,19,21

18- حضرت ابراهیم (ع) ، پیوسته مشمول نیکی و لطف ویژه خداوند بود .

إنّه کان بی حفیّاً

«حفیّ» یعنی کسی که کمال نیکی و گرامیداشت را در حق دیگری دارد (برگرفته از «لسان العرب») و «کان» در این موارد، مفید ثبوت و دوام است، لذا مضمون جمله چنین است که خداوند همواره مرا مورد عنایت و لطف خویش قرار داده است. از معانی «حفیّ»، «عالم» نیز می باشد، ولی آنچه ذکر شد، با آیه تناسب بیشتری دارد.

19- پیامبران و بندگان محبوب خداوند ، مشمول نیکی و لطف بسیار او هستند .

ص: 378

21- مهربانی و لطف خداوند به حضرت ابراهیم (ع) ، بی نیازکننده او از خانه و کاشانه آزر و محبت او

قال سلم عليك . . . إِنَّهٗ كَانَ بِي حَفِيًّا

جمله «إِنَّهٗ كَانَ بِي حَفِيًّا» پاسخ ابراهیم (ع) به برخورد ناشایست آزر نیز می باشد؛ یعنی اگر چه تو مرا از خانه طرد کرده و به رجم تهدید می کنی، ولی لطف و عنایت خداوند برای من کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 63 - 2

2- خداوند ، عطاکننده بهشت به تقوایندگان است .

نورث من عبادنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 68 - 6

6- خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت و لطف خاص داشته و او در قبال انکارکنندگان معاد ، دلجویی کرده است .

فَوَرَّبِّكَ لِنَحْشُرْتَهُمُ وَالشَّيْطِينَ

ضمیر «فَوَرَّبِّكَ» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. عنایت به آن حضرت هنگام قسم خوردن خداوند به نام مقدس خویش، نوعی اظهار لطف و دلجویی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبال خیره سری های کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 76 - 10

10- عنایت ویژه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خطاب های قرآنی

عند ربِّك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 17 - 3

3 - خداوند نسبت به موسی (ع) لطف و عنایت ویژه ای داشت .

و ما تلک بیمینک یموسی

روشن است که پرسش خداوند از موسی(ع) به جهت کسب اطلاع نبوده است، بلکه این سؤال می تواند آغاز باب گفت وگو باشد و علاوه بر توجه دادن موسی به استثنایی نبودن عصایش، اضطراب و هراس آن حضرت را نیز برطرف سازد؛ طرح این پرسش و نیز خطاب دو باره «یاموسی» نشانه ابراز لطف و عنایت الهی به موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 19 - 2

2- مکالمه خداوند با موسی (ع) ، همراه با ابراز لطف و رأفت به آن حضرت بود .

یموسی .. قال ألقها یموسی

تکرار اسم، نشانه ابراز کمال علاقه به مخاطب است. در این آیات، علاوه بر لحن محبت آمیز آیات، نام موسی(ع) در خطاب الهی چند بار تکرار گردیده است که نشان از لطف و عنایت خاص خداوند به آن حضرت دارد.

ص: 379

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 7

7 - موسی (ع) ، بسیار مورد عنایت خداوند بود .

یموسی

اجابت سریع خواسته های موسی (ع) و تکرار تصریح به نام وی ، بر توجه و عنایت خداوند به موسی (ع) دلالت دارد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 37 - 2,3

2 - موسی (ع) پیش از گام نهادن در وادی طوی نیز مورد لطف و عنایت و مشمول نعمت سنگین خداوند شده بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

3 - برخوردار ی موسی (ع) از نعمت بزرگ خداوند در گذشته ، مایه اطمینان او به اجابت حتمی خواسته هایش در وادی طوی بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

تعبیر «لقد» نشانه سوگند است . خیر از گذشته همراه با تأکید ، برای ایجاد اطمینان نسبت به وعده های مربوط به آینده (اُتیت سؤلک) است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 38 - 2

2 - موسی (ع) از طفولیت ، مورد عنایت ویژه خداوند قرار داشت .

إذ أوحینا إلی أمّک مایوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 39 - 16

16 - محبوبیت یافتن در دل ها ، لطف و عنایتی الهی است .

و ألقیت علیک محبّه منّی

5- بنی اسرائیل ، مورد عنایت و لطف الهی ، در عصر ستم دیدگی و شکنجه شدن از سوی فرعونیان

أسر بعبادی

اضافه «عباد» به ضمیر متکلم، به جهت تکریم بنی اسرائیل و اظهار لطف به آنان است. این امر، زمانی صورت گرفته که آنان در بند حکومت فرعون و شکنجه های او بودند. خداوند با تعبیر «عبادی» بر رفتار فرعونیان - که بنی اسرائیل را به بندگی گرفته بودند - خط بطلان کشیده و آنان را تنها بنده خود معرفی کرده است.

6- بندگان مظلوم و تحت شکنجه حکومت های ظالم ، مورد عنایت و لطف خداوند

أسر بعبادی

یادکردن از بنی اسرائیل به عنوان «عبادی» در حالی که تحت ستم و شکنجه های فرعون قرار داشتند؛ دلالت بر این نکته

ص: 380



دارد که بندگان تحت شکنجه ظالمان (در صورتی که خواستار رهایی باشند) مورد نظر و عنایت خداوند قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 48 - 3

3- حضرت موسی و هارون (ع) ، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند .

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی «فرقان» (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 1،4

1- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد آتینا ابرهیم رشده

4- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد آتینا ابرهیم رشده من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از «من قبل» پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 69 - 4،5

4- ابراهیم (ع) از امداد و لطف ویژه الهی در انجام رسالت خویش برخوردار بود .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علی ابرهیم

5- مبلغان و دعوت کنندگان به توحید و معارف الهی ، در شرایط حساس و خطیر از لطف و امداد خداوند برخوردار خواهند شد .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علی ابرهیم

نقل داستان نجات ابراهیم از آتش، می تواند به منظور دلداری به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و مؤمنانی باشد که در شرایط دشوار مکه زندگی می کردند. همچنین برای بیان این نکته باشد که چنین امدادی، شامل حال تمامی یکتاپرستان و مبلغان دین توحیدی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 9

9- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است؛ زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 3،8

3- حضرت سلیمان (ع)، مورد توجه و عنایت خداوند، حتی در زمان داوود (ع)

ص: 381

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . ففهمنها سلیمان

8- داوود (ع) برخوردار از مقام والا در پیشگاه خداوند و بهره مند از لطف ویژه او

و سخنرنا مع داود الجبال یسبحن و الطیر

از آن جایی که خداوند، کوه ها و پرندگان را برای هم آوایی با داوود(ع) در تسبیح الهی تسخیر و رام کرد - با آن که همه پدیده ها در حال تسبیح او هستند - می تواند برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 10

10- زکریا (ع) از عنایت و لطف ویژه خداوند برخوردار بود .

فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و أصلحنا

تکرار «له» (برای او)، می تواند حاکی از عنایت خاص خداوند به زکریا(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 6

6- عفت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری وی از عنایات ویژه الهی بود .

التي أحصنت فرجها فنحننا فیها من روحنا

تقدم عبارت «والتي أحصنت فرجها» بر «فنحننا فیها من روحنا» می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 105 - 8

8- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا . . أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 77 - 5

5 - مسلمانان ، مورد توجه و عنایت خدا هستند .

قل مایعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 52 - 4

4 - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونى ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه «عباد» به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

ص: 382

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدر اسلام، این آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدر اسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده؛ می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم،

تورا نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُوَ العزیز الرحیم

ذکر آیه «إنّ ربّک. ..» پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه، این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت؛ تورا نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

ص: 383

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 2

2 - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 9

9 - الطاف الهی در حق داوود و سلیمان (ع)، الطافی آشکار برای همگان

و قال یا ایها الناس... إن هذا لهو الفضل المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 5

5 - مادر موسی، برخوردار از منزلتی بلند در پیشگاه خداوند و مورد لطف و عنایت ویژه او

و أوحینا إلی أم موسی... و لتعلم أن وعد الله حق

مادر موسی، در این بخش از آیات محور داستان موسی قرار گرفته است و این می تواند حاکی از منزلت و جایگاه بلند او در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برخوردار از لطف و رحمت ویژه خداوند

و لکن رحمه من ربک

نکره آمدن «رحمه» نشانگر ویژه بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 6

6- زندگی هدایت یافتگان در جهان آخرت، زندگی در جوار لطف و رحمت بیکران خداوند است.

و ما عند الله خیر و أبقى

با توجه به قید «عندالله» (نزد خدا) - که می تواند کنایه از لطف و رحمت واسعه او باشد - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 68 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

و ربک یخلق

اضافه در «ربک» تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 384



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 69 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

و ربِّک یعلم

اضافه در «ربِّک» تشریفیه و رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 86 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از لطف و عنایت ویژه خداوند برخوردار بوده است .

إلاَّ رحمہ من ربِّک

تعبیر «ربِّک» به صورت اضافه تشریفی «ربِّ» به «کاف»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 56 - 1

1 - مسلمانان مکه ، مورد توجه ویژه خداوند بودند .

یعبادی الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 16 - 7

7 - مؤمنان راستین ، تحت عنایت و توجه ویژه پروردگارند .

یدعون ربِّهم

اضافه «ربِّ» به ضمیر «هم» - که مرجع آن مؤمنان است - با توجه به این که پروردگار، ربِّ همه انسان ها است، می تواند به نکته یاد شده اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحت توجه و عنایت ویژه خداوند بود .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ

اضافه «رَبِّ» به ضمیر مخاطب - که مرجع آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است - می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 2 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عنایت ویژه خداوند ، برخوردار بود .

مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

اضافه شدن «رَبِّ» به ضمیر مخاطب مفرد - که مرجع آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است - با توجه به این که خداوند، رب همه مؤمنان و انسان ها است، از عنایت ویژه خداوند به آن حضرت حکایت می کند.

ص: 385

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 11، 1

1 - خداوند ، عطاکننده فضیلت هایی برای سلیمان (ع)

و لقد آتینا داود متناً فضلاً .. و لسلیمن

«لسلیمان» عطف به «داود» در آیه قبل و متعلق به فعل محذوف «سَخَّرنا» است.

11 - مسخّر و رام بودن جنیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد آتینا فضلاً .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 35 - 7

7 - مترفان ، خود را مورد عنایت ویژه خدا می دانند .

و قالوا نحن أكثر أموالاً وأولاداً و ما نحن بمعدّبین

به قرینه جوابی که خداوند در آیه 37 به مترفان داده است، به دست می آید که این کلام از ناحیه آنان، احتمالاً به منظور نکته یاد شده گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 36 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

قل إنّ ربّی یسط الرزق

سفارش خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر اعلام منشأ قبض و بسط روزی بندگان، با عبارت «ربّی» آمده است. چنین تعبیری حکایت از این حقیقت می کند که خداوند، در صدد معرفی موقعیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پیشگاه خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 39 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد توجه و عنایت ویژه پروردگار

إِنَّ رَبِّي

گفتنی است که سفارش خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعلام منشأ قبض و بسط روزی بندگان، با عبارت «إِنَّ رَبِّي» آمده است. چنین تعبیری، حکایت از این حقیقت می کند که خداوند، در صدد معرفی موقعیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پیشگاه خودش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 48 - 4

4 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، تحت عنایت ویژه خداوند

قُلْ إِنَّ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 8

8 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، مورد عنایت ویژه خداوند

ص: 386

فبما يوحى إليّ ربّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 33 - 10

10 - انسان ، مورد لطف خداوند و برخوردار از جایگاه ویژه در پیشگاه او

و ءایه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حبًا فممنه يأكلون

احیای زمین و رویاندن دانه ها از آن برای تغذیه انسان، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 76 - 1,2,9

1 - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نَجَّيناهُ و أهله من الكرب العظيم

2 - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نَجَّيناهُ و أهله من الكرب العظيم

مقصود از «اندوه بزرگ» یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

9 - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . . . و نَجَّيناهُ و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 77 - 3

3 - بقای نسل نوح (ع) برای همیشه تاریخ ، از نعمت ها و الطاف ویژه الهی به ایشان

و جعلنا ذرّیّته هم الباقین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 78 - 2

2- باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و تركنا علیه فی الآخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 98 - 4,6

4- لطف و عنایت خدا ، موجب شکست توطئه مشرکان علیه ابراهیم (ع) و پیروزی آن حضرت در برابر آنان

فأرادوا به كیداً فجعلنهم الأسفلین

ص: 387

«أسفل» (مفرد «أسفلين») در اصل به معنای فروتر است؛ ولی در آیه شریفه کنایه از شکست و به معنای مغلوب می باشد؛ زیرا انسان غالب، احساس برتری و انسان مغلوب، احساس فروتری می کند.

6 - جبهه حق ، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به كيدًا فجعلنهم الأسفلين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 108 - 2

2- برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و تركنا عليه في الأخرين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 1

1 - ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) ، برخوردار از برکات و فیوضات الهی

سلم علی ابرهیم . . . و برکنا علیه و علی إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 115 - 2

2- نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان ، مهم ترین و برجسته ترین نعمت و احسان خداوند به ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الكرب العظیم

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که نجات موسی و هارون(علیهما السلام) از اندوه بزرگ بخشی از نعمت های الهی به ایشان بود؛ ولی در عین حال به طور جداگانه ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 119 - 2

2- باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهما السلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی آخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهما السلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 129 - 2

2- باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین

ص: 388



برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 146 - 3,5

3 - یونس (ع) ، مورد لطف ویژه خداوند و برخوردار از امداد او

و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

5 - دعا و تسبیح یونس (ع) ، موجب برخوردار شدن او از لطف و امداد خداوند

إنه کان من المسبّحین . . . و أنبتنا علیه شجرة من یقطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 5

5 - شفا یافتن ایوب (ع) از آب سرد جوشیده از زمین ، از معجزات خداوند و الطاف او به آن حضرت

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، که خداوند درصدد بیان معجزه و لطف خود به ایوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 1,2

1 - خداوند ، خانواده از دست رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از «و وهبنا له أهله» چیست؛ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: 1- برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. 2- برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند؛ ولی از اطراف او - که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلا بود - پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

2- با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به سوی آن حضرت بازگشتند .

و وهبنا له أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 4

4- ایوب (ع) و همسرش ، مورد لطف و عنایت خداوند بودند .

و خذ بیدک ضغناً فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) برای وفای به سوگند خود به شکلی آسان، در حقیقت لطف و عنایت الهی به ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 54 - 3

3- برخوردار شدن تقوایبندگان از بهشت و نعمت های جاویدان آن ، براساس لطف و عنایت خدا به ایشان است ؛ نه به خاطر استحقاق و حق آنان بر خدا .

ص: 389

جنّت-ت عدن . . هذا لرزقنا ما له من نفاذ

تصریح بر خدادادی بودن بهشت و نعمت های آن - در حالی که خدادادی بودن آن بر کسی پوشیده نیست - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 3

3 - بندگان مؤمن ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند .

یعباد الذین ءامنوا

برداشت بالا از تعبیر «یعباد» (ای بندگان من) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 6

6 - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقواییان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض نتیواً من الجنة

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 5, 8, 4

4 - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّت عدن التی وعدّتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده؛ ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز - در صورت صالح بودنشان - وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب - که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد - می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

5 - قرب و منزلت مؤمنان تائب و پیرو دین در پیشگاه خداوند و لطف ویژه الهی به آنان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

8- بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یاد کردن مسأله بودن پدران و .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد؛ زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 53 - 5

5- بنی اسرائیل ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

ص: 390

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره اعطای کتاب به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده است تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 10

10 - مصون ماندن امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نابودی و کیفر دنیوی، در پرتو عنایت ربوبی خداوند به آن حضرت است. \*

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر «هم» در «بینهم»، مربوط به کفار عصر بعثت باشد و نه قوم موسی. و از آن جا که خداوند در موارد امهال، تعبیر به «ربک» نموده است - که نشانه عنایت ویژه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد - مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 8

8 - آفرینش زن و مرد از جنس واحد، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزواجاً

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 9

9 - خداوند، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است.

لفی ضلل بعید . الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای «لطیف» - که حکایت از رحمت و لطف دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 15

15 - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 16،20

16 - جبران کاستی اعمال نیک مؤمنان ، از سوی خداوند

و من یقترب حسنه نزد له فیها حسناً

برداشت یاد شده بنابر نظر عده ای از مفسران است که «نزد له فیها حسناً» را بدین معنا گرفته اند: اگر در انجام عمل نیک نقص و کاستی باشد، خداوند آن را جبران نموده و بر حسن آن می افزاید.

20 - پذیرش کمترین عمل نیک مؤمنان از سوی خداوند ، نشانی از ارج گذاری او به بندگان خود

و من یقترب حسنه .. . إنّ الله غفور شکور

ص: 391

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 25 - 6

6 - لطف بی کران الهی نسبت به آدمیان ، حتی انسان های گنه کار

يقبل التوبه عن عباده

از این که خداوند توبه همه گنه کاران را می پذیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 6

6 - انسان ها ، با وجود گناه کاری و ناسپاسی ، برخوردار از فضل و عنایت بی کران الهی

و يعف عن كثير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 5 - 6

6 - عنایت خداوند به هدایت تمامی انسان ها ، حتی مشرکان ستیزه جو

أفنزرب عنکم الذکر صفحاً أن کنتم قومًا مسرفین

آیه شریفه، نشانگر لطف و رحمت الهی است؛ بدین صورت که خداوند، حتی با مخالفت فراوان مشرکان، از فرو فرستادن قرآن دریغ نورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 23 - 5

5- بنی اسرائیل گرفتار در چنگال فرعونیان ، مورد عنایت و عطوفت پروردگار

فأسر بعبادی

به کار رفتن تعبیر «عبادی» در حق بنی اسرائیل، بیانگر مطلب یادشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- دور ماندن بهشتیان از ناگواری های جهنم ، در پرتو لطف و حمایت خداوند

ووقهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 12 - 8

8 - نعمت ها و منافع دریا ، نمود لطف و فضل الهی برای آدمیان

سخر لكم البحر . . . ولتبتغوا من فضله

از این که بر منافع نهفته در دریا «فضل الهی» اطلاق شده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 392



17 - جائیه - 45 - 16 - 2

2- بنی اسرائیل ، قومی برگزیده و مورد عنایات الهی در گذشته تاریخ

و لقد آتینا بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 5 - 4

4- شهیدان ، برخوردار از آسودگی خاطر در پرتو عنایت خداوند \*

و یصلح بالهم

برداشت بالا بدان احتمال است که «بال»، به معنای قلب و خاطر باشد و «إصلاح» به معنای زدایش نگرانی ها و آرامش بخشیدن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 17 - 2

2- دلدادگان به وحی و سخنان رسول (صلی الله علیه و آله) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند در ره یابی به حق

و منهم من یستمع إلیک . . . و الذین اهدوا زادهم هدی

«والذین اهدوا» معرف چهره هایی است که برخلاف هواپرستان و قلب های مهر شده، با استماع سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیام قرآن، بر هدایتشان افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 12

12 - حضرت ابراهیم (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه الهی و بقای نسل او مورد توجه خداوند

و بشروه بغلم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 7

7 - بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فكهن بما آتاهم ربهم ووقاهم ربهم عذاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - طور - 52 - 21 - 7

7 - الحاق اعضاى مؤمن خانواده بهشتيان به ايشان ، تبلور لطف و فضل الهى در حق آنان

و الذين ءامنوا و اتبعتهم ذريتهم بايمن الحقنا بهم ذريتهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - طور - 52 - 27 - 1

1 - اذعان متقين در بهشت ، به نقش لطف الهى در رهايى آنان از عذاب دوزخ و ورود ايشان به بهشت

فمن الله علينا ووقينا عذاب السموم

ص: 393

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 29 - 6

6 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مورد عنایت ویژه پروردگار و برخوردار از نعمت خاصه او

فما أنت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون

«باء» در «بنعمت» برای ملابست و «بنعمت ربك» حال از ضمیر «أنت» است؛ یعنی، «حالكونك مصاحباً نعمت ربك».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 48 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در پرتوریوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

و اصبر لحکم ربك فإتک بأعیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 14 - 2

2 - حمایت و لطف الهی، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) \*

تجری بأعیننا

در صورتی که «بأعیننا» کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر «تجری بأعیننا» - پس از «حملناه علی ذات..» - بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2 - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجینهم... نعمه من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و یقی وجه ربّک

با این که خداوند پروردگار همه انسان ها است ، اضافه «ربّ» به ضمیر «ک» اضافه تشریفی و بیانگر لطف و عنایت ویژه خداوند نسبت به آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 1

1 - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

ص: 394

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً .. لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد عنایت و توجه ویژه خداوند

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

اضافه «رَبِّ» به ضمیر «ک» اضافه تشریفی و بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 96 - 7

7 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، مورد عنایت و توجه ویژه خداوند

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

اضافه «رَبِّ» به «کاف» اضافه تشریفی و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 19 - 8

8 - صدیقان و شهدا (گواهان) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

الْصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ

اضافه «رَبِّ» به ضمیر «هم» اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 28 - 11

11 - خداوند ، در قیامت به مؤمنان تقوایبیشه نوری عطا خواهد کرد که در پرتو آن از ظلمات قیامت گذر کنند .

وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا الله .. يضعفه ... والله شكور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران - با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد - نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - زنان مطلقه و شوهران تنگ دست آنان - در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی - مورد عنایت و حمایت خدا قرار می گیرند .

سیجعل الله بعد عسر يسراً

ص: 395

13 - عنایت و لطف ویژه خداوند ، نسبت به قشر آسیب پذیر و محروم جامعه در تعالیم و تکالیف خویش

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله .. سیجعل الله بعد عسر یسراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله «سیجعل الله ..» ناظر به تنگدستان (من قدر علیه رزقه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 1 - 1

1 - اظهار لطف و شفقت خداوند ، نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحْرَمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ

در دیدگاه برخی از مفسران، ندای «یا ایها النبئی»، برای تشریف و تکریم پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. بر این اساس، عتاب «لِمَ تَحْرَمَ» عتاب حقیقی و برای سرزنش نیست؛ بلکه نوعی اظهار لطف و شفقت به آن حضرت است. از این رو خداوند اجازه فرمود که سوگند خود را بشکنند و از قید آن آزاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 3 - 12

12 - عنایت ویژه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، با آگاه کردن ایشان از امور پنهانی علیه آن حضرت

و أظهره الله علیه .. قال تبتأني العليم الخبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 2 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تحت تربیت خداوند و مورد عنایت و لطف ویژه او

بنعمه ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 49 - 1

1 - یونس (ع) پس از رهایی از شکم ماهی ، از نعمت و لطف ویژه الهی برخوردار گشت .

لولا أن تدركه نعمه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 52 - 6

6 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

اضافه «ربّ» به ضمیر «ک»، اضافه تشریفی و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 6

6 - انسان و آفرینش او ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

ص: 396



خداوند، کره زمین را به گونه ای آفریده که برای بشر قابل بهره‌وری باشد و نیز آن را در جهت مصالح و منافع او آفریده است. از این نکته می‌توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 1 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حال استراحت و جامه به خود پیچیده - به جای خطاب با عنوان رسول و بنی - می‌تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 1 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد لطف و عنایت ویژه خداوند

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ

خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که آن حضرت ردا بر تن پیچیده است - به جای خطاب با عنوان رسول و نبی - می‌تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 12 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد عنایت ویژه خداوند در روز رستاخیز و انتقام گیرنده از دشمنان آن حضرت

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

اضافه «رب» به ضمیر مخاطب (پیامبر (صلی الله علیه و آله)) می‌تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 23 - 2

2 - مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلى ربها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: «إلى ثواب ربها ناظره».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 6 - 3

3- ابرار، بندگان خاص خدا و مورد عنایت ویژه او

عیناً یشرّب بها عباد الله

تعبیر آوردن از «ابرار» به «عباد الله»، بیانگر برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 8

ص: 397

8 - ابرار ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند و دارای جایگاه بلند در پیشگاه او

و سقیهم ربهم شراباً طهوراً

از این که آیه شریفه، کار نوشاندن را به خداوند نسبت داده است، می توان به برداشت یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 31 - 10

10 - رحمت و لطف خداوند به مؤمنان و کیفر و عذاب ظالمان از سوی او، براساس علم و حکمت او است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا . يَدْخُلُ مِنْ يَشَاءَ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أ

برداشت یاد شده، بر این فرض مبتنی است که جمله «يدخل من يشاء..»، خبر برای «إِنَّ» در «إِنَّ اللَّهَ» و جمله «كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»، معترضه و یا حال باشد. بر این اساس توصیف خداوند به علم و حکمت، اشاره به این دارد که کار خدا (رحمت یا عذاب)، مبتنی بر علم و حکمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 1

1 - آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت ویژه او بود .

سنقرئک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 20 - 11

11 - برخوردار از لطف و توجه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 3 - 6

6 - با وجود ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موردی برای خشم و بی مهری به آن حضرت وجود نداشت .

2 - خداوند ، با نوید آخرتی بهتر از دنیا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را به تداوم عنایت های خویش و نبود هیچ بغض و نفرتی نسبت به او ، مطمئن ساخت .

ما ودّعک . . . وللاُخره خیر لک من الاُولى

5 - قرآن پیشاپیش ، رهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

وللاُخره خیر لک من الاُولى

مراد از «آخرت» و «أولى» چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) - چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند - آیه شریفه سلامت کامل پیامبر (صلی الله علیه و آله) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 6, 5, 4, 3, 1

1 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جهان آخرت، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است.

و لسوف یعطیک ربک فترضی

«سوف» برای استقبال است و مراد از آن - به قرینه آیه قبل - جهان آخرت است.

3 - عطیه های خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جهان آخرت، جلوه ربوبیت او و در راستای رشد و کمال آن حضرت است.

یعطیک ربک

4 - خرسندی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جهان آخرت، مرهون عطای بی شمار الهی است.

یعطیک... فترضی

حرف «فاء» دلالت دارد که آنچه رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در پی خواهد داشت، عطای مداومی است که فعل «یعطیک» بر آن دلالت دارد. گفتنی است که در آیه شریفه، دو نکته نهفته است: 1. خداوند، عطای خود را به رسول الله (صلی الله علیه و آله) افزایش می دهد تا حدی که او را راضی سازد. 2. خداوند، هر چه را پیامبر (صلی الله علیه و آله) دوست دارد و به آن راضی است، در اختیار آن حضرت می نهد.

5 - عطا های رضایت بخش خداوند در آخرت، دلیل برتری زندگی اخروی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دنیای آن حضرت است.

و للأخره خیر لك من الأولى . و لسوف یعطیک ربک فترضی

6 - دنیا، فاقد زمینه مناسب برای بهره بردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عطا های ویژه الهی و رسیدن آن حضرت به خرسندی کامل

و للأخره خیر لك من الأولى . و لسوف یعطیک ربک فترضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 6 - 6

6 - خداوند، با یادآوری الطاف خود در دوران کودکی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را به عطا های آینده خویش اطمینان بخشید.

و لسوف يعطيك .. ألم یجدک یتیمًا فاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 8 - 4

4 - خداوند ، با بیان زدودن فقر از زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را به دوری از قهر و خشم خویش ، اطمینان بخشید .

و وجدک عائلاً فأغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 1 - 2

1 - خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لك صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). «صدر» و «قلب»، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده «صدر» اعم از «قلب» است؛ زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات

ص: 399

راغب)

2 - خداوند ، برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از شرح صدر ، به او یادآور شده ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

الم نشرح لک صدرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 6,1

1 - خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در عصر بعثت ، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد .

و رفعنا لک ذکرک

6 - خداوند ، با توجه دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نعمت خوش نامی ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

و رفعنا لک ذکرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 1 - 6

6 - عنایت ویژه خداوند به قبیله قریش

لایلف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 3 - 4

4 - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به

عبادت خداوند

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

«لام» در «لایلاف» چه متعلق به سوره «فیل» باشد و چه به «فلیعبدوا» (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

### 30- موجبات لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- تقوایشگی و احسان ، دو عامل جلب حمایت و عنایت الهی است .

إن الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون

ذکر تقوایشگی و احسان، به صورت دو جمله مستقل، بیانگر این نکته است که هر یک از آن دو عاملی مستقل در جلب حمایت خدایند.

### 31- نشانه های لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 8

ص: 400



8 - فراوانی و رفاه و آسایش همواره نشانه لطف و عنایت الهی نیست.

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 17، 8

8- میوه ها و نباتات تأمین رزق و روزی انسان ، نمودی از نعمت و لطف الهی بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق السموت والأرض وأنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن، تشویق کننده بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إن الإنسان لظلوم كفّار» در دو آیه بعد (آیه 34) مؤید برداشت فوق است.

17- مسخّر و رام بودن نهر ها و رود ها ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

و مسخّر لكم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 5

5- رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذي خلق .. و مسخّر لكم الشمس والقمر دائبين و مسخّر لكم الليل والنهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوّق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله «إن الإنسان لظلوم كفّار» در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 30

30 - برخی از سختی های زندگانی ، نعمت خداوند بر انسان و نشانه لطف او است .

و لقد منّا .. و فتّك فتوناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - تسخیر دریا های موج ، نمود بارز عنایت خداوند در مسلط ساختن انسان بر طبیعت

ألم تر أن الله سخر لكم ما في الأرض و الفلك تجري في البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 7

7 - امکان بهره‌وری گسترده بشر از دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، نشانی دیگر از لطف و عنایت خدا و نظارت دقیق او بر احوال آفریده هایش

و ما كنا عن الخلق غفلين . . . وإن لكم في الأنعم لعبره . . . و منها تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 56 - 1

ص: 401

1 - مال و فرزند بسیار ، نشانه لطف و مهر خداوند در دیدگاه شرک پیشگان مرفه صدر اسلام

أیحسبون . . . من مال و بنین . نسارع لهم فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 62 - 4

4 - تکالیف آسان ، جلوه امتنان الهی نسبت به انسان ها

و لانکلف نفسًا إلاّ وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 77 - 2

2 - هدایت خلق به وسیله کتاب آسمانی ، بارزترین نمود لطف و رحمت الهی بر آنان

و إله لهدی و رحمه

از این که خداوند پس از مطرح ساختن بُعد هدایتی قرآن، تنها به یک صفت دیگر (رحمت بودن آن) بسنده کرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 7

7 - مالکیت انسان بر دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) ، جلوه لطف خدا به انسان ها است .

أولم یروا . . . أنعمًا فهم لها ملکون

از آمدن جمله «فهم لها مالکون» (بافاء تفریع) می توان برداشت بالا را استفاده کرد؛ زیرا خداوند علاوه بر آن که انعام را برای بهره مندی انسان ها آفریده، مالکیت را نیز به انسان ها بخشیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 2

2 - رام و مسخر کردن دام ها ( شتر ، گاو و گوسفند ) برای بشر ، جلوه قدرت خدا و لطف او بر بندگان است .

و ذلّلنا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 35 - 11

11 - جلوه فضل و لطف الهی در پاداش دادن به محسنان

ليكفّر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

ملاک قرار گرفتن پاداش بهترین اعمال در وقت جزا و پاداش، و بدترین اعمال در وقت عفو و چشم پوشی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 6

6 - بهشت جاویدان، فراتر از استحقاق تقوایبندگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

ص: 402

و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 4,5

4 - اعطای روزی به خلق ، نمودی از لطف و رحمت و آگاهی خداوند به بندگان خویش

اللّٰه لطیف بعباده یرزق من یشاء

5 - برخورداری گمراهان از روزی خداوند ، نمود لطف او به بندگان خویش است ؛ نه نشانه استحقاق آنان

لفی ضلل بعید . اللّٰه لطیف بعباده یرزق من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 3

3 - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

وزوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 7

7 - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

والذین ءامنوا و اتبعتهم ذرّیتهم بايمن ألحقنا بهم ذرّیتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 1

1 - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إنا أنشأنهنّ إنشاءً .. لأصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 17 - 12

12 - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا الله .. يضعفه ... والله شكور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران - با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد - نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 8

8 - اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فلینفق ممّا آتیه الله لایکلف الله نفساً إلاّ ما آتیها

ص: 403

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 3,5

3 - حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لكم الأرض ذلولاً فامشوا في مناكبها

مقصود از «مناكب» (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

5 - وجود روزی و نیازمندی های بشر در زمین ، از نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

هو الذي جعل لكم الأرض ذلولاً .. و كلوا من رزقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 50 - 5

5 - برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه ... فجعله من الصالحين

### 32- نیاز به لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 5

5- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد آتینا إبرهیم رشدہ من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 87 - 7

7 - نیاز انسان به لطف و حمایت خدا ، در قیامت

و لا تخزنی یوم یبعثون

20- نیاز همیشگی انسان ، به لطف و خطاپوشی خداوند

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم

از این که خداوند به موحدان نیک کردار و مؤمن به قرآن و خط پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نوید غفران داده است؛ استفاده می شود که حتی چنین مؤمنانی نیز نیازمند غفران خداوند هستند.

ص: 404



### 33- وسعت لطف خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 25 - 6

6 - لطف بی کران الهی نسبت به آدمیان ، حتی انسان های گنه کار

يقبل التوبه عن عباده

از این که خداوند توبه همه گنه کاران را می پذیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 5

5 - رفق و مدارای خداوند ، نسبت به عموم انسان ها

وهو اللطيف

ص: 405

1- آثار لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 3

3 - صد تازیانه ، حد زنانی که با لعان ( سوگند ) همسران شان ، زناى آنان ثابت شده است .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه

مفهوم جمله «و یدروا عنها العذاب؛ عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود» این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می شود؛ ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

2- احکام لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 15

15 - « عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع) أنّ علیاً (ع) قال ، لیس بین خمس من النساء و بین أزواجهنّ ملاءنه . . . والمجلود فی الفریه لأنّ الله عزّوجلّ یقول : و لا تقبلوا لهم شهاده أبداً . . . »

امام صادق(ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی(ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاءنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود).. از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: «و لا تقبلوا لهم شهاده أبداً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 5، 3، 2

2- شوهر اگر برای اثبات قذف علیه همسرش ، از ارائه شاهدان ناتوان باشد ، باید چهار بار سوگند یاد کند .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم فشهده أحدهم أربع شهدت باللّ

3 - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم و لم یکن لهم شهداء إلاّ أنفسهم

استثنا در جمله «و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم» استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: «مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند». مفهوم آن

ص: 406

این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

5- « خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم » ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذین یرمون أزوجهم .. فشهده أحدهم أربع شهدت باللّٰه إنّه لمن الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 5، 4، 2، 1

1 - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذبین

2- « لعنت خدا بر من باد اگر دروغ می گویم » ، متن سوگند نامه پنجم شوهر است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

و الخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذبین

4- با سوگند پنجم شوهر ، زناى همسر ثابت گشته و حد زنا بر او جاری می شود .

و الخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذبین

با سوگند پنجم شوهر - که در آن پذیرای لعنت خدا می شود - دو چیز به اثبات می رسد: 1- زناى همسر و در نتیجه محکومیت او به حد زنا. 2- صدق و راستگویی شوهر و در نتیجه سقوط حد قذف از وی.

5- با اعلام پذیرش لعنت خدا در پنجمین سوگند از سوی شوهر مدعی زناى همسرش ، حد قذف و دیگر کیفر های آن ، از وی ساقط می شود .

و الخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 4، 3، 2، 1

1 - زن متهم به زنا ، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش ، متقابلاً حق لعان دارد .

و یدرؤا عنها العذاب أنّ تشهد أربع شهدت باللّٰه

2 - زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

الف ولام «العذاب» ذکری و اشاره به «مأئه جلد» است که در آیه دوم آمده بود.

3 - صد تازیانه ، حد زنایی که با لعان ( سوگند ) همسران شان ، زناي آنان ثابت شده است .

و یدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات بالله

مفهوم جمله «و یدروا عنها العذاب» عذاب و کیفر از زنان برداشته می شود» این است که با سوگند مردان علیه همسران شان، گناه آنان ثابت می شود؛ ولی اگر زنان هم متقابلاً بر بی گناهی خود سوگند یاد کنند، کیفر داده نمی شوند.

4 - « خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است » متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

ص: 407

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 4 - 2، 1

1 - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصديق

2 - « لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد » ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصديق

4 - تساوی شرایط ، آداب و آثار گواهی و سوگند مرد و زن در اثبات و یارد لعان

والخمسه أن لعنت الله عليه ... والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصديق

### 3- تشریح لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 10 - 1

1- تحریم آکید بی عفتی و زنا ، ممانعت سخت از قذف های بی دلیل نسبت به زنان پاکدامن ، وضع کیفر های سنگین برای متخلفان ( صد ضربه شلاق در زنا و هشتاد ضربه برای قذف ) و تشریح « لعان » ، جلوه هایی از فضل و رحمت خدا نسبت به جامعه ایمانی است .

الزانية والزانی فاجلدوا. .. والذین یرمون المحصنت ... فاجلدوهم ... ولولا فضل ال

یادآوری فضل و رحمت خدا در آیه شریفه - که در مقام امتنان است - پس از ذکر احکام مربوط به زناکاری و لعان، می تواند برای بیان جلوه های فضل و رحمت الهی باشد.

### 4- سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 3

3 - با عجز شوهر از آوردن شاهدان برای اثبات قذف علیه همسرش ، در صورتی نوبت به سوگند و لعان می رسد که شوهر ، مدعی مشاهده زنا باشد .

والذین یرمون أزوجهم ولم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم

استثنا در جمله «و لم یکن لهم شهداء إلا أنفسهم» استثنای متصل است و معنای آیه چنین می باشد: «مردانی که همسران شان را قذف کنند، اگر فقط خودشان ناظر و شاهد زنا بودند و به جز خودشان کسی نبود، باید سوگند یاد کنند». مفهوم آن این می شود که: اگر خودشان هم شاهد نبودند، نوبت به لعان نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 1

1 - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا

ص: 408

متهم کرده است .

و الخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 2،4

2- زن متهم به زنا از سوی شوی خویش ، در صورتی که برای تکذیب این اتهام چهار بار سوگند یاد کند ، حد زنا از وی برداشته می شود .

و يدروا عنها العذاب أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

الف ولام «العذاب» ذکری و اشاره به «مأئه جلده» است که در آیه دوم آمده بود.

4- « خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است » متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

### 5- سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 3

3- زن زناکاری که با سوگند دروغین ، سوگند شوهرش بر این عمل زشت را رد و تکذیب کند ، مستحق غضب خدا است .

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصديقين

### 6- کیفیت سوگند در لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 6 - 5

5- « خدا را شاهد می گیرم که راست می گویم » ، متن سوگند شوهری است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والذين يرمون أزواجهم .. فشهده أحدهم أربع شهادات بالله إنه لمن الصديقين



## 7- کیفیت لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 2

2- « لعنت خدا بر من باد اگر دروغ می گویم » ، متن سوگند نامه پنجم شوهر است که مدعی مشاهده زناى همسرش باشد و از آوردن شاهدان نیز ناتوان باشد .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

ص: 409

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 8 - 4

4 - « خدا را به گواه می گیرم که شوهرم بر من دروغ بسته است » متن سوگند زنی است که از سوی شوهر خویش مورد اتهام زنا قرار گرفته است .

أن تشهد أربع شهادات بالله إنه لمن الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 1

1 - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصادقين

### 8- کیفیت لعان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 2

2 - « لعنت خدا بر من باد اگر شوهرم راست گو باشد » ، متن پنجمین سوگند زنی است که منکر راست گویی شوهرش در ادعای زناکاری وی می باشد .

والخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصادقين

### 9- لعان قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 15

15 - « عن الصادق (ع) عن أبيه عن جدّه (ع) أنّ علياً (ع) قال ، ليس بين خمس من النساء وبين أزواجهنّ ملاءنه . . . والمجلود في الفرية لأنّ الله عزّوجلّ يقول : ولا تقبلوا لهم شهادة أبداً . . . »

امام صادق (ع) از پدرش و او از جدش روایت کرده است که حضرت علی (ع) فرمود: بین پنج دسته از زنان با شوهرانشان ملاءنه نیست (یعنی قانون لعان اجراء نمی شود) . . از جمله آنها، کسانی هستند که به علت تهمت زنا زدن، تازیانه خورده اند؛ زیرا خداوند فرمود: «و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً».

## 10- واجبات لعان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 1

ص: 410

1 - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است

و الخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 9 - 1

1 - وجوب درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

و الخمسه أن غضب الله عليها إن كان من الصديقين

ص: 411

## 15- لعب

### 1- آثار لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 7

7 - اشتغال به دنیا و سرگرم شدن به آن، انسان را از آخرت باز می دارد.

وما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الآخرة خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 23

23 - بازی، سرگرمی، آرایش، فخرفروشی و فزون خواهی، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أئما الحیوه الدنیا لعب... و تکاثر... و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه - پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

### 2- آثار لهو و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 3

3- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

### 3- اجتناب از لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 4

4- دنيا، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است؛ نه میدان بازی، آرایش، فخرفروشی و

ص: 412

فزون خواهی .

سابقوا إلی مغفره من ربکم و جنّه

#### 4- خدا و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 17 - 4, 3, 2, 1

1- اراده خداوند ، به انجام کاری به منظور بازیچه و سرگرمی خویش تعلق نمی گیرد .

و ما خلقنا .. لعین . لو أردنا أن نتخذ لهواً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «لو» امتناعیه باشد بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «اگر ما چیزی را - بر فرض محال و صرف نظر از غیر ممکن بودن آن و یا دون شأن ما بودن آن - به منظور بازیچه و سرگرمی خویش می گرفتیم...». گفتنی است که برخی از مفسران «ان» در «ان کتّا فاعلین» را نافیه دانسته اند؛ که در این صورت مؤید برداشت یاد شده خواهد بود.

2- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش نیستند .

لو أردنا أن نتخذ لهواً لاتخذنه من لدنا إن کتّا فعلین

3- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهواً لاتخذنه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «من لدنا»، معنای «من جهه قدرتنا» را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که «من لدنا» ظرف مختص - در قبال «من لدن غیرنا» باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: «اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است». گفتنی است آمدن «لدنا» - که برای ابتدای غایت است - به جای «عندنا» - که برای صرف حضور است - مؤید برداشت یاد شده است.

4- اگر خداوند - بر فرض محال - به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود؛ بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتخذ لهواً لاتخذنه من لدنا إن کتّا فعلین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «من لدنا» به معنای «مما عندنا» باشد و یا معنای «مما یلیق بحضرتنا...» را افاده کند؛

یعنی، بر فرض انتخاب سرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمان است و مقرب تر به ما و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و...) برمی‌گزیدیم.

## 5- لعب در زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3 - حقیقت حیات دنیوی، پنج چیز بیش نیست: بازی، لهو و سرگرمی، زینت و آرایش، تفاخر و فخرفروشی، و فزون طلبی.

ص: 413



أَتَمَّا الْحَيَوِهُ الدنیا . . . و تکاثر فی الأمول و الأولد

واژه «أَتَمَّا» (به فتح همزه) نظیر «إَتَمَّا» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أَتَمَّا الْحَيَوِهُ الدنیا...» معادل «ما الحیاة الدنیا إلا لهو و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

## 6- متقین و لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 8

8 - تقوایشگان از لهو و لعب و غفلت از آخرت دور هستند.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الآخره خیر للذین یتقون

## 7- موارد لعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 1,3

1 - واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

3 - واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله . . . و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

ص: 414

## 16- لعن

### 1- لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 61 - 19

19 - تحقق مباحله پس از شرکت مباحله کنندگان ، با درخواست لعنت از خداوند برای طرفِ باطل صورت می گیرد .

ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 87 - 2

2- لعن و نفرین ، از شیوه های برخورد با مرتدان

اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين

### 2- آثار لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بقره - 2 - 161 - 7

7- تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

اولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 46 - 28

28- گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 78 - 15

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

ص: 415

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود و عيسى

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج 8، ص 200، ح 240؛ نورالثقلین، ج 1، ص 660، ح 311.

### 3- آثار لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 10، 13، 6،

6 - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت «بل» نفی معنایی است که از «قلوبنا غلف» استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه «بل» معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله «لعنهم الله...» بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

10 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

فاء تفریع در «فقلیلا- ما . . .» گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

13 - دور شدن از رحمت خدا و گرفتار آمدن به لعنت او ، مستلزم جبر به عدم ایمان نخواهد شد .

لعنهم الله بکفر هم فقلیلا ما یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 6

6 - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 46 - 28,29

28 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

29 - لعنت الهی ، زمینه محرومیت از هدایت و ایمان

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 13 - 6

ص: 416

6- سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی \*

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 64 - 15,23,24

15 - لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغیاناً و کفراً

23 - دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا .. و القینا بینهم العدو و البغضاء إلى یوم القیمه

جمله «و القینا ..» می تواند بیان پیامدی دیگر برای «لعنوا بما قالوا» باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

24 - جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا .. و القینا بینهم العدو و البغضاء إلى یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 7

7- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبصرهم

#### 4- اجابت دعای مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 37 - 5

5- امکان اجابت دعای مطرودین درگاه الهی و لعن شدگان

فاخرج منها... وإن عليك اللعنه... قال ربّ فأنظرنى... قال فإنك من المنظرين

## 5- احكام لعن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 8

8 - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و یلعنهم اللعنون. إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

ص: 417

14 - احزاب - 33 - 64 - 4

4 - لعن بر کافر، جایز و روا است.

إِنَّ اللَّهَ لعن الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 3,5

3- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

5- جواز لعن و نفرین حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إن تولّيتهم .. أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه «أولئك» - به قرینه آیه قبل «إن تولّيتهم» - کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی، جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

## 6- ایمان لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 26

26 - امکان ایمان و هدایت، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

ولكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه «قلیلا» استثناء از فاعل «یؤمنون» باشد، مفهوم جمله «لعنهم الله» چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

## 7- ایمان مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 12



12 - آدمی ، می تواند حتی در زمان گرفتاریش به لعنت خدا ، خود را به سوی ایمان گرایش داده و اهل ایمان گردد .

لعنهم الله بكفرهم فقليلاً ما يؤمنون

تفریح جمله «فقليلاً ما يؤمنون» بر «لعنهم الله بكفرهم» می رساند که: کفر ورزی و دور شدن از رحمت خدا، بسیاری از زمینه های ایمان را از بین می برد نه همه آنها را؛ یعنی، با وجود لعنت الهی انسان می تواند خود را به سوی ایمان گرایش دهد.

ص: 418

## 8- بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 10، 9، 5

5 - لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

9 - کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله «فلن تجد . . .» ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

10 - کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه «لن»، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

## 9- روز لعن بر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 7

7- « یزیدبن سلام . . . سأل رسول الله (صلی الله علیه و آله) . . . قال : فالخمیس ، قال : هو یوم خامس من الدنیا و هو یوم . . . لعن فیه ابلیس . . . »

یزیدبن سلام از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسید: پنجشنبه یعنی چه؟ حضرت فرمود: پنجشنبه پنجمین روز از دنیا است و آن روزی است که . . . ابلیس در آن مورد لعن قرار گرفت...».

## 10- زمینه لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 9

9- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم .. أولئك الذين لعنهم الله فأصمهم و أعمى أبص -

هر چند فعل های «أصم» و «أعمى» به خداوند نسبت داده شده، اما این مستلزم جبر نیست؛ زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود؛ بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

### 11- گمراهی مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18

ص: 419

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

## 12- لعن ابدی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 1, 2

1 - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنه الله . . . خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر «فیها» به «لعنه الله . . .» (در آیه قبل) بازگردد.

2 - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتُمون . . . أولئك علیهم لعنه الله ... خلدین فیها

## 13- لعن اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 5

5 - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك یلعنهم الله . . . أولئك علیهم لعنه الله

جمله «أولئك یلعنهم الله» (در آیه 159) به قرینه «إلا الذین تابوا . . .» حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله «أولئك علیهم لعنه الله» به دلیل «ماتوا و هم کفار» دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 4

4 - آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه الله علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

#### **14- لعن اخروی ظالمان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 10

10- ستمگران در قیامت ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ص: 420

ألا لعنه الله على الظلمين

لعن اخروی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 25 - 13

13 - قوم ابراهیم ، در قیامت همدیگر را لعن می کنند .

ثم يوم القيمة .. ويلعن بعضكم بعضاً

### 15- لعن اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 3

3- کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

### 16- لعن اخروی مانعان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 3

3- کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

### 17- لعن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 9,19

9- روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا .. تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

19 - گرفتار شدن آدمی به لعنت پیامبران ، نشاندهنده خشم و غضب الهی بر وی

لعن الذين كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود .. ان سخط الله

ص: 421

## 18- لعن بر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 34 - 7

7- «أبالحسن علی بن محمدالعسکری (ع) : معنی الرجیم انه مرجوم باللعن . . . لایذکره مؤمن إلا لعنه و ان فی علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لایبقی مؤمن فی زمانه إلا رجمه بالحجاره کما کان قبل ذلک مرجوماً باللعن ;

امام علی نقی (ع) فرمود: معنای «رجیم» این است که ابلیس هدف لعن قرار می گیرد . . . هیچ مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آن که او را لعن می کند و در علم ازلی خدا بوده است که وقتی که حضرت قائم (ع) ظاهر شد، مؤمنی نمی ماند مگر اینکه ابلیس را با سنگ هدف قرار می دهد؛ چنان که او قبل از این هدف لعن قرار می گرفت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 1,2,6

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن علیک اللعنه إلی یوم الدین

2- طرد از درگاه الهی و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنک رجیم . و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

6- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . \*

وإن علیک اللعنه إلی یوم الدین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «ال» در «اللعه» برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 1,2

1 - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

وإنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

2 - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس



فإنك رجيم . وإنّ عليك لعنتی إلى يوم الدين

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس - آن هم با آمدن قید «إلی يوم الدين» - مربوط به کیفر دنیایی او است.

### 19- لعن بر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 16،17

16 - گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنّا اصحاب السّبت

ص: 422

17 - کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند.

امنوا .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 13

13 - مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل)، مورد لعن حضرت داود، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شبیه

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

## 20- لعن بر امت های گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 38 - 14

14 - امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب «ادخلوا» به قرینه آیه 35 همه بنی آدم باشد، مراد از «أمم قد خلت . . .» انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از «أمم» امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از «امت اولی» نسل قبل و مراد از «امت آخری» نسل بعدی می باشد.

## 21- لعن بر امت های مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 38 - 14

14 - امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب «ادخلوا» به قرینه آیه 35 همه بنی آدم باشد، مراد از «أمم قد خلت ..» انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از «أمم» امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از «امت اولی» نسل قبل و مراد از «امت آخری» نسل بعدی می باشد.

ص: 423

## 22- لعن بر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 15

15 - هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السّبّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 60 - 9

5 - گروهی از اهل کتاب ، گرفتار لعنت و غضب خداوند

من لعنه الله و غضب علیه

9 - گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتارهای زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می رساند که غضب و .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

## 23- لعن بر بدخواهان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 98 - 10

10 - آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، مورد طرد و لعن خداوند هستند .

یتربّص بکم الدوائر علیهم دائره السوء

ظاهراً جمله «علیهم دائره السوء» در مقام نفرین می باشد نه صرفاً اخبار از آینده.

## 24- لعن بر بدخواهان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - آرزومندان نزول بلا و نگون بختی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، مورد طرد و لعن خداوند هستند .

یتربّص بکم الدوائر علیهم داثره السوء

ظاهراً جمله «علیهم داثره السوء» در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

ص: 424

## 25- لعن بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 4

4- گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 13،14

13 - مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذين كفروا من بنی اسرئیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

14 - مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع) ، به دلیل کفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذين كفروا من بنی اسرئیل . . . عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما عیسی فلعن الذين انزلت علیهم المائده ثم كفروا بعد ذلك.

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 79 - 10

10 - لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل . . . كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه

از حضرت علی(ع) روایت شده: . . . و لما وقع التقصير في بنى اسرائيل جعل الرجل منهم يرى اخاه على الذنب فينهاه فلا ينهي فلا يمنعه ذلك من ان يكون اكيله و جليسه و شريبه حتى ضرب الله عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فيهم القرآن حيث يقول عزوجل «لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل . . . كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه . . .»

---

ثواب الاعمال مترجم، ص 597، ح 3؛ نورالثقلين، ج 1، ص 660، ح 312.

## 26- لعن بر بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 1

1- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض . . . فهل عسيتم إن توليتم . . . أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه «أولئك»، کسانی باشند که «تولّیتم» خطاب به آنان است و «تولّی» به

ص: 425

معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

## 27- لعن بر پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 38 - 14

14 - امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب «ادخلوا» به قرینه آیه 35 همه بنی آدم باشد، مراد از «أمام قد خلت ..» انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از «أمام» امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از «امت اولی» نسل قبل و مراد از «امت آخری» نسل بعدی می باشد.

## 28- لعن بر نارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 1

1- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأیت الذین فی قلوبهم مرض .. فهل عسیتم إن تولیتم ... أولئک الذین لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه «أولئک»، کسانی باشند که «تولیتم» خطاب به آنان است و «تولی» به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

## 29- لعن بر حاکمان مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 4,5

4- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض .. أولئک الذین لعنهم الله



برداشت بالا بنابراین نکته است که «أولئک» اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب «إن تولّیتم أن تفسدوا..» قرار گرفته اند.

5- جواز لعن و نفرین حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إن تولّیتم .. أولئک الذین لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه «أولئک» - به قرینه آیه قبل «إن تولّیتم» - کسانی باشند که در صورت

ص: 426

رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی، جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

### 30- لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 3

3- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 4

4 - جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 4

4 - جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل كيف قدر

### 31- لعن بر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 3

3- مردانی که با سوگند دروغین، همسرانشان را متهم به زنا کنند، مستحق لعنت خدایند.

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

### 32- لعن بر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 4

4 - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 427

4- جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل کیف قدر

### 33- لعن بر رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 68 - 6

6- کافران پیرو، از خداوند، خواهان مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان، خواهند بود.

وقالوا... ربنا... والعنهم لعناً کبیراً

«کبیر» صفت مفعول مطلق «إلعن» است. در آیه، این واژه به معنای «شدت» و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

### 34- لعن بر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 118 - 1

1- شیطان، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 98 - 14

14- «عن علی بن محمد العسکری (ع) يقول: معنی الرجیم انه مرجوم باللعن مطرود من مواضع الخیر لایذکره مؤمن إلا لعنه و إن فی علم الله السابق انه إذا خرج القائم (ع) لایبقی مؤمن فی زمانه إلا رجمه بالحجاره کما کان قبل ذلک مرجوماً باللعن»

از امام هادی (ع) روایت شده است که در باره «رجیم» می فرمود: او (شیطان) با لعن مورد رجم واقع شده و از درهای خیر رانده و مطرود گشته است. مؤمنی از او یاد نمی کند مگر آنکه او را لعن می کند و چون در علم الهی از پیش روشن بود که هر گاه حضرت قائم (ع) خروج کرد، هیچ مؤمنی در زمان او نیست مگر آنکه شیطان را با سنگ رجم می کند؛ چنانچه قبل از آن با لعن رجم می شد.

### 35- لعن بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 7

7 - ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله على الظلمین

ص: 428

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 14

14 - « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، « هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين » ؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: . . . اما کافر پس گناهان او در ملاء عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 41 - 6

6 - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً للقوم الظالمين

نصب «بُعداً» به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، «بعدوا بُعداً». گفتنی است که «بُعداً» از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد [از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 7

7 - ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

### 36- لعن بر علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 159 - 10

10 - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

### 37- لعن بر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 159 - 10

10 - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

ص: 429

### 38- لعن بر عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 25 - 7

7- کسانی که به پیمان های الهی پایبند نباشند ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذین ینقضون عهد الله . . . أولئک لهم اللعنه

### 39- لعن بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 1

1- فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ

ضمیر در «أَتَّبَعُوا» به فرعون و قوم وی باز می گردد. «اتباع» (مصدر أتبعا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین «وَأَتَّبَعُوا...»؛ یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 1

1 - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیان او از زندگی دنیوی

وَأَتَّبَعَهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ

### 40- لعن بر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 1

1- فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ



ضمیر در «أُتبعوا» به فرعون و قوم وی باز می گردد. «اتباع» (مصدر أُتبعوا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین «وَأُتبعوا...»؛ یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 1

1 - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیان‌ش از زندگی دنیوی

وَأُتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

ص: 430

## 41- لعن بر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 3

3 - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 1

1 - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذين يرمون المحصنات الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا والآخرة

«محصنات» به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از «غافلات» (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

## 42- لعن بر قاطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 3

3- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

## 43- لعن بر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 1

1- قوم عاد ، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود .

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

#### **44- لعن بر كافران**

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

1 - بقرہ - 2 - 161 - 3

ص: 431

3 - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 1

1 - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر «فیها» به «لعنة الله ..» (در آیه قبل) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 21، 22

21 - مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نظمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولاً

22 - مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا .. من قبل ان نظمس وجوهاً ... و كان امر الله م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 5

5 - کافران مستحق لعن و نفرین و دوری از رحمت خداوند

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 10، 11

10 - منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

11 - جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 14

14 - « عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) : . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، « هؤلاء الذين كذبوا على ربّهم ألا لعنه الله على الظالمين » ؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: . . . اما کافر پس گناهان او در ملاء عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد».

ص: 432

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 9

9 - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً لقوم لا يؤمنون

کلمه «بُعداً» منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف؛ یعنی، «بعدوا بُعداً». گفتمی است که «بُعداً» از مصادرهابی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 5

5 - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، مورد لعن خدایند .

و لا تطع الكفرین و المنفقین و دَعْ اذیهم . . . إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 64 - 4، 1

1 - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ لعن الكفرین

«ال» در «الكفرین» می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

4 - لعن بر کافر ، جایز و روا است .

إِنَّ اللَّهَ لعن الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 4

4 - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 4

4 - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل کیف قدر

### **45- لعن بر کافران حق ناپذیر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 89 - 13،14

13 - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكفرین

ص: 433

14 - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكفرین

#### 46- لعن بر کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 159 - 9

9- ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئك ... يلعنهم اللعنون

تکرار فعل «یلعن» به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 8

8 - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

ويلعنهم اللعنون. إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 5

5 - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله .. أولئك عليهم لعنة الله

جمله «أولئك يلعنهم الله» (در آیه 159) به قرینه «إلا الذين تابوا ..» حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله «أولئك عليهم لعنة الله» به دلیل «ماتوا و هم کفار» دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 2



2 - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذين يكتُمون .. أولئك عليهم لعنه الله .. خلدین فیها

### 47- لعن بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 6

6 - شمول لعنت الهی بر گناهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

ص: 434

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا

#### 48- لعن بر مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 6 - 11

11 - منافقان و مشركان ، مورد خشم و نفرين الهى و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

#### 49- لعن بر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 23 - 3

3- جواز لعن و نفرين حق گريزان فساد انگيز و فاقد عواطف انساني

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گريزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

#### 50- لعن بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 68 - 11، 10

10 - منافقان و كافرين ، مورد لعن و نفرين خداوند و محروم ابدى از رحمت او

المنفقين .. و الكفار ... لعنهم الله

11 - جواز لعن و نفرين بر منافقان و كافرين

المنفقين .. و الكفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 57 - 5

5 - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، مورد لعن خدایند .

و لا تطع الکفرین و المنفقین و دَعُ أذیهم . . . إنَّ الذین یؤذون . . . ورسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 11

11 - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله علیهم و لعنهم

ص: 435

## 51- لعن بر ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت «قتل»، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثم قتل کیف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و «ثم» برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

## 52- لعن بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 10، 4، 6

4 - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

6 - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت «بل» نفی معنایی است که از «قلوبنا غلف» استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه «بل» معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله «لعنهم الله...» بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً

این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

10 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما یؤمنون

فاء تفریع در «فقلیلا- ما . . .» گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 20،21،27،28

ص: 436

20 - گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

21 - كفر يهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

27 - گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه «قلیل» استثناء از مفعول در «لعنهم الله» باشد. نصب «قلیلا» این احتمال را تأیید می کند.

28 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 10، 9

9 - يهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که «بما نقضهم ..» به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند «لعناهم» باشد.

10 - غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا ، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه «قولهم» عطف بر «نقضهم» است، بنابراین متعلق به فعل محذوف «لعناهم» است. یعنی «بقولهم ... لعناهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 7، 8

7 - كفر ورزی يهود با انكار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بكفرهم و قولهم على مريم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که «بکفرهم» عطف بر «بنقضهم» در آیه قبل باشد. بر این مبنا «بکفرهم» متعلق به فعل محذوف «لعناهم» خواهد بود.

8 - اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

وقولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 4

4 - ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) - علی رغم اعتراف به پیامبری وی - مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

وقولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بدان احتمال که «قولهم» عطف بر «نقضهم» در آیه 155 باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 7، 14

7 - یهود، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

ص: 437

«لعنت» به معنای دوری از رحمت است.

14 - تأثیر منفی قرآن در یهودیان - افزون بر کفر و طغیان آنان - ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفوّاً

واقع شدن جمله «و لیزیدن ...» پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 39 - 13

13- « عن أبي عبد الله (ع) انه قال في قول الله عزوجل : « و قالت اليهود يد الله مغلولة » : لم يعنوا انه هكذا ، و لكنهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلا يزيد و لا ينقص فقال الله جل جلاله تكذيباً لقولهم : « غلّت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يدها مبسوطتان ينفق كيف يشاء » ألم تسمع الله عزوجل يقول : « يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: «و قالت اليهود يد الله مغلولة» فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غل بسته است؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند - جل جلاله - برای تکذیب سخن آنان فرمود: «دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد». آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: «یمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب».

### 53- لعن بر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 89 - 12

12 - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

### 54- لعن بر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



9- فسادگران در زمین به لعنت خداوند و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذین . . . یفسدون فی الأرض أولئک لهم اللعنه

### 55- لعن جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 438

1 - بقره - 2 - 89 - 14

14 - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 11

11 - جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین . . . و الکفار . . . لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 4

4 - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 4

4 - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل کیف قدر

### 56- لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 4

4 - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

13 - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 6

6 - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

ص: 439

أولئك يلعنهم الله . . . إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 1

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 20،21،27

20 - گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

21 - کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا . . . لعنهم الله بكفرهم

27 - گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم . . . الا قليلا

بنابر اینکه «قلیل» استثناء از مفعول در «لعنهم الله» باشد. نصب «قلیلا» این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 15،16،18

15 - هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

يا ايها الذين اوتوا الكتب . . . او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

16 - گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنا اصحاب السَّبْت

18 - لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم الله... فلا يؤمنون... او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 1,2,3,4,5,6,9,10

1 - اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر... اولئك الذين لعنهم الله

2 - ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر... اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

3 - کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایند، مورد لعن الهی هستند.

الم تر الى الذين... يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا. اولئك الذين لعنه

4 - همسویی با کافران علیه مسلمانان، از موجبات لعن الهی است.

يقولون... هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا. اولئك الذين لعنهم الله

5 - لعنت شدگان الهی، هرگز یابوری نخواهند داشت.

ص: 440

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

6 - مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

9 - کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله «فلن تجد . . .» ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

10 - کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه «لن»، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 93 - 1

1 - خلود در جهنم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 118 - 1

1 - شیطان ، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 9،10

9 - یهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم ... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که «بما نقضهم ...» به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند «لعناهم» باشد.

10 - غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه «قولهم» عطف بر «نقضهم» است، بنابراین متعلق به فعل محذوف «لعناهم» است. یعنی «بقولهم ... لعناهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 7,8

7 - کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که «بکفرهم» عطف بر «بنقضهم» در آیه قبل باشد. بر این مبنا «بکفرهم» متعلق به فعل محذوف «لعناهم» خواهد بود.

8 - اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

ص: 441

وقولهم علی مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 4,5

4 - گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

5 - لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 13,16,17,18,19

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . . . منهم القردة و الخنازیر و عبد الطغوت

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم . . . أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین

جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند



من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 7،14

7 - یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

«لعنت» به معنای دوری از رحمت است.

14 - تأثیر منفی قرآن در یهودیان - افزون بر کفر و طغیان آنان - ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

واقع شدن جمله «و لیزیدن ..» پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

ص: 442

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 9

9 - روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا ... تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 7

7 - ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 10

10 - منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . . . و الکفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 3

3 - لعنت الهی و دور شدن از رحمت او ، عطایی شوم و سزایی ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

کلمه «الرفد» (عطیه و بخشش) فاعل برای «بئس» است و «ال» در آن «ال» جنسیه می باشد و «المرفود» (عطیه و بخشش) مخصوص به ذم است و «ال» در آن عهد ذکری بوده و اشاره به لعنت و دوری از رحمت خداست. بنابراین «بئس الرفد المرفود»؛ یعنی، آن عطیه (گرفتاری به لعنت خدا) بد عطیه و بخششی است.

1 - کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از «لعن» داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله «لعن ... علی لسان داود و عیسی» به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

2- داود و عیسی (ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی اسرائیل \*

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بدان احتمال که فاعل محذوف «لعن»، الله باشد. گفتنی است که لعنت خداوند نسبت به کافران بنی اسرائیل بر لسان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

11 - گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق «ذلک» اشاره به «لعنت» گرفته شده است.

13 - مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

---

کافی، ج 8، ص 200، ح 240؛ نورالثقلین، ج 1، ص 660، ح 311.

## 58- لعن در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 1

1 - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إِنَّ الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخره

## 59- لعن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 38 - 5

5- هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

كلما دخلت أمه لعنت أختها

### 60- لعن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 38 - 14

ص: 444

14 - امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب «ادخلوا» به قرینه آیه 35 همه بنی آدم باشد، مراد از «أمم قد خلت ..» انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از «أمم» امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از «امت اولی» نسل قبل و مراد از «امت آخری» نسل بعدی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 25 - 14

14 - ناسزاگویی و لعن دیگران ، در روز قیامت ، امری ممکن است .

ثم یوم القیمه یکفر بعضکم ببعض و یلعن بعضکم بعضاً

### 61- لعن دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 5

5 - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم الله .. أولئک علیهم لعنه الله

جمله «أولئک یلعنهم الله» (در آیه 159) به قرینه «إلا الذین تابوا ..» حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله «أولئک علیهم لعنه الله» به دلیل «ماتوا و هم کفار» دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

### 62- لعن شدگان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 87 - 1,6

1 - بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. أولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه الله و الملائکه و النّاس

6 - کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و الناس اجمعین

ص: 445

### 63- لعن شدگان ملانکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 87 - 1,6

1 - بازگشت به کفر (ارتداد) با وجود دلایل روشن، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنه الله و الملائكة و التّائ

6 - کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند.

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و التّاس اجمعين

### 64- لعن عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 1,2,11,14,15

1 - کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند.

لعن الذین كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از «لعن» داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله «لعن ... علی لسان داود و عیسی» به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

2- داود و عیسی (ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی اسرائیل \*

لعن الذین كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

بدان احتمال که فاعل محذوف «لعن»، الله باشد. گفتنی است که لعنت خداوند نسبت به کافران بنی اسرائیل بر لسان داود(ع) و عیسی(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

11 - گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین كفروا .. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

در برداشت فوق «ذلک» اشاره به «لعنت» گرفته شده است.



14 - مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنی اسرائیل از سوی حضرت عیسی (ع)، به دلیل کفر آنان پس از نزول مانده آسمانی

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل . . . عیسی ابن مریم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما عیسی فلعن الذین انزلت علیهم المانده ثم کفروا بعد ذلک.

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

---

کافی، ج 8، ص 200، ح 240؛ نورالثقلین، ج 1، ص 660، ح 311.

ص: 446

## 65- لعن مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 3,7

3 - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

7 - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

## 66- لعن مفتريان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 11

11 - کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين

## 67- لعن ملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 1,3,7

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

3 - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

7- تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

### **68- محرومیت لعن شدگان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 52 - 6

6- مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

ص: 447

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

### 69- محمد(صلی الله علیه و آله) و لعن کافران مقارن بعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 17 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهّل الکفرین أمهلهم رویداً

«مهّل» و «أمهل» به یک معنا است؛ گرچه برخی گفته اند: «مهّل» فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و «أمهل» فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت - به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید - تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه «رویداً» ممکن است، تصغیر «رؤد» (مهلت دادن) باشد؛ یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای «أمهل» باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

### 70- مراتب لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 18

18 - لعنت الهی ، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم الله .. فلا يؤمنون ... او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبب

### 71- مشمولان لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 4

4 - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 89 - 12،13

12 - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

13 - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 448

6 - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

5 - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله .. أولئك عليهم لعنة الله

جمله «أولئك يلعنهم الله» (در آیه 159) به قرینه «إلا الذين تابوا ..» حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله «أولئك عليهم لعنة الله» به دلیل «ماتوا و هم كفار» دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

7 - تأثیر و نقش دعا و نفرین فرشتگان و انسان ها در دوری گنهکاران از رحمت الهی

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر «فیها» به «لعنة الله ..» (در آیه قبل) بازگردد.

2 - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذين يکتمون .. أولئك عليهم لعنة الله ... خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - گرفتاری اصحاب سبت به لعنت الهی

كما لعنّا اصحاب السّبت

17 - کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السّبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اهل کتاب ( علمای یهود ) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

2 - ایمان به جبت و طاغوت ( کفر و شرک ) موجب لعن خداوند

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

3 - کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين .. يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا . اولئك الذين لعنه

6 - مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 7

7 - ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بينهم أن لعنه الله على الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 4

4 - آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه الله على الظالمين . الذين ... يبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 30 - 11

11 - پندار فرزند داشتن خدا ، انحراف از مسیر حق بوده و معتقدان به آن ، گرفتار لعن و نفرین خدا خواهند بود .



ولا يدينون دين الحق . . . وقالت اليهود عزيز ابن الله ... قتلهم الله أنى يؤفكو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 68 - 11، 10

10 - منافقان و كافرين ، مورد لعن و نفرين خداوند و محروم ابدى از رحمت او

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

11 - جواز لعن و نفرين بر منافقان و كافرين

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 98 - 10

10 - آرزومندان نزول بلا و نگون بختى براى پيامبر (صلى الله عليه و آله) و مؤمنان ، مورد طرد و لعن خداوند هستند .

ص: 450

یترَبِّصْ بكم الدوائر عليهم دائره السوء

ظاهراً جمله «عليهم دائره السوء» در مقام نفرین می باشد نه صرفاً إخبار از آینده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 14، 11، 10

10- ستمگران در قیامت ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين

11- کسانی که به خداوند دروغ می بندند ، از رحمت خداوند محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله على الظلمين

14- « عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) : . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، « هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنه الله على الظالمين » ؛

از رسول خدا(صلى الله عليه و آله) روایت شده است که فرمود: . . . اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 1

1- قوم عاد ، در دنیا به لعنت خدا گرفتار شدند و در آخرت نیز از رحمت او محروم خواهند بود .

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 1

1- فرعون و پیروان وی در عرصه دنیا و آخرت ، به لعنت خدا گرفتار و از رحمت او به دورند .

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

ضمیر در «أَتَّبِعُوا» به فرعون و قوم وی باز می گردد. «اتباع» (مصدر أتبعا) به معنای ملحق کردن و به دنبال فرستادن است. بنابراین «وَأَتَّبِعُوا...»؛ یعنی ، فرعون و قوم او در دنیا و آخرت ، لعنت و نفرین را به دنبال خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 25 - 7,8,9

7- کسانی که به پیمان های الهی پایبند نباشند ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذین ینقضون عهد الله .. أولئک لهم اللعنه

8- آنان که به برقراری پیوندهایی که خداوند به برقرار ساختن آنها فرمان داده ، ملتزم نباشند ، به لعنت و دوری از رحمت گرفتار خواهند شد .

والذین .. یقطعون ما أمر الله به أن یوصل ... أولئک لهم اللعنه

9- فسادگران در زمین به لعنت خداوند و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

والذین .. یفسدون فی الأرض أولئک لهم اللعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 451

13- « عن أبي عبد الله (ع) انه قال في قول الله عزوجل : « وقالت اليهود يدالله مغلولة » : لم يعنوا أنه هكذا ، و لكنهم قالوا : قد فرغ من الأمر فلا يزيد ولا ينقص فقال الله جل جلاله تكذيباً لقولهم : « غلّت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء » ألم تسمع الله عزوجل يقول : « يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدای عزوجل: «وقالت اليهود يد الله مغلولة» فرمود: منظور یهود این نبود که واقعاً دستهای خدا در غلّ بسته است؛ بلکه آنان می گفتند: خدا از کار خلقت فارغ شده و دیگر چیزی را زیاد و کم نمی کند. پس خداوند - جل جلاله - برای تکذیب سخن آنان فرمود: «دستهای خودشان در غل بسته باد و به خاطر سخنی که گفتند، لعنت بر آنان باد؛ بلکه دستهای خدا باز است و هرگونه می خواهد می بخشد». آیا نشنیده ای که خدای عزوجل می فرماید: «یمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 27 - 17

17- « عن أبي عبد الله (ع) قال : إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعة الملائكة إلى قبره . . . و إن كان كافراً خرجت الملائكة تشيعة إلى قبره تلعنونه . . . ثم يدخل عليه ملكا القبر . . . فيقولان له : من ربك ؟ فيتلجلج و يقول : قد سمعت الناس يقولون فيقولان له : لادريت و يقولان له : ما دينك ؟ فيتلجلج فيقولان له : لادريت و يقولان له : من نبيك ؟ فيقول : قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه . . . و هو قول الله عزوجلّ : « . . . و يضللّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند . . . و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند . . . سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند . . . پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: . . . و این سخن خداوند عزوجلّ است: . . . يضللّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 6

6- بازگشت همه لعن ها ، به ابلیس است . \*

و إن عليك اللعنة إلى يوم الدين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «ال» در «اللعنة» برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 1,2

1 - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

وإنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

2 - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی، کیفر دنیوی ابلیس

فإنّک رجیم . وإنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

ص: 452

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس - آن هم با آمدن قید «إلی یوم الدین» - مربوط به کیفر دنیایی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 7

7 - ستمگران ، گروهی مطرود و محروم از رحمت خداوند در قیامت

و لهم اللعنه

## 72- مشمولان لعن اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 3,6

3- کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

6- کسانی که در پی منحرف ساختن دین و معارف الهی هستند ، ستمکارند و در آخرت به لعنت خدا گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين ... ييغونها عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 1

1 - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذين يرمون المحصنات الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا والأخره

«محصنات» به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از «غافلات» (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

## 73- مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 1

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 41 - 6

6 - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

ص: 453

## فبعداً للقوم الظلمين

نصب «بُعداً» به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، «بعدوا بُعداً». گفتمی است که «بُعداً» از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد [از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 9

9 - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً للقوم لایؤمنون

کلمه «بُعداً» منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف؛ یعنی، «بعدوا بُعداً». گفتمی است که «بُعداً» از مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 3

3 - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أن لعنت الله علیه إن كان من الكذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 1

1 - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 6, 5, 4, 1

1 - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إنّ الذين یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنيا و الآخره



4 - کسانی که وارد منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لا مستنسين لحديث إنّ ذلكم كان يؤذي النبيّ . . . إنّ الذين يؤذون ... ورسوله لعن

5 - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، مورد لعن خدایند .

و لا تطع الكفرين و المنفقين و دَعُ أذیهم . . . إنّ الذين يؤذون ... ورسوله لعنهم

6 - مذاکره کنندگان بی پرده و رودر رو با همسران پیامبر - که موجب آزار دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است - مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب . . . و ما كان لكم أن تؤذوا رسول اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 64 - 1

1 - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

ص: 454

إِنَّ اللَّهَ لعن الكافرين

«ال» در «الكافرين» می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 1,4

1- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض... فهل عسيتم إن توليتم... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که مشارالیه «أولئك»، کسانی باشند که «تولیتم» خطاب به آنان است و «تولی» به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

4- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه، مورد نفرین الهی

إن توليتم أن تفسدوا في الأرض... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت بالا بنا بر این نکته است که «أولئك» اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب «إن توليتم أن تفسدوا...» قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 11

11 - منافقان و مشرکان، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله عليهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 11 - 3

3 - کافران دوزخی، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند.

فسحقاً لأصحاب السعير

«سحق» به معنای «بُعد» است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت «قتل»، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثم قتل کیف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و «ثم» برای

ص: 455

دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 8

8 - «عن أمير المؤمنين (ع) . . . «قتل الإنسان ما أكفره» أي لعن الإنسان؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که در معنای «قتل الإنسان ما أكفره» فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است].».

#### 74- مشمولان لعن دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 1

1 - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذین یرمون المحصنات الغفلت المؤمنت لعنوا فی الدنیا و الآخره

«محصنات» به معنای زنان عفیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از «غافلات» (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی نجیب گفته می شود.

#### 75- مظاهر لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 6

6 - عذاب اخروی ، جلوه ای از لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

أولئک علیهم لعنه اللّٰه . . . خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جمله «لایخفف عنهم العذاب» پس از «خالدین فیها» بیانگر آن است که: اثر لعنت الهی در قیامت، عذاب دوزخ است.

#### 76- ممنوعیت لعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 10

10 - ممنوعیت طعنه زدن به دیگران و عیب جویی از ایشان

ولا تلمزوا أنفسکم

«لمز» (مصدر «تلمزوا») به معنای عیب جویی کردن است.

ص: 456

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 3

3 - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 61 - 16

16 - لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجك .. فنجعل لعنت الله على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 27, 28

21 - کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

27 - گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

ولكن لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه «قلیل» استثناء از مفعول در «لعنهم الله» باشد. نصب «قلیلا» این احتمال را تأیید می کند.

28 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب . . . او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السّبّ

17 - کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . . . او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السّبّ

21 - مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نظمس وجوهاً . . . او نلعنهم ... و کان امر اللّٰه مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اهل کتاب ( علمای یهود ) مشمول لعن خداوند به جهت حقیقوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . . . اولئک الذین لعنهم اللّٰه

2 - ایمان به جبت و طاغوت ( کفر و شرک ) موجب لعن خداوند

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

4- همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 9

9- يهود ، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم .. و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که «بما نقضهم ..» به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند «لعناهم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 9

9- نسبت دادن فحشا و بی عفتی به پاکدامنان (قذف) ، حرام و موجب دوری از رحمت خداوند

و بكفرهم و قولهم على مریم بهتناً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 4

4- گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 1

1 - کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذين كفروا من بنی اسرئیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از «لعن» داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله «لعن ... علی لسان داود و عیسی» به این معناست که کافران بنی



اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 79 - 10

10 - لعن شدن گروهی از بنی اسرائیل به سبب تأثیرناپذیری آنان در برابر نهی از منکر و نیز گروه ناهی از منکر به سبب همنشینی با گنهکاران

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل . . . کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

از حضرت علی(ع) روایت شده: . . . و لما وقع التقصیر فی بنی اسرائیل جعل الرجل منهم یری اخاه علی الذنب فینهاه فلا ینهی فلا یمنعه ذلک من ان یکون اکیله و جلیسه و شریبه حتی ضرب الله عزوجل قلوب بعضهم ببعض و نزل فیهم القرآن حیث یقول عزوجل «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل . . . کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه . . .»

---

ص: 458

ثواب الاعمال مترجم، ص 597، ح 3؛ نورالتقلین، ج 1، ص 660، ح 312.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 9

9 - روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا... تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 3، 2، 1

1 - تداوم تعرض به زنان مسلمان، از سوی منافقان، باعث اجرای حکمی سخت درباره آنان و آواره شدن شان همراه با لعن خدا می شد.

لئن لم ینته المنفقون... لنگرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قليلاً. ملعونین

«ملعونین» حال برای ضمیر فاعلی «لایجاورون» است.

2 - تداوم آزار و اذیت زنان مسلمان، از سوی بیماردلان، موجب سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آنان، در حد آواره سازی همراه با لعن خدا می شد.

لئن لم ینته... و الذین فی قلوبهم مرض... لنگرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ

3 - ادامه شایعه پراکنی، در پی دارنده سخت گیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه، آواره شدن همراه با لعن بود.

لئن لم ینته... و المرجفون... لنگرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قليلاً. م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 7

7 - تکبر، خودبرتربینی و سرپیچی از فرمان خداوند، زمینه ساز لعن و نفرین ابدی

إلاّ إبلیس استکبر... و إنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

## 78- موجبات لعن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 79 - 5

5 - ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتنهون

## 79- موجبات لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 459

4- ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) - علی رغم اعتراف به پیامبری وی - مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

وقولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بدان احتمال که «قولهم» عطف بر «نقضهم» در آیه 155 باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 64 - 9

9- ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

وقالت اليهود يدالله مغلولة .. و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 78 - 12

12 - نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذين كفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق «ذلک» علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 79 - 5

5 - ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون. كانوا لا يتناهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 3

3- انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

و أتبعوا في هذه الدنيا لعنه و يوم القيامة ألا إن عادًا كفروا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 2

2- نپذیرفتن رسالت پیامبران ، مایه گرفتار شدن به لعنت خدا و دوری از رحمت او در دنیا و آخرت است .

و لقد أرسلنا موسى . . . و أتبعوا في هذه لعنه و يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 6

6 - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا ( محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او )

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

ص: 460

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 2

2 - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

### 80- نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 1

1 - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا

### 81- هدایت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 26

26 - امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه «قلیلا» استثناء از فاعل «یؤمنون» باشد، مفهوم جمله «لعنهم الله» چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

لعن خدا

### 82- آثار لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 10، 6، 13

6 - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفرهم فقليلًا

چنانچه گذشت «بل» نفی معنایی است که از «قلوبنا غلف» استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه «بل» معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله «لعنهم الله...» بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

10 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، مایه ایمان نیاوردن آنان به بیشترین معارف الهی است .

لعنهم الله بكفرهم فقليلًا ما يؤمنون

ص: 461

فاء تفریع در «فقلیلا- ما . . .») گویای آن است که: لعنت الهی موجب شده که یهودیان، زمینه ایمان کامل یا ایمان به تمامی معارف را از دست بدهند.

13 - دور شدن از رحمت خدا و گرفتار آمدن به لعنت او ، مستلزم جبر به عدم ایمان نخواهد شد .

لعنهم الله بکفرهم فقلیلا ما یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 6

6 - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئک یلعنهم الله . . . إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 28،29

28 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا

29 - لعنت الهی ، زمینه محرومیت از هدایت و ایمان

لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 6

6 - سنگدلی ، از پیامد های لعن الهی \*

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 15،23،24



15 - لعنت الهی، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفرةً

23 - دشمنی و کینه توزی یهود با یکدیگر از پیامد های گرفتاری آنان به لعنت خدا و دوری از رحمت او

و لعنوا بما قالوا .. و القينا بينهم العداوة و البغضاء إلى يوم القيمة

جمله «و القینا ..» می تواند بیان پیامدی دیگر برای «لعنوا بما قالوا» باشد ; یعنی گرفتاری به لعنت الهی علاوه بر افزایش کفر و طغیان یهودیان، مایه گرفتاری آنان به دشمنی و کینه توزی با یکدیگر نیز گردید.

24 - جوامع گرفتار به لعنت الهی ، همواره در خطر دشمنی و کینه توزی با یکدیگر

و لعنوا بما قالوا .. و القينا بينهم العداوة و البغضاء إلى يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 7

7- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

ص: 462

لعنهم الله فأصمّهم وأعمى أبصرهم

### 83- زمينه لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 23 - 9

9- ابتلاي انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم . . . أولئك الذين لعنهم الله فأصمّهم وأعمى أبص-

هر چند فعل های «أصمّ» و «أعمى» به خداوند نسبت داده شده، اما این مستلزم جبر نیست؛ زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود؛ بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

### 84- لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 88 - 4

4 - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 89 - 12،13

12 - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

13 - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 160 - 6

6 - شمول لعنت الهی بر گنهکاران ، موجب سلب توفیق توبه از آنان نخواهد شد .

أولئك يلعنهم الله .. إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 1

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك لعنه الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 463

3 - نساء - 4 - 46 - 20، 21، 27

20 - گرفتاری برخی از یهود به لعنت خداوند

و لكن لعنهم الله بكفرهم

21 - کفر یهود، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

27 - گروهی اندک از یهود کافر نشدند و مورد لعنت الهی قرار نگرفتند .

و لكن لعنهم الله بكفرهم .. الا قليلا

بنابر اینکه «قلیل» استثناء از مفعول در «لعنهم الله» باشد. نصب «قلیلا» این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 15، 16، 18

15 - هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

يا ايها الذين اتوا الكتب .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبِّت

16 - گرفتاری اصحاب سبیت به لعنت الهی

كما لعنا اصحاب السَّبِّت

18 - لعنت الهی، گوناگون و دارای نمود های متفاوت

لعنهم الله .. فلا يؤمنون ... او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبِّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 1، 2، 3، 4، 5، 6، 9، 10

1 - اهل کتاب ( علمای یهود ) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

2 - ایمان به جبت و طاغوت ( کفر و شرک ) موجب لعن خداوند

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

3- کسانی که حقانیت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين .. يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سييلا . اولئك الذين لعنه

4- همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

يقولون .. هؤلاء اهدى من الذين امنوا سييلا . اولئك الذين لعنهم الله

5- لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

6- مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

9- کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله «فلن تجد ..» ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

10- کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه «لن»، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می‌رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 93 - 1

1 - خلود در جهنم، غضب و لعنت الهی، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها و غضب الله عليه و لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 118 - 1

1 - شیطان، مورد لعنت خداوند و به دور از رحمت او

لعنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 9,10

9 - یهود، مورد نفرین و غضب خداوند به سبب پیمان شکنی، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران

فبما نقضهم ميثقهم... و قتلهم الأنبياء

برداشت فوق بر این اساس است که «بما نقضهم...» به قرینه آیات مشابه، متعلق به فعلی محذوف همانند «لعناهم» باشد.

10 - غرور علمی یهود در برابر دعوت انبیا، موجب گرفتاری آنان به لعنت خداوند

و قولهم قلوبنا غلف

کلمه «قولهم» عطف بر «نقضهم» است، بنابراین متعلق به فعل محذوف «لعناهم» است. یعنی «بقولهم... لعناهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 7,8

7 - کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که «بکفرهم» عطف بر «بنقضهم» در آیه قبل باشد. بر این مبنا «بکفرهم» متعلق به فعل محذوف «لعناهم» خواهد بود.

8- اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 13 - 4,5

4- گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

5- لعن الهی ( دوری از رحمت خداوند ) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

ص: 465

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین

جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

7 - یهود ، مردمی به دور از رحمت خداوند و مورد لعنت او

و لعنوا

«لعنت» به معنای دوری از رحمت است.

14 - تأثیر منفی قرآن در یهودیان - افزون بر کفر و طغیان آنان - ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی



و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفوفاً

واقع شدن جمله «و ليزیدن ..» پس از بيان پندار باطل يهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 9

9 - روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. تری کثیراً منهم يتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 466

7 - ندا دهنده ای در قیامت مأمور اعلام گرفتاری ظالمان به لعنت خداوند است .

فاذن مؤذن بینهم أن لعنه الله على الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 10

10 - منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . . . و الکفار . . . لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 3

3- لعنت الهی و دور شدن از رحمت او ، عطایی شوم و سزایی ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

کلمه «الرفد» (عطیه و بخشش) فاعل برای «بئس» است و «ال» در آن «ال» جنسیه می باشد و «المرفود» (عطیه و بخشش) مخصوص به ذم است و «ال» در آن عهد ذکری بوده و اشاره به لعنت و دوری از رحمت خداست. بنابراین «بئس الرفد المرفود»؛ یعنی، آن عطیه (گرفتاری به لعنت خدا) بد عطیه و بخششی است.

### 85- مشمولان لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 1

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن علیک اللعنه إلى یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 41 - 6

6 - ستم کاران ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً للقوم الظلمين

نصب «بُعداً» به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف می باشد؛ یعنی، «بعدوا بُعداً». گفتمنی است که «بُعداً» از جمله مصدرهایی است که همواره به جای فعل می آید؛ یعنی، دور باد [از رحمت خدا] گروه ستم کاران!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 9

9 - جوامع کفرییشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعداً لقوم لایؤمنون

کلمه «بُعداً» منصوب است به عنوان مفعول مطلق برای فعل محذوف؛ یعنی، «بعدوا بُعداً». گفتمنی است که «بُعداً» از

ص: 467

مصادرهایی است که همواره بجای فعل می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 3

3 - مردانی که با سوگند دروغین ، همسرانشان را متهم به زنا کنند ، مستحق لعنت خدایند .

والخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 1

1 - لعنت خدا و دوری از رحمت حق ، تنها دست آورد فرعون و سپاهیانش از زندگی دنیوی

و أتبعهم في هذه الدنيا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 6، 5، 4، 1

1 - آزاردهندگان و اذیت کنندگان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مشمول لعن خدا در دنیا و آخرتند .

إنّ الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا و الآخره

4 - کسانی که وارد منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لا مستنسين لحديث إنّ ذلكم كان يؤذی النبیّ . . . إنّ الذين يؤذون ... ورسوله لعن

5 - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، مورد لعن خدایند .

و لا تطع الكفرین و المنفقین و دَعْ اذیهم . . . إنّ الذين يؤذون ... ورسوله لعنهم

6 - مذاکره کنندگان بی پرده و رو در رو با همسران پیامبر - که موجب آزار دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است - مشمول لعن خداوندند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب . . . و ما كان لكم أن تؤذوا رسول اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 64 - 1

1 - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ

«ال» در «الکافرین» می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 4 - 1

1- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض .. فهل عسيتم إن توليتم ... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه «أولئك»، کسانی باشند که «تولیتم» خطاب به آنان است و «تولّی» به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

ص: 468

4- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض . . أولئک الذین لعنهم الله

برداشت بالا بنابراین نکته است که «أولئک» اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب «إن تولّیتم أن تفسدوا. .» قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 11

11 - منافقان و مشرکان ، مورد خشم و نفرین الهی و به دور از رحمت او

و غضب الله علیهم و لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 11 - 3

3 - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقاً لأصحاب السعیر

«سحق» به معنای «بُعد» است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 19 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت «قتل»، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 20 - 1

1 - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

## ثمّ قتل كيف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و «ثمّ» برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 8

8 - «عن أمير المؤمنين (ع) . . . «قتل الإنسان ما أكفره» أي لعن الإنسان؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که در معنای «قتل الإنسان ما أكفره» فرمود: یعنی لعنت بر این انسان [چقدر ناسپاس است]».

ص: 469

## 86- مظاهر لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 6

6 - عذاب اخروی ، جلوه ای از لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جمله «لایخفف عنهم العذاب» پس از «خالدین فیها» بیانگر آن است که: اثر لعنت الهی در قیامت، عذاب دوزخ است.

## 87- موجبات لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 4

4 - ادعای کشتن حضرت مسیح (ع) - علی رغم اعتراف به پیامبری وی - مایه گرفتاری یهود به لعنت و غضب خداوند

وقولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بدان احتمال که «قولهم» عطف بر «نقضهم» در آیه 155 باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 9

9 - ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

وقالت اليهود یدالله مغلوله .. و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 12

12 - نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق «ذلک» علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 79 - 5

5 - ترک نهی از منکر و بی اعتنایی به رواج فساد در جامعه موجب گرفتار شدن به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا ... ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 3

3 - انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ

ص: 470

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 2

2- نپذیرفتن رسالت پیامبران ، مایه گرفتار شدن به لعنت خدا و دوری از رحمت او در دنیا و آخرت است .

و لقد أرسلنا موسى . . . و أتبعوا في هذه لعنه و يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 6

6 - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا ( محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او )

والخمسه أن لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 2

2 - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم في هذه الدنيا لعنه

### 88- نجات از لعن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 160 - 1

1 - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئك يلعنهم الله . . . إلا الذين تابوا

لعن شدگان

### 89- {لعن شدگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 88 - 1,2

1 - لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر مرتدان

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب

2 - لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب

بنابراینکه «قوماً کفروا» شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 28

ص: 471

28 - گرفتاری یهود به لعنت الهی ، موجب دوری آنان از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام

لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 4

4 - گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسية

### 90- ایمان لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 26

26 - امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لكن لعنهم الله بکفرهم فلا يؤمنون الا قليلا

بنابر اینکه «قلیلا» استثناء از فاعل «یؤمنون» باشد، مفهوم جمله «لعنهم الله» چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

### 91- بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 9، 10، 5

5 - لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

9 - کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله «فلن تجد له نصیراً ..» ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

10 - کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی، از سنت های خداوند

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه «لن»، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

## 92- لعن شدگان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 87 - 1,6

ص: 472

1 - بازگشت به کفر ( ارتداد ) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّٰه و الملائکه و النّٰا

6 - کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّٰاس اجمعین

### 93- لعن شدگان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 87 - 1,6

1 - بازگشت به کفر ( ارتداد ) با وجود دلایل روشن ، موجب گرفتاری به طرد و نفرین خدا و فرشتگان و مردم

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّٰه و الملائکه و النّٰا

6 - کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّٰاس اجمعین

### 94- محرومیت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 6

6 - مشمولان لعن خداوند ، محروم از مدد های او

و من یلعن اللّٰه فلن تجد له نصیراً

### 95- هدایت لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 26

26 - امکان ایمان و هدایت ، حتی برای گرفتاران به لعنت الهی

و لکن لعنهم اللّٰه بکفرهم فلا یؤمنون الاّ قليلاً

بنابر اینکه «قلیلا» استثناء از فاعل «یؤمنون» باشد، مفهوم جمله «لعنهم الله» چنین می شود که عده قلیلی از لعنت شدگان موفق به ایمان خواهند شد.

ص: 473

## 17- لغزش

### 1- لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 196 - 4

4- رهبران الهی، حتی پیامبران، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغزّیک تقلّب الذین کفروا فی البلاد

### 2- آثار لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 5 - 7

7- خطاها و لغزشها، زمینه ابتلای مؤمنان به رنجها و سلطه کافران است. \*

ربّنا لاتجعلنا فتنه .. و اغفر لنا

ارتباط «واغفر لنا» با «لاتجعلنا فتنه..»، ممکن است از این جهت باشد که یکی از عوامل «فتنه» (مفتون و معدّب شدن) گناهان است. از این رو در تکمیل دعای «لاتجعلنا...»، طلب آمرزش شده است.

### 3- آثار لغزش در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 26 - 6

6- لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد، موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد.

و یوم حنین .. ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّٰه سکینته ... و أنزل جنوداً لم ترها

### 4- آثار لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 26 - 6





6- لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد، موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد.

و یوم حنین... ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل الله سکینته... و أنزل جنوداً لم تروها

### 5- آموزش لغزش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 15

15- راه یافتن تقوای پیشگان به بهشت، پس از غفران لغزش های دنیوی آنان از سوی پروردگار

الجنة التي وعد المتقون فيها... و مغفرة من ربهم

با توجه به این که در بهشت، زمینه لغزش و گناه نیست؛ تعبیر «مغفرة» نظر به خطاهای دنیوی دارد که به هر حال - حتی همه اهل تقوا - از آن مصون نیستند.

### 6- اجتناب از لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 30

30 - قلب آدمی، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن، جلوگیری کرد.

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

### 7- خطر لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 10

10 - همه انسان ها در معرض گناهو لغزش اند.

و استغفر لذنبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 18 - 3

3- انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم یستغفرون

### 8- زمینه لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 475

3 - نساء - 4 - 3

3- ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 1 - 9

9- انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال لله و الرسول فاتقوا الله

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 69 - 6

6- وجود زمینه های لغزش و گناه در بهره‌وری از غنایم

فلکوا .. و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 34 - 5

5- فراوانی مال و فرزند ، زمینه لغزش و غرور انسان است .

لأحدهما جنتین .. فقال لصحبه و هو یحاوره أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 3

3- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین - علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان - نشانگر اهمیت و حساسیت

این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 13

13- همه انسان ها ، حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 8

8 - لزوم پرهیز از زمینه های لغزش و ابتلا به گناه

اجتنبوا كثيراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

در آیه شریفه برای این که خداوند مؤمنان را از بسیاری از گمان ها پرهیز دهد، به آنان یادآور شده که این مسیر، اصولاً امن

ص: 476

نیست و در مواردی به گناه منتهی می شود. مفهوم این استدلال، این است که هر راهی که ناامن و در معرض گناه قرار دارد، باید از آن پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 32 - 4

4- انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرونهادن مسؤولیت ها \*

لکلّ أوّاب حفیظ

واژه «اوّاب» در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 2

2- وابستگی و دلبستگی به اموال و اولاد ، زمینه ساز لغزش انسان ها و ممانعت از دین داری است .

إنّما أموالکم و أولدکم فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 14

14- قدرت اقتصادی ، دارای نقشی فزون تر از قدرت سیاسی در لغزیدن انسان به ورطه سقوط و بی دینی \*

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

تقدیم ذکری «ماله» بر «ولده»، ممکن است اشاره به برداشت یاد شده باشد.

## 9- زمینه لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 10

10- اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود - بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی - مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

كذلك يوحى . . . ويستغفرون لمن فى الأرض

## 10- زمينه لغزش اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 12

12- سلطه اولیای مقتول بر قاتل ، زمينه لغزش و زیاده روی آنان در اعمال سلطه خویش

جعلنا لولیة سلطناً فلا یسرف فى القتل

نهی الهی، نوعی هشدار است و هشدار، نشانگر وجود لغزشگاه می باشد و «فاء» در «فلایسرف» - که برای نتیجه است - نیز تأیید دیگری است بر مطلب فوق.

ص: 477

## 11- زمینه لغزش در ارزیابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 8

8 - تصوّر ، شیفتگی نسبت به ترسیم و تحلیل های ذهنی خود ، زمینه لغزش در محاسبات

بل ظننتم ... و زین ذلک فی قلوبکم

## 12- زمینه لغزش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 8

8 - رهبران جامعه اسلامی ، در خطر به سازش کشیده شدن و سستی در برابر فشار ها و تهدید های سخت دشمنان

و استقم كما أمرت و لا تتبع أهواءهم

## 13- زمینه لغزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 10

10- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ ... ربکم أعلم ... إن تكونوا صلحین فإنه کان للأویین غفو

## 14- زمینه لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 33 - 11

11- مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند تذکّر و هشدار مکرّر

یا ایها الذین ءامنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و لا تبطلوا أعمالکم

از تکرار «أطیعوا» و نهی «لا تبطلوا» در مورد مؤمنان، مطلب بالا استفاده می شود.



11 - امکان گرفتار آمدن مؤمنان به لغزش و خطا ; حتی با داشتن مراتب بالای ایمانی \*

لِزَادُوا إِيمَانًا... لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ... وَيَكْفُرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

بنابراین که مراد از «سینات»، صرفاً گناهان و لغزش های قبل از ایمان نباشد؛ بلکه مطلق لغزش های قبل از ایمان و بعد از آن را دربرگیرد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 2

2- اهل ایمان، در معرض خطر ایجاد ارتباط دوستانه با دشمنان خدا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ

نهی معمولاً در جایی صورت می گیرد که زمینه ابتلا و ارتکاب به عملی وجود دارد؛ به ویژه که شأن نزول خبر از چنین مشکلی می دهد.

### 15- زمینه نگرانی از لغزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 16

16- احاطه علم الهی بر احوال آدمی، مقتضی نگرانی انسان از لغزش های خود و روی آوردی به استغفار

و استغفر . . . و الله يعلم متقلبکم و متویکم

از ارتباط دو بخش آیه («استغفر» و «و الله يعلم. . .») مطلب بالا استفاده می شود.

### 16- عفو از لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 45 - 15

15 - ضرورت پرهیز از خرده گیری بر انسان های باگذشت

فمن تصدق به فهو كفاره له

خداوند به صاحبان حق قصاص در صورت گذشت آنان از حق خود، وعده آمرزش داده است و این درسی است به بندگان که از لغزش انسانهای باگذشت چشمپوشی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 4

4- گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

### **17- عوامل لغزش**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 479

21 - لزوم استعاده به خدا و یاری جستن از او برای دور ماندن از کردار های جاهلانه و لغزش های برخاسته از جهل

قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

22 - جهل و نادانی خطر آفرین و منشأی برای لغزشهاست .

أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

پناه بردن، که معنای عیاذ (مصدر أعوذ) است، به هنگامی است که آدمی از شر چیزی در هراس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 8

8 - تعدد زوجات ، لغزشگاهی برای انحراف از عدالت

فانكحوا .. مثنی و ثلث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 20

20 - هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم .. و لاتتبع اهواءهم عما جاءک من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 18

18 - مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 7، 10

7 - زندگانی دنیا فریبنده و لغزشگاهی پر مخاطره است.

10 - لزوم هشیاری در برابر فریبندگی زندگانی دنیا و لغزشگاههای پر جاذبه آن

هدف از بیان این جمله (و غرتهم ..)، که به عنوان عامل انحراف ذکر گردیده، هشدار به عموم مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 116 - 5، 7

5 - کمی رهپویان راه خدا نباید موجب تزلزل رهپویان در برابر اکثریت مردم گمراه گردد.

وإن تطع أكثر من فی الأرض یضلوك

7 - گرایش به همسویی و همشکل شدن با توده های مردم در عقاید و افکار، لغزشگاهی خطرناک برای رهروان حق است.

وإن تطع أكثر من فی الأرض یضلوك

نهی از پیروی از اکثریت، بیانگر جاذبه عظیم عقاید اکثریت و خطر لغزش به سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 31

31 - رویارویی مستقیم زنان و مردان نامحرم، لغزش آفرین است و باید از آن اجتناب کرد.

فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

### 18- عوامل لغزش رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 49 - 7

7 - هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

وإن احکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم

### 19- عوامل لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 49 - 7

7 - هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

وإن احکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم

### 20- فراموشی لغزش های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 15

15 - امتنان الهی بر مؤمنان بهستی، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان \*

و یكفر عنهم سیئاتهم

با توجه به این که مسأله تکفیر سیئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شده است - در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است - احتمال می رود که مراد از تکفیر در این جا، بخشش گناهان نباشد؛ بلکه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد؛ به گونه ای که بهشتیان دیگر از آن پس، با به یاد آوردن لغزش های گذشته شرمند و مکدر نشوند.

## 21- کيفر لغزش رهبران دينی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 75 - 3

ص: 481

3- کمترین لغزش رهبران الهی از مواضع تعیین شده به وسیله وحی ، دارای کیفی دو چندان در دنیا و آخرت

ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إذا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

## 22- لغزش آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1,5

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیة ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشیطن عنها

«ازلال» (مصدر ازلّ) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

5 - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

وقلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . . . فأزلهما الشیطن عنها

عطف جمله «أزلهما . . .» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 2

2 - خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

## 23- لغزش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 23

23 - آدمی بر سر دوراهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون الله



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 4 - 4

4 - انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند \*

أولئك هم المؤمنون حقا لهم .. مغفره و رزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 33 - 18

ص: 482

18 - هشدار خداوند به قرار داشتن انسان در معرض عوامل متعدد انحراف آفرین

فَلَا تَغْرِبْكُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرِبْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

## 24- لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 48

48- همه انسان ها حتی مؤمنان ، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت الهی

وعد الله الذين .. مغفره

این که خداوند، به مؤمنان دارای عمل صالح نوید مغفرت داده است؛ در حقیقت می نمایاند که بعضی از لغزش ها، برای همگان متوقع است و در صورت حفظ ایمان و عمل صالح، قابل جبران و بخشش است.

## 25- لغزش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 70 - 16

16 - هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : ( نقض پیمان های الهی ، هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا )

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَا تَهْوَىٰ اٰنْفُسَهُمْ فَرِيْقًا كٰذِبًا وَّ فَرِيْقًا يَّقْتُلُوْنَ

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذين ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

## 26- لغزش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1,5

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیة ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰنُ عَنْهَا

«ازلال» (مصدر ازَلّ) به معنای: لغزائیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حو را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حو را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال است.

5- فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حو در بهشت با لغزش آنان، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود.

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه .. فأزّلّهما الشیطن عنهما

ص: 483

عطف جمله «أزلهما . . .» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 2

2 - خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

### 27- لغزش در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 15

15 - خداوند به انسان ها درباره لغزش در عقیده و رفتار ناصحیح با والدین ، هشدار می دهد .

وإن جهداك على أن تشرك بي . . . فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفاً واتبع سب

### 28- لغزش در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 70 - 16

16 - هشدار خداوند به مسلمانان در مورد خطر گرفتاری آنان به لغزشهایی همانند لغزش های بنی اسرائیل : ( نقض پیمان های الهی ،

هواپرستی ، تکذیب و قتل انبیا )

إنّ الذين ءامنوا . . . لا تهوى انفسهم فريقاً كذبوا و فريقاً يقتلون

از اهداف این بخش از آیات با توجه به ذکر مسلمانان در ابتداء کلام (ان الذين ءامنوا) و آنگاه بیان سرگذشت شوم بنی اسرائیل، این است که

مسلمانان را از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی پرهیز دهد و به آنان گوشزد کند که آنان نیز در خطر آلودگی به چنین اعمال ناروایی هستند.

### 29- لغزش در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 20 - 3

3 - مؤمنان در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول و نیازمند هشدار

يأيها الذين ءامنوا .. ولا تولوا عنه

ص: 484

### 30- لغزش زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 25

25 - احتمال بیشتر لغزش و فراموشی زنان نسبت به مردان

ان تضلّ احديهما فتذکر احديهما الاخرى

جمله «ان تضلّ» در مقام تعلیل برای جایگزینی دوزن به جای یک مرد است.

### 31- لغزش قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 20

20 - هواهای نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی بس خطرناک برای حاکم و قاضی

فاحکم... و لاتتبع اهواءهم عما جاءک من الحق

### 32- لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 30

30 - قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

### 33- لغزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 55 - 9

9- محرومان از هدایت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدی و يستغفروا ربّهم

این که می فرماید: «چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟»، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

### 34- لغزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 22 - 1

ص: 485

1 - کفر و بی ایمانی، راهی است لغزنده، پریچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن یمشی مکباً علی وجهه أهدی

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت «مکباً علی وجهه» (پی در پی به رو افتاده)، اشاره به لغزنده بودن راه کفر است و به قرینه «سویاً» فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه «صراط مستقیم»، استفاده می شود که راه کفر، پریچ و خم و ناهموار است.

### 35- لغزش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 135 - 2

2 - امکان لغزش تقواییان و ارتکاب گناه از سوی آنان

اعدت للمتقين .. و الذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم

### 36- لغزش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 7

7 - انسان ها، حتی محسنان، در معرض ارتکاب لغزش ها و خطاهایند.

ویجزی الذین أحسنوا .. الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش إلاّ اللّمم

### 37- لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 4 - 4

4 - انسان ها، حتی مؤمنان حقیقی، در معرض لغزش و نیازمند مغفرت خداوند \*

أولئک هم المؤمنون حقاً لهم .. مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 10، 9



9 - خداوند ، بخشنده گناهان و لغزش های مؤمنان حقیقی و راستین

لهم مغفره و رزق کریم

10 - همه انسان ها ، حتی مؤمنان حقیقی ، از خطا و گناه مصون نیستند و نیازمند مغفرت الهی هستند .

أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 486

4 - مؤمنان ، از لغزش و گناه ، مصون نیستند .

و الذین ءامنوا .. لنکفرنّ عنهم سیئاتهم

«سیئات» مطرح شده در آیه، می تواند مربوط به قبل از ایمان و می تواند مربوط به بعد از ایمان باشد. نکته بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 4 - 6

6 - انسان های مؤمن نیز در معرض لغزش و نیازمند آمرزش اند . \*

الذین ءامنوا .. أولئک لهم مغفره

این که خداوند فرموده است: برای مؤمنان قطعاً مغفرتی وجود دارد، به ملازمه دلالت بر وجود لغزش می کند و اگر نه آمرزیدن معنا نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 12

12 - لغزش های مؤمنان ، مانع ورود آنان به بهشت نخواهد بود .

و یکفر عنهم سیئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 3

3 - هشدار خداوند به مؤمنان ، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دلبستگی و وابستگی به مال و فرزند

إنّما أموالکم و أولدکم فتنه

### 38- لغزش همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 32

32 - همسران پیامبر مانند سایر زنان ، در معرض لغزش بودند .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

### 39- موانع لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 77 - 6

6 - باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطاها و لغزشها

أولایعلمون أن الله یعلم ما یسرون و ما یعلنون

ص: 487

جمله «أتحدثونهم .. ليحاجوكم» در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها - چه در خفا و چه آشکار - از لغزشها باز ایستند.

#### 40- موانع لغزش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 10 - 5

5- رحمت، فضل، توبه پذیری و حکمت خداوند، جلوگیری مؤمنان از سقوط بر اثر لغزشها و نادانی هایشان

و لولا فضل الله عليكم و رحمته و ان الله تواب حكيم

جواب «لولا» محذوف است و آنچه می تواند محذوف باشد - به قرینه آیات پیشین و نیز آیه 21 همان مضمونی است که در برداشت یاد شده آمده است.

#### 41- مؤمنان و لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 27 - 6

6- مؤمنان بدون عنایت خداوند در معرض لغزشند .

يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

از اینکه خداوند فرمود: مؤمنان را با سخن استوار ثابت قدم می داریم و تثبیت را به خود نسبت داده است، استفاده می شود که مؤمنان نیازمند به تثبیت هستند و بی عنایت خداوند در معرض لغزش و تزلزل خواهند بود.

لغزشگاهها

#### 42- اهمیت شناخت لغزشگاهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 36

36- لزوم آگاه ساختن مسؤلیت پذیران از خطرات و لغزش گاه های منصب ها و موقعیت های اجتماعی آنان

وليتأطف ولايشعرن بكم أحدًا

ص: 488

### 1- آثار اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 1

1 - دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

«الذین» در آیه فوق عطف بر «الذین» در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای «المؤمنون» می باشد. «لغو» به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. «ال» در «اللغو»، «ال» جنس و مفید استغراق است. بنابراین «اللغو» شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

### 2- آثار اعراض از عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 1

1 - دستیابی به سعادت اخروی ، مشروط به روی گردانی از کار های بیهوده و سخنان بی فایده است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

«الذین» در آیه فوق عطف بر «الذین» در آیه پیش و در معنای نعت دیگری برای «المؤمنون» می باشد. «لغو» به سخن و کار بیهوده و عبث گفته می شود. «ال» در «اللغو»، «ال» جنس و مفید استغراق است. بنابراین «اللغو» شامل هر سخن بیهوده و هر کار عبث و بی فایده می شود.

### 3- آثار اعراض از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 10 - 3

3 - خشوع در نماز ، اجتناب از لغو ( گفتار بیهوده و کردار عبث ) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أولئک هم الورثون



#### 4- آثار روانی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 3

3 - تأثیر سوء بیهوده گویی و نسبت های ناروا دادن ، در سلامت روحی و روانی جامعه

لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً

#### 5- آثار سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 4

4 - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

#### 6- آثار عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 4

4 - آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

#### 7- اجتناب از استماع سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 4

4 - پرهیز از گوش دادن به سخنان یاوه و دروغین ، حالتی پسندیده است .

لا یسمعون فیها لغواً

#### 8- اجتناب از سخن لغو



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 14

ص: 490

14 - همسران پیامبر ، به بر زبان جاری ساختن سخنانی در خور شأن شان و به دور از هرگونه خواسته و یا سخن بیهوده ، موظف بودند .

و قَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

احتمال دارد که مراد از «قول معروف» به قرینه «إِنْ كُنْتُمْ تَرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» خواسته ها و سخنانی باشد که در شأن همسری پیامبر نبوده و پرهیز از سخن گفتن باطل و پوچ باشد.

### 9- اجتناب از سوگند لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 25

25- رزق های خدادادی ، جواز بهره جویی از آنها و گذشت از سوگند های لغو ، نعمتی الهی و بایسته سپاسگزاری

و كلوا مما رزقكم الله حللا طيباً . . . كذلك بين الله لكم آيته لعلكم تشكرون

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد توجه از جمله «كذلك بين الله لكم آيته» مسایلی است که در آن آیات بیان شد از جمله خدادادی بودن روزیها و . . .

### 10- اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 3

3 - اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذين هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 10، 6، 5

5 - بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

6 - گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

10 - « عن أبي عبد الله (ع) : . . . وفرض على السمع أن يتنزه عن الإستماع إلى ما حرم الله . . . فقال في ذلك : . . . وإذا مرّوا باللغو مرّوا كراماً . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. [خداوند] بر گوش فرض نموده که از شنیدن آنچه حرام گردیده، پرهیز کند... پس در این باره فرموده است: ... «وإذا مرّوا باللغو مرّوا كراماً...».

ص: 491

## 11- اعراض از عمل لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 3

3- اعراض و روی گردانی از لغو (بی فایده گویی و بیهوده کاری) ، توصیه خداوند به اهل ایمان

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 8

8- گذر از گفتار و کردار لغو و بیهوده و پرهیز از حضور در این گونه مجالس ، نشان کرامت و بزرگواری انسان است .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

## 12- اعراض از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 11 - 4

4- پرهیز از گفتن و شنیدن سخنان نسنجیده ، بی ثمر و زشت ، کاری پسندیده و مطلوب است .

لا تسمع فیها لغیه

پیراسته خواندن بهشتیان از شنیدن گفتار «لغو»، بیانگر ناروا بودن آن است.

## 13- اهمیت اجتناب از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 3

3- لزوم پرهیز از گفتن سخن های یاوه و زشت

لا یسمعون فیها لغوًا

توصیف بهشتیان به خصلت های نیک، ترغیب به کسب آن صفات در دنیا است.

## 14- اهمیت اجتناب از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 55 - 5

5 - رعایت ادب در سخن گفتن و پرهیز از بیهوده گویی ، امری ستوده و مورد توصیه خداوند

وإذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

ص: 492

## 15- اهمیت اعراض از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 2

2- پرهیز از هرگونه سخن لغو و بیهوده، لازم است.

لا یسمعون فیها لغواً

اوصاف بهشتیان علاوه بر جنبه توصیفی، می تواند حاوی توصیه ها و نکته هایی؛ از جمله زشتی سخن بیهوده و کار لغو و ضرورت پرهیز از آن باشد.

## 16- بهشتیان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 1

1- در بهشت عدن، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد.

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ... لا یسمعون فیها لغواً

«لغو»؛ یعنی، کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث - به قرینه «استماع» - مراد از «لغو» کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 35 - 5,6,7

5- گفتار بهشتیان با یکدیگر، عاری از هرگونه سخن زشت و بیهوده است.

لا یسمعون فیها لغواً

6- بهشتیان، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند.

و لا کذاباً

«کذاباً» یا به معنای «کذباً» (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد «و لا کذاباً» این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود؛ زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

7 - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و كَأَسَا دِهَاقًا . لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

### 17- بهشتیان و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 11 - 3، 2، 1

1 - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

ص: 493

## لاتسمع فیها لغیه

«کلام لغو»؛ یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه «لاغیه»؛ یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که «لاغیه» اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد؛ یعنی، سخنی که حتی اندکی از «لغو» را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

2- اهل بهشت، هیچ گونه سخن لغو و بیهوده ای در آن جا نمی گویند.

فی جنّه . . . لاتسمع فیها لغیه

شنیده نشدن «لغو»، نشانه نبودن آن است.

3- نشنیدن سخن لغو و بیهوده، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . . . لاتسمع فیها لغیه

## 18- دعا با لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 5

5- آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

## 19- روش برخورد با سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 6، 5

5- بندگان خالص خدا، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند.

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

6- گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

## 20- زشتی لغو



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 4

4 - زشتی و ناروایی بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا به دیگران

لا يسمعون فيها لغواً ولا تأثيماً

ص: 494

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 224 - 4

4 - سوگند بر ترک کار های خیر ، تعهد آور نیست .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 225 - 1,2,5,8

1 - خداوند کسی را به خاطر سوگند بیهوده اش مؤاخذه نمی کند .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن

مراد از سوگند لغو، سوگندهایی است که معمولاً به خاطر عادت بر زبان جاری می شود؛ بدون اینکه یادکننده سوگند، نسبت به آن قصد قلبی داشته باشد. این معنا از مقابله «باللغو» با «بما کسبت قلوبکم» به دست می آید.

2 - سوگند های لغو و بیهوده ، تعهد آور نیست .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم

5 - ناپسندی سوگند های بیهوده و لغو \*

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم . . . و الله غفور حلیم

از آیه مزبور استفاده می شود که یادکننده سوگندهای بیهوده، استحقاق مؤاخذه را دارد؛ ولی خداوند تفضلاً او را مؤاخذه نمی کند. این برداشت، مخصوصاً با تکیه بر صفت «غفور» که در پایان آیه آمده است، استفاده می شود.

8 - عدم مؤاخذه بر سوگند های لغو ، جلوه ای از مغفرت و حلم پروردگار

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم . . . و الله غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به «لا یؤاخذ» است؛ نه «یؤاخذکم». چون مغفرت با عدم مؤاخذه مناسب است؛ نه با مؤاخذه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگندهایی که بی هدف و لغو بر زبان جاری می شوند مؤاخذه ای را از سوی خداوند به همراه ندارند .

لايؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

«ایمان» جمع یمین (قسم) و «فی ایمانکم» متعلق به «لغو» می باشد و سوگند لغو به سوگندهایی گفته می شود که از روی عادت و بدون توجه به محتوای قسم بر زبان جاری می شود.

2 - تفضل الهی بر اهل ایمان با برداشتن مؤاخذه و بازخواست از سوگندهای لغو و بی هدف .

لايؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

لحن امتنانی جمله «لایؤاخذکم» می رساند که عدم مؤاخذه نسبت به سوگندهای لغو و بی هدف، برخاسته از تفضل و لطف خدا به مؤمنان است.

27 - سوگند بی هدف و غیر جدی به نام خداوند ، مؤاخذه الهی را در پی ندارد .

لايؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

امام صادق(ع) در توضیح معنی «لغو» در آیه فوق فرمود: اللغو قول الرجل «لاوالله» و «بلى والله» و لا يعقد على شيء.

کافی، ج 7، ص 443، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 323.

28 - سوگند بر تحریم طبیات و لذایذ بر خویشتن، لغواست و شکستن آن، مؤاخذة الهی را در پی ندارد.

لايؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: «فما بال اقوام يحرمون على انفسهم الطيبات .. فقاموا هولاء فقالوا يا رسول الله فقد حلفنا على ذلك فانزل الله تعالى «لايؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم...».

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 320.

## 22- عبادت با لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 5

5 - آمیختن عبادت و نیایش به اموری لغو و بیهوده، امری ناروا و بس نکوهیده

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

## 23- قرآن و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 14 - 1

1 - ساحت قرآن و آیات معاد، از بذله گوئی و سخنان سست و بی پایه، مبرّا است.

و ما هو بالهزل

«هَزَلٌ» و «هُزَالٌ» از یک ریشه اند و بر ضعف و سستی دلالت دارند. «هَزَلٌ» نقطه مقابل «جِدٌّ» و «هُزَالٌ» نقطه مقابل «فَرِيهِي» است. (مقایس اللغه)

## 24- لغو در اماکن مقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 6

6 - مکان های مقدس و مخصوص عبادت را نباید به سرگرمی ها و اموری لغو و بیهوده آلوده ساخت .

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

## 25- لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 496

1 - در بهشت پیشتازان ( سابقون ) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً

«لغو» به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و «تأثیم» به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در بهشت پیشتازان ( سابقون ) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لا یسمعون فیها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

«قیل» معادل «قول» و موصوف «سلاماً» است؛ یعنی، «لا یسمعون فیها إلا قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم».

## 26- لغو در عبادتگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - مکان های مقدس و مخصوص عبادت را نباید به سرگرمی ها و اموری لغو و بیهوده آلوده ساخت .

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

## 27- لغو در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - بازداشتن مؤمنان از مسجد الحرام و انجام کار های بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجد الحرام ... إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای «کنتم تکفرون» رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ؛ یعنی بازداری از مسجد الحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 107 - 1

1 - شهادت های ناحق بی اعتبار و احکام مبتنی بر آن ملغاست

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا فاخران یقومان مقامهما

عُثِرَ و عُثِرَ - مصدر عُثِرَ - به معنای آگاه شدن و اطلاع یافتن است و «استحقا» باب استفعال از «حق» می باشد. و از جمله معانی باب استفعال، جلوه دادن و قلمداد کردن است. می توان گفت همین معنا از «استحقا» اراده شده است. بنابراین جمله

ص: 497

«فان عشر ...» یعنی اگر معلوم شد که شاهدان گناهی (شهادت ناحقی) را حق جلوه دادند ... .

### 29- مراد از سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 6,7

6 - « عن أمير المؤمنين (ع) : كلّ قول ليس لله فيه ذكر فلغو ... » ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: هر سخنی که در آن یاد و ذکر خدا نباشد، لغو است. «...».

7 - « روی عن أبي عبدالله (ع) انه قال : هو « اللغو » أن يتقول الرجل عليك بالباطل أو يأتيك بما ليس فيك فتعرض عنه لله ، وفي رواية أخرى أنه الغناء و الملاهي ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «لغو» این است که کسی سخن باطلی را به تو ببندد، یا چیزی را که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو برای خدا، از او اعراض کنی. و در روایت دیگری آمده است که «لغو» غنا و لهویات است.

### 30- مراد از لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 6,7

6 - « عن أمير المؤمنين (ع) : كلّ قول ليس لله فيه ذكر فلغو ... » ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: هر سخنی که در آن یاد و ذکر خدا نباشد، لغو است. «...».

7 - « روی عن أبي عبدالله (ع) انه قال : هو « اللغو » أن يتقول الرجل عليك بالباطل أو يأتيك بما ليس فيك فتعرض عنه لله ، وفي رواية أخرى أنه الغناء و الملاهي ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «لغو» این است که کسی سخن باطلی را به تو ببندد، یا چیزی را که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو برای خدا، از او اعراض کنی. و در روایت دیگری آمده است که «لغو» غنا و لهویات است.

### 31- موارد لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 3



3 - کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . . و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «ما كان صلاته--م . . . » عطف بر «و هم یصدون . . . » باشد.

ص: 498

### 32- مؤمنان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 3

3- مؤمنان ، در دنیا از سخنان بیهوده مردم در آزارند .

لايسمعون فيها لغواً

بیان تمام آنچه در بهشت انجام نمی گیرد نه ممکن است و نه مفید؛ ولی طرح بعضی از آن امور، مژده ای است به مؤمنان که آنچه در دنیا شما را آزار می داد، آن جا وجود ندارد.

### 33- ناپسندی لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 26 - 3

3 - بیهوده گویی و دادن نسبت های ناروا ، دو بیماری روحی - روانی برای انسان ها

إلّا قیلاً سلماً سلماً

از تعبیر «سلاماً» استفاده می شود که «لغو» و «تأثیم» - که در آیه پیش آمده - دو گونه از بیماری است.

### 34- نفی سخن لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 1

1 - تقوایشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لايسمعون فيها لغواً

«لغو»؛ یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز «لغو» نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر «فیها» به «مفاذاً» برمی گردد؛ به این اعتبار که مراد از آن «جَنَّة» (بهشت) باشد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

